

✓

نشریه سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

# دیسا

۳  
سال دوم

بنیادگذار دکتر تقی ارانی



# دستیا

در این شماره:

صفحه

- |     |  |
|-----|--|
| ۳   | تبریک  |
| ۴   | حزب توده ایران و جمیع واحد ملی                             |
| ۲۰  | مسئله ارضی و پیوند شبای مبارزه خد استعماری در کشورهای کشید |
| ۳۲  | کنگره پنجم نهاد راسیون سند یکاوش جهانی                     |
| ۴۳  | "باز برسینه د بوارنویسند برآه"                             |
| ۴۴  | یادی از شهید آن حزب ما                                     |
| ۵۳  | لوحة افتخار  |
| ۵۵  | برپال نسیم   |
| ۶۰  | لایحه خرید و فروش اراضی و نتایج آن                         |
| ۶۷  | تصحیح  |
| ۶۸  | ماهیت انقلاب کوا   |
| ۷۴  | اعتراف صریح  |
| ۷۵  | صلح و چنگ د رنزو شاعران ما                                 |
| ۷۷  | نکته ای چند از آن دیش های فلسفی پروردگردی                  |
| ۸۰  | عبد الرحیم طالب تبریزی                                     |
| ۹۲  | پویشها و پاسخها پدر باره کیش شخصیت و کیش شخصیت استا لین    |
| ۹۵  | در باره روابط کشورهای سوسیالیستی                           |
| ۹۸  | مختصات عمومی آماری میهن ما                                 |
| ۱۰۰ | پرخی لغات مهم سیاسی و اقتصادی                              |

ارگان تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران  
هر سه ماه یکبار تحت نظره هیئت تحریریه منتشر میشود.

دوره دوم  
سال دوم  
شماره چهارم  
۱۳۴۰ سال زمستان



## نوروز باستانی خجسته باد

نویسنده کان مجله "دنیا" ارگان تئوڑیک و سیاسی کمیته مرکزی  
حزب توده ایران نوروز ۱۴۰۴ آخر شیدی را بهم هم میهنان  
شاد باش میگویند . بگ ارسال نو سال گسترش بیشتر جبش  
رهائی بخش مردم ، سال پیروزیهای تازه تراین جنبش بسر  
جیش اهریمنی استعمار و ارجاع باشد .

## حزب توده ایران و جبهه واحد ملی

دولت اینینی هیچیک از مسائل در دنک میهن ماراحل نکرد، مشکلات تازه ای هم بر مشکلات پیشین افزوده دولتی که رئیس آن از ملکین بزرگ و سرمهای داران وابسته با امپرالیسم و ازامضا<sup>\*</sup> کنندگان و گردانندگان قرار داد تنگی کتسرسیوم نفت است نمیتواند جز درجه حفظ و ثبیت این رژیم اند امی بعمل آورد. برای آنکه میهن بیمار و ناتوان ماراد رمان کرد و نیرو بخشید پایدار درجه اول علل اساسی بیماری و ناتوانی را یافت و این درست همان چیزی است که دکترا مینی از روی آن میگرد و جای آن علل موهوم و معنای راهی نشاند و مردم را برای رفع آنها به "همکاری" دعوت میکند.

همه کن میدانند که ایران کشوری است کم رشد و هر دوی که واقع خواهد ملت است و میخواهد بسود ملت گام برد اراده باید اقدامات او در جهت بیرون اوردن کشور از اینحالت عقب ماندگی و اند اختن آن در شاهراهه ترقی باشد. اما این هنوز کافی نیست و با بد موجباتی فراهم آورده ایران با سرعت و گامهای بلند در راه پیش برود. زیاد رصویری که سرعت رشد و ترقی کشور ما ازدیگران بیش نباشد کشور مناسب یکشوارهای ترقی پیوسته در حالت عقب ماندگی باقی خواهد ماند و لوانکه کامیابیهاش هم در زمینه های مختلف اقتصادی و اجتماعی تضمیب م شد و باشد.

برای مارزه باعقب ماندگی پیختست باید یه سرچشم برو آن چیز وعده بروند اد امده آن که امده ؟

دکترا مینی باین حقیقت تلاخ که ایران کشوری کم رشد است اعتراض اراده و رسخترانی های متعدد خود باره بادان اشاره کرد و لی درعال عقب ماندگی ایران دچار گمراهی عمیق و در عین حال خنده آوری است (۱) . شاید هم صلحت را در راه بینند که مرد آگاه و بید از میهن ماراد رشناسائی علی عقب ماندگی دچار گمراهی کند و از مارزه آنها با علی ایساسی این عقب ماندگی جلوگیرد. غافل از اینکه امورز کله طبقات و قشرهای میهن پرست کشور مبارجیه روز مرد خویش دیزمانی است به این علی بی برد و اند اند اثی نخست وزیر یا کوشش اور گرمه ساختن مرد قاد رنیست آنها از توجه باعث علی اساسی باید اراده.

نخستین عامل مهم عقب ماندگی کشورهای داخله و غوفد استعمالهای شکال مختلف در زندگی اقتصادی و اجتماعی ماست که انتقال طبیعی اقتصاد ایران را از قید الیس بسرمهای داری متوقف ساخته، تبدیل مناسبات کهنه اقتصادی را بمنابع تولیدی ترقی جلوگرفته و بد پنسان رشد اقتصادی میهن مارتمز کرده است.

امیرالیسم دشمن عدد ۰ میهن ما وعده ای عقب ماندگی ماست . تادست خفه کنندگه اش بسر حلقوم خلق ماست آرزوی استقلال، آزادی و ترقی آرزوی خامی بیش نیست . اگر سد استعمار از سرمه برد اشته شود ایران از جهت شرط و منابع طبیعی خود میتواند بکشوری صنعتی و نیرومند مدل شود . نفت ایران می- تواند یکی از اهرمهای نیرومند ترقی صنعتی و اقتصادی ایران باشد . طی صد سال اخیر امیرالیسم کشورهای اسلامی دارای کلیه شرایط لازم وعدها ضروری برای یک اعلاء<sup>\*</sup> سریع است در در رجات نازل تکامل نگاه داشته است . عامل مهم دیگر عقب ماندگی کشورهای وجود منابع ایرانی - رعیتی در را قتصاد کشورهای ماست . اگرچه انقلاب مشروطه ایران که هم اکنون بیش از زنجیه سال از موقع آن میگرد اندقلاب بحر روانی است ولی این انقلاب بعلل متعددی بهد فهای خود ناکن نیاید و وظائف ناشی از آن وارزمه مهتر وظیفه امما<sup>\*</sup> منابع ای را بسی - رعیتی انجام نگرفت . در دنیا نیکه کشورهای ترقی همه دارای منابع تولیدی سوسیالیستی یا کامپیتانیستی میباشد رکشورهای مبارقا یای جدی منابع کهنه فتحی الی برقرار است و تا هنگامی که این منابع عقیارشنه کن نگردد امکان رشد سریع نیروهای مولده فراهم نمی آید .

در هم شکستن رژیم نیمه قنود الی و مخصوصاً منابع ایرانی - رعیتی برای آزادی نیروهای مولده، تامین آهنج رشد سریع این نیروها و عبارت دیگر برای ازین برد ن عقب ماندگی کشورهای ضروری است . کشورهای

(۱) روزنامه مردم، دوهه پنجم شماره ۲۵ "علل عقب ماندگی ایران از زبان نخست وزیر"

هنگامی که خلاف انقلاب بورژوا - دموکراتیک رانجای ند هد نمیتواند خود را عقب ماندگی جات بخشد بنابراین آزاد شدن نیروهای مولاد کشور مادر رتیجه رشد سریع آنها از طرفی وابسته است به خاتمه دادن نفوذ و مد داخله امپریالیسم رشون مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور ما به رشکلی که باشد و از طرف دیگر بتومنه بازار اخلاقی یعنی تغییر عمیق شرایط زندگی دهستان و افزایش قدرت خرد آنان یا بعبارت دیگر براند اختن مناسبات ارباب - رعیتی \*

طرح برنامه حزب توده ایران بد رستی خاطرشنان میساند که :

"ازمیان مهترین تضاد های جامعه کشوری ایران ۰۰۰ عدد ه ترین آن تضاد است که خلق های ایران را در مقابل امپریالیسم و عمل ان وزیر اربابی - رعیتی قرار میدهد. حل این تضاد عدد د روحله کشوری مضمون اساسی انقلاب ایران یعنی

\* انقلاب دموکراتیک نیز راشنکل میدهد ."

برای حل این تضاد عدد یعنی تضاد خلق های ایران باد شعنان خود، لبۀ تیز مارزه باید ضرورتا متوجه امپریالیسم و عمل د اخلاقی ای باشد. بعبارت دیگر نیروهای انتقامی کشور ما باید بروزی وظیفه مارزه با امپریالیسم و تجمع هرچه وسیعتر نیروها و عنصر ضد امپریالیستی بیشتر تکیه کنند. تکیه بروزی مارزه با بقا یا فعد ایسم وکم بهادران بمارزه علیه امپریالیسم، در پریده که اراده نیافراوش کردن این مارزه آنطور که دارد ستۀ خلیل ملکی میخواهند تلخیان کنند مهین مارا از اتفاق د رشاهراء ترقی و تکامل سریع جلوخواهد گرفت. در حل تضاد عدد ۲ جامعه مکله نیروهای میهن پرسست و د موکراتیک ایران یعنی کارگران، دهستان، خرد بورژوازی شهری، روشنگران ملی د پیغام و د علاوه اند، باید در بارزه با امپریالیسم و مقاومت فیود ایسم ساعی خود را در هم آیندند، حکومت ارتقای و خود ملی ایران را سرنگون ساخته همچای این یک حکومت ملی و د موکراتیک که حافظ منافع کلیه نیروهای میهن پرس است باشد بنشانند. تجمع این نیروهاد ریل جبهه واحد ضد امپریالیستی و ضد ارتقای شرط ضروری حل کامل و قطعی تضاد عدد ۳ جامعه ماست. هیچیک از طبقات بنته ای از عده ه این وظیفه نمیتواند برايد بپریزه ادعای اینکه جبهه ملی، مهین خواسته ای بورژوازی ملی ایران، میتواند بد ون شرکت طبقات دیگر و منجمله طبقه کارگر و حزب ای، انقلاب ایران را نجام دهد و بس انجام م رساند ادعای بچ و باطل است ."

طرح برنامه حزب توده ایران بد رستی حکومتهای ارتقای کشوری ایران را که از ملاکان بزرگ و سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم تشکیل میشود ظهراً قاعی تحمل امپریالیسم و زیر اربابی - رعیتی میداند و میگویند که :

"وظیفه اساسی انقلاب د روحله کشوری عبارت است از انتقال قدرت حاکمه از دست ملاکان بزرگ و سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم بدست نیروهای متحد استقلال طلب، میهن پرسیت و از ازد خواهه " میز

انتقال قدرت از دست طبقات حاکمه کشوری بدست طبقات نیروهای ملی و اجرای سریع و موقفت ای وظایف ناشی از انقلاب تنهاد رسانیه ایجاد یک جبهه واحد از طبقات و نیروهای ملی و مارزه مشترک انتها امکان پذیر است. بیهوده تیست که حزب توده ایران تشکیل چنین جبهه ای را وجهه همت خود قرار داده و در راه آن از هیچ کوششی فرو نمیگذرد ."

تشکیل جبهه واحد ملی د رکشورهای عقب ماند و منجمله کشور ما یک پدیده اتفاقی نیست بلکه نتیجه عمل قوانین تکامل اجتماع د راین کشورها است ."

قدرت اساسی اتحاد طبقه کارگریاد هقانان از مارکس است که لینین آنرا بسط داده و بصورت تئوری کاملی تدوین کرد ه است . لینین طبقه کارگر را هسته مکری اتحاد میشود که در پیرامون آن کلیه نیروهای انتقامی گرد خواهند آمد. در کشورهای عقب ماند که انقلاب ضد قیود ملی، انتقام دارند میشوند که طبقه کارگر وظیفه دارد انتهایه اتحاد طبقه کارگر و هقانان نیروهای انتقامی دیگر بوارد صحته میشوند که طبقه کارگر وظیفه دارد انتهایه اتحاد چل کند. در این کشورهای بخشی از بورژوازی ملی که در زنگشار امپریالیسم قرار گرفته در انقلاب شرکت میجودی پا لاقل نمیتواند را انقلاب شرکت جوید. بدین ترتیب نیروهای انتقامی بعلت وجود عامل مارزه ضد امپریالیستی از جد و د ونیوی کارگر و هقان تجاوز میکند و بورژوازی ملی را نیز دیگر میگیرد ."

مسلم است که په د رکشورهای صنعتی مترقی و چه د رکشورهای مستمره ووابسته خرد بورژوازی شهر

روشنفکران آزاد یخواه نیز راتحاد نیروهای انقلابی وارد میشوند. روشنفکران متقدی در پیدا ایش، رشد و توسعه جنبش نجات بخش‌ملی نقش‌رسانی اهمیتی را بازی میکنند. رهبران جنبش‌های آزادی بخش‌ملی تحریک‌ریاد ر تمام موارد از محیط روشنفکران آزاد یخواه بیرون می‌پند. عده‌ای از این روشنفکران نیز راه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را بر میگزینند و تا پیروزی نهایی به ان وفادار میمانند. توجه عمیق بر روشنفکران متقدی و آزاد یخواه از نظر نقشی که در جنبش نجات بخش‌ملی در پیرروزی این جنبش در این وظیفه حزب طبقه کارگر است.

بدین ترتیب جبهه واحد ملی پاید کارگران، دهقانان، روشنفکران متقدی و آزاد یخواه، خرد و پورژوای شهر و پورژوای ملی را برگیرد. «جهة واحد ملی تحریک اتحاد این نیروهاد رکشورهای قطب مانده است».

ماعوچیه توکن موضوع تشخیص متحدین و مشاختن دشمنان را از پیروزی انقلاب میداند. تشخیص دشمنان و متحدین طبقه کارگر «موضوعی است که از لحظه انقلاب اهمیت اساسی دارد و اگر درگذشت شایعه تمام همارزات انقلابی در چین حزب نتایج ناچیزی نرسید علت اصلی آن اینست که انقلابیون نتوانستند در پیرپا خود دوستان واقعی خود را برای فروخت اوردند» (مارس ۱۹۲۶) (مارس ۱۹۲۶).

پس روشن است که سیاست حزب توده ایران داشت به اتحاد نیروهای ضد فشی‌الى و ضد امپریالیستی آنطوره که خود را خلیل ملکی یا پاره از تعاصر جبهه ملی دید اعدامی داشت گذرا بعنه اغوا و فربیض متحدین انقلابی نیست. این سیاست برایه به شوری اتحاد کارگرد هفغان استوار است که مارکس آن را بانی خود دریافت و لینین آنرا بسطداده است. همین شوری مارکسیستی است که در رکشورهای عقب مانده و کم رشد بصیرت اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد فشی‌الى و ضد امپریالیستی در آید.

اگر رکشورهای کم رشد اتحاد طبقه کارگرد هفغان بطبقات و قشرهای دیگری نیز توسعه می‌یابد ولی در رهبری اتحاد بندی جبهه واحد ملی را تحدید کارگرد هفغان تحدید میدهد. این امر معنی آن نیست که پورژوایی ملی نقش شایسته ای در این جبهه بازی نمیکند. همین که حزب توده ایران مساعی فراوانی برای اتحاد با جبهه ملی بکار میرد و این مساعی نباید لک لحظه هم فراموش باقطع شود، دال بر اهمیت نقش پورژوایی ملی است.

در اینجا لازم بنتد که در مسئله جبهه واحد ملی پیوسته از دنگرایش نادرست پرهیز کرد: نخست فراموش کرد ن دهقانان برای جستجوی اتحاد با پورژوایی ملی (با جبهه ملی) و دوم فراموش کرد ن دهقانان برای مدد و ساختن جنبش‌نقطه‌کارگر و سازمانهای آن.

وجه مشترک هر دو گرایش فراموش کرد ن دهقانان، این متحد عظیم، نیرومند ووفاد از طبقه کارگر است. حزب توده ایران وظیفه دارد که این متحد وفاد اریش از پیش توجه کند و برای بسیج دهقانان از هیچ امکان وسیله ای روی نگرداند. گرایش نخست در داخل حزب ماظاہری دارد که باید با آن جدا بسازه بزد اخ.

تشکیل جبهه واحد ملی باحتی کوشش در راه آن برخلاف گفته خلیل ملکی که گواه طبقه حاکمه ایران اتحاد و همکاری حزب توده ایران و جبهه ملی را با خرسنده استقبال میکند مانند ناقوس مرگ در گوش ارتجاع طنین می‌افتد. نیروهای سیاه ارجاع که از تشکیل چنین جبهه ای در هر این اند مذبوحانه میکوشند که در برای این سدی ایجاد کنند یا لاقل ایجاد آنرا تعوقی اند ازند. حزب توده ایران توجه دارد که کارتشکیل جبهه واحد امری ایشان، آسان و سهل الحصول نیست. در پیر ایران، پورژه در شرایط تزویر واختناق کنونی، مشکلات فراوانی موجود است و از این لحاظ مساعی فراوانی را میطلبند اکاری، مبارزه، نرم‌اصولی، سرسختی لازم دارد. همیشه وقفت و کامیابی در نبال مساعی حزب نیست ولی بارزه در این راه برغم فراز و شیب، علی‌رغم ناکامیها سرانجام بمحققت خواهد انجامید. قوانین تکامل جامعه ما این امر را ایجاب میکند. در مردم جبهه واحد ملی تذکراین نکته ضروری است که رکن اساسی جبهه واحد ملی را کارگران و دهقانان تشکیل میدهند. این تذکراین یعنی است که گاهی این حکم اساسی مارکسیسم لئینیسم بدست فراموشی سپرد و میشود یا در عمل بدآن توجه لازم نمیشود. بر عکس تکیه اساسی در این جبهه برپرسی سایر نیروهای ملی و پورژوایی ملی قرار میگیرد. درست است که حزب توده ایران باید با استفاده از کلیه امکانات زبان مشترکی با جبهه ملی بعنوان تعاونی تدبیرات پورژوایی ملی بپاید، با آن مبارزه مشترکی را در راه هدفهای مشترک در پیش گیرد، ولی انجام این وظیفه که بنویخ خود ضروری است، هرگز ممکن نتواند و باید مارا از توجه به اتحاد کارگران و دهقانان بعثایه رکن اساسی جبهه واحد ملی بآزاد ارد. این رکن اساسی پیوسته باید در مرکز دید ما قرار گیرد.

اعلامیه جلسه مشاوره احزاب کوئینیستی و کارگری می آموزد که:

"اتحاد طبقه کارگرد هفقاتن برای تحصیل استقلال ملی و دفاع از آن و تحقق

تحولات عمیق د موکراتیک و تأمین ترقی اجتماعی عده ترین نیروها باشمار می‌رود.

این اتحاد است که پاید مبنای یک جمهوری وسیع قرار گیرد."

برنا مچزب کوئینیست اتحاد شوروی که در تاریخ ۲۲ به تصویب رسیده است چنین می آموزد:

"اتحاد طبقه کارگرد هفقاتن شرط اساسی موقفيت مبارزه برای تغییرات د موگرا

عمیق، برای ترقی اجتماعی و اقتصادی است. این اتحاد هسته یک جمهوری وسیع

ملی را تشکیل میدهد. درجه شرکت بورژوازی ملی در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد

فُوئد الی تاریخ زیادی بستگی به استحکام اتحاد طبقه کارگرد هفقاتن ارد."

طرح برناهه حزب توده ایران نیز "اتحاد کارگران و هفقاتن" را "استخوان بندی" جمهوری واحد

نیروهای ضد امپریالیستی و ضد ارتقا عی می‌شارماد. درجه شرکت طبقات و قشرهای د یگرد راین جمهوری و در مبارزه

بستگی زیادی باد رجه استحکام اتحاد طبقه کارگرد هفقاتن دارد.

د هفقاتن، این اکثریت خرد کنندۀ مردم ایران، در شرایط بسیار شواری بسرمیرنده با وجود

پراکندگی و تعلق انباه به روشن تولید کهن، علی رغم در پروردگران انسان از جریانات سیاسی و اجتماعی و در ک اجتماعی

محظوظ و آنها، علی رغم فقر، بیطاری، گرسنگی و سیه روزی مینمایند آنها را می‌گیرند و در این اجتماعی

ملیونی د هفقاتن ارتش عظیم و شریوند نهضت نجات بخش مینمایند ماراشکیل میدهند. انقلاب اینده ایران صرف نظر

از انقلاب ملی یک انقلاب د هفقاتن است، انقلابی که باید بقا یای رژیم فُوئد الی ازانیخ هن براند از مناسبات

تولیدی نوینی را بجاگی ان پنشاند.

بدون شک د هفقاتن برای براند اختن رژیم اربابی - رعیتی که هستی و نیستی انهاراد مستخوش تاریخ

می‌سازد و اهان احکوم بگرسنگی و سیه روزی مینمایند آناد مبارزه اند. مبارزات آنها در رنجه پراکندگی و شر ایسط

زندگی آنها در و نقشه، ناپیکوگاها که ایست و می‌باشند این نمیتواند بهد ف خود د است یابد. تاریخ مبارزات

د هفقاتن د ر وان پس از شهریور ۱۳۰۰ نشان میدهد که هرموقوع که حزب توده ایران فرست و امکان یافته بیاری

د هفقاتن بشتابد، بمبارزات آنها شکل دهد، هدف مبارزه را شخص سازد هفقاتن توانسته اند در مبارزات

خد پیروزگردند. بیهوده نیست که نام حزب توده ایران در میان د هفقاتن حتی در میان د هفقاتن نقطه د هر

اقداد ه کشورت جسم د هند ه ازدی آنان از بع مالکین و فشارما مهربان د ولت، تجسم د هند ه رهایی آنها از زندگی

سیاه کوتونی است. د هفقاتن ایران نیروی انقلابی بالقوه ای هستند که هر ان ممکن است موجود بیت طبقه حاکمه

و تسلط اربابان امپریالیست از بخارخطران ازدند. تمام تلاش "رفرما تور" هائی از مقام شاه و امنیت بمعنی پنهان خشی

کرد این نیروی انقلابی است. وظیفه حزب توده ایران اینست که به این نیروی انقلابی بالقوه فعالیت دهد،

د هفقاتن ارباب راه بکشاند و بمبارزه آنها راهبردی کند. بد همی است با اوضاع و حالی که در ایران حکمران است

اجرای این وظیفه فوق العاده د شواراست. ولی د شواری وظیفه نمیتواند و بنا د مردم از اجرای آن منصرف سازد.

تنها با اندام مستعمر و پیکر راتجای این وظیفه هر آن د رنتیجۀ د شواری شرایط مبارزه اقدام ناچیز و کوچک

باشد، میتوان توجه د هفقاتن را بسیوی حزب طبقه کارگرد جلب نمود و با یه های اتحاد کارگرد هفقاتن را بنا کار د و

بدریج اثراحت حکیم کرد و توسعه بخشد.

بورژوازی علی که به اجرای وظایف اساسی انقلاب د موکراتیک ملی علاقمند است در مبارزه انقلابی بر

ضد امپریالیسم و قوی دیلم شرکت خواهد جست. ولی این بورژوازی متنزل است و در عین مترقب بودن میل

دارد که با امپریالیسم سازش کند. در نتیجه این جنبه د وکانه درجه شرکت بورژوازی د رانقلاب در

کشورهای مختلف متفاوت است. این اموابسته بشرایط مشخص، تغییرات حاصله در تناسب قوای طبقات

حد تضاد میان امپریالیسم و قوی دیلم شرکت حفظ حکم و توده های مردم، عمق تقادم میان امپریالیسم و قوی دیلم

ملی است. (اطلاعیه احزاب کوئینیستی و کارگری)

حزب توده ایران ضم انجام وظیفه ای که در قبال د هفقاتن ایران بر عده دارد از همچیج کوششی

برای ایجاد یک جمهوری مشترک با جمهوری علیه امپریالیسم و قوی دیلم هم خاطرد فاع از ازادی و حقوق و منافع

توده های مردم کوتاهی نخواهد وزید. ولی هیچگاه صحت حکم فوق را که ذ راعلامیه جلسه مشاوره احزاب

کوئینیستی و کارگری اده ازنظر فرونمیگذارد.

### سرکردگی انقلاب و جبهه واحد ملی

جبهه واحد ملی مركز تجمع احزاب و سازمانهای است که هر کدام اراده برنامه وحدت نهایی خاصی می‌باشند. طبقاتی که این احزاب نمایند آنها هستند شاخه طبقاتی گوناگونی دارند، هر یک از آنها تکامل انقلاب را لازم ریچه منافع وصالح طبقاتی خود مینگرد. هر یک از این احزاب می‌کوشد انقلاب ایران درجه‌تی سرکرد که منافع وصالح آن ایجاد مینکند. آن حزب یا سازمانی که توفیق یابد پشتیبانی توده های ملیوی کارگران و دهقانان را نسبت بشعارهای خود جلب کند و آنها را در تحقق این شعارها بسیج نماید خواهد توانست سرکردگی انقلاب را درست گیرد و انقلاب ایران را درجهت هدفهای خود سوق دهد. یا این ترتیب روشن است که وقتی از جبهه واحد ملی سخن می‌برد ضرورتاً مسئله سرکردگی و هر بربری این جبهه پیش می‌اید. البته از پیش نمیتوان گفت که کدام حزب یا سازمانی سرکردگی انقلاب را درست خواهد گرفت ولی با مطالعه طبقات ایران و خصوصیات آنها میتوان از پیش تعیین کرد که کدام طبقه و کدام حزب وابسته بآن نه تنها از نظر منافع طبقاتی خود بلکه از نظر صالح ملت ایران و منافع کلیه طبقات انقلابی یا بد بکوشد سرکردگی انقلاب را در اختیار خود گیرد.

در شرایط کنونی ایران بآنکه جبهه واحد ملی برآثرو جد شرایط ناساعد عینی و نه تنها حق نیافضه، از هم اکنون موضوع سرکردگی انقلاب ایران مطرح است و موارده بخاطر احراز این سرکردگی اشکال گوناگون جریان دارد. تکامل جامعه ماظرف ببست سال اخیر بیویه بارزات نیروهای انقلابی کشور معلیه امیریالیسم نشان دهدند. این امر است که از میان طبقات اجتماعی کشور ماد را وضع واحوال حاضر و طبقه میتواند در راه از انقلاب قرار گیرند و از این بربری نمایند: طبقه کارگر و حزب این یعنی حزب توده ایران، بورژوازی ملی و سازمان می‌بینی ان یعنی جبهه ملی. جبهه ملی در تلاش است که با تکاری زدن حزب توده ایران خود را در راه انقلاب قرار دد و آنرا درجهت منافع خویش بربری نماید. بد ون شک سرنوشت انقلاب ایران بستگی باین امر دارد که از حزب توده ایران و جبهه ملی کدام ایلک بربری انقلاب را درست خواهد گرفت ورش و تکامل آنرا تعیین خواهد نمود. منافع وصالح ملت ایران ایجاد مینکند که معمترین تضاد کنونی جامعه اعمیقاً از زیرش حل شود، رفیق ارضی طهوری باشد که ملی میباشد این ملی میباشد از بین ون براند ازد، نفوذ امیریالیسم در ایران ریشه کن شود و استقلال میباشد میباشد میباشد این کردد، ایران از لحظه اقتصادی در راهی افتاد که بسرعت وضع عقب ماند و خود را تغییر دهد و مصروف یک کشور مترقی صنعتی در آید. بد ون شک ملک ملک ملک از چنین پیشرفت سریعی بسیار مساعد است. حزب توده ایران که هدفی جزتاً می‌باشد منافع ملت ایران ندارد طرف ایرانگوئه حل تضاد ضد فوتد الی وضد امیریالیستی است.

هر گونه انقلاب ناتمام که بسازش برآفتد ایلیسم و امیریالیسم انجامد و در نتیجه بقا یای فوتد ایلیسم و نفوذ امیریالیسم بر جای بماند بین این تدوه های مردم ایران و خیانت به میهن ماست و مردم میهن مانمیتوانند چنین سیاست سازشکارانه را بپذیرد و بخاطر آن مبارزه کنند.

اما براند اختن ملک ایرانی - رعیتی ریشه کن کردن نفوذ امیریالیسم راه رابرای رشد نیروهای مولده کشور مبارز خواهد کرد. بد ون شک تدوه های زحمتکش میهن مخواهان آن هستند که این راه هراند از سریعتر طی شود و همراه با آن آزادی و دموکراسی رشد یابد، فقره بکاری و میسوادی از جامعه برافت، احتیاجات مادی و فرهنگی زحمتکشان تا عین گرد بطور اجمال راهی که در راه رفاه و ایام پیش و آینده مسعاد تعدد را بروی مردم کشور مبارگنماید. حزب توده ایران خواستار این راه رشد و تکامل میهن ماست.

هر گونه راه دیگری که فقره سیه روزی تدوه های زحمتکش را آمده دهد و هر آن شدت بخشد، آنچه را از نهمت آزادی و دموکراسی بی بهره گذارد طبیعتاً شاخه زحمتکشان میهن ماتطبیق نمیکند و نمیتواند پشتیبانی انتها را جلب کند.

قرار گرفتن حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران در راه انقلاب دموکراتیک ملی یعنی پا ک کرد ن ایران از دشمنان خلق واند اختن میهن مادر شاهراه ترقی را نجات سریع وسعادت و خوشبختی است. جبهه ملی از لحظه ماهیت طبقاتی خود نمیتواند چنین وظیفه تاریخی را نجامد. با قرار گرفتن این جبهه در راه از انقلاب نه تنها وظایف انقلاب بظیر کامل و از زیره انجام نمیگیرد بلکه راه رشد سریع میهن مارس میکند و تدوه های زحمتکش کشور ماد و روان مشقت باری را در پیش خواهند داشت که پایان بخشد ن به آن مستلزم مبارزه کم و بیش طولانی و تحمل رنج و مصائب فراوانی است. مقایسه حتی سطحی کشورهای نظیر چین، کره شمالی،

ویت نام که در آنها احزاب طبقه کارگر سرکرد گی انقلاب را را ختیار داشته اند با کشورهای مانند هند، عراق، کنگو که در آنها احزاب یاغنا صبور زواری داشتند را در دست گرفته اند صحت نظریات فوق را نشان میدند.

تاریخ انقلابهای ملی در وران پس از جنگ دوم جهانی حاکی است که در یک رشته از این کشورها در نتیجه شرایط تاریخی مختلف، بیروتی ایلی توanst د را این انقلاب قرار گیرد و لتوت خود را تشکیل دهد شکل این د ولت بسیار متعدد است و از جمهوری پارلمانی گفته تاریخ سلطنتی تغییر میکند. اما هر برای انقلاب از جانب بیروتی ایلی در ایشان کشورهای که از پیش امیریالیسم از این گفته اند پس این معنی نیست که رهبری بیروتی ایل در کشورهای مستعمره یا واسطه امرحتی و اجتناب ناپذیر است. تجربه چین، کره شمالی، ویتنام و اخیراً کوبا نشان میدهد که هر کجا طبقه کارگر حزب از این شرایط عینی بد رستی استفاده کرد و توئنسته است در توده های زحمتکش بیوهه کارگران و همان ریشه پد اند سرکرد گی انقلاب را در دست گرفته است. طبقه کارگر ایران و حزب سیاسی آن حزب توده ایران در نتیجه مبارزات شورش خود در راه استقلال و ترقی ایران، در راه بهبود شرایط زندگی توده های زحمتکش اکنون شرایط مساعدی برای احزاب سرکرد گی انقلاب فراهم آورده است. با اتخاذ یک سیاست صحیح حزب امیریالیست واید در کارگری انقلاب توفیق پیدا میکند. بدین معنی است قبل نظر هر یک طبقه کارگر در همان راه شفنان خلق بمعنی نفی یا انکار نقش و همیت طبقات و قشرهای دیگر را بین مبارزه نیست. خود این امر که طبقه کارگر در دنبال اتحاد بانیوهای دیگران اقلابی و بیوهه دهستان است دلیل بر اهمیت و نقش این نیووه است.

### شرایط مساعد احزا از سرکرد گی طبقه کارگر

شرایط مساعد احزا از سرکرد گی طبقه کارگر از طرفی میتوان است به ماهیت این طبقه، درجه تشكیل ان، درجه اگاهی ایل و از تردید گر برآشد و تکامل حزب سیاسی آن بمعنی حزب توده ایران.

طبقه کارگر ایران یا اینکه بر اثر عدم رشد نیووهای مولده از لحاظ کمی ضعیف است ویشن از ۵/۳ رصد جمعیت ایران را تشکیل نمیدهد ولی طبقه ایست که با روش تولید مترقبی بستگی دارد، طبقه آینده است زیرا بعد از آن، نفع این در زندگی اجتماعی و سیاسی مبارشند نیووهای مولده افزایش میپیدند. همچیک ارطبات و قشرهای دیگر جامعه مدارای چنین خصوصیاتی نیست. شرایط زندگی و کارکارگران طبقه کارگر اقلابی ترین طبقات بار میباشد. طبقه کارگر پیگیر ترین و قاطعترین نیووهای اقلابی کشور است. منافع اوایجا میکند که تضاد ضد امیریالیستی و ضد فشود ایل هرچه عمیق و از پیش حل شود. زیواحد عمیق این تضاد میدان را بطور کامل در پرایر رشد نیووهای تولیدی میگشاید و رشد نیووهای تولیدی درجهت رشد طبقه کارگر ایران هم از جهت کمی و هم از جهت کیفی سیر میکند. پیگیری و قاطعیت طبقه کارگر در راجرا و وظایف انقلاب امکان همیکونه سازشی پید شفنان خلق برای اینها یا حفظ منافع خود نمیدهد. طبقه کارگر ایران همیکونه بیوند و پیوستگی با طبقات حاکم ندارد، دارای همیکونه منافع طبقاتی که منافی با منافع توده های زحمتکش باشد نیست، از انقلاب توده هایک ندارد، زیوراد را بین مبارزه تنها نجیبوهای اسارت خود را از دست میدهد و آزادی خود کلیه زحمتکشان میهن مارا از قید ظلم و ستم رهائی میبخشد.

چنین طبقه ای تا پایان اقلابی، پیگیر، قاطع که منافع طبقاتی و آرمانهای اویه بهترین وجهی با منافع آرمانهای طبقات زحمتکش مطابقت دارد از لحاظ ماهیت خود شایسته احزا از سرکرد گی انقلاب د موکراتیک ملی است.

در ایران طبقه کارگر خلیلی زید تراز بیروتی ملی سازمانهای خود را ایجاد کرد و در آنها مشکل گردید است. سازمانهای صنفی طبقه کارگرد بیرونی است مبارزات خود را علیه امیریالیسم و ارتاج برای بهبود شرایط زندگی آغاز کرد و است در وران بعد از شهر ۱۳۲۰ سازمانهای صنفی طبقه کارگر بطور میباشد ای توسعه یافت. مبارزات طبقه کارگر که در شرایط پسیار دشواری صورت گرفته کارگران میهن مارا مبارز، آبدیده و آگاه بار آورد است.

سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران اکنون بیش از پیش میگذرد محزب توده ایران اد امتداد اینها حزب کمونیست ایران همین امسال بیستین سال زندگی پر افتخار خود را بیان رسانید. حزب توده ایران تنها حزبی است که بمفهوم واقعی آن در ایران تشکیل شده و مبارزه میکند. درست است که حزب ما پس از کودتای

۲۸ مدد چارشکست شد و سازمانهای آن تاحد و دبیماری از هم پاشید معدّل این حزب کم اکثر نیرومند ترین و متشکل ترین احزاب و سازمانهای سیاسی در ایران است . این حقیقت راحتی دشمنان سرخست حزب مانعیتوانند انکار کنند .

در طول بیست سال زندگی خود ، حزب مادر طراحت دشوار و گوناگونی مبارزه کرد و ، تمام اشکال مبارزه مصالح آمیز را مردم استفاده قرارداد و ، موقتیهای درخشانی داشته ، د چارکایهای و شکست هائی گردید و در نتیجه در زمینه مبارزه علیه امیریالیسم و ارتقای جوییات گرانبهایی اند و خته است که اراد زمیارات مجهز تر و آزموده ترمیسازد . ازا ینجهم نیز حزب توده ایران را بهیج حزب یا سازمان دیگری نمیتوان مقایسه کرد .

حزب توده ایران حزب طبقه کارگر ایران است . این به آن معنی نیست که حزب مانهای از منافع طبقه کارگرد فاع میکند . آرمانهای طبقه کارگر ایران ایجاب میکند که سیاست حزب متنبی بر صالح مینه ما و منافع کلیه زحمتکشان کشور و کایه نیروهای انتلابی باشد . خصوصیت ماهوی حزب مادر را نیست که هیچگاه منافع طبقات زحمتکش و صالح مینه را از تظر فروتند اراده ، هرگز از مبارزه نهاده است و در این راه از هیچگونه ارزخودگشتنی و دن اکاری در بین نزور زندگ است . بد و شک حزب مادر طول مبارزات خود علیه دشمن مکار و نیرومند چهار اشتباها تی هم شده است ولی آنچه که مانند خط قمزی سراسر از این خوب مارابیک یگریبوند میدهد همان دفع از منافع توده های زحمتکش ، مبارزه بخاطرصالح مینه عزیز و تا مین استقلال کامل ایران است . بیهوده نیست که حزب توده ایران مورد علاقه و احترام توده های مردم و مینه جهت مورخ صومت شد ید و کین تویی دشمنان خلق است . مزد و روان ارتقای و امیریالیسم پیوسته تکار میکند که حزب توده ایران ، رهبران و فراز آن منفرو جامعه هستند . باید از این دروغ پرد از این پرسید که پیش از اتمام وسائل خود را برای مبارزه با حزبی که گویاد رمیان مردم زمینه ای ندارد بکاره اند ازدی ؟ چرا فعالیت علنی حزب مارامانع پیشید ؟ ماده برای مبارزه با شما ماجز تبلیغ مرام خود و توسل توده ها و سیله دیگری نداریم . توده های بعد مردم هم که بقای شما را می روی گرد اند دیگرچه جای نگرانی برای شما باقی نمایند ؟ واقعیت انست که حزب مادر رمیان مردم ریشه های عمیقی دارد ، شدت عمل امیریالیسم و ارتقای هار نیز از همین واقعیت ناشی میشود . بد و تن درید از تظر فروند در میان کارگران ، دهقانان و روشنگران ازاد پخواه هیج حزب مانمیوسد .

حزب توده ایران در در روانهای مختلف حیات خود همیشه دارای برنامه مشخص و خط مشی روشن بود و هرای قضاوت در راه تپاریده های مردم گذارد است . برنامه کنونی حزب توده ایران بی پرد و وسایل اجتماعی و سیاسی و ایدئولوژیکی بمردم معرفه میدارد و برای نظریات حزب مادر رزمنه های مختلف اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی و ایدئولوژیکی بمردم عرضه میدارد و برای اتفاقیات حزب مادر زمینه میدارد که تحوّلات اجتماعی کارخود توده مردم است . بهمین جهت حقیقی آنها مبارزه میکند . حزب مایخوی میدارد که تحوّلات اجتماعی کارخود توده مردم است . افکار و نظریات خود را در رمیان توده هامیرید ، آسیارا بمحض آنها معتقد میسازد و بعیارهای برای از حقیقی آنها میگشاند . برنامه ما راه ما ، برنامه و راه توده های خلق است . حزب ماهمیشه با سلسله از ازهار خود ، از برنامه خود دفاع کرد و میکند . هیچ حزب یا سازمان دیگری را در صحته اجتماع ایران نمی بینید که دارای چنین برنامه مدون و خط مشی و سیاستی صریح و روشن باشد .

ماهیت طبقه کارگر ایران ، پیگیری و قاطعیت آن در مبارزه ، درجه تشکل آن در سازمانهای صنفی و سیاسی ، داشتن حزبی با نفوذ و مهرب و چهره به برنامه و سیاست مشخص . اینهاست آن خصوصیاتی که طبقه کارگر ایران را شایسته رهبری انقلاب میکند ، با وامکان میدارد که رهبری خود را در انقلاب از قوه به فعل داروند " فقط یک طبقه مشخص یعنی کارگران شهر و مطهولکی کارگران کارخانه ، کارگران صنعتی شایستگی رهبری توده زحمتکشان و استثمار شوند گان را در اراده " .

( لین در مقامه ابتکار بزرگ )

### بورژوازی ملی و سازمان سیاسی آن "جبهه ملی"

است . آیا بورژوازی ملی شایستگی سرکردگی انقلاب د موکراتیک ملی را دارد ؟ امکانات جبهه ملی برای احصار سرکردگی چه اندازه است ؟

بورژوازی ملی ایران اقلیت ناچیزی از مردم کشور ماراشکیل میدهد که از لحاظ اقتصادی و سیاسی ضعیف است . امپرالیسم باشد کرد ن رشد نیروهای مولده کشور رشد بورژوازی ملی را در ایران متوقف ساخته است . بورژوازی ملی بسیار متعاقب طبقات خود مینگرد . مبارزه<sup>۱۰</sup> امپرالیسم و قوی الدیم فقط از آن جهت است که این دو عامل مانع رشد این عنوان طبقه ، مانع تامین منافع او ، مانع اجرای مصالح طبقاتی او است . بهمین جهت منافع اینها مانع توده های خلق تا انجام طبقه است که در انقلاب ضد امپرالیستی و ضد فتوحه ای شرکت میجودد .

از انجاکه بورژوازی ملی در نبالاتامین منافع خویشا است از هر عالمی که منافع اروابخطراند ازد میهرا و در نتیجه در رباره حافظه کاری ، نوسان ، عدم قاطعیت ، تمایل وسایش نشان میدهد . همین خصوصیات اوست که مردم مو<sup>۱۱</sup> استفاده دشمنان خلق قاره میگیرد بورژوازی که از لحاظ ماهیت طبقاتی بورژوازی ملی بستگی بیشتر و منزد یکتری بطبقات ایران و بورژوازی خارجی دارد . نهضت انقلابی توده هاتا موقعی مورد پشتیبانی اوست که در راه تامین منافع و مصالح واجرایی سیاست ایکاراافت . در خارج از این حدود با فعالیت انقلابی توده روی خوش نشان نمیدهد و حتی موادی که منافع اوایجاب میکند فعالیت توده هارا با خویش زور و قهرسرکوب میکند . بشدت از کونیستیک هراسان است و زرمنه مبارزه با کمونیسم و ایدئولوژی ضد کونیستی با امپرالیست ها همگام وهم آهنگ است .

روشن است که چنین طبقه ای از جهت ماهیت خود نه شایستگی احراز سرکردگی انقلاب را دارد ، نه میتواند وظائف انقلاب را پس از احرار قدرت عمیق ورشد دارانجامد دهد و نه جامعه مارپیش ازانقلاب در جاده صحیح رشد و تکامل بینند ازد . به امکانات اجتماعی جبهه ملی برای رهبری مبارزه ملت ایران توجه کنیم :

سازمان سیاسی بورژوازی ملی در کشور مخلبی دیروجودد . جبهه ملی در کارزار انتخابات در ووه شانزده مجلس در سال ۱۳۲۸ پایه گرفت . سپس در در وران مبارزه شد بد علیه شرک غاصب نفت جنوب که مجرم به ملی شدن صنایع نفت گردید نضج گرفت و قوام یافت . در آغاز جبهه ملی مرکب بود از احزاب و شخصیت هایی که برای آزادی انتخابات و جلوگیری از مدد اخلاق د ولت در آن مبارزه میکردند . این ترکیب در مراحل اولیه مبارزه بخاطر ملی کرد ن صنایع نفت بیمهین شکل باقی ماند ولی پس از مدتی<sup>۱۲</sup> هنگامی که مبارزه با امپرالیسم صورت حاد بی خود گرفت شکافهای در آن ایجاد گردید . با اینکه ترکیب جبهه ملی در آغاز پیدا یش آن ترکیبی ناهمکون بود و عناصر منافقی که بعد از ماهیت خود را نیزشنان دادند در آن وارد بودند مذکو<sup>۱۳</sup> این جبهه ملی از احزاب و نیروهای متعلق به بورژوازی و خرد ه بورژوازی تشکیل میشد . اختلافات درونی جبهه ملی موجب شد که سازمانها و شخصیت هایی از آن انشعاب کرد و روشن مستقیم د ریپیش گزیند . باره ای از اینها نیزناهمکاری شاه برابر سرنگون کرد ن د ولت د کترمصدق با امپرالیست ها سازش و همکاری کردند .

کوتای ۲۸ مبرد ایه تشكیلات نیم بند وضعیف جبهه ملی پایان داد و فعالیت جبهه ملی متوقف شد . با آنکه شاید گروههای ازان در رخفاشیراتی داشتند که آنهم دیری نباشد . بر اثر اوضاع و احوال مساعد داخلي وین المللی جبهه ملی بارگروان باریزند رکارزار انتخابات در وره بیست در صحت سیاست ایران ظاهر شد و کوشید سازمانهای خود را د ائزند . اما چون جبهه ملی طرف ارفعالیت علنی است و سکا<sup>۱۴</sup>ه حاکمه اجازه هیچ<sup>۱۵</sup> فعالیت سیاسی علني علیه خود را از جانبه هر کس که باشد و هر شکلی که بروزند نمیدهد اذ اسازمان جبهه ملی در ایران بسیار ضعیف است . در اروپا و امریکا اشتجویان وابسته بجهه ملی موفق شده اند هبسته هایی ایجاد کنند و فعالیت بپرسانند ولی در هر صورت این نکته مسلم است که در شرایط کوئی جبهه ملی در دخل خود دارای تمرکز تشكیلات نیست .

بطور کلی تشكیلات جبهه ملی در حال حاضر ارای خصوصیات زیراست :

۱- سازمان جبهه ملی تمرکز تشكیلاتی ندارد ، بخشی ازان در ایران است که بعلت فشار سازمان آ ود سکا<sup>۱۶</sup>ه حاکمه قادر بفعالیت سیاسی جدی نیست . بخشد یگران در خارج از کشور در اروپا و امریکا و مرکب از

دانشجویان است . همین سازمان جبهه ملی در خارج نیز ارای تمرکز تشکیلاتی نیست ، در خود اروپا هم چنین تعریز وجود ندارد . کنگره جبهه ملی ایرانیان مقیم خارج که بنابر اطلاع روزنامه با خبر امروز قرار بود مد تی پیش تشکیل شود و تمرکزی بوجود آورد بعلت اختلاف وعد هم آهنگی در میان پاره ای از شخصیت های جبهه ملی هنوز تشکیل نگردیده است .

۲- عدم تمرکز سازمانی بین اجراء دارم هم آهنگی در رسایسات می انجامد . سازمان و شخصیت های جبهه ملی در راتخاذ روش نسبت بطبقات حاکمه و نسبت به نیروهای انقلابی خط مشی و سیاست واحدی نداشته طبیعی است اختلاف در خط مشی و سیاست جبهه ملی در فعالیت روزمره سازمانها و شخصیت های آن بروز میکند .

۳- جبهه ملی از لحاظ طبقاتی یکپارچه نیست . بعلت عدم تمرکز تشکیلاتی و بندون خط شی و سیاست واحد ، سازمانها و انصاری واپسی بطبقات حاکمه خود را در جبهه ملی جازد و فعالیت خرابکارانه خود به اینها خط شی و سیاست جبهه ملی و به هرج و موج تشکیلاتی آن کمک میکند .

نظریه خصوصیات فوق تشخیص صحیح از سقیم ، تشخیص جبهه ملی "اصیل" از اینها که خود را بد نمی بندند غیرمیکنند است بطوری که گاهگاهی خود اعضاً جبهه ملی در سندهای اعلامیه های اینها که بظاهر از جانب "هیئت اجرائی جبهه ملی ایران" صادر نمیشود تردید میکنند .

چنین سازمان پراکنده ناتوجهانس ، بدون رهبری تمرکز ، اگرقد ان تجربه تشکیلاتی نیز بسد ان افزواده شود بدینهی است که از هدف بسیج و تجهیز توده ها که عامل اساسی انقلاب و اجرای کاملاً وظایف آنست برخواهد آمد .

گذشته از پژوه نایسماں تشکیلاتی ، برنامه جبهه ملی نیز فقط انکاوس دهنده بخشی از تعییلات ملت ایران است . برنامه جبهه ملی در سه ماده تنظیم شده و در آن فقط از ازادی فردی و اجتماعی ، ازادی انتخابات ، دفاع از اصول مشروطیت و اتخاذ سیاست خارجی مستقل گفتگو رفته است . در این برنامه به پیچوچه صحبتی از مبارزه با امیرالیسم و فئودالیسم دو شمن اصلی ملت ایران نیست . هیچ ماده یا موادی برای بهبود وضع اقتصادی کشور ، بهبود وضع زندگی مردم و هرای اند اختن کشود رشاهراه ترقی و لو با شماره هم ذکر نگردیده ، از همه مهتر اینکه راه نیلی با یعنی هدفها تعیین نشده است .

اینها چنین برنامه ای میتوان انقلاب ایران را رهبری کرد و پایان رسانید ؟ پاسخ این سوال بدون شک نمیتواند مثبت باشد .

ترتیبی نیست که جبهه ملی در راه این اند دکر مصدق در مارزه ای که بخاراط ملی شدن صنایع نفت درگرفت در میان مردم وجهه و نفوذی کسب کرد . اکنون نیز تواند از زیادی این وجهه و نفوذ خود را حفظ کرد است . ولی روشنی که دارد ای از هیران جبهه ملی دنبال میکند و ناشی از ماهیت طبقاتی انهاست بتدریج از اعتبار اینها میکاهد .

**از طالب فوق روش میشود که در مارزه ای که میان حزب توده ایران وجهه ملی بخاطر احراز سرکرد انقلاب جریان دارد چه از جهت ماهیت و چه از جهت امکانات ، کفه بسود حزب طبقه کارگر میگذرد . اما این هنوز باین معنی نیست که انقلاب اینده یعنی انقلاب دموکراتیک ملی حق‌نمایی زیرهایی طبقه کارگر صورت خواهد گرفت . اگر حزب توده ایران نتواند از عواملی که بسود است بد رستی استفاده کند و بیویه اگر رجل بد هقانان توفیق نیابد بظهور خلاصه اگر حزب ماسه‌رعایتی که باشد نتواند وظایف خود را بیشتر حزب طبقه کارگرد رستی انجام دهد ، احتمال هبتری انقلاب دموکراتیک ملی از جانب او تخفیف می‌یابد و چه بسا که رهبری بدست طبقه یا طبقات غیر بروتاریائی خواهد افتد .**

### مناسبات حزب توده ایران وجهه ملی

۱- روش حزب توده ایران نسبت به جبهه ملی  
حزب توده ایران برآیست که براند اختن دستگاه حاکمه فشود ال کمپاراد و پرپاراد آن شاه ونشانیدن یک حکومت دموکراتیک و ملی بیجای آن ، حکومتی که وظایف انقلاب را نجام دهد ، کاریک حزب ویک طبقه نیست . انجام انقلاب ، بر اینجا رسانیدن آن ، حفظ و تحکیم و توسعه کامیابیها ای انقلاب ، کارتوده های ملیوشی مردم

است . بد ون شرکت توده های مردم انقلاب پسرانجام نمیرسد ، سقط میشود و راه برای ابقاء یا بازگشت دشمنان خلق بازمیماند . از اینروز حزب توده ایران طرف اتحاد تمام نیروهای انقلابی برای مبارزه مشترک علیه دشمنان خلق بوده و میباشد \*

اتحاد نیروهای انقلابی میهن و کوشش در تحقق این اتحاد جهت اساسی سیاست حزب توده ایران را تشکیل میدهد ولی این نتهاجاً جهت اساسی سیاست حزب توده ایران در این زمینه نیست ، جهت دیگران انتقاد و مبارزه است ، انتقاد و مبارزه با خاطر هم زندگی میان صحیح و سقیم و تشخیص درست از تاریخ رست که در نتیجه آن اتحاد عمیق میگردد و توسعه میابد . بدین ترتیب سیاست حزب توده ایران در زمینه تجمع و اتحاد نیروهای انقلابی سیاست " اتحاد و مبارزه " است که اتحاد جهت اساسی آنرا تشکیل میدهد . شاید تذکرای نکته یکباره دیگر یافی باشد که سیاست جمهوری واحد ملی ، سیاستی که در تمام طول کارزار اراد شدن و در تمام جبهه های بنظر پیروزی بسر دشمنان خلق و حتی پس از نیمه برد شدن بعنوان تحکیم و توسعه کامیابی های انقلابی دنبال میشود آنطور که تفرقه - اند ازان میخواهند و انعدام سازند ، یک سیاست گزرا و اکنیکی نیست و نمیتواند باشد \*

حزب توده ایران در اتحاد نیروهای انقلابی پیوسته استقلال خود را حفظ میکند واید هم حفظ کند . منحل شدن حزب در جمع نیروهای انقلابی ، ازدست دادن حدود و شغورها استقلال حزب بمعنى محروم ساختن طبقه کارگر از دسته پیشاهمانگ و آگاه خود و بالمال معنی کتار زدن طبقه کارگر از همین طبقه کارگر ای انتقام رسانی میباشد . همچنین تعقیب سیاست جمهوری واحد ملی بمعنی انکار و نفي مبارزه طبقاتی نیست . مبارزه طبقاتی طبقه کارگر و پیگرد توده های زحمتکش برای مشکل شدن آنها ، افزایش درجه آگاهی اجتماعی و سیاسی آنها و پیگارجی آنها غروری است . در عین حال توجه بنناه معقول محدودین شرط ضروری جلب آنها برای اتحاد و اتفاق است \*

این هنوز تمام نیست . هنگامی که از اتحاد سخن میورد باشد هدف اتحاد را مشخص کرد . باید دید مبارزه مشترک در زیرچه شعارهای مشترکی میباشد صورت گیرد و بین مبارزه چه اشکالی میتوان داد وغیره . بدیهی است در مذاکرات بین حزب توده ایران و متحدین باید حد اکثر تمدن وکذشت را بکارست بد و آنها از موضوع اصولی عقب نشست . \*

اینهاست فشرده نظریاتی که حزب مادر رزمینه سیاست جمهوری واحد آنها پیروی میکند . حال این سوال پیش می آید . آیا سیاست حزب مانع بجهة ملی همیشه درجهت صحیح سیکرد است ؟ پاسخ این سوال البته منفی است . رهبری حزب مادر و رانی پس حسماً از تاریخ میهن مانع است سیاست جمهوری واحد ملی را بدشی بمرحله عمل درآورد و در مذاکرات خود با جمهوری ملی مرتکب اشتباهاست گردید . حزب ملی سیاست خود را نسبت به جمهوری ملی و دلت آن برایست دکتر مصدق ق تحلیل کرد ، اشتباها از آن بیرون شدند ، از این اشتباها تجزیه اند وخت د رهبر توده های مردم از خود صمیمانه انتقاد نمود . حزب ما زنگنه با اشتباها خود را برای توده ها اعتراف کند باکی ندارد . اعتراض باشیاه در برای مردم نشانه صدق بودن ، جدی بودن و توده ای بودن حزب ماست . نشانه آنست که ما از نفع ملدم دفاع میکنیم و به آنها تکه داریم . همین اعتراض با اشتباها براعتتماد توده ها نسبت بحرب مامیفاید . اما ای انتها حزب مادر حوار داشت سالهای پیش از کودتاد چاراشیاه شد ه است ؟ در وطن اخیر پیرویه پس از آنکه جمهوری ملی در پیشگفت . میباشد دعوت با اتحاد در زیر شعارهای مشترک برای دفاع از حقوق و اراده های ملت ، دفاع از نفع کشور برای مردم شفغان خلق . \*

حزب مابعجرد انتشار روزنامه " مردم " در همان شماره اول " پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران بکایه عناصر ملی و ازاد یخواه ایران " را منتشر کرد که در آن از همه طبقات و مذاکرات میهن پرست دعوت شده است کهقطع نظر از عقاید مختلف بین ای مسلکی دویک جمهوری واحد برای مردمگون ساختن دیکاتوری سیاه شاه و پرقراری یک حکومت ملی گرد آیند . " کوشش در تشکیل چنین جمهوری واحدی مهترین وظیفه هرایرانی میهن پرست و شرافتندی است " ، " اعمال هرگونه سیاست نفاق و فرقه و تعلل در تشکیل این جمهوری بسود شمن مشترک است " . در همین پیام وظیفه حزب توده ایران در قالب جمهوری ملی اینکه تعیین شده :

" حزب توده ایران وظیفه مقد من خود میشمارد که در راه ایجاد چنین اتحاد ملی ...  
کلیه مساعی ممکنه را بکاربرد و برای تحقق این منظور از همچگونه نرم و کذشتی ...  
مضایقه ننماید " \*

حزب مابرای انجام این وظیفه از امکاناتی که پیش آمده واید اذعان که امکانات مابسیار محدود

است استفاده کرد و از همکاری عملی بانیروها می‌پرست چه در داخل کشور و چه در خارج ازان در ربع نوزده است. حزب ملکوئید از هرچه که مایه بروز سوگاهم در مناسبات مابا جمهوری ملی باشد پیروی نمود. ستگاه حاکمه و شاه در راه آن که از فعالیت سیاسی جمهوری ملی رضایت خاطری نداشت پیوسته در نیال بهانه میگزند که جمهوری ملی را یقینی همیسته باواسته حزب توده ایران قلده اد کند و مجوزی برای جلوگیری از فعالیت آن دست آورد. سازمان امنیت ایران برای انجام این امرحتی دست بجعل اختوار و اسناد و تحریف نوشته‌های مطبوعات جزئی ما میزند. حزب توده ایران همیشه در افقها مقاصد شوم شاه و سازمان امنیت بیاری جمهوری ملی شناخته ماتوضیحات صریح وی شبیه خود نقشه‌های این دخیلان را نقش برآورده است.

حزب توده ایران هر موقع که از طرف شاه یاد ولت دست نشاند او نسبت بحقوق و آزادیهای افراد جمهوری ملی تجویز شده فریاد خود را برای اعتراض خیغول دلت یا سازمان امنیت بلند کرده است. با اینکه روش عدد ۴۹ از هبران جمهوری ملی در قیام ماروشی نادرست و معاشران اعیان پلاس و منافع مردم ایرانست حزب توده از این رعایت احترام بالحنی دوستانه و مطمئنی این روش را مورد انتقاد قرارداده و مساعی بسیار بکار رده تا انها را از اعمال روش غیرد و سرانه و گاهی نیز خصم‌مان نسبت بحزب توده ایران یازد.

برای پیشیده نیست که جلب همکاری جمهوری ملی کارآسانی نیست، زمان میخواهد، حوصله میخواهد، سیاست دست، فعالیت داد و با تکار عمل میخواهد، شرایط عینی این همکاری نیز باید فراهم آید. بسر ما همچنین پیشیده نیست که دوستان جمهوری ملی مانیزد راین زینه با مشکلات عدیده ای روپرور استند، ولی همه این دشواریهای حزب مارا باید از کوشش در راه همکاری بازد ارد و نه دوستان جمهوری ملی مارا باید در بیراهه اند از.

### ۱- روش جمهوری ملی نسبت بحزب توده ایران

جمهوری ملی چنانچه قبل از همکاری پیکارچه، هم آهنهک و متجانس نیست، احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌هایی که در آن شرکت دارند از این خط مشی و سیاست واحدی نسبت به بسیاری از سائل سیاستی و اجتماعی و از آنجله نسبت بحزب توده ایران نیستند. در این جمهوری ملی سازمانها و شخصیت‌هایی وجود دارند که همراه بسیاری از اعضاً ساده این جمهوری با ارزشیابی اعلامیه‌های شهروای جمهوری ملی یا هیئت اجرائی آن از حزب توده ایران موافق ندارند. بنابراین وقتی ما از روش جمهوری ملی سخن میگوییم منظور آن عدم از هبران جمهوری ملی است که نظریات آنها در تشریفات رسمی جمهوری معکوس میشود.

این عدم از هبران جمهوری ملی گویایا نینجه رسیده اند که تبری از همکاری با حزب توده ایران وکیار جویش هرچه بیشتر از آن موجب میشود که دشمنان خلق بآنها بر سرمه رافتند، دست جمهوری ملی را در فعالیت بازگرداند، انتخابات را بد و نهاده دلت آغاز نمایند و دین ترتیب عده ای از هبران جمهوری ملی ب مجلس راه یابند. بیهوده نیست که اعلامیه‌های جمهوری ملی شهروای جمهوری ملی توهین آمیزه اخواوی تاخت و تاز بحزب توده ایران است. اگر واقعاً این رهبران جمهوری ملی تبری از حزب توده ایران را ویشه، عطفه شاه و دستگاه حاکمه و اربابان خارجی آنها میدانند با کمال تأسف باید گفت که انهاد رسیاست خود نسبت بد شمنان خلق د جارگاهی عقیق می‌باشدند. امروز هر فرد ساده اجتماع ماقم‌گردند که جلوگیری از فعالیت جمهوری ملی و عدم شروع انتخابات و ... نه بعنایت نزد یکی جمهوری ملی با حزب توده ایران است که فعلاً بر اثر مشی می‌باشد این عدم از هبران سخنی هم ازان نمیتواند رفت. شاه و دستگاه حاکمه که در اوضاع و احوال حاضر از هر فعالیتی که علیه خود تشخیص دهند از هنر اتحادیه و از جان هر کس که باشد جلوگیرند. عدم امکان فعالیت جمهوری ملی باین دلیل روش است که دستگاه حاکمه و در راه این شاه عمل جمهوری ملی را برخلاف مصالح و ضافع خود می‌بینند و گرنه فعالیت جمهوری ملی نیز مانند فعالیت خلیل ملکی و ارود سنه اش از پیش‌تیانی آنها برخوردار نمی‌بودند. اهانت بحزب توده ایران و هتک احترام افراد ای، افراد شرافت‌خواهی که بعنایت فعالیت خود در راه ارمانهای خلق.

بپای چویه اعدام می‌روند و باد رزند آنها بعید گاهه‌باخون جگر می‌خورند این مشکل جمهوری ملی را نیز نشاند. شاید هم غرض پیشست که با اعمال این روش حزب توده ایران را برانگیزند که نسبت بد دوستان جمهوری ملی روش نادرست در پیش گیرد و چهاره ملی بتذاذتا این عدم از هبران ازان بهره برد اری کنند. مباریان دوستان جمهوری ملی اطمینان میدهیم که ماجنیون روشی دست نخواهیم یازد. انتقاد مالازد دوستان جمهوری ملی از نقا ط ضعف، روشها و اعمال نادرست آنها هیچگاه از حد و انتقاد دوستانه بمنظور اصلاح نقصان و نیلی بوده است. خواهد رفت. مبارزه مبارزه دوستان جمهوری ملی نمیتواند شکل و مضمون مبارزه با دشمنان خلق را بخود گیرد.

است لال این عده از هبران جبهه ملی د رامتاب از تند یکی با حزب توده ایران و همکاری با آن این است که حزب توده ایران گویا ملی نیست و خط مشی و سیاست آن از سرچشمه خواستها و منافع و مصالح ملت ایران آب نمیخورد. جبهه ملی برای این امر باند ازه ای اهمیت قائل شده که آنرا در مرداد سوم قسمت دوم اساسنامه خود بصورت زیر قید نکرده است:

”ماده ه سیم - جبهه ملی با الفراد و جمعیت ها و سازمانهای وابسته بسیاست خارجی و متنکی به آنها سازش و همکاری نخواهد داشت.“

دریادی امنیت‌مرسید که این ماده شامل حال حزب توده ایران نمیشود ولی متن اسفانه ازینه ها و اعلامیه ها و مصاحبه های سخنگویان جبهه ملی معلوم میشود که تنها حزب توده ایران مشغول این ماده است و قیامت این رهبران جبهه ملی از حزب توده ایران از همایی و نظریات وحدت فعالیت آن، قضاوی است مطلقاً ذهنی و طبیعتاً واقعی و حواله تاریخ میهن مادر و روان پس از شهریور ۱۳۹۰ آن نیست.

نشریات ”شورای جبهه ملی“، ”هیئت اجرایی جبهه ملی“ و بیانات پاره ای از هبران این جبهه حزب توده ایران را به غیر ملی بودن، به اثناک و واپسگی و سیاست خارجی متهم میسازد در عین اینکه جبهه ملی را باصفت ”ملی“ توصیف میکند و هدف و آرمانهای آنرا مطبی با مصالح ملت ایران میداند. در اینجا ادعا و تهاتی وجود دارد، ولی کاضی کیست؟ البته برای هر کسی اماکن دارد که خود را ملی و یگری اغیر ملی، خود را صالح و یگری را طالح بخواند. در این میان قاضی ملت ایران است و قضاویت نهایی با او است. موقعیت حزب توده ایران در اجتماع محاکی است که مردم ایران این قضاویت را نداند و آنرا حکوم میکنند. اگر مردم ایران نظر این عده ازiran جبهه ملی را نسبت به حزب توده ایران مورد تائید قرار دهد ادنونه دستگاه حاکمه اختیاج داشت تمام نیروی خود را برای بارزه با حزب مبارکان اند ازد، نه هر روز د راین شرایط د شوار افرادی به حزب توده ایران می پیوستند و سازمانهای بنام حزب توده ایران ایجاد میکردند، ونه حتی جبهه ملی خود را مجبور میدید را نشریه خود میان خود و حزب توده ایران مزینند کند. چه کسی این حکم را می پرورد که شهد اشی نظیر خسرو روزه؟ آرسن اواسپیان، شوشتی و نظائر اشها که جان خود را در صلح کارزاریاد سعنان خلق خد اکردن ملی نیستند؟ کجا میشود باور کرد که از سه داشجوی شهید ۶ آذر که دریک سنگ مارزه علیه رژیم کود تار صحنه داشکده قنی جان سپر دند، آنکه هر دو ارجمند ملی است اوت و آند که ض裘 حزب توده ایران پرورد اند ملی نیستند؟ د وکشور چین و هند وستان پر از جنگ کدو ملی است اوت و آند که ض裘 حزب توده ایران پرورد اند ملی نیستند؟

کمونیست در راه حکومت قرار گرفت و در هنده بورزوایی ملی با عبارت د وستان جبهه ملی ”جنیش ملی اصلی“ موروز کد امیک از این د وکشور از استقلال سیاسی و اقتصادی بیشتری برخورد اراد است؟ کد امیک ”متنکی“ و ”وابسته“ به سیاست خارجی است؟ کد امیک از این د حکومت بیشتر درجهت منافع و مصالح ملی کام برداشته اند؟ توضیح بیشتر د راین مورد را ببعد موقول میکنیم چون بحث در این زمینه در مقاله حاشر نمیگجد. ولی در هر صورت به د وستان جبهه ملی پیشنهاد میکنیم که این موضوع را مورد مطالعه قرار دهد. یافتن صفت معجزه اسای ”اصلی“ و چسبانیدن آن به انتهاهی کلمات گوناگون برای توصیف آنچه که مروط بجهه ملی است د لیل برای براتات مد عانیست.

اتهام ”غیر ملی بودن“ و باسته بودن بسیاست بیگانه“ را کی از تند یک برسی کنیم. هنگامی که دولت، جبهه ملی را به همکاری با حزب توده ایران متهم میسازد اعلامیه های این جبهه از این اتهام بتعابه ”سلاخ زنگ زده“ که ازرا رنگ روبرو و بزنند و جای بخشنده“ یاد میکنند. دریک اعلامیه اینطور مینویستند: ”ولی چون بشیوه ناچوانمده اند که شته به جبهه ملی تعریض شده است و سلحنه زنگ زده و ننگین ساقی را بخ مکشیده اند . . .“ وار ”عمال تهمت زن“ د ولت گله د ازد. چگونه است که ”عمل تهمت زن“ طبقه حاکمه فاس و خائن وقتی حزب توده ایران را منتسب به بیگانه میکند حق بانهاست و جبهه ملی خود بآنها هم صد امیشود ولی در تهم حبجهه ملی آنها راه خطاطمیورند؟ آیا همین اتهام زنی عمل د ولت و شاه د لیل برحقانیت مبارزه حزب توده ایران وجبهه ملی نیست؟

و اقعاهم اتهام ”انتساب به بیگانه“ در مورد حزب توده ایران و بطور کلی در مورد احزاب کمونیست جهان سلاخی زنگ زده است که ”جلاء“ نمیبیند پر و زنگ اند د یگرها هیچ ”زنگ روغنی“ نمیبینند. د یوگاکاهی است که طبقات منحط و درحال زوال در روابط افکار مترقبی ایستاد گردیده و انها را باین عنوان

که رنگ ملی نداشتند پا برخلاف اعتقاد ات ملی مرد اند بشدت که کویده و طرد کردند. دهها سال است که در سراسر نیاطبقات حاکمه ارجاعی میگشند اینگونه وابعد سازند که احزاب کمونیست گواه احزاب ملی نیستند و عمال بیگانه اند. همین چند روز پیش بدیراول حزب کمونیست مالک متحد امریکا و یکی دیگر از هبران حزب راکه حاضر نشدند خود را "عامل بیگانه" بنامند بینند اند افکندند. در کشورهایی دیگر احزاب کمونیست را بعنوان اینهای اید ئولوژی انسانها اعتقاد اند پیش تیم خواند منح میگشند. در ایران اعضاً احزاب تدوین اند ایران را بیش از افراد مختلف سلطنت مشروطه در داد گاهها محظوظ میگشند. علی رغم تمام این اتهامات، تمام این فشارها و تضییقات، علی رغم زجر و شکجه و تعیید و اعاده افکار کمونیستی هرروز مردم جهان بیشتر تقدیم میگردند و هر تعدد اد کمونیست ها میگردند. هم اکنون در جهان قریب چهل ملیون کمونیست وجود دارد. یک سیستم جهانی سوسیالیستی پیدا آمده که یک ملیارد مرد جهان را در بر میگیرد. نیروی کمونیسم وايد ئولوژی مارکسیسم لئینیسم غله تا پذیرا سرت پیروزی نهایی از این اوست زیرا مارکسیسم لئینیسم رشد و تکامل جامعه را منعکس میسازد و کمونیست ها در رجهت حرکت تاریخی حرکت میگشند.

"دلیل" بیگانه پرستی کمونیستها از تفرقه شهناز مخالفین کمونیسم اینست که کمونیستها انتربالیست هستند و خود نیزیند ان اتفاق دارند. انتربالیست هم مخالف ناسیونالیسم، مخالف منافع و مصالح ملیست. از این صغری و کبیری نتیجه میشود که کمونیستها ملی نیستند و سخنگوی بیگانان سیاستند. این اتهام را ایران از طرف عناصری نظری شاه، امینی، اقبال و دیگران بجزب تدوین ایران زده میشود که خود مدتهاست منافق و مصالح میهن را به دارهی به بیگانان فروخته اند. آنچه که این دشمنان خلق "منافق ملی" مینامند جزو منافق شخصی اطباقی انسانیست. انسان منافق خود را بجای منافق ملت قالب میزنند. در کشورهایی که زیریوغ امپریالیسم قرار گرفته اند و مجمله دیرا ایران مصلحت ملی قبل از هر چیز وظیفه اسماً مبارزه علیه امپریالیسم بخاطرا مستقل سیاسی و اقتصادی میهن است. آیا کس میتواند ادعا کند که حزب توده ایران این وظیفه ملی را به بیشترین وجه انجام نداده است؟ سراسر حیات پر از تخاریزب مبارزه علیه امپریالیم گذشته است. این آن چیزی است که حتی دشمنان حزب مانیز انتربالیست هستند تردید بدهی نمیتوان داشت. در اینکه احزاب کمونیست و مجمله حزب تدوین ایران انتربالیست هستند تردید بدهی نمیتوان داشت ولی این ادعاهای گویا انتربالیست مخالف منافق و مصالح ملی ای است ازینه بی پایه و نادرست است. بنابراین نتیجه صغری و کبیری قبل نیز ائریا زنگنه کمونیستها ملی نیستند غلط است.

انتربالیست پرولتری چیست؟ انتربالیست سیونالیسم پرولتری کارگران جهان است از هرملتی که باشند برای مبارزه مشترک علیه سرمایه داری جهانی و علیه امپریالیسم. انتربالیست سیونالیسم پرولتری خشتنین بار توسط مارکس دریکمد و اندی سال پیش اعلام شد و شعار سیاسی ان در مخالفت با صورت "کارگران سراسر جهان متحد شود" بیان گردید. در آن دوره هنوز پرولتریاراد رهیچ گشته حکومت را در رس تست نکرده بود و مباراین کشور سوسیالیستی وجود نداشت تا بتوان کمونیست هارا "سخنگوی منافق بیگانان" و "غیرملی" شمرد.

انتربالیست سیونالیسم پرولتری هرگز پدیده ای ذهنی و درخواج از ارتباط با واقعیت نبوده و نیست. ازکل طبقاتی که از آغاز رصنه اجتماع پدیده اند تبا طبقه کارگر میتوانست انتربالیست باشد. زیرا این طبقه در وطن پدیده شد که اقتصاد کشورها، روابط اقتصاد انسانها یکدیگر رحال تبدیل بیک سیستم چنان بود. در نبال این خصلت جهانی اقتصاد، متابای دیگری نیز رزمینه فرهنگی و سیاسی میان کشورها و ملتها برقرارگردید و توسعه یافت. در چنین شرایطی عینی انتربالیست سیونالیسم کارگران ظهر کرد.

خود طبقه کارگر نیز از جمیعت و وضع اجتماعی خود نمیتوانست انتربالیست باشد زیرا از طبقه کارگران دارای مالکیت خصوصی برومائل تولید نیستند. چیزی که خود بوجب جد ای و پرور اخلاف است - و از طرف دیگر دارای منافقی که کبینه و خصوصیت زحمکشان کشورها و ملتها دیگر ابرانگیز نمیباشد. بر عکس منافق عمیق کارگران همه کشورها اتحاد انسان را علیه سرمایه داری بین المللی ایجاد میکند و نون چنین اتحادی پیروزی طبقه کارگران امکان پذیر نیست.

در شرایط کمونیستی که یک مشت انصارهای بین المللی نه تنها کارگران جهان سرمایه داری یکه تمام زحمکشان کشورهای مستعمره ووابسته را زیر سلطه اقتصادی و سیاسی خود گرفته اند اتحاد طبقه کارگر در

سرا سرجهان، توسعه و تحکیم ان برای راهی از بعوی انصارهای بین المللی بیش از بیش ضروری میگردد.  
آیا مشید کلک کارگران ایران رامثلاً پکارگران انگلستان یا مریکاد رجا زده اند انصارهای انگلیسی  
و امریکائی پدیده ناسالی شود و دن نام "بیگانه پرسنی" داد؟ آیا یاری کارگران فرانسه یا هند یا اندونزی  
پکارگران و زحمتکشان و طور کلی ملت ایران در رجا زده برای استقلال و ازادی میهن مامتواند بود انتقاد قرار گیرد؟  
آیا مشید در چنین حالتی ادعا کرد که طبقه کارگرفانسه یا هند از این کلک قصد استعمار را استعمار میهن ماراد آن?  
آیا این همبستگی و کلک تقابل با مفهوم ملی هریک از این کشورها خواست دارد؟ بدین است هیچ ترسالی به  
سئوالات فوق پاسخ نمیدهد. طبقه کارگر ای ازاد کرد دن خود از راه اجتماعی کرد دن وسائل تولید نه تنها خود  
بلکه زحمتکشان دیگر و ملتهاست راستعمره و وابسته رانیزه های می بخشند. استعما را استعمار نتیجه مالکیت سرمایه-  
داری بروسائل تولید است. با تغییر این نوع مالکیت با مالکیت اجتماعی استعما را استعما را می بود. هد  
انقلاب سوسیالیستی، نتیجه اجتناب نا پذیرنگامل جمعه سرمایه داری، طبقه کارگر بحکومت خوا  
رسانید. این انقلاب قریب ۴۵ سال پیش در کشورهایی روی داد و پس از جنگ دوم جهانی دریک رشته از کشورها  
اروپائی و آسیائی. آیا در نتیجه گیریهای پیشین در مرور طبقه کارگری که در کشوری حکومت را درست گرفته تغییر  
روی میدهد یا پایا در روی دهد؟ هیچ دلیلی برآن نمی شود اقامه کرد. بر عکس کشوری که در آن طبقه کارگر پیش از  
گردیده میتواند پایگاه نیرومندی برای پرجیدن پس از سرمایه داری جهانی و برانداختن امیریالیسم باشد. از  
اینروز است که همبستگی کارگران جهان برای حفظ آن کشور ربرا امیریالیستها و تقویت آن شدت می یابد. چنین  
پدیده ای کاملاً منطقی است و کارگران سراسرجهان از خستین کشور سوسیالیستی با همبستگی خود دفاع کردند،  
زیرا آنرا بد رستی بشهابه دولت خود مینهادند.

کشور اتحاد شوروی، کشوری که در آن برای نخستین بار طبقه کارگر حکومت فنود الها و سرمایه داران را  
سرنگون ساخت و خود در رام حکومت قرار گرفت با تحدیل شوارهها و مشقات و محرومیت های بیشمار و باری طبقه"  
کارگر سراسرجهان علی رغم هجوم امیریالیستها بعنوان پایگاه مستحکم صلح و سوسیالیسم بر جای ماند، اقتصاد  
خد را با آنکه سریع رشد داد و اکنون بیکی از وقدرت بزرگ جهانی تبدیل گردیده است. کشور شوروی از لحظه  
ماهیت خود نمیتواند مقاصد و نیتی امیریالیستی داشته باشد، کشوری است که همواره از اصل برپاری ملت ها و  
حق آنها رعیت خوب شود. فاع کرد و میکند، کشور شوروی همواره مدافع صلح جهانی بوده و اکنون نیز  
پایگاه نیرومند صلح جهانی است. انتقام امیریالیسم سخن انتقام امیریالیسم سخن" انتقام امیریالیسم سخن  
اتحاد شوروی میزند برای آنکه ما همهی آثار راظه را های مردم در گرگون جلوه دهند. اتخاذ سیاست ضد  
کمونیستی در جهت تأمیلات و نیت شوم امیریالیستها و معاشرها مصالح ملتهاست.  
پس از جنگ دوم جهانی کشورهای دیگری در جاده سوسیالیسم گام نهادند و سیستم جهانی سوتیزم  
پدید گشت. در میان کشورهای این سیستم مناسبات نوع جدید برقرار گردید که تاکنون در دنیا سابقه نداشته  
است. مناسبات میان این کشورهای این انترنا سیونالیسم پرولتاریائی استوار است زیاد رنام این کشورها حلقه  
در دست طبقه کارگر است. با این ترتیب انترنا سیونالیسم پرولتاریائی که از بیش از یکصد سال پیش در میان طبقه  
کارگر سراسرجهان پدید آمده اکنون نیز کمکان اد امداد را با این تفاوت که در عده ای از کشورهای جهان  
طبقه کارگر توفیق یافته قدرت حکومتی را درست خود گرفته است. قبل از توضیح داده شده که این انترنا سیونالیزم  
نه معا بر منافع ملتهاست و نه میتوان به پیروان آن که بیکارگران سراسرجهان و تعاصر انقلابی مدافع ارمانهای  
طبقه کارگر نیستند نام "غیرملی" یا "بیگانه پرست" داد.

### اتحاد شوروی و حزب توده ایران

دارود مته خلیل ملکی، این جیره خواران شاه و سازمان امنیت، حزب توده ایران را متمم می ساند  
که گویا این حزب "استقلال و ازادی عمل" ندارد و "مانند سایر حزب کمونیست دنیا" را بیچون و چرای سیاست  
شوروی است.

حزب توده ایران مانند هر حزب کمونیست برناه و سیاست خود را رانطباق با شرایط مشخص کشور  
ایران به پیروی از اصول مارکسیسم لنینیسم میکند ویرای تحقق این برنامه و سیاست که از برچشم منافع  
توده های خلق آب میخورد بخود توده هامatosl می شود، اینها را بارزه می کشاند و در کشاورز بخاطر از این  
از ازدی و خاطر سبود شرایط زندگی اگاهی سیاسی انها را بالامیرد. حزب مابتدوهای مردم انتکار دارد، سیاست

حزب ما از هیچ مرجعی بجز خلق و منافع آن پیروی نمیکند. اگر جزاً بود از حزب مانیز مانند سایر احزاب مزد و رو  
چیز خوار اتری بر جای نهادند و مردم را مبارزه علیه ظلم و ستم آز رایکانه امید خود نمیشمردند. معلوم نیست  
چرا احزاً ب مزد و رکشور ما که ازینگاه و عمل بیکانه دستور میگرفتند و مورد پشتیبانی کامل آنان نمیزند و دام نیاز دارد  
ولی حزب توده ایران که بقی این آقایان "دن باله روی چون و چرا مسکو" است هنوز بر جای خود باقی است و از  
پشتیبانی مردم برخوردار نیست. بستگی عمیق حزب توده ایران بطبقه کارگرد پیگرزمتکشان میهن مانه تها مغایر با  
همستگی حزب توده ایران با طبقه کارگرد را که معرفت این کشورهاینست بلکه مکلف و لازمه  
آنست، صرف نظر از اینکه طبقه کارگرد را بن کشورهاد ررا می‌حکومت باشد یا نباشد.

امروز تکامل جامعه بشر را مازده جنبش بین المللی کارگری پاس مارکیه داری جهانی با امیریالیسم تعیین  
میکند. هر بیرونی که تسبیب جنبش کارگری گردید در هر نقطه که باشد ضریه ای برپیکار امیریالیسم است و تا این در  
سایر نقاط جهان احسا میشود. از این تقویت جنبش بین المللی کارگری، افزایش نیروی مادی و معنوی اندر  
جهت تقویت نیروهای ضد امیریالیستی میهن ما و مبارزه ضد امیریالیستی ملت ایران است. بی جهت نیست که  
حزب توده ایران هر کامیابی کشورهای سوسیالیستی و احزاً که معرفت ای را با خرسنید فراوان استقبال میکند وظیفه  
خد میشمارد که پاتعام قواد را تقویت جنبش بین المللی کارگری بکوشد.

در میان احزاً که معرفت کشورهای سوسیالیستی اتحاد شوروی و حزب که معرفت آن دارای مقام  
ارجمندی است. احزاً که معرفت کشورهای سوسیالیستی اتحاد شوروی را "بنایه مجرب ترین و آبد ده ترین گردان  
جبش که معرفت اینکه این احزاً که معرفت کشورهای سوسیالیستی و احزاً که شناخته و میشناسند. این ارزشی  
احزاب که معرفت از حزب که معرفت اتحاد شوروی ازواعیات مرچشم میگرد.

نخستین واقعیت اینست که اتحاد شوروی نخستین کشوری است که انقلاب سوسیالیستی را انجام  
داده و در شرایط بسیار شوار با مقابله با مشکلات فراوان بنای سوسیالیسم را پایان رسانیده و اکنون بسوی جهان  
که معرفت روان است. تجربیات حزب که معرفت اتحاد شوروی، پیروزیها و کامیابیها این که احزاً  
که معرفت ازان می‌آورند والهم میگیرند. اکنون قریب پانزده سال است که کشورهای دیگری در راه سوسیالیسم  
گام گذارد و اندود ارادی تجاری می‌شند. احزاً که معرفت نیز همه سهم خود را در تجربیات جنبش بین المللی  
کارگری ادا کرده و میکنند ولی در هر صورت از این لحاظ هیچیک از آنها انتیتوان با حزب که معرفت اتحاد شوروی  
در ریک ترازو گذارد. همین واقعیت به تنهایی کافی است برای انکه حزب که معرفت اتحاد شوروی ازواعیات مرچشم  
آبد دیده ترین گردان پیشقاول جنبش که معرفت اتحاد شوروی ازواعیات مرچشم میگرد.

دومین واقعیت اینست که کشور اتحاد شوروی از لحاظ اقتصادی و صنعتی یک ازد و کشورهایی می‌شوند که  
است و از لحاظ قدرت نظامی نیرومند ترین کشور جهان است. ای این نیروی عظیم برای تقویت و پیشرفت جنبش  
جهانی که معرفت دارای اهمیت فراوان نیست؟

سومین واقعیت اینست که کشور اتحاد شوروی از نظر جغرافیائی مابین کشورهای "متدن" غرب و کشور  
عقب ماند شرق قرار گرفته است. این موقعیت با اتحاد شوروی امکان داده که تجربه انتقلایی کشورهای اروپایی  
غیری را کسب کند و از راست و توسعه دهد و در مورد کشورهای شرق نظریات نوی عرضه کند.

پلا آخره این واقعیت را هرگز از ایاد نبریم که وجود اتحاد شوروی و پیروزی از د رجتگ با شایش بکشور  
شرق امکان داده که خود را از زیر بار اسارت امیریالیستی هارهای بخشد و به استقلال ملی نائل آیند. بد ون وجود  
اتحاد شوروی، بد ون پیروزی از هر فاشیسم، بد ون نیروی عظیم اقتصادی و صنعتی و نظمی آن، بد ون پشتیبانی  
معنوی این کشور از جنبشها استقلال طلبانه ملی، از ازادی کشورهای مستعمره ووابسته مخفی هم نمیتوانست  
بیان آید. وجود اتحاد شوروی وسطرکلی سیستم جهانی سوسیالیسم، افزایش نیروی مادی و معنوی این کشور  
و وابسته و رانجه میهن ما ایران است. حزب توده ایران از پیروزیهای اتحاد شوروی و پیگر کشورهای سوسیالیستی  
واحرازاب که معرفت شاد و لگرم میشود.

پا توضیحات فوق مسلم است که ماهیت حکومت طبقه کارگر از رسیده با ماهیت حکومت انحصارهای امیریالیستی  
تفاوت دارد و بعیضاً این موضع حزب توده ایران نیز با این د نوع حکومت نمیتواند یکسان باشد. مناسبات  
حزب توده ایران با اتحاد شوروی و کشورهای دیگر سوسیالیستی یا بعبارت دیگر این د مستان وفاد ار خلق ایران

منابعی برادرانه است . در حالیکه حزب ملبرای اند اختن امیریالیست هرچند نبساط عمال آن در ایران با سرخشتی و پطرواشت ناپدید بود بوزمانی است در حال مبارزه است .

احزاب کمونیست دوین حفظ منابع برادرانه ازبرابری واستقلال کامل برخورد اردند همچنین در امور حزب دیگرداخله نمینماید و هرچند راه و شکال مبارزه خود را تشخیص میدهد زیرا شرایطی که احزاب مختلف در آن مبارزه میکنند بدلی متفاوت است . اعلامیه جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری مصدق در مسکو در تابستان ۱۹۶۰ با صراحت این مطلب را اراده امیکند .

" تمام احزاب مارکسیستی لنینیستی دارای استقلال حقوق مساوی میباشند ، سیاست خود را برای شرایط کنکت کشورهای خود و مبارزه اقدام اصول مارکسیستی لنینیست تبلیغ مینمایند ."

اکسیاست احزاب کمونیست دارا صول هم آنک است دلیل برآن نیست که اینها همه از یک مرکز واحد رهبری میشوند . هم آنکی سیاست احزاب کمونیست فقط و فقط ازانجاتاشی میشود که آنها همه دارای جهانگیری واحدی هستند ، همه با شتراتک و بد ون بوده بوشی اوضاع بین المللی را تحلیل مینمایند و با تفاق نظریات مشترک خود را در رسائل سیاسی مربوط بجن بش کارگری جهانی اعلام میدارند و تصمیماتی که با شتراتک گرفته میشود منتشر میسازند مضافاً براینکه اشتراک سیاست آنها ناشی از وجود تضاد حیاتی و عمیق طبقه کارگرو زحمتشان همه کشورهاست . منابع احزاب کمونیست اتحاد شوروی و حزب توده ایران نیز براین پایه استوار است .

معد لک در عملی کاهی در پاره ای سائل مشخص مواضع و حزب میتواند باشد یک گرتطبقی نکند . حزبی که دولت را در دارد و پایه روابط داری و لتها برای دیگر بد رست تنظیم کند نمیتواند سیاستش در کلیه موارد و در چنیات با حزبی که در حال پسیچ و تجهیز توده های مردم برای نیل بقدر است تعابیق نماید . مثلاً دولت اتحاد شوروی با پیروی از اصل همیزی میتواند در تبلیغ روابط دوستانه و عادی با دولتهای غیرسویسیالیستی و منجمله بادولت ایران است . ای این امریا مبنی است که حزب توده ایران باید از مبارزه علیه دستگاه حاکمه و شاهد در این امریا مبنی است که درست بزد ارد ؟ چنین نتیجه گیری بد ون شک نادرست است .

ارتجاع ایران و پشتیانان امیریالیست این چه از جهات مادی و چه از جهات فکری هنوز باشد برای سرکوس سازمانها و افراد و مرجع اید و ارزی زحمتشان و عنصر مترقبی ایران است نمیشود از صحة اجتماعی دویکد . حزب طبقه کارگر ایران و مرجع اید و ارزی زحمتشان تلاش خود را در رگرد اورد ن تیروهای ملی و از انجمله جمهبه ملی ادامه میدهد . مبارزه از راه خلق همچنان تلاش خود را در رگرد اورد ن تیروهای ملی و از انجمله جمهبه ملی ادامه میدهد . این وظیفه ای است که همچنین نیروی قدر بیلوجیکی از انجام آن نیست . مایکارد یگزار و سلطان جبهه ملی خود دعوت میکنیم که از افتادن در داد و شدنا پیوهیزند . ۱۹۶۲/۳/۱۵

## مسئله ارضی

### و پیوندش با مبارزه ضد استعماری

در کشورهای کم رشد

#### اهمیت مسئله ارضی در حل مسئله ملی

مسئله ارضی نه فقط در میهن ما ایران بلکه در همه کشورهای کم رشد یکی از جاد ترین مسائل اجتماعی-اقتصادی وسیاسی است. ازانجاگاه اکبریت مردم کشورهای کم رشد را در هقانان تشکیل مید هند بنابراین مسئله ارضی یعنی مسئله ای که قبل از همه مایه الایتلاء این اکتریه است طبعاً بصورت یک مسئله اساسی درمی آید. در کشورهای کم رشد امروز بگرانسایی کهنه قبل از سرما به داری کم ویش جای خود را بنا سایت دیگری دارد است. صنایع و بازرگانی ولو بصورت یک جانبه، کند و نا موزونی تاحد وی پیشرفت کرد ه است. بازارهای داخلی، ببها و روشنکت صنایع خانگی و هقانی، کما بیش تشكیل شده و تولید طبیعی جای خود را بولید که لایقی دارد است. رشد بیشتر بازرگانی و بیویه صنایع ایجاد میکند که قدرت خرد مردم و قبل از همه قوه پرداخت د هقانان افزایش باید، بازارهای خانلی گسترش پذیرد، قیمت مواد کشاورزی که بمنابع عقب ماندگی وسایل تولید گران است (و قیمت تولید صنعتی را بالا میرد) کاشه باید، پولهایش که بضرف سقته بازی باز میمید بجز صنایع کشیده شود. ولی این مسائل که همه شمرات روابط مالکیت دردهات است جزو با تغییر این روابط حل نمیشود. نسایات ارضی موجود امروز بصورت سدی در برآورده شدن صنایع درآمد ه است. روابط مالکیت دردهات کشورهای کم رشد و سیستم های پهنه بزرگ از ناشی رازان چنان عقب ماند ه است که بکلی قدر و سعداد از خود را برای بهبود کشاورزی د رعصر میگرد است. این روابط بهزشکالی که باشد بعلت فقد هقانان مانع مشینی و شیمایی شدن وسیع کشاورزی است. رشد کشاورزی در راین کشورهای منوط به تغییر روابط ارضی است. بطرکلی میتوان گفت که مسئله ارضی در کشورهای امروز در مسئله ای عقب ماند مهمترین مسئله اقتصادی است و حل ان در کشورهای کم رشد بضرورت برمی بدل شد ه است.

اما محل مسئله ارضی که توانم با برهم زدن روابط مالکیت درگاهات است بمنافع طبقه یاطبقات معینی از اجتماع که از این روابط پهنه مدد میگردند برخورد شدید میکند. ازانجاگاه این طبقه یاطبقات بمنابعیت اقتصادی - اجتماعی خود طبیعه حاکمه را تشکیل مید هند و ستگاه د ولی راد راخیار ارند لذا اقدار زند که در مقابل تلاش برای حل مسئله ارضی مقاومت نمایند. در هم شکستن مقاومت این طبقه یاطبقات مبارزه بسر سر قرت د ولی و در هم شکستن دستگاه د ولی یعنی مهترین مسئله سیاسی است. بنابراین مسئله ارضی نه فقط مهم ترین مسئله اقتصادی بلکه مهمترین مسئله سیاسی میگردد رکشورهای کم رشد است.

مبارزه برای د رهم شکستن طبقات حاکمه که از جمایت امپریالیسم مستقیماً برخورد ارند باین مسئله سیاسی، محتوى و شکل ملی میبخشد و مبارزه خاص در راه حل مسئله ارضی را بامارزه عمومی پرایحل مسئله ملی در هم میایزد. مسئله ملی در کشورهای عقب ماند ه تضمن یک رشته از مسائل اجتماعی - اقتصادی است که از حاکمیت مدت قدرت های استعماری وسیع احصارهای خارجی و تبدیل این کشورهای بمنابع مواد خام و کشاورزی وابسته ساختن سیاسی - اقتصادی آنها با امپریالیسم ناشی شد ه است.

مسئله ملی یعنی تسلط امپریالیسم، کلیه عوامل منفرد جامعه کشورهای عقب ماند ه (ازجمله مسئله ارضی) را تقویت کرده و خود بصورت مهترین مانع رشد این کشورها و عامل اساسی عقب ماندگی مادری و فرهنگی در این ممالک درآمد ه است. حل مسئله ملی یعنی طرد کامل امپریالیسم و ریشه کن کرد ن غنود سیاسی و اقتصادی آن در این کشورهای از افغانستان استقلال سیاسی - اقتصادی عامترین و مابه الاشتراك ترین مسائل درتمام این کشورهاست.

این کشورهاست.

بنابراین همه سائل دیگرها را هم که مانند مسئله ارضی اراده رجأ او اهمیت باشند ناجار باشد در این مسئله اساسی یعنی مسئله لی مورد بررسی قرار گیرند. حل قضیی مسئله ملی جز بالتحاد تمام نیروهای دموکراتیک تحت رهبری طبقه کارگر امکان نبوده است. یکی از مهمترین نیروهای دموکراتیک کشورهای کم رشد هقاناند و مسئله ای که مستقیماً بزرگ آنها میتوسط است مسئله ارضی است. هدف این مقاله ذکر نقش دهقانان در انقلاب دموکراتیک، طرح مسئله ارضی در رابطه با مسئله ملی در کشورهای رشد است.

دهقانان کثیر العدد ترین نیروهای اجتماعی کشورهای کم رشدند. آمار زیراين طلب را روشن میسازد

۶۰٪	مردم ۱۱ کشور امریکای جنوبی دهقان اند
۸۰٪	" ۲۱ " افریقائی "
۷۵٪	" ۱۸ " خاور میانه "
۸۰٪	" ۱۳ " آسیای جنوب شرقی "

همین امرکه دهقانان اکثریت مردم این کشورهاستند کافی است که در انقلاب دموکراتیک دهقانان مقام خاصی احرازنند و وزنه سنگینی دارند. رحل مسئله ملی بدل شوند و بانتیجه مسئله ارضی که مسئله ملیه البتلا دهقانان است نیز جای خاصی در مجموع مسئله ملی برای خود بپایان بینند.

اما فقط اهمیت دهقانان در انقلاب دموکراتیک ازان جهت نیست که دهقانان اکثریت مردم ایسین کشورها را تشکیل میدهند بلکه ازان جهت است که این اکثریت یک توده اتفاقی از مردم این کشورهاست. دهقانان بعثایت وضع مادی خود تحت آن چنان استهانی اماثی قراردارند که خود بخود آنها را دارای کاراکتر انقلابی میسازد. محرومیت از زمین، کمی فوق العاده درآمد، عقب ماندگی فنی روستاهای محرومیت از دانش، فقدان پهده است این توده عظیم را برینجربانی و محرومیت گروههای اجتماعی تبدیل کرده است. این فشار شدید دهقانان را گروه گروه بگذاری، به بیطریهای گوکاگو و به مرگ و میر میکشاند. جمعیت ماد اسلامکاره ۵۰ سال حکومت استعمرات فرانسه ازده میلیون به ۴/۵ میلیون تقلیل پیدا کرد. جمعیت تکوی فرانسه که در واخر قرن ۱۹ در حدود ۱۲۱۵ میلیون نفر بود، در سال ۱۹۲۱ به ۱۸/۳ میلیون نفر رسید (۱). این تقلیل جمعیت مرگ و میر سریع قبل از همه دامنگیر دهقانان است. آمار زیرمگ و میرسالانه کوکان را در برخی از این کشورها نشان میدهد:

کنگو	۵۰٪
لیبریا	۳۷٪
لیبی	۳۰٪
نیجریه	۵۰٪ در نیجریه ۸۰٪ مردم بمالاریا بابتلاه استند.

بیسواند از خصوصیات این کشورهای عقب مانده است. گوجه امری درست نیست که بتواند اینکو را در ریاضان دهقانان نشان دهد ولی همان رقم کلی بیسواند با توجه بانکه اکثریت مردم دهقان اند نشان دهدند واقعیت وحشت‌ناکی از عقب مادی که فرهنگی دهقانان را کشورهای کم رشد است. این رقم در بعضی از کشورها مانند اندونزی به ۹٪ و در برخی از کشورهای دیگر مانند لیبریا و تانزانیا که ۹٪ و در کنگو به ۹۷٪ و در گینه و کامرون به ۹۹٪ میرسد. راه د ریاضان گوجه ظاهر از قدر بیسواند بطور کلی ۷۵٪ قلمداد میگردد و لیر قدر بیسواند در رد هدایت ایران ازان میزان پیراتی بیشتر در حدود ۹۹٪ میباشد.

در اراده دهقانان کشورهای کم رشد نیز بخوبی قابل مقایسه ای از در اراده متوسط مردم همان کشورها میباشد. در ایران در اراده متوسط سالانه طبق آمارهای سازمان ملل متفق در حدود ۸۵٪ لار در سال است. در حالیکه در اراده متوسط سرانه دهقانان از ۱۶/۵ د لار در سال متوجه زنیست.

این وضع تا هنجره دهقانان طبیعتاً آنان را خود بخود انقلابی میسازد. کمیت دهقانان در ترکیب باکیفیت انسان سبب میگردد که در انقلاب دموکراتیک این انسانه کمیته فقط نیروی مهندس بلکه نیروی انسانی

انقلاب باشند (۱) .

ارتش انقلاب از میان ده قاتان سربازگیری میکند و این ده قاتانند که بانی روی خود و چنین خود حل مسئله ملی و انقلاب را ممکن میسازند . واژان با لاتر انقلاب ماهیت اخصلت ارضی (د هقاتی) میبخشد . شرط حل مسئله ملی در تمام کشورهای عقب مانده چنین ده قاتانی و حرکت در آمدن این نیروی اساسی انقلاب میباشد .

ولی باید دید که مفهوم چنین ده قاتانی چیست ؟

برای توضیح این مطلب باید گفت ده قاتان با آنکه مهمترین و اساسی ترین نیروی انقلابند معهدها بعثت پس از شیوه زندگی خود روضعی قرار ندارند که خود به آزاد کرد ن خویشید و رهبری از خارج موفق شوند . نهضت های ده قاتانی که بد ون رهبری از خارج (خارج از ده قاتان ) انجام گرفته است ، همه محلی ، خود بخودی بد ون درون طبقه ای روشند و بد ون نتیجه اساسی بوده است . در کشورهای عقب مانده این نیروی خارجی که باید رهبری ده قاتان را بعهد کند نمیتواند بوزیر از ملی باشد . بوزیر از ملی در این کشورها با روابطی که خود با زمین دارد و نهادهای داشت که استشارگراست در حل مسئله ارضی بنفع ده قاتان و جلب این نیروی عظیم برای حل مسئله ملی د چارت دید ، نوسان و حتی سارش و خیانت میشود و نمیتواند در مقام رهبری ده قاتان مسئله ملی و مسئله ارضی را بطور قاطع حل نماید .

ایجاد ورش پرولتاریا در کشورهای کم رشد حداده ای تاریخی د رزنده گی ده قاتان بود . پرولتاریا چه از لحاظ ذهنی وجه بطور عینی علاقمند بحل قاطع مسئله ملی و ارضی است . پرولتاریا بمالکیت ارضی علاقه ندارد و خود زیر فشار مالکین است و از مزد ناچیز خود باید خرد و سائل زندگی خواهد داشت ، اینکه بمالکین مبیند ازد . از طرف دیگر پرولتاریا مالک نیست و مانند بوزیر از ملی بخلاف اینکه مالکیت خود در مسئله براند اختن مالکیت ارضی د چار تردید نمیگردد . بنابراین پرولتاریا بتمدن نیوویش است که قادر بحل مسئله ارضی بنفع ده قاتان است . اما پرولتاریا هنگامی قادر بحل مسئله ارضی است که سرکرد گی انقلاب ملی را بعهد داده باشد . این سرکرد گی نیز جز در میای اتحاد با انبوه ده قاتان یعنی جز بادرد است داشتن نیروی اساسی انقلاب بست نمیاید . جلب این نیروی ده قاتانی بد ون آنکه پرولتاریا برناهه ارضی قاطع و پیگیری داشته باشد هرای انجام ان باتعلم قواکوش کند ممکن نیست . بنابراین مسئله باین قرار است : حل مسئله ملی در کشورهای کم رشد منوط بسرکرد گی پرولتاریا سرکرد گی پرولتاریا منوط با تحدید باده قاتان ، اتحاد باده قاتان منوط به درست داشتن یک برنامه ارضی عمیق از طرف پرولتاریا است . در قطعه نامه پنجم هفتگی کمینترن موخر نوامبر ۱۹۲۱ بحق دراین زمینه چنین گفته شده است :

"اگر پرولتاریا برناهه ارضی نداشته باشد قادر بحل ده قاتان بپماره "انقلابی نخواهد بود و سرکرد گی خود را در انقلاب ملی ازدی بخشن ازد ست خواهد داد ."

اگر پرولتاریا سرکرد گی خود را در انقلاب ملی ازد ست بد هد ، انقلاب بهده فهای خود نخواهد رسید و ضمن سارش بانی رویهای ارتقای ای امام پیامبر مصطفی ناچار ناقص خواهد ماند . از همین جاست که مسئله ده قاتان و مسئله ارضی در انقلاب ملی باز هم جای مهمتر را تاختان میکند زیرا از لحاظ ماهوی این مسئله برای پرولتاریا مسئله سرکرد گی پرای انقلاب ملی مسئله شکست یا پیروزی است . بهمین جهت بررسی رابطه مسئله ارضی و مسئله ملی و تعیین موضع ده قاتان (برحسب چگونگی مسئله ارضی ) در مسئله ملی برای پرولتاریا در ای اهمیت درجه اول است .

گروه بندی کشورهای کم رشد از لحاظ رابطه مسئله ارضی با مسئله ملی

برای بررسی رابطه مسئله ارضی و مسئله ملی قبل از هر چیز بررسی روابط مالکیت در رومتاها کشورهای عقب مانده ضروری است .

روابط مالکیت در کشورهای کم رشد با وجود محرومیت و فقدان وعوب مانده گی کشاورزی یکسان نیست . هر یک از کشورهای عقب مانده دارای خصوصیات معینی است که آنرا از کشورهای دیگر مشخص میسازد . بهمین

(۱) رجوع شود به آثار منتخب مأوثقه توئنگ ، جلد ۳ صفحه ۱۶۳ ، برلن ۱۹۰۶ و انتونیونو زخیمنس ، رفرم ارضی در کوبا صفحه ۲۴ ، چاپ المانی ، برلن ۱۹۶۱

دلیل بررسی دقيق مسئله ارضی درکشورهای معین وظیفه است که بحضور رئیسین سرکردگی خود در انقلاب و حل مسئله ملی در عهد حزب طبقه کارگر همان کشور است .  
از لحاظ روابط مالکیت ، سیاست بهره داری کشاورزی ، وضع دهقانان و ساختمان اجتماعی و طبقه ده ما نتیجه موضع گیرید هقانان در حل مسئله ملی بیتوان کشورهای کم رشد را بسیار بزرگ تقسیم کرد :  
گروه اول کشورهایی که مالکیت ارضی بطور عدد د درست مالکین همان کشور متمرکز است .  
گروه دوم کشورهایی که در آن مالکیت خصوصی مالکین شکل عده مالکیت ارضی راشکل نمیدهد .  
گروه سوم کشورهایی که انحصارها ، افراد و کارفمایان خارجی قسمی با قسمت مهمی از اراضی را در انحصار خوددارند .

برحسب این روابط مالکیت ، مسئله ارضی نیز رهبری ازمه گروه ازکشورهای تامرد و شکل خاصی بخود میگیرد که از مسئله ارضی در گروه های د یگر شخص است روابط مسئله ارضی نیز با مسئله ملی بهمین مناسبت در رهبری از گروه د یگر متمایز میشود . ذیل این راهنمایی مخصوصی در این زمینه میتوان اینم :  
**۱- گروه اول کشورهایی که مالکیت ارضی بطور عدد د درست مالکین همان کشور متمرکز است .**

در این کشورهای انحصار مالکیت درست مالکین خصوصی همان کشور قاره ارد و هقانان مستقیماً توسط مالکین محلی استشار میشوند . در این کشورهای هقانان در مبارزه خود مستقیماً مقابل مالکین قراردارند . خصوصیت اساسی روابط ارضی در این کشورهای انحصار ارضی درست مالکین و محرومیت تولد و هقانان از زمین میباشد . جدول زیر نشان میدهد که چگونه قسمت عده اراضی در این کشورهای درست مالکین متمرکز است :

کشور	سال	درصد اراضی متعلق به مالکین
مصر	۱۹۵۱	% ۶۶
لبنان		% ۵۰
سوریه	۱۹۵۸	% ۷۰
افغانستان	۱۹۵۸	% ۸۰
ایران	۱۹۶۰	% ۸۵
هند وستان	۱۹۴۹	% ۷۰
عراق	۱۹۵۸	% ۸۰
پاکستان و قرقیز		% ۷۰
ارمنستان		% ۷۵

این درصد عظیم اراضی درست عده معدودی مالک متمرکز است . برای مثال کافی است گفته شود که ۶۶٪ اراضی مصر متعلق به ۱/۷ کسانی بود که با فلاحت سروکاره اشتند . در ایران ۸۰٪ اراضی متعلق به ۲٪ کسانی است که با فلاحت سروکاره ارند . در سوریه ۸۰۰۰ نفر مالک ۱٪ اراضی را را ختیار ارند . در لبنان فقط ۱۷۰ مالک ۵۰٪ اراضی را صاحب اند و در هند وستان ۲٪ کسانی که بکشاورزی مربوط اند دارای ۷۵٪ اراضی اند .

این پیکره هاد یگراحتیاج بتوضیح ندارد و از انحصار مالکین برروز میمین حکایت مینماید . ولی آنچه انحصار مالکین را در این کشورها بطور عده از انحصار مالکین از کشورهای سرمهایه داری اروپا شخص میسازد آنست که در این کشورهای معمولاً انحصار ارضی مالکین توسط انحصار یگر تکمیل میشود و موقعیت مالکین را از یک طرف حکم ریوپوشد هقانان را از طرف دیگر تروپشاد بین مالکین وزارعین را تشید مینماید . در این کشورهای مالکین غیر از انحصار ارضی دارای انحصار بریکی دیگر از وسائل تولید مثلاً دام ورز یا آب نیزه استند . در ایران ۹۹٪ منابع آب درست مالکین متمرکز است . در آرمنستان ۴۵٪ دام هاد درست ۵۰۰۰ مالک میباشد . با این ترتیب در این کشورهای میتوان ازانحصار و گانه مالکین برزمین و آب یازمین و دام صحبت کرد . در قطب دیگر این جریان دهقانانی که از زمین و آب یازمین و دام محرومند قراردارند . این به عظیم دهقانان بی زمین و کم زمین شاخص اساسی کشاورزی این کشورهاست . کافی است گفته شود که فقط دهقانان

بی زمین د راین کشورهابخودی خود اکثریت د هقاتان را تشکیل مید هند . جد ول زیراين مسئله را روشن تر نشان مید هد (۱) :

درصد هقاتان بی زمین	کشور
% ۷۰	برزیل
% ۸۳	ویزیل
% ۹۰	کلمبیا
% ۹۰	پاراگوئه
% ۸۰	پرو
% ۷۰	اورگوئه
% ۷۰	اکادور
% ۷۱ / ۵	شیلی
% ۷۳	هند وستان
% ۶۶	سوریه
% ۸۵	عراق
% ۶۰	ایران
% ۸۰	تونس
% ۶۰	مراکش
% ۷۵	مصر

اگررقم د هقاتان کم زمین نسیز باين ارقام اضافه شود آنوقت ملاحظه میشود که توده د هقاتان بی زمین وکم زمین که درصد بزرگر اشکیل مید هند . برای اینکه کافی است گفته شود % ۸۳ د هقاتان ایران بی زمین وکم زمین اند .

محرومیت د هقاتان از زمین موجب بالارفتن تقاضابرای بدست اورد ن یک قطعه زمین میگرد د . این وضع بمالکین موقعیت ها سبی برای تحمل شرایط سنگین بد هقاتان واستثمار سبعانه اینها ارزانی میدارد . مالکین در مقابل زمین واب و دام وسا برعامل کشاورزی که در اختیار د هقاتان میگذرند دریج سنگینی از اینها تقاضا مینمایند . این ربح بصورت جنسی پود اخت میشود و قسمت عدد ۵ محصول د هقاتان را در مریگید .

جد ول زیرمیزان این ربح را در کشورهای مختلف مشخص میسازد (۲) .

پود اخت قسمت عدد ۵ محصول بمالکین حب فروتنگستی شد بد د هقاتان میگردد . بطوريکه د هقاتان برای ادامه تولید و برای رهائی خود از چنگ گرسنگی ناچار بستراحت هستند . این استقرار خود را برش ایضان شیوه باانکی در کشورهای کم رشد بطورو عدد از مالکین بحق میاید . محرومیت وتنگستی د هقاتان د راین کشورهای سلسله عمومی است و همین جهت قسمت عدد د هقاتان مقر وضند و میزان این وام از درآمد سالیانه آنها نیز تجاوز است .

در سیلان % ۷۳ د هقاتان مقر وضند د رفلسطین در سال ۱۹۳۰ هارد هقاتان بطورو متوسط ۲۷ لیره بد هکار بود و این مبلغ بر ارد را بد متوجه اهالی (ند هقاتان ) د رفلسطین میاشد . ربح که با بیت این اعتبار مالکین در رفاقت میدارند ، فوق العاده منگین است . این ربح در برخی کشورهای مختلف بشرح زیراست (۳) :

ایران	تا	% ۱۰۰
سوریه	"	% ۱۰۰
خاورمیانه	"	% ۲۰۰
فیلیپین	"	% ۴۰۰

درصد محصول که بعنوان ربح بمالک پود اخت میگردد	کشور
% ۷۵	سوریه
% ۷۵	عراق
% ۸۰ - ۵۰	لبنان
% ۸۰ - ۳۳	ایران
% ۷۵	ترکیه
% ۷۵	پاکستان
% ۹۰ - ۸۰	لبی
% ۸۰	مراکش
% ۷۵	تونس
% ۵۰ - ۳۰	برزیل

سیستم بهره برداری د راین کشورهای تحت هر تماهي که در محل خوانده شود همانست که مارکن نیمه اجاره داری اصطلاح کرد ا است . در راین سیستم مالک غیر از زمین قسمتی از وسائل کار و د هقاتان غیر از کار قسمت د یک رو سائل کار را تأمین میگردد . سپس محصول در هر کشورهای نسبتی ای معین بین مالک و د هقاتان تقسیم میگردد .

(۱) از کتاب "کشورهای جهان" بربن ۱۹۶۰ و "فرهنگ کشورهای منتشره در رالمان غربی .

(۲) از همان دو کتاب

(۳) از مجله "علم اقتصاد" چاپ برلن شماره ۱۹۵۸/۱ و "کشورهای جهان"

این سیستم را در ایران مزارعه، در سرمه مراجعته، در مرکش خام میخوانند. در این سیستم مالک نه فقط بعنوان مالک سهمی از محصول را طالبه میکند بلکه بعنوان صاحب قسمتی از موائل کارکه در اختیار دهقان قرارداد است نیز بح معنی دریافت میدارد:

این بح در ایران بابت وسائل مختلف بشرح زیراست:

بابت آب	۳۶۰	تا ۱۰۰%
" بذر (درا راضی آبی)	۳۰۰	" ۹۰%
" بذر (درا راضی دیعی)	۵۰	" ۱۰۰%
" دام و زر	۱۴	" ۳۰%

بح سنگین فوق بصورت جنسی از محصول دهقانان دریافت میگردد.

اما در هفغان نیز راین سیستم به فقط بعنوان کارخود بلکه بعنوان صاحب قسمتی از موائل کارنیز قسمتی از محصول را طالبه میکند. این سیستم که از طرف مارکس سیستم گذرا فقود ایسم بسماهه داری خوانده شده است در این کشورها بصورت نمونه واری دیده میشود.

رشد تولید کالاشی در این کشورها مخصوص تویل کالاشی سرماهه داری دیگر راین کشورها محصول کشاورزی را پاکاً اندیشیده است. مالکین در این برومه رشد سرماهه داری شغل تازه ای نیز میباشد. یعنی گذشته از مالک زمین و وام دهنده وسائل کار بصورت فروشنده اساسی محصول کشاورزی نیزه می آیند.

این امرنه فقط از آنچه است که مالکین سیستم عدد محصول را در اینها شند بلکه ازان جهت است که رابطه دهقان بازار فرقی العاده مشکل است. کرایه حمل و نقل در این کشورها نقد رسنگین است که برای دهقان مقرن بصوره نیست که مازاد ناچیز خود را بایار حقوق نماید. برای انکه ثمنه ای از منگنه کی را بایه حمل و نقل درست باشد یک مثال می اوریم. حمل یک تن جود رسال ۱۹۵۳ از الجزیره تا لاداکیا (د و منطقه در سرمه) در حدود ۵۰ لیره سرمه ای یعنی معادل قیمت تولید یک تن جوده. مالکین از این اشکال دهقانان استفاده میکنند و مازاد محصول انها را بقیت ناچیز خود و بعنوان صاحب انصاصاری محصول کشاورزی در بازارهای ایند. گرانی اجاره زمین، بالایودن نزد روحی که مالکین از دهقانان بابت وسائل مختلف کشاورزی دریافت میدارند خود بخود دهقانان را فقیر میسازد. پسوند روابطه سرماهه داری برای براین روابطه نیمه فقود الهی جذب محصول بازار از قردن دهقانان را شدیده مینماید.

یکی از خصوصیات اساسی کشاورزی این دسهه از کشورها تعب ماندگی آن است. فقره دهقانان بحدی است که بهبود کشاورزی را از طرف انتها محال میگردند. ولی مالکین نیز بهبود اسلوب کشاورزی علاوه ندارند. ارزانی نیزی کاربران ازه ایست که کارست ماشین را برای مالکین مقرن بصوره نیمسازد. بطورکلی میتوان گفت سیستمهای نیمه اجاره داری در دل خود عامل رونق کشاورزی را نمیتوانند پرورش دهند. قب ماندگی کشاورز از این طرف و افزایش جمعیت کشورهای کم رشد از طرف دیگر تدریج مسئله دیگری بنام "مسئله تغذیه" را به دنبال خود بوجود میآورد. کافی است گفته شود که جمعیت خاور میانه از سالهای ۱۹۴۲/۳۸ تا ۱۹۵۳/۱۵ میان طی ۲۰ سال تقریباً ۴۵٪ افزایش یافته در حالیکه محصول گندم (محصول اساسی این کشورها) طن همین مدت فقط ۳۸٪ افزایش یافته است (۱).

حل مسئله ارضی یعنی پر طرف کرن دفعه عمومی و گسترش بازار داخلی. حل مسئله تغذیه دهقان نیز بعنوان کشاوره ای از زمین بردن انحصار مالکیت ممکن نیست. ولی مالکین در این کشورها بایند های گوگون با امیری ایسم وابسته اند. تسلط مالکین که موجب عقب ماندگی این کشورهاست بطورکلی مورد تائید امیری ایسم است، زیرا عقب ماندگی زمینه مساعد برای فعالیتهای استعماری و تبدیل این کشورهای منابع تا مین مواد خام و کشاورزی میگردد. تعریز شوت درست مالکین، افزایش جمعیت و دم تعداد آن بارشد محصول کشاورزی موجب میشود که ترکیب واردات این کشورها نویع تنظیم گردد که بنفع امیری ایسم باشد (واردات لوکس، واردات مواد کشاورزی). ازان گذشته شوت درست مالکین آنقدر رمترکزا است که ناجار مالکین قسمتی از این ایانکهای خارجی منتقل مینمایند. هلا شاه ساق طی ۵ مال د رخد و دیکم میلیون

K. Nader, Charakteristische Merkmale der Landwirtschaft im Mittleren Osten. "Wirtschaftswissenschaft" 1959/6 S.896 (1)

د لار ریانکهای خارجی بود یعنی سپود (۱)

این سرمایه های کلان بارد پیگاز طریق صد یو سرما یه خارجی بصورت "کلت" بکشورهای کم رشد باز میگردند همان‌ها وابستگی این کشورهای امیریا لیسم حکمتر نمینماید. بنابراین امیریا لیسم بحفظ مالکین و منابع عقب ماند و در ده علاوه است و البته مالکین نیز حمایت امیریا لیسم را استقبال مینمایند. گذشته ازانه منافع مالکین در غارت مرد م با منافع امیریا لیسم در این زمینه میکسان است اصولاً مالکین بد و حمایت امیریا لیسم میتوانند. نهضتها د هفقاتی در این دسته از کشورهای وضعی مالکین را تزلزل کرد ه است، توصیه اد امام غارتگر نیستند. نهضتها د هفقاتی این وضع را خیلی ساخته است بطوریکه مالکین بد و حمایت امیریا لیسم و بد و پشتیانی سیاسی، اقتصادی و نظامی آنها قادر را حفظ موقعیت خود نیستند و بر عکس امیریا لیسم نیز بد و حفظ مالکین قادر باید راه تسلط خود را در ان کشورهای نیست. ایران و ترکیه نهونه هائی از این کشورها هستند. چین سابق نیز نهونه دیگر از این کشورها بود.

در این کشورهای اصل مسئله ارضی بد و برکاری مالکین و برکاری مالکین بد و امیریا لیسم و بر عکس ممکن نیست. حل مسئله ارضی یعنی طرد مالکین منوط بحل مسئله ملی یعنی طرد امیریا لیسم و حل مسئله ملی یعنی طرد امیریا لیسم منوط بحل مسئله ارضی یعنی طرد امیریا لیسم و حل مسئله ملی راجباره د هفقاتی علیه مالکین مشخص می‌سازد. این راجباره د رای خصلت کلی است زیرا جنگ د هفقاتی علیه مالکین در عین حال راجباره ضد امیریا لیستی است. در این دسته از کشورهای سیاسی انقلاب راجباره د هفقاتی خصلت د رای خصلت د هفقاتی است. بهمین جهت در این دسته از کشورهای ارضی جزو اساسی مسئله ملی است. در این کشورهای تجهیزه شکل د هفقاتی تحت رهبری خود تواحد توائیست سرکردگی خود را اول برای پرولتاریاست. پرولتاریاست و تجهیزه د هفقاتی سیاسی انقلاب د رای اهمیت درجه د رانقلاب تاً مین نماید و بد و سرکردگی پرولتاریاء، انقلاب به نتیجه تخواهد رسید و مسئله ملی و ارضی حمل تخواهد شد.

## ۲- کشورهایی که در آنها مالکیت خصوصی شکل عدد مالکیت نیست

دسته دوم کشورهایی هستند که مالکیت ارضی متعلق به مالکین خصوصی نیست. این گروه شامل آن کشورهای افریقائی است که هنوز مالکیت مشاعر د هفقاتی برزمن شکل سلطنت را بده ارضی است و در این کشورهای ساله رئیس قبیله که منتخب د هفقاتی است اراضی رایین اعضاً قبیله برای زراعت تقسیم مینماید. اراضی محدود مزروعی از یکطرف و افزایش جمعیت از ادارف دیگر موجب میگردد که بذریح اراضی که در اختیار هر فرد قدر میگیرد محدود و ترکیبد. مثلاً در سودان سابق فرانسه بهره‌وضویله سالیانه فقط یک هکتاژن میرسید و در اراضی جنگلی این سهم از یک هکتاژن کمتر بود. در موزامبیک سه هکتاژن قبیله در حدود ۱/۷۵ هکتاراست. وسائل تولید قابل فوق العاده بد وی است بطوریکه بان وسائل حداقتی قادر نیست همین مقدار از زمین ناچیز نیز میباشد و محصولی ده از این اراضی بد است می‌اید نیز فوق العاده ناجیزاً است. کافی است متن کرشیم که در رسال ۱۹۰۴ مخصوص هر هکتاژن و سگرم (Sogram) در سودان فرانسه در حدود ۴۸ کیلوگرم بود. این محصول ناچیز فقط آنقدر هست که حد اقل نیازمندی د هفقاتی راکم و پیش تاً مین نماید. د هفقاتی در چینیں وضعی قسمت عدد محصول را بصریف شخی خود میرسانند. در روذ زیای شماری ۸۷٪ مخصوص بتصرف شخصی د هفقاتی میرسد. در این دسته از کشورهای قرق د هفقاتی که ناشی از تکلیک عقب مانده کشاورزی و اقتصادی طبیعی است یک مسئله عمومی میباشد.

در این کشورهای افریش جمعیت و تقلیل محصول د رهبر کارویاننتیجه کم شدن داعی عواید د هفقاتی بچشم میخورد. مثلاً رسال ۱۹۵۰ مخصوص هر هکتاژن در گینه در حدود ۲۴ کیلوگرم بود در حالیکه متوسط محصول برخ از هر هکتاژ رسالهای ۵۱/۱۹۰۴ در حدود ۵۰ کیلوگرم بود ه است. اگر در نظر گیریم که در همین حدت جمعیت گینه ۱۱٪ افزایش یافته است آنوقت بقدر عیوبی که د امنگیرد هفقاتی گینه بود متوجه خواهیم شد.

از همترین خصوصیات کشاورزی این دسته از کشورهای افق انان مالکیت خصوصی است. گرچه رئیس قبیله د رای اختیارات معین مذهبی است که بذریح برای وی قدرت سیاسی - اقتصادی تاً مین کرد ه است

مهد ارعیس قبیله نیز بد ون موافق اعضای قبیله حق فروش اراضی راندارد.

استعمارگران از همان آغاز کار میکوشیدند که در این روستاهای برای خود جای پائی باز کنند و پایگاه اجتماعی فراهم نمایند. یکی از راههایش که برای بدست آوردن این پایگاه از طرف استعمارگران اعمال شد لغو انتخابی بودن رئیس قبیله و تعیین رئیس ایشان برای قبایل از طرف خود شان بود. این روئیس انتصابی که در حقیقت عمال استعمارگران دردهات بودند در مقابل "کارهای محله" اراضی قبیله "مزدی" بصورت جنسی دریافت میکردند. این "مزد" بر عکس سهم روئیس انتخابی (که ساوه با همان دهستان دیگر بود) به مراتب بالاتر از سهم متوسط دهستان بود. باین ترتیب با حفظ امپریالیسم دردهات افریقا عواملی وجود آمدند که برای اراضی قبیله بیکانه بودند و همراه خود یکنون استثماردهات وارد کردند و کشاورزی عمومی دهات این دسته از کشورها که تا از زمان برمیانی منشاء (کون) استوار بود و استثمارهای آن راه نداشت بدتر بیچ بیک سیستم دیگری که بنام "سیستم ریاست" معروف است تبدیل شد. ضمن اینکه رئیس مالک نبود ولی بعلت وضع خاص خود وعوایدی که بیش از عواید اراضی قبیله بود میتوانست مالک گردد.

این جریان در گینه قبل از استقلال بخوبی ملاحظه میشدند. در ایام قبل از استقلال در نواحی از گینه مانند "فوتابالن"، "سوسو" و "باکا" بدرج الکیت خصوصی ملاحظه میگردند. عواید این روئیس مالاد گینه ماهیانه برابر ۷۵ تا یکصد هزار فرانک افزایشی بود. رحایلکه عواید دهستان اندک از ۹۰۰۰ روئیس مالاد گینه تجاوز نمیکرد. این اضافه در آمد روئیس که ناشی از استثمارهای دهستان است نوعی سهره فیضی است. این سیستم منحصره گننه نبود، در کشورهای دیگر افزایشی نیز "سیستم ریاست" دیده میشود. شلا در کنوازه ۹۴ واحد کشاورزی قبیله ای، در حدود ۴۵ واحد بر اساس سیستم ذکور رفاقت اداره میگردد. این روئیس در حقیقت عامل فشاریده دهستان و پایگاهی برای تسلط امپریالیسم دردهات بشمار میایند.

یکی از مهمترین جزو مسئله ارضی در این دسته از کشورهای مبارزه علیه "سیستم ریاست" و ترد روئیس از زندگی کشاورزی است. طرد این روئیس از حفاظت مستقیم استعمارگران برخورد ارنز جنباطرد استعمارگران مقدور پیش است.

سیستم کشاورزی کوئنی در این دسته از کشورهای بانفوذ امپریالیسم ورشد روابط تولیدی کالائی دستخوازی نزدیک بود و مصیری را طی مینماید که منجر بانحلال آن میگردد. این جریان در تمام این کشورهای برجه مساوی رشد نمکد است ولی انقدر هست که بدرج ریج کوئنیانه فقط برای مصرف شخصی افراد قبیله بلکه تاحد وی (لوسو بسیارنا چیز) برای بازار تولید میکنند. در برخی از کشورهای افریقایی این پروسه پیشرفت قابل توجهی کرده است. مثلاً روزا میک غیر از تولید مانیوک و ذرت که عدد ترین محصول غذائی مردم است، بدرج ریج تولید محصولات صادر راتی مانند پنجه نیز رایج گشته است بطوریکه امروز ۴۰٪ محصولات صادر راتی روزا میک را کشاورزی محلی تأمین مینماید.

در غنا پرسه مزبور پیشرفت بیشتری کرده است. در سال ۱۹۰۵ فقط صادرات کشاورزی بالغ بر ۷۶/۱ میلیون دلار بود که ۱۵/۰ میلیون دلار از اصدارات کاکائوآئین میشد. یعنی کاکائو ۹/۸٪ صادرات رات کشاورزی غغار اشکنیکی میدهد. توسعه تولید برای بازار در این کشورهای باقیمت کاکائو از تولید مصرفی انجام میگیرد بطوریکه برای تأمین صرف ضروری خود ناجار از وارد کردن حصول کشاورزی هستند. این واقعیت هم اکثر این کشورها از جمله کامرون و غنا ملاحظه میشود. در کامرون و غنا هر ساله مقدار معمتایی گندم برای صرف مردم و از میگردد. این جریان یعنی افزایش تولید برای بازار و صادرات بدرج ریج این کشورهای برابیش بیازارجهانی سرمایه داری و باسته میمازد و تعامی اقتصاد آنها را تحت تسلط این بازارهای خود تحت تسلط انحصارهای امپریالیستی است قرار میدهد. نوسان قیتها در بازارجهانی مبنوش است این کشورهای دارای اختیار میکرند. نگاهی به ارقام زیکه نوسان قیمت کاکائو در رسالهای مختلف نشان میدهد میمین این مطلب است که چطور سرونشست کاکائو کاران مثلاً غنا و مجموعه اقتصاد این کشورها بین نوسانات وابسته است.

قیمت یک تن کاکائو در رسالهای مختلف در بازارجهانی (۱)

۱۹۲۰	۱۹۲۷	۱۹۳۰	۱۹۳۳	۱۹۴۰/۱۹۴۵	۱۹۵۰	(۱) ژاک بوئن "غنا"
۱۹	"	"	"	"	"	صفحه ۳۸ میکو
"	۱۳	"	"	"	"	۱۹۱۰
"	"	۵۰۰	"	"	"	صفحه ۳۸ میکو

برای این کشورهای اشد ن از از ارجهانی سرمایه داری و طرد سیستم کشت واحد جزء مهمن از مسئله ارضی را تشکیل میدهد. اما این امر جز باطرد امیریالیم مقدور نیست یعنی حل این قسمت از مسئله ارضی نیز منوط بحل مسئله مملی است.

باتغییر ساختمان تولید کشاورزی بتد ریج ساختمان اجتماعی دهات نیز تغییر میپذیرد. با ایجاد روا کالاشی و تعریف پول درستهای معدود بتد ریج شرایط جد اشد ن این اشخاص از اسایر افراد کوچ فراهم می آید و هرگاه آنها کسب مو قعیت اجتماعی جدیدی را مقدوم میسازد. این اشخاص میتوانند بتد ریج اراضی زیاد تری را بدست آورند و چون خود با تفاوت خانواده شان قادر برگشت این اراضی نیستند ناچار از استعمار یگرد هقانان میباشد. این جریان که برای ده شاعر (کمون) آناشناس تئیجه قطعی نفوذ سرمایه داری در کمونهاست و همچنانست که تبد ریج شرایط انحلال کوشوار افراد میکند.

جریان تجزیه کمونهای امیوان در کشورهای مختلف افریقایی ملاحظه کرد. مثلاً در ماد اسکار هر لیکار افراد قبیله میتوانستند حد اکثر رحد دیگر واحد زمین بمساحت ۷/۰۵ هکتار رسال بدست آورند و کشت و زرع، نمایند. ولی امروز در ماد اسکار ۲۵۰۰ واحد کشاورزی وجود دارد که هر لیک ۵ هکتار مساحت ارزند و چند صد واحد کشاورزی نیز موجود است که هر لیک ۲۵ هکتار مساحت دارد. (۱) این پروسه در برخی از کمونها با سرعت بیشتری جریان دارد و موجب پیدا شدن قشر جدیدی از هقانان بنام هقانان منفرد میشود.

این وضع هم اکنون در برخی از کشورهای افریقایی بصورت یک پروسه پیشرفته ملاحظه میشود. کافی است بعنوان مثال ساختمان اجتماعی کشور کارون را ملاحظه کنیم. جدول زیرین ساختمان را نشان میدهد.

تعداد افراد مشغول بکار	۱۲۰۰۰
تعداد افراد کشاورز	۱۱۰۰۰

#### که از آنها:

افراد خانواده که بد ون مزد کار میکنند (افراد کلن)	۶۰۰
د هقانان کارگر	۲۵۰۰
د هقانان منفرد	۴۰۰۰

یعنی هم اکنون قشر تازه د هقانان منفرد رکار میکند. (۲) افراد مشغول بکار اشتکیل میدند. عین این پروسه در تانکانها و قنوات ایجاد شده اما ملاحظه میشود.

آنچه در اینجا حاصل است آنست که د هقانان منفرد اکثراً قطب با تفاوت خانواده خود کار میکنند. در رشته کشاورزی د هقانان منفرد د کارون فقط ۷۰۰ نفر کارگر کشاورزی وجود دارد. (۳) نکته دیگر یعنی میزان اراضی که در اختیار این د هقانان منفرد است اکثراً قطب العاده ناجیرا است. در غذاهای ۴/۰ جمعیت در این رشته کار میکنند محدود بیت اراضی د هقانان منفرد کامل بچشم میخورد. د هقانان منفرد غابکار کشت کاکاوو استغال دارد. مجموع اراضی که در اختیار کاکاوکاران قرار دارد ۲۷۰۰ میل مربع است (از ۲۰۰۰ میل مربع اراضی قابل کشت) (۴). این اراضی بین کاکاوکاران به صورت زیر تقسیم شده اند.

۱۱٪ اراضی متعلق بد هقانانی است که کمتر از نیم هکتار زمین دارد.
۳۹٪ بین نیم تا دو هکتار زمین دارد.
۳۷٪ بین دو تا ۴ هکتار زمین دارد.
۳٪ بین ۴ تا ۱۰ هکتار زمین دارد.

صرفت نظر از اختلاف معین ناشی از میزان اراضی که بین د هقانان وجود دارد، در در وران تسلط یک مسئله بین تمام انسیا مشترک بود. مسئله از این قرار بود که این کاکاوکاران برای بازار تولید میکردند، بنا بر این رابطه از ایاد با بازار برای آنها یک مسئله حیاتی بشماریم اند. ولی بین این تولید کنندگان بازار شرکت های انگلیسی قرار داشتند که از این دست محصول را بقیمت نازل از تولید کنندگان میخریدند و قیمت گران بیزار عرضه میکردند.

یک مثال این مطلب را روشن میکند. در سال ۱۹۵۴ اقیمت بین المللی یک تن کاکاوکاران برابر ۶۴۶ لیلی

(۱) (۲) اماراز "فرهنگ کشورها" جلد دوم

(۳) راک بوئن "نخا" صفحه ۳۸

(۴) "کشورهای جهان" صفحه ۴۹۶

انگلیسی بود ولی دهقانان کاکائو را مجبور بودند که بقیعت تنی ۳۴ لیره باین واسطه ها بفروشند. سودی که فقط دیکیانی و آستنلی <sup>و سفلتی</sup> Gold Coast Marketing Board Agricultural development Corp. بود ۷۰ میلیون لیره انگلیسی بود (۱)

از این راه بدست آوردند بالغه ۷۰ میلیون لیره انگلیسی بود (۱) درنیجریه نیز اراضی دهقانان منفرد فوق العاده محدود است. پنجاه درصد اراضی کشاورزی نیجریه متعلق بد هقانانی است که که ترازیک هکتارو ۲۵٪ اراضی متعلق بد هقانانی است که بین ۱۰۰ هکتار زمیند از نظر اینچنانیزین دهقانان و بازار سازمانی بنام Central Marketing Board این سازمان در رسال ۱۹۵۳ محصولات صادراتی کشاورزی را بقیعی که خود تعیین میکرد میخرید. مثلاً در این سال قیمت خرید کاکائو از طرف این سازمان هرتن ۱۷۰ لیره تعیین شد درحالیکه در همان سال قیمت بین اولین کاکائو ۲۲۰ لیره بود.

در کنگو نیز چنین سازمانهای واسطه ای بین دهقانان و بازار وجود دارد. این سازمان مثلاً روغن زیتون را تی ۵۰۰ فرانک بلژیک میخرد و تنی ۱۲۷۰۰ فرانک بفروش میرساند. بنابراین یکی از اجزاء مسئله ارضی در این دسته از کشورهای براند اختن انصار شرکتهای واسطه و باز کرد ن راه دهقانان بیزار است. امام طرد این شرکتهای ترازمانی که استعمارگران سلطان اند غیر مقور است که بطریکه ملاحظه میشود راین دسته از کشورهای سازمانی که ارضی یک مسئله چند جانبه و ضرمنجی است که ناشی از وضع مالکیت، نفوذ سرمایه داری، تشکیل مالکیت خصوصی و امثال آن میباشد. این وضع که در حقیقت در این تجزیه کون و عبور بود و ران جدیدی است طبیعتاً مانند همه پدیده های گذار یافرمنج و احتیاج بسطالعه دقیقت دارد.

ولی تا آنجاکه روزشن است حل جوانبه مختلف مسئله ارضی در این کشورها ابتداً قبل طرد روگما، ازیمان برد اشتمن واسطه ها، فاعق امدن بر سیستم کشاورزی مستعمراتی بنام کشت واحد (مونوکولتیر)، همه مسائلی است که مسلمانها بارزه ضد امپریالیستی یعنی مسئله ملی مرتبط است. بد ون حل مسئله ملی حل این مسائل یعنی حل مسئله ارضی در این کشورهای غیرمملکت است. در حالیکه عکس این در رینجا صحیح نیست یعنی حل مسئله ملی موطی بحل مسئله ارضی نمیباشد. بهمین جهت نیز مسئله ارضی در این کشورها جزئی از مسئله ملی را تشکیل میدهد.

### ۳- گروه کشورهایی که در اینها خارجیان قسمت از اراضی را در انصار خود دارند.

در برخی از کشورهای افریقائی، آسیائی و امریکای جنوبی در جنبد و نوع مالکیت اساسی فوق الذکر شکل مهم دیگری ملاحظه میگردد: مالکیت خارجی ها، این مالکیت در این کشورهای مسئله ارضی محتوی تازه ای میبخشد و بالنتیه رابطه مسئله ارضی و مسئله ملی را نیز تحت تابعیت خود قرار میدهد. نمونه چنین کشورهایی را ذکر میکنیم:

در پرو Cerro de Paslo Corp. که انصار سرب هروی را در این کشور درست دارد در عین حال یکی از مالکین بزرگ پرومیا شد (۲). ازاوائل قرن حاضر کمپانی بنام Peruviens Corp. اراضی وسیع استوایی که در سه استان مختلف پرو امداد دارد را ختیار ارد. کپانی فورد و گودربیج نیز عنوان این شرکای کوئاپل ازانقلاب در حدود ۱۱۰۰۰ کاپالرایا متعلق بخارجهای باشد. در گواتمالا فقط "یونتا یتد فروت کپانی" ۱۷۰۰ هکتار از ۱۰۰۰۰ هکتار اراضی را در دست دارد. دریاراگوئه American Coffee Corp. در حدود ۲۳۵۰۰ هکتار مزارع قهوه را مالک است.

در برخی از کشورهای افریقائی چنیا اراضی مالکیت هایی بر میخواهم. مثلاً راجزیوه ۲۷۲۶۷۰۰ هکتار از اراضی در دست فرانسویهاست. در حدود همین مقدار نیز درست مالکین بزرگ داخلی است. در کنیا ۳٪ اراضی متعلق بخارجهای است. این مقدار در حدود ۱۶ هزار میل مربع است که سایقاً بقیه کی کوچو تعلق داشت و بوسطه رجال سرتناک انگلیس اشغال شد. از جمله مالکین خارجی کنیا لرد دلامر (۴۰۰ هزار آکر) و اول اوپت اس모ث (۳۵۰ هزار آکر) ولد فرانسیس اسکات و اورات گروگان که در زمرة

(۱) "کشورهای جهان" صفحه ۴۹۸

(۲) مجله صلح و سوسیالیسم شماره ۳ سال ۱۹۶۱ چاپ آلمانی صفحه ۲۶۵

بزرگترین مالکین کنیامیا شند.

اراضی متعلق به کمیانی "ایست افریقان سند پیکات" ، "ایست افریقان استیت لیمتد" و "ایست افریقان گروگان فارست کان سه شن "جمعاً بیش از ۱۰۰ هکتار است . در نگفوت هفت کمیانی بزرگ خارجی بیش از ۵۲۰ میلیون هکتار زمین در اختیار دارد . در لیریا کمپانی "فایرستون تایراند را بر" ۴۰۰ هزار هکتار پالانتاز کاغوچوک در اختیار دارد . تولید کاغوچوک این سرمهین را در دست دارد . در ماد آگاسکارطريق قانون ۱۸۹۱ تمام اراضی هزاری متعلق بفرانسویهاست . در سال ۱۹۴۸ بـ ۱۱۸۲۰ هکتار زمین در اختیار فرانسویها بود . در ماروتیوس ۷۵٪ کشتزارهای نیشکرو ۷۵٪ کشتزارهای چای متعلق به شرکتهای انگلیسی . بعد از جنگ جهانی دوم فرانسویها را فرقی غیری دست به تشکیل پالانتازیون زدند و در مدت کوتاهی پنج کمپانی فرانسوی ۲۰۰ هزار هکتار زمین بدست آوردند . تنها Office du Niger شد ۴۲۷۰۰ هکتار زمین را متعلق نماید .

گرچه ارقام فوق خود بخود گویا ترازن است که لازم باشد اهمیت مالکیت خارجی هاراد راین کشورها منتسب شویم ولی بهر حال لازم است گفته شود که اهمیت این مالکیت در میزان وسعت اراضی تحت اختیار مالکین نیست بلکه مسئله برسانست که این مالکیت امیریالیستها اعم از آنکه وسیع باشد اینها شدنی نقش و محرومیت کشورها ایفا مینماید و تمامی اقتصاد این کشورهارا تحت سلطه خود قرار میدهد و با این تسلط بکشاورزی و مجموعه اقتصادیات این کشورها اشکله و محتوی مستعمراتی بی خشند . مالکیت خارجی هابکشاورزی این کشورها شکل کشت واحد می بخشد ، آنها را بیزار و مواد کشاورزی امیریالیسم تبدیل کرد و ابتدا خود وابسته می بازد . کافی است گفته شود که اکنون مدتهاست که کشاورزی کشورهای افریقائی و امریکای جنوبی تحت تأثیر این تسلط قرار گرفته است . یک دو قلم محصول کشاورزی بیش از ۷۰٪ صادرات آنها را تشکیل میدهد . در کشورهایی که امیریالیستها باشکلی از اشکال در انحصار اراضی شرکت دارند و بخش اروپائی کشاورزی را بوجود آورده اند اینکه بقدرت اقتصادی بزرگی تبدیل شده اند و محصولات تولید کنند و اصلی محصولات کشاورزی صادر را تردد آورده اند .

در سال ۱۹۵۷ در حدود ۹٪ تولید کشاورزی و ۷۶٪ صادرات کشاورزی تکمیل دارد . در سطح خارجیها بود . در راتانگانیکا ۸۵٪ محصولات کشاورزی متعلق بخارجیهاست . در گواتمالا ۹۵٪ محصول کشاورزی متعلق به امیریالیستها میباشد . همین ارقام نشان میدهد که چطور مترین رشته اقتصادی کشورهای کم رشد یعنی رشته کشاورزی باین ترتیب در تسلط امیریالیستها قرار میگیرد .

تولید برای صادرات بتدبریغ نفوذ خود را سیاست می‌سازد و قیمت کم شدن از تولید مواد مصرفی برد امده تولید محصولات صادراتی افزاید و می‌شود . شالار اراضی زیرکشت برخی در ماد آگاسکارطريق سالهای ۱۹۵۸-۱۹۶۰ هکتاریه ۸۰۰۰۰ هکتار رسید در حالیکه اراضی زیرکشت درست در همین مدت از ۱۱۶۰۰ هکتار به ۸۹۰۰ هکتار و اراضی زیرکشت مانیکو از ۲۸۰ هزاریه ۲۰۰ هزار هکتار تقلیل یافت . بر اثر این جریان در تمام این کشورها "مسئله تغذیه" در بروز خاذ ترمیگردید .

بنابراین در تمام این کشورهای ایجادیان گفت اعم از آنکه در جنب انحصار خارجیها مالکیت خصوصی نیمه فیود الی یا مالکیت جمعی داشتی برقرار باشد اچه چهره کشاورزی این کشورها و مجموعه اقتصاد آنها را تعیین میکند همین انحصار اراضی خارجیهاست . و همین مسئله است که هسته اساسی مسئله ارضی را در راین کشورها تشکیل میدهد و بربناهی همین انحصار است که باید رابطه مسئله ارضی و مسئله ملی را در راین کشورهای تعیین کرد . اماماً غیر مالکیت اراضی خارجی بیمهین جاخته نیی باید . این فقط مالکیت اراضی خارجیها بصورت فی نفسه نیست که تمام اقتصاد کشور را درست آنها قرار میدهد بلکه این امر از این ایستادی بسیار بزرگ آنهاست . قسمت اروپائی کشاورزی در راین کشورها عموماً بصورت سرمایه داری اداره میگردد . همین مسئله است که این دسته از کشورهای ایجادی شخص ازدود شده دیگر جدا نمی‌شود . در کشورهای دودسته دیگر تیزسرماهه داری کم و بیش در کشاورزی رشد کرده است ولی در دسته اخیر سرماهه داری شکل اساسی بسیار بزرگ آری و تعیین کنند و اقتصاد کشاورزی این کشورهاست . کارمزد وری مشخصه اساسی این سیستم بسیار بزرگ آری است .

کارگران کشاورزی در کشتزارها و مزارع خارجی بیشتر است نظائر میشوند . ویرانی بخش کشاورزی محلی ، هجوم دهقانان بمعارع و کشتزارهای برای بدست آورده در کارو راقابت شدید بین آنها موج میگردید که نیروی کار از این دارختیار خارجیها قارگرد . بهمین دلیل است نظائر شدید ووجه مشخص کارگران کشاورزی این کشورها صرف نظر از این وضع کلی ، وضع کارگران کشاورزی در تمام این کشورها در مزارع خارجی

یکسان نیست . درسته ای از این کشورها کارگران کشاورزی تکامل بیشتری یافته بصورت کارگرکشاورزی یک سیستم سرمایه داری دارد و آن داد یعنی کسانی که نیروی کارخود را در مقابل مرد بفروش می‌سازند . شایان تصریح است که شرایط فروش این نیروی کاردار را در کشورهای باشرایط فروش نیروی کاردار رکن‌های جلوافتاده سرمایه - داری بدلی تفاوت دارد . ساعات کار حدود به ۸ ساعت نیست . در هندرولا من بطور عموم کارگران کشاورزی در حدود ۱۲ ساعت در کشتزارها کار می‌کنند . در موزامبیک ۱۲ ساعت ، در کنیا ولیزیریا ساعت کار محدود نیست و کارگران مانند که از این اتفاق است کار می‌کنند .

مزدهای نیز بصورت توصیف ناند پری از مرد کارگران اروپائی که تراست بدی که حتی برای تجدید قوای بد نی بحد عادی شیزکافی نیست . مرد کارگران کشاورزی رکن‌هایانه ۱۵ شلینک است و این برابر ۱۵ تا ۱۷ مزد کارگر اروپائی است . در افریقای غربی فرآنسه مزد کارگران کشاورزی روزانه ۴۰۰ فرانک افزایشی (یک آدر لار ۱۷۲) فرانک افزایشی (۴۳) مرد رکنکو این مزد ماهیانه برابر ۲۳۰ فرانک بشیک پدیده است . در حالی که حداقل لازم برای زندگی یک خانوار ده سه نفری در حدود ۱۵۰۰ فرانک است . در الجزیره در امتداد متوسط زحمتکشان برابر ۲۰۰۰ درسال است . بیش از ۱۰۰۰۰ خانوار در آمد شان مسالیانه فقط ۱۲۰۰ فرانک یعنی در حدود ۵۰٪ متوسط در آمد زحمتکشان است . مرد کارگران کشاورزی ۵۰ تا ۱۷۰٪ از مزد کارگران کمتر می‌باشد . در لیزیریا از مرد کارگران کشاورزی در کشتزارهای "فایرسنون" روزانه ۴۵ سنت است در حالیکه مرد کارگر امریکائی در همان مزاعع ۵ دلار است . در ماد اگاسکار مرد روزانه کارگران کشاورزی ۱۸۰ تا ۴۰ فرانک افزایشی در حالیکه یک کیلوان ۸۴ فرانک و یک لیتر شیر ۸ فرانک و یک متراچه پنهه ای ۲۰۰ فرانک ارزش دارد .

بطورخالاصه در این مورد میتوان گفت که ساعات کاربرای کارگران کشاورزی نامحدود مزدهای فوق العاد پائین است و این همان است که اساس سودهای کلان امیریا لیستهار اشکیل میدهد .

در برخی از کشتزارها و مزارع اروپائی بادسته یکی از کارگران کشاورزی برخورد می‌کنیم . این کارگران قطعه زمینی شیز برای کشت و کار را ختیر خود شان در ارد و لی هنگامی این کارگران حق کشت این اراضی را کسب می‌کنند که تعهد کنند مدت معینی از سال را در مزارع اروپائی کارنمایند . یعنی در حقیقت اجاره این اراضی را بصورت کار به اروپائیهای پرداختند . مثلاً در کنیا برای آنکه دهقانی حق بمهربانی از قطعه زمینی کسب کنند ناچار است ۱۸۰ روز یعنی نیمی از سال را در مزارع اروپائی ها کار کند . البته این ۱۸۰ روز غیر از ۶۰ روزی است که هر افریقائی اهل کنیا طبق قانون ۱۹۰ موظف بکار را در مزارع اروپائی است . در اینجا کار مرد و زن شکل سرمایه - داری - فقدانی دارد . وضع این کارگران عملاً از کارگران "ازاد" بد ترین میان وابسته و صورت سرفهای قرون وسطائی را دارد .

تهدید یکی از کارگران کشاورزی نیز وجود ارند باین معنا که در برخی از این کشورهای بین کار فرماده کارگر قراردادی معتقد می‌گردد که طبق آن کار فرماده دارد طی مدت قرارداد ادارگر را به نفع کشته دارد از اعماق و بکار رواند . در موزامبیک استعمرگران کارگران را مستعمرات دیگر "صاد رمیکردند" و تحت شرایط فوق العاد مشکل که شیوه بوضوی برگان است اینهارا بکار رواند اشتند بطوریکه پس از اتفاقیانی مدت قرارداد بطور متوسط فقط یک سوم کارگران منزه بودند خود مراجعت می‌کردند و همچه تلف می‌شدند . وضع این دسته از کارگران از وضع دو دسته دیگر مغایتب بدتر است . در اینجا سیستم سرمایه داری شکل برگردانده بود میگیرد .

بهر حال در تمام این کشورها که در تقسیم بندی ماد سنه سوم خوانده می‌شوند وجود کارگران کشاورزی بصورت یک نیروی اجتماعی مهم در هات بچشم می‌خورد . با تحریب بخش محلی کشاورزی این نیرو هر روز افزایشی می‌یابد و مجموعه اد هقاتان در این کشورها مستقیماً مود فشار ، استثمار و غارت امیریا لیستهها و یا بن ترتیب مستقیماً در مقابل امیریا لیسم قرار میگیرند . بنابراین مبارزه دهقاتان و کارگران برای حل مسئله ارضی خود بخود مبارزه ضد امیریا لیستی و مبارزه ای برای حل مسئله ملی است .

یا بن ترتیب در این دسته از کشورها مسئله ارضی با مسئله ملی از لحاظ ماهیت خود یکی است .

در این دسته از کشورها طبیعتاً مکانت بین مالکین محلی و امیریا لیستهای اینضادهای معینی با این یا آن شکل وجود داشته باشد و همچنین بین مالکین محلی و هقاتان نیز تضادهای معینی وجود دارد و لی مسئله اساسی آنست که تضاد اساسی در هات بین امیریا لیستهای دهقاتان می‌باشد .

در این دسته از کشورهای مسئله ارضی بمنابع انتشار اراضی خارجی شکل فوق العاده شدیدی اتخاذ میکند ولی در عرض وجود کارگران کشاورزی نیز عامل بسیار مساعدی است که بمسئله همراهی انقلاب توسط پرولتاریا و قاطع ترشدن انقلاب تک موئیر مینماید. هم اکنون ارتضیع از کارگران کشاورزی در این کشورها وجود داردند. برای مثال متذکر میشویم که هم اکنون در کشتزارهای خارجی در ارژانتین ۱۰۰۰۰۰۰ کارگر کشاورزی

قهوه و موزه هند و رام ۱۰۰۰۰۰

کاچوچک لیریا ۳۰۰۰۰

کنیا ۲۰۰۰۰

(۵) مجموع کارگران کنگو ۳۰۰۸۰۰

کنگو بلژیک

وجود دارد. ویرانی اقتصاد کشاورزی محلی و پوشکست شدن دهقانان میزان کارگران کشاورزی را بتوهم میسازد. رشد داشتی کارگران کشاورزی ساختمان اجتماعی دهات را بکلی تغییر میدهد و دهات را بمراکز انقلاب ضد امپریالیستی تبدیل مینماید. وجود این کارگران کشاورزی بصورت عامل موثری در پیوشه از پیشبرد ن اتحاد دهقانان و کارگران و تأمین رهبری طبقه کارگر در انقلاب ملی د موکراتیک درمی آید.

بطوریکه ملاحظه میشود با آنکه مسئله ارضی در کشورهای کم رشد مسئله ایست عام ولی حتی در مقیاس وسیع نیز نیاید بصورت خاص مطرح گردد و روابطه آن با مسئله ملی مشخص شود. آنچه در این مختصر گفته شد فقط طرح مسئله در حالات واشکال اساسی و محلی است. طبیعی است طرح این اشکال اساسی بهمیچوچه وجود فرماید دیگری را در این یا آن کشور کم رشد نفی نمی نماید. جه بسایر میتوان بشکل هایی از مسئله ارضی پرخورد کرد که اصولاً در این قالب اشکال کلی نگنجد. مثلاً مسئله ارضی در اتحاد یه افریقای جنوبی و روابطه آن با مسئله ملی از جمله مواردی است که با این اشکال اساسی تطبیق کامل نمیکند. صرف نظر از این استثنای (که در جبله بندی مسائل پرسنلی که انجام گیرد اجتناب ناپذیر است) بطوریکی میتوان گفت مسئله ارضی روابطه آن با مسئله ملی در کشورهای کم رشد باید تحت سه شکل اساسی فوق الذکر مورد بررسی قرار گیرد. بد یهی است که این اشکال اساسی و کلی در هر کشور خاص بشکل معین خود بروز مینماید و حتی در نواحی مختلف کشور واحد نیز ممکن است اشکال مختلف اتخاذ نماید.

بهمین جهت بررسی مشخص مسئله ارضی روابطه آن با مسئله ملی در هریک از کشورهای کم رشد امری است ضروری و وظیفه مهمی است که قبل از همه بعده پژوهندگان حزب طبقه کارگران کشمیر قرار دارد.

# کنگره پنجم فدراسیون سندیکائی جهانی

## و

برنامه فعالیت سندیکائی در مرحله کنونی

کنگره بین‌المللی سندیکائی - برخی از اسناد عدد ۶ کنگره - لزوم  
شیوه مبتکرانه در اجرای برنامه - جای مبارزه میانی در برنامه -  
محروم‌ظائف سندیکاهای کارگری مبارزه در راه صلح است - فقط  
وهمیستگی سندیکاهاد رمبارزه ضد امپریالیستی و ضد استعماری به  
ناری به مطالبات اقتصادی سندیکاهای - دفاع از حقوق سندیکا  
وازارد یهاید موکراتیک - چنگنگی مبارزه برای وحدت در مقیاس  
ملی و بین‌المللی - کارگران در جهله واحده ضد استعمار - حکمتشکل  
کشورهای سوسیالیستی سازند کان دنیای نوین \*

### کنگره بین‌المللی سندیکائی

پنجین کنگره فدراسیون سندیکائی کارگران وزحمکشاں (۱) از ۱۵ تا ۱۴ دسامبر ۱۹۶۱ در مسکو تشکیل شد. در این کنگره ۱۰۰۰ نماینده و ناشر و مهمنان که نمایند ۱۴۲ میلیون کارگر مشتمل ۷ شهر (وازان جمهه ایران) بودند شرکت جستند. نیمی از نماینده کان مذکور از جانب ۱۱۶ میلیون و ۵۰۰ هزار عضو فدراسیون سندیکائی جهانی و مقیمه از جانب ۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار عضو موازن بزرگ اتحاد به های ملی و وابسته به فدراسیون های دیگر آده بودند. تاکنون هیچ سندیکائی بین‌المللی نبوده است که نمایند ۶ چنین تعداد عظیعی از زحمکشاں مشتمل باشد.

قابل توجه است که فدراسیون یکانه سازمانی است که کارگران و سازمانهای مملکت گشناگون بسا سیستم های مختلف اقتصادی و اجتماعی در آن عضویت دارند. کارگران و سازمانهای وابسته به فدراسیون فقط از مالکی که سیستم اقتصادی و اجتماعی واحدی دارد نمی‌باشد. وازانجهجت سندیکا میان آنچنان سازمانی است که بهتر از هر سازمان دیگر و اقیمتاً گوتاگون نهضت سندیکائی جهان را شنیدن می‌نماید.

### برخی از اسناد عدد ۶ کنگره

کنگره در بیان گزارشها و بحث‌های ملسله اسناد مهم تصویب کرد که ازان جمله است:

- ۱- پیام به مدان وزنان زحمکشاں جهان
- ۲- برنامه فعالیت سندیکائی در مرحله کنونی برای دفاع از منافع و حقوق زحمکشاں
- ۳- قطعنامه درباره بسط فعالیت و همیستگی سازمان های سندیکائی در مبارزه ملی برای براند اختن استعمار \*

(۱) از این بعد برای اختصار از "فدراسیون سندیکائی جهانی کارگران وزحمکشاں" همه جا بعنوان ساده "فدراسیون" یاد خواهیم کرد.

وظيفة مقالة حاضریان خلاصه و زیده مطالب این استاد و پژوهه "برنامه فعالیت سند یکائی در مرحله کنونی" است.  
لزوم شیوه مبتکرانه در اجرای برنامه

بارهارهیران طبقه کارگریاً گردیده اند که هیچ سند ایدئولوژیک و سیاسی را نباید بشیوه طلبه های  
قشری و منجذب قدر مورد مطالعه قرارداد، هیچ حکمی را نباید به "روایت منقول و بیجان" تبدیل کرد. در  
اتباطی هر هنودی باشد حیثیت زمان و مکان را در نظر گرفت. اینکه قدر راسون "مسائل و هدفهای شترک  
زمتشان جهان" را در برنامه خود مطرح کرده است. ولی این هنوز تضمین برناهه یک سازمان نسند یکائی نیست.  
سازمان های سند یکائی کشورهای مختلف باشد هر کدام باشیوه مبتکرانه و اسلوب آفریننده ای از این سند  
استفاده کنند و آن را بشارایط خاص محیط فعالیت خود نزدیک گردانند. ازین جهت درد یا چه برنامه گفته  
شده است که "سازمان های سند یکائی در حالی که بخاطر این هدف های مشترک مبارزه میکنند و از برنامه خود  
الهام میگیرند طبیعتاً شرایط خاص خود، شرایط ملی، اجتماعی و سیاسی محیط خود را بحساب خواهند گردید"  
جای مبارزه سیاسی در برنامه

نکته ای که در "برنامه فعالیت سند یکائی در مرحله کنونی" بچشم میخورد توجه خاصی قدر راسون به  
فعالیت های سیاسی اتحادیه هاست. منظور ما از فعالیت سیاسی درینجا معنای بسیار این کلمه است،  
فعالیت بمقابل تمام خلق، تمام کشور مورد نظرهاست، فعالیتی که با ماهیت سیاسی یعنی ماختمان دولت سرو  
کارد ارد (۱). "برنامه فعالیت سند یکائی در مرحله کنونی" نه فقط فعالیت سند یکاهارا با مرافق تصادی کارگری  
محدود نمیگرد اند بلکه آن را هم گذاشت و شعارهای کلی سیاسی که میتوان با جاده دولت ملی ایست بسط میکند.  
این درست است که اتحادیه کارگری، سازمان صنفی است و سازمان سیاسی طبقه کارگریست. ولی  
از اینجانیاً چنین فهمید که پس اتحادیه کارگری در هیچ امر سیاسی دخله نمیکند. اتحادیه کارگری چگونه  
میتواند نسبت به ماهیت دولتی که کشند آزادیهای دموکراتیک و ازان جمله آزادی سند یکائی ایست بی اعتنای و  
بیطریف باشد؟ اتحادیه کارگری چگونه میتواند پیمانهای تضامی دولت راکه موجب صرف مخازن گزاف د راه  
تسليحات میشود و طبیعتاً از نزدیک فرهنگ و سهاد است طبقه کارگر میکاهدند تا بدیگر؟ در دنیای امروز سما  
شعارهای هست که هیچ سازمان توده ای، هرقدر رخدید به قشر معینی باشد، اکرواقعاب خواهد از موجود بست  
خود و از هدف های خود دفع کند نمیتواند از مبارزه در راه آنها کهار جوشی کند. جان طلب هم در اینجاست:  
دیگر امروزیا لیسته ای نمیتواند از مشکل شدن قشرها و صفو مختلف در اتحادیه های صنفی و سایر سازمان های  
توده ای جلوگیری کند. از اینجهت میتوشند اتحادیه ها و سازمان های مذکور را رچار چوب مطالب اقتصادی  
محصول میازند و آنها را از دخله درآوری که برینه حکومت میتوان است ضرر گردانند.

نمونه این کوشش را میتوان در گزارش محرمانه ای که مقامات دولتی انگلستان در آغاز سال ۱۹۶۰ برای  
نخست وزیر آن کشور، ملک میلان، تسبیه کردند شاهد کرد. این سند بعنای سنت چنیش سند یکائی در قاره افریقا  
تنظيم شده و ملی شامل یک سلسه رهنودی های عام امپریالیسم انگلستان در گزارش محرمانه خود مطرح کرد اند لزوم برکارداد اینتن  
از جمله رهنودهایی که مقامات دولتی انگلستان در گزارش محرمانه خود مطرح کرد اند که میتوانند یکاهار است  
سند یکاهار از شعارهای سیاسی است. در نتیجه گیری چنین گفته میشود: "هدف سند یکاهار است ازدواج که  
در راه امور صنعتی و اقتصادی، نه پرداختن به تبلیغات سیاسی". ترین ازاعتصابات سیاسی که بخصوص  
در کشورهای مستعمره وسیمه مستعمره حائز اهمیت بزرگی است جای خاصی در گزارش اردیه در گزارش چنیش  
میخوانیم: "رهبران اتحادیه ها را بید کرده اند که خطوط عده که ممکن است در افریقا بظهور  
بر مدد خطراً اعتصاب سیاسی است... د رکشورهای مشترک العضویت برینایا چنیش  
سند یکائی پیوسته و فقارنه برعلیه اعتصاب سیاسی مبارزه کرده است" (۲).

(۱) برای دقت در معنای "مبارزه سیاسی" و تفاوت آن با "مبارزه اقتصادی" مراجعه شود به نامه مارکس به  
بوله ۳ آنوابر ۱۸۷۱ ویله اثلنین تحت عنوان "درباره معنای لیبرالی و مارکسیستی مبارزه طبقاتی" مه ۱۹۳۰

(۲) برای ملاحظه عین سند مراجعت کنید به مجله "فرانس نوول"

محمد رضا شاه که یکی از هم زبانان امپریالیسم در کشور ماست نیز همین نفعه را در رخاطرات خود ساز کرده است . نکته ای که محمد رضا شاه را از اتحاد به های کارگری بر سر خشم می آورد عدم اکتفا " ان هابیمارز " برای نان و آب است . مثالی که اور د کتاب رخاطرات می آورد بسیار جالب است " عقیده " محمد رضا شاه اینست که مثلاً اگر کارگران یکی از بنادر را برای افزایش سمعت خود شان اعتساب کردند رهمنان حال اعتساب هم نباید از پیاده کردن مهمات نظمامی که مربوط پارتش محمد رضا شاه و امپریالیست ها پیاشد خود را دری ورزند . یعنی باید به اساس حکومت محمد رضا شاه ، به امپریالیسم " به سرچشم زشتی ها و سیاست ها کارگرانی نداشته باشد . اما بد یهی است که برنامه د فراسیون کاملاً با روح دیکترنظام شده و شعارهای سیاسی اتحاد به ها جای خاص داده است .

شاید گفته شود که دادن شعار سیاسی برای اتحاد به های موجوب پراکنده است . عقیده " محمد رضا شاه سطح آگاهی همه کارگران یکی نیست و ممکن است که بخشی از آنها توانند شعار سیاسی را در رک نکند و بالنتیجه از اتحاد به دیگرند ."

اما ماهیت این ایجاد و استه بچگونگی شعارهای سیاسی است . شعارهای عام که مربوط ب تمام خلق است ( و مثلاً در کشور ما شعارهای مربوط به جسمیه " واحد ملی و ضد استعماری که باید توجه های مردم را از کارگر و دهقان گرفته تا پیشه ور و روشن فکر و سرمایه دار ملی در گیرد ) بدون تردید برای عموم طبقه کارگر قابل درک است و موجب وحدت بیشتر آنهاست نه تشت آنها .

شعارهای سیاسی که در برنامه د فراسیون طرح می شود از همین قبيل است .

#### محروم شاف سند یکاهای کارگری هارزه در راه صلح است

" مسئله حیاتی د وران مامسئله حفظ و تحکیم صلح و جلوگیری از جنگ جدید جهانی است . "

زیواه " با وسائل شگفت‌ویرانی و تابوتی و جمعی که امروز وجود ارد جنگ جدید جهانی برای همه ملل و همه کشورهای جهان بصیرت پیارخواهد آورد ."

از اینجنبت " کلیه نیروهای سند یکاشی که به طبقه کارگر وفادارند و آن و آینده بشیریت می - اند پسند باید دفاع از صلح و تحکیم آن را در موکر فعالیت ها خ خود بگذرانند ."

" طبقه کارگر جهانی ، نیروی رهبر و روان ماست . تاریخ بزرگترین مشغولیت را در رعورد سرنوشت جهان بشیریت و کلیه نسل های آینده پرس و او نهاده است . طبقه کارگر جهانی باید پیوسته هشیاری خستگی ناپد بپری در راه عقب راندن نیروهای شوم جنگ ارخدنشان بدد ."

در برنامه ، رابطه مستقیم سیاست جنگ طلبانه با زندگی عادی روزانه طبقه کارگرنشان داده شده است . باینطور :

" مسابقه خطرناک و پرخیز تسلیحاتی به احتصارهای امپریالیستی امکان میدهد که شرود های متعلق به مردم را به درد بیند . حکومت هائی که تابع اراده اتحاد را انحصارها دستند بار مالیاتی روز بروز سنگین تری برد و شروده های زحمتکش میکنند . در کشورهای سرمایه داری ، مخارج نظایم قسمت اساسی بود جهاد ولت را زحل ممالکی که به نیازمندی های اجتماعی ، به خانه ساری ، بساختن مدارس و بنگاه - های بسیار اشتی اختصاص دارد می باید ، واژاین راه مسود اگران اسلحه بمالک افسانه واری یا لخ می شود . در مقابل ، میلیون ها بیکار چیزی جز کم تا پیز دریافت نمید ازند . در نژادی و سیعی از آسیا ، افریقا ، امریکای لاتین که بوسیله امتحانگران غارت شده است گرسنگی حکم رفته است . زحمتکشان و خلق های مطالع سرمایه داری ، مستعمره و کم رشد مستقیما از این سیاست رنج می بینند . سیاست جنگ طلبانه با منافع حیاتی توجه های زحمتکش بسیار است ."

این توضیحی که در برنامه داده شده است تبلیغات ضد جنگ را بذهن کلیه کارگران و زحمتکشان نزد یک میگرداند . اگر رابطه میان سیاست جنگ طلبانه و درآمد روزانه زحمتکشان د ره رکن شور بطری مشخص نشان داده شود تبلیغات ضد جنگ بصورت کاملاً قابل درک در می آید . مثلاً در کشور ما ایوان که مخارج سنگین

نظامی برآن تحمیل شده است افشا<sup>۱۴</sup> مخراج که عموماً پوشیده نگاه داشته میشود و مقایسه آنها با بودجه ناچیز فرهنگ، بهداشت، بیمه های اجتماعی وغیره بهترین راه تجهیز توده های مردم برای علیه پیمان های نظامی و سیاست جنگ طبلانه ایران و امپرالیست هاست.

در برنامه تصریح میشود که "تحقیقات بین المللی و خطر جنگ جدید جهانی از سیاست تجاوز کارانه امپرالیست ها و میلیاریست ها سرچشمه میگیرد". امپرالیست ها هستند که برای حفظ مواضع استعمارواست محظوظ از اینکه خود بسیاری از اراضی جمله برانگیختن جنگ متولی گردند. "ناامپرالیسم باقی است خخار جنگ هم باقی است". اما موزو دیگر در رابر امپرالیست های نیروهایی وجود دارد که در رسایس است بین المللی روز بروز پیشتر نقش قاطع بازی می کنند. این نیروهای اعیان تدارازه اند و گاه صلح جو و نیرو مند سوسیالیستی، مل آسیا و افریقا و امریکای لاتین که برای بدست آوردن حیات مستقل پیا خاسته اند، دل بیطاف که هموار همزیستی مسالمت امیزاند، جنبش کارگری جهانی و توده بزرگ سند یکاهاده های میلیون عضو دارند، جنبش جهانی صلح که عبارت است از اتحاد پرد آمنه، آزاد و اوطابانه کلیه جمیعت ها اشخاصی که پیگیرانه در راه حفظ صلح مبارزه می کنند، توده های پیشمار افراد شرافتمند و ساده ای که آرزومند صلح برای سراسر جهان اند.

امروز چنین نیروهایی میگردند رابر امپرالیست ها قاره اردن و از اینجنبه با آنکه امپرالیست های این نیات همیشگی خود را جنگ افروزی باقی اند "جنگ در رشایت کنونی، اجتناب تا پذیرنیست و میتوان از آن جلوگرفت".

یک از این نیروها جنبش کارگری جهانی و توده بزرگ سند یکاهاده است که باید برای حفظ صلح و پیروزی اصول همزیستی مسالمت آمیز بین دلیل رژیم های مختلف اقتصادی و سیاسی دارند مبارزه کند. ولی این وظیفه جنبش کارگری جهانی را بچه معنی باید فهمید؟ آیا این وظیفه با وظایف دیگر سند یکاهاده دفاع از عربستان طبقه کارگر و مبارزه با استعمار است مذاقات ندارد؟ برآنامه قد راسیون مارا از جنبش تعبیین نار درست برحد مرید ارد و تا کید میکند که "همزیستی مسالمت آمیز در رنجر جنبش سند یکانی بمعنای قبول استعماری سرمایه داری و یا ستم استعماری و یا همکاری طبقاتی نیست". بر عکس، در مبارزه با خاطر همزیستی مسالمت آمیز امکانات تازه ای موجود می آید که در اینها مبارزه طبقاتی در ممالک سرمایه داری و نهضت آزادی بخش طبی دارند و مطالعه و وابسته نیروهایگرد، و کامیابی این مبارزات بنویس خود به تحقق همزیستی مسالمت آمیز کم میکند.

#### فعالیت و همیستگی سند یکاهاد رمبارزه ضد امپرالیستی و ضد استعماری

کنگره پنجم قد راسیون علاوه بر اینکه در برنامه خود فصل مشروحی پنهان نجات بخش ملی و مبارزه بر علیه استعمار اختصاص داده قطعنامه خاصی تیزید راین موضوع صادر کرد و است. این امر نشانه ای است که فدر راسیون و نیافرند بزرگی برای سند یکاهاد راین مبارزه عنایم می شناسد.

نظریات و احکام قد راسیون را در مورد مبارزه ضد امپرالیستی و ضد استعماری میتوان به جدید بخشن تقسیم کرد:

#### الف- رابطه نهضت نجات بخش ملی با المرصل

در برآنامه قد راسیون توجه خاص با همیت نهضت نجات بخش ملی در حفظ و تحکیم صلح مبذول گردید و گفته شد و است که "نهضت نجات بخش ملی با پیروزی های عظیم خود موجب فیروزی ختن سیستم مستعمراتی میشود و اثر قاطعی در مبارزه با خاطر صلح دارد". در جای دیگر همین نکته مهم با این همراه تکرار شده است "در ظرف ۱۵ سال اخیر صد های میلیون مرد و زن از قید استعمار رهایی یافته اند. در این حد دلت های کشی که از لحاظ سیاسی استقلال دارند بر روی خرابه های امپراطوری های مستعمره دارند برابر اشتہ اند. ایند ولتشا پایه های امپرالیسم را می کنند و تا شیرشان در تحریک صلح جهانی روز بروز مشت ترمیشند". امروز ریشه کن ساختن کامل و قطعی سیستم مستعمراتی، وظیفه اول ملت ها وکلیه نیروها صلح و ترقی در جهان است.

#### ب- سند یکاهاد رنخستین صفوی نهضت نجات بخش ملی

قد راسیون، مبارزه با خاطر نجات ملی کشورهای مستعمره و کم رشد رانه فقط وظیفه سند یکاهادی ممالک

مذکور میداند بلکه معتقد است که سند یکاهای مالک مستعمره دارنیزه‌های وظیفه را بر عهده دارند. فدراسیون کاملاً بد رستی مذکور شده که در هم آهنگ و تقارن این دو مبارزه است که هم‌بستگی کارگران کشاورزهای مستعمره و کم رشد باکشاورهای مستعمره داشکل میگیرد. عین عبارت برنامه چنین است:

”در چنین وضعیتی سند یکاهای مالک مستعمره و کم رشد نقش بزرگی در مبارزه ملت خویش در رهاره بخاطر استقلال و ترقی اجتماعی بر عهده دارد. جنبش سند یکاهای با اجزای این نقش بصورت صور آنچنان مبارزه ظیفی بخاطر نجات ملی در رو آید که برای سراسر شریعت ارزش دارد و تا نیزه‌مندی در مبارزه طبقه کارگرجهانی باقی میکند ارد. وظیفه مهم طبقه کارگرجهانی نیز است که بنویه خود بمارزه طست هاو زحمتکشان بر عایه استعمال هم‌بستگی فعالانه نشان دهد. طبقه کارگرجهانی باید بهترین وجه ممکن با آنها کلکت برپاند و برای برآمدن استعمال طلبان یک جبهه واحد از کلیه کسانی که در جهان بخاطر حق ملت هابراد آزادی و استقلال همارزه می‌شنند تشکیل دهد و میان طریق به است هادر پرداز من امیریا لیستی کلکت قطعی برپاند. با این طریق آنچنان کلکت متقابل و هم‌بستگی عمیقین الطلبی حاصل خواهد شد که مو جسب پیوند زحمتکشان مول کشاورهای مستعمره باراد ران آنها در رسا پیکشاورهای خواهد شد“  
برنامه تا حد میکند که ”زحمتکشان کشاورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین“ تحکیم استقلال ملی پیکشند تا انکه تمامیت ارغی کشاورخویش را حفظ کنند و رایجاد شرایط لازم برای تکامل ازاد و مستقل سهم خود را ادار آنمایند.“

برنامه کاملاً بد رستی مذکور میشود که شرکت سند یکاهاد رهارزات عمومی خلق ییچناء معنای اعرا ض از همارزات خاص سند یکائی نیست بلکه بر عکس

”در شرایط خاص این کشاورها (کشاورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین) فعالیت سند یکائی بخاطر مصالبات اقتصادی و اجتماعی در عین حال که تیله گاه همارزه می‌سیز عمومی خلق هاد راه نجات آنهاست یکی از جنبه های مهم نوشته سند یکاهاد رهارزکت دادن زحمتکشان در مبارزه بخاطر تکامل اقتصادی مستقل و تحظر اجتماعی دوچرخه عمیق پیش از میان آید.“

این تلفیق یا لکنیکی همارزات سند یکائی بارهارزات عمومی خلق یکی از نهضوهای عدد ۸ برنامه است هاید مورد توجه خاص کلیه اتحادیه های کارگری قرارگیرد. منظهوار ”تمام اقتصادی مستقل و تحظر اجتماعی د موکراتیک و عمیق“ چیست؟ این منظهوار برپانمدد روآ دادن یی خلاصه کرده است:  
”ملی کردن مؤسسات احصارهای خارجی، ایجاد و توسعه صنایع ملی و پیش د ولتش آن. طرد احصارهای پیگانه از کشاور“

”رغم های ارضی که مالکیت مستعمراتی و بقایای فئود الی را براند ازد، بسود هفهاتان بخصوص بسود هفهاتان تهییت و کارگران کشاورز باشد و مخلوط به قشر اخیر و سالی لازم برای تکامل تولید خواهد بود“  
”د موکراتیزه کرد ن دوت بطوری که بتوان کلیه نیوپهای ملی را در رهارزه بر عایه امیریا لیستی بخادرار ترقی اجتماعی همراهی د یکتاوری های نشام و اقد امات خد خلق که با استقلال ملی زیان میرساند تجهیز کرده“  
”ایجاد سیاست همکاری با کلیه کشاورهای پرقراری نیار د وات برروی شجارت خارجی تا انکه میاد لات بازگانی از زیر سلطه ود اخلاق امیریا لیست هابپرون کشیده شود“  
”شرکت کاملاً مستقلانه زحمتکشان و سند یکاهاد رهارزکت و تنظیم برنامه های اقتصادی و در تکامل اقتصاد ملی“

سند یکاهای مالک کم رشد رحالی که در راه منافع حیاتی خویش همارزه میکند مناسب ترین شرایط را برای تجهیز توده های بعثت و همارزه د راه تحولات فوق فراهم خواهند آمد.

### ج - لزوم شناسائی استعمار رجدید

در عصر ماد را تر وجود ارد وی نیزه مند کشاورهای سوسیالیستی، اوج نهضت های نجات بخی ملی، گسترش جنبش صلح طلبی، تشدید همارزه توده های بر عایه احصارهای امیریا لیست برای حفظ سلطه خویش در

مستعمرات بنا چارشیوه های جدیدی برگزیده است که شناختن آنها خستین شرط مبارزة آکاهانه و پیگیری بر علیه امپریالیسم و سیاست مستعمراتی اوست . در برخانه کوشیده اند که این شیوه ها را بفضل شمارش دکنند .  
انحصارهای امپریالیستی با وسائل ذیل بر اقتصاد کشورها نظارت کردند مواد اولیه و ازارهای داخلی آنها را در رقبه خویش میگیرند : مد اخلاق اقتصادی، پیمان های بازرگانی و برنامه باصطلاح تکامل اقتصادی بعنوان تفوق خویش و قروض نگهداری شن دلت های نو خواسته .

<sup>حکم</sup> انحصارهای امپریالیستی در رواج لزوم ، حکومت های گوش بفرمان خویش را زمین محافای ارجاعی کشورها بر سرکاری اورزند و مانع میشوند که ملت ها امور خویش را برای استقلال کامل و دموکراسی بدست گیرند . استعمرگران جدید برای رسیدن باین هدف از طریق فشار و زورگویی وارد میشوند و پلیتمتباوب و یامتفاقن از سرمایه داری فنود الی و گرههای بیرونی و محافای اصحاب امتیاز دیگری که ذینفع اند را رینکه ساخته اند فنود الی در کشورشان حفظ شود و با اینکه ساخته اند جدیدی از نوع سرمایه داری پعرصه بسیار برای این کار استفاده میکنند . استعمرگران جدید در راهنمای خود میکوشند که دولت های نو خواسته را در انواع گروه بندی هاشی که موجود مدد و دیت حاکمیت میشود بکشانند . آنها خاصه میشوند بین قبائل و ملل را در امن میزند و تحییل آنچنان مناسبات اقتصادی بروز و لست های نو خواسته میپرسند ازند که آنها را تابع و لست ها و انحصارهای امپریالیستی میگردند .

در قطعنامه مربوط به "بسط و توسعه فعالیت و همستانگی سازمان های سند یکا شی د رجباره مسلل بخاطر این اختیار استعمار " چنین میخواهیم :

" در حالی که دولت یعنی مستعمره دارا روپاهمچنان میکوشند که بقا خویش را در مستعمرات حفظ کنند امپریالیست های امریکائی در صدد اند که شکل های استعمار جدید را که هم اکنون دارمیرکای لاتین مورد استفاده آنهاست در زیر پوشش عمومی خود استعماری برکلیه دولت استقلال تحمل کنند . اماما سک آنها را رازدشت خواست روز بروز پیشتر مذکور شده میشود . کلک تنظامی و مالی دولت امریکا به دولت فرانسه تا اینکه دولت اخیرین تو اند کشتار را جزیره را در امداد دهد کافی است که چهره واقعی امپریالیسم امریکا ، این پشتیبان اصلی دولت استعمراتی و این بذر ترین دشمن خلق های مبارز بر ضد امپریالیسم را از زید بیرون اند ازده . نمونه های دیگری نیز از کلک امپریالیست های امریکائی به مستعمره داران پرتقالی یا انگلیسی که به سرکوب و حشیانه نهضت نجات بخش ملی دارانگولا و یا رودزی و یا میکشورهای مشغول اند دردست است ."

امپریالیست های امریکائی د رکشورهای نو استقلال در زیر پوشش باصطلاح کلک رخدنه می کنند . ولی این کلک فقط وسیله ای است برای خریدن میجوان محلي تا اینکه آنها رهای این مالک را بروی سرمایه های امریکائی یا زنگند و آنها امکان د هند که نقشه های ننظامی خویش را بموقع اجرآذکارند ."

امپریالیست های امریکائی خویش میدانند که کلک خود را بآسانی نمیتوانند تحمل کنند و میسارند که اند کسانی که خود را بد لارانها بفروشند . و آنها کسی بچنین فسادی تن در رفی د هند از استفاده کی در برآ جنگش توده ای متسلک عاجز و ناتوان اند . از اینچه استعمرات های امریکائی به سازمانهای د موکراتیک و سازمان های توده ای و در درجه اول به سند یکا ها عطف توجه می کنند . آنها نهاد های گوناگون متول میشوند که شاید این سازمان هارا بسیعد ستی خود وارد اردن و اگر راین کار موفقیت نیابند آنگاهه د صدد براند اختیار سازمان های ڈ کورپری ایند . کارگران و زحمتکشان ایران که چهره امپریالیسم امریکا ازند یک دیده و شناخته اند گواهی میدند که این توصیف قد راسیون سند یکا شی جهانی تاچه درجه دقيق و مبتدا بر واقعیات عصر ماست ."

### د - امپریالیسم امریکا بدترین دشمن مل

در برناهه قدر راسیون از توصیف فوق چنین نتیجه گرفته شده است :

" امپریالیسم امریکا در رأس ارتقای جهانی قرار دارد، برانگیزند و سازمان دهنده سیاست تهاجم و جنگ است . امپریالیسم امریکا که از قبل رژیمکشان بمنافع عظیمی دست می یابد موجب تحریک مبالغه ای تسلیحاتی و تارک جنگ می شود . "

" امپریالیسم امریکا بدترین دشمن ملت هاشی است که برای املاک و اعتمادی استقلال مبارزه می کند . او پشتیبان عده ای استعمالار است . برکنند ملک خدا استعمالاری و یکی از شرایط ایامی پیشرفت مبارزه برای براند اختن سیستم مستعمراتی است . "

ه - تأثیرجان بخش سیستم سوسیالیستی جهانی

در راسیون باین امر مهم توجه کرد که که عاملی دعصرافوری ختن سیستم مستعمراتی امپریالیسم را ممکن ساخته است . در قطعنامه منوط به مبارزات ضد استعمالاری چنین گفته می شود :

" پیروزیهای بزرگی که در مبارزه برعلیه استعمارید ستد آده ازان جهت امکان پذیر گردیده است که تناوب قوا در جهان بسود ملت های غیری را فتح کند . این تغییر تناوب قوا مولود وجود و قدرت روز افزون کشورهای سوسیالیستی و در رجۀ اول اتحاد جمهایر شوروی است . وجود و قدرت روز افزون سیستم سوسیالیستی جهانی نه فقط موجب تضعیف مواضع امپریالیسم و استعمالاری مقیاس جهانی می شود و بین طرق مبارزه ملل را آسان میگرداند بلکه عامل نیرومند تشویق و ترغیب ملت هاشی است که در جستجوی وسیله ای برای دگرگون ساختن زندگی بینوایانه خویش و احراز مقام شایسته خود هستند . پنجمین نکره فدر راسیون سند بکاری از کل اخلاقی، بیان و مادی بی قید و شرطی که کشورهای سوسیالیستی تسبیت بشکردهای نواستقلال روا مید اردن با تجلیل تمام یاد می کند . "

در برناهه قدر راسیون نیز چنین نتیجه گیری شده است :

" بیقین میتوان گفت در عرصه ماکشورهای نواستقلال قاد راند که در راه ترقی اجتماعی، با استفاده از کل مالک سوسیالیستی و اینکه برکوشش خود شان صنعت و کشاورزی خویش را بسود منافع ملی خود پر کنار از هرگونه نفوذ شوم امپریالیست ها و سرمایه اتحصاری خارجی ایجاد کنند و توسعه دهند . "

### و - مبارزه و از هم مبارزه

" استعمالارگران مواضع خویش را بد لخواه خود ازدست نخواهند داد ، و بطریق اولی آزادی برای ملت ها و افق های ظلم به پیشکش نخواهند آورد . "

" امروزه این ملت ها باما رزه ای که بر جسب شرایط مشخص خود مسلحه یا غیر مسلحه است میتوانند سیستم مستعمراتی پایان بخشدند . "

نظری به مطالبات اقتصادی سند یکاشه

هیچ سند یکاشه واقعی کارگری نمیتواند از فاع پیگیر از مطالبات اقتصادی هروزانه کارزاران غفلت نماید . مبارزه برسراین مطالبات یکی از عوامل عده ای وحدت عمل وحدت تشکیلاتی سند یکاشه بیشمار میروند . سایر مبارزات سند یکاشه نیز هرچه با این مبارزه میتواند یکتباشد اسان ترمیتواند بر تعدد های پزگتی از کار گر ان شامل شود .

در برناهه قدر راسیون مطالبات عده ای اقتصادی رژیمکشان را درکشیدهای کم رشد بشرح ذیل در نظر گرفته اند :

- افزایش دستمزدها ، تضیین آنها و تثبیت یک حد اقل تضیین شده
- کاهش مدت کاربرد و کاهش دستمزد
- ایجاد و توسعه امنیت و سیمه های اجتماعی

- ”برسمیت شناختن حق کار“
  - ”برقراری و تعمیم سیستم قراردادهای جمیعی و لغو کلیه اشکال قراردادهای انفرادی“
  - ”مدخله سند یکاها در حل و فسخ مسائلی که بین کارفرمایان و کارگران پیش می‌آید“
  - ”تا مین بازار از حیث مخصوصات غذائی و مایحتاج اولیه و تخفیف بهای آنها“
  - ”پرقراری مخصوصاً استفاده از حقوق“
  - ”آموزش حرفه‌ای؛ برآنداختن بیسوسادی، ارتقا سطح فرهنگ توده ها“
  - ”لغو سیستم کارگرینی، استخدام و پایانه خدمت که در رژیم مستعمراتی معقول است“
  - ”آنها مطالباتی است که در اسیون با توجه بشرایط عمومی کشورهای کم رشد روزگارگرته است“<sup>۴۵</sup>
  - است که هر سند یکای کارگری با توجه بانهای مطالبات اقتصادی خود را از روی شرایط مشخص کشور روشته“
  - ”تولیدی خوبی ممکن گرداند“
  - دفعه از حقوق سند یکائی و آزادی های د موکراتیک
- بخش مخصوصی از برنامه به دفعه از حقوق سند یکائی و آزادی های د موکراتیک و توسعه آنها اختصاص داده شده است. زیرا که بدون وجود این حقوق آزادی های د مطالبات اقتصادی پیوسته شایسته<sup>۴۶</sup> ناصل آمد. در این بخش از برنامه به تضییقاتی که در سیاری از کشورهادر مردم اتحاد یه های کارگری بحمل می‌آید توجه شده است:
- ”در سیاری از مالک دنیای سرمایه داری، قوانین ارجاعی ضد کارگری بموقع اجرا“
- در آنده است. درین مالک کارگران از حقوق آزادی های سیاسی مانند حق تشکیل سند یکای فعالیت سند یکائی، حق اعمام، حق اجتماع و تعاشر، آزادی مطبوعات وغیره محروم اند.
- در عده ای از کشورهای اقشارشده برابر این دفعه از حقوق هزاران نفر از هبران، فعالان وزحمتکشان، از جهان پر شور مبلغه کارگرگفتار شکجه گردیده اند، بزندان وبارد و گاه زندانیان اخنده شده به مجازاتهای سنگین محکومیت یافته اند و سالهای دیدی از زندگی خود را در زندان اتهای فاشیستهای اسپانیا، پرتغال، یونان، اتحاد افريقيای چنچی، سوریه، اردن، عربستان سعودی و سایر ممالک عربی میگردند.“
- ”کارفرمایان هد فشن اینست که سازمانهای سند یکائی را کاملاً تابع سیاست خوش گردانند تا ینکه زحمتکشان در برابر استعمار از هرگونه امکان دفعه محروم شوند.“
- برنامه“ ند راسیون در مقابل این بیداد گریها و نیز سازمانهای اتفاقی برای سند یکاهای مهمندانه وظای برای مجموعه جنبش سند یکائی د رنزنگرفته است. ازین قرار“

”و نایه کلیه سند یکاهای از اینست که طبقه کارگرکلیه نیروهای زحمتکشان را با فعالیت بیشتری برای دفعه از حقوق سند یکائی و آزادی های د موکراتیک، برای حفظ کلیه پیروزیها، برعلیه تبعیضات گوناگون، برای حرراست استقلال سند یکاهای حفظ آنها از د اخلاق کارفرماید ولت تجیهز کنند. وظیفه مردم جنبش سند یکائی در مجموعه خود چنین است: تقویت روزانه اعراض و عمل بمعظمه های ای هاران و زحمتکشانی که بزندان افتاده اند، دفعه از کلیه کسانی که تحت فشار احصارهاد و لشکرها مورزا تراگرفته اند، سازمان دادن همیستگی معنوی و مادی با آنها که قریانی ظالم و بیداد کشته اند و اعضاً خانواده شان“

برنامه متذکر میشود که:

”زمحتکشان در عین حال که از حقوق خوبی همواره دفعه میکنند برای توسعه آزادی های سند یکائی و د موکراتیک، برای تحقق حقوق تازه نیز مبارزه میکنند“ ضروری است که آزادی سند یکائی تا محل کاری سط باید باین معنی که سازمان سند یکائی در کارخانه برسمیت شناخته شود و آن امکان واقعی فعالیت (از قبلی تشکیل جلسات،

تبلیغات، دریافت حق عضویت وغیره ۰۰۰) بد هند و هزاران سند یکاوش از زرگوئی

کارفرماد رامان پاشند ۰

### چگونگی هزاره برای وحدت در مقیاس ملی و بین المللی

پخش هفتم برنامه مربوط به مسئله مهم وحدت و همبستگی است. رهنمودهای قد راسیون که از تجارب طولانی جنبش کارگری در اروپا و سایر قاره‌های جهان نتیجه گیری شده برای اتحاد یه های کلیه کنفرانس‌ها و از جمله وطن ما ایران حائز اهمیت خاصی است. در این رهنموده هزارگریک مو پاید اری در موضوع هزاره طبقاتی و از سوی دیگر مد ارای پژوهشله و لسو زانه انتقالی درنظرگرفته شده است:

"تعقیب بد ون وقفه استخارات وحدت ایلانه در عمل و با خاطر عمل، انتقاد راسخ از مخالفان وحدت طبقی متدل و مقنع و برآسان واقعیات (فکت‌ها) ۰ روشن ساختن دلائل و تنازع رفتار این مخالفان اینها استند شرایط ضروری ایجاد وحدت در مقیاس ملی و بین المللی ۰

"مدافعان وحدت مخالفان آشتنی تا پذیران را که مسئول ادامه انشاع بزنند در جنبش کارگری هستند با یک چوب راندن، ضرب زدن با مرد و تقرارگفتند و وضع اشتباه است، موضعی که با واقعیات تاریخی سازگار نیست ۰

### کارگران در جمهوری واحد ضد استعمار

پیشتر گفتم که سند یکاهمیتواند از هزارات عمومی مردم یعنی از هزاره برخود امیریالیسم و با خاطر صلح ود موکرا می‌برد کاریمانند. آنها از این حیث با سایر زیرزاگی ملی فعالیت مشترکی دارند. اینک این سؤال پیش می‌آید که فعالیت ذکور ازراه چگونه سازمانی باشد عملی گردد.

برنامه قد راسیون پر از آنکه هدف‌های شیوه‌گذاری نجات: پخش ملی راهارح میکند میگوید که: "چنین تکاملی فقط بوسیله تشکیل یک جمهوری وسیع ملی، شامل برهمه زیرزاگی میهن پرست وده نیروها که معاشران با منافع امیریالیسم و اتحادهای بین‌المللی می‌باشند" ۰ برنامه شرکت موئروتیجه پخش سند یکاهماد را در چین جمهوری ای خواستار شده میگوید که "شرکت سند یکاهماد رشتنکی دلتهای ملی ود موکراتیک در این کشورها (یعنی کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین) اموی قطعی است".

برنامه تائید میکند که "چنین جمهوری ای (جمهوری وسیع ملی) نعمیتواند به پیروزی بررس مکراینه بطور استوار برزوی اتحاد محکم طبقه کارگر باد همانان پایه گذاری شده باشد".

راحته طبقه کارگر بایه روزی ملی و لزوم حفظ استقلال طبقه کارگر باروشی کامل در قطعنامه مربوط به هزاره ضد استعمار بیان شده است: "روابط زحمتکشان بایه روزی ملی باید از همان آغاز برزوی اصل هزاره هزاره متفاوت مشترک واصل تساوی و استقلال مبتنی باشد. زحمتکشان هیچ کاه نمیتواند خصلت دوگانه بیهوده ای را زندرفرودگ ارزد. آنها هرگز باید موضع طبقاتی خود را تنک گویند".

همین نکته در برنامه قد راسیون با تفصیل پیشتری بیان شده ولی از لحاظ اهمیتی که حائز است ما نقل قسمت اساسی آنرا از مشهاریم:

"طبقه کارگر یا بد رایجاد و در فعالیت این جمهوری های ملی نقش اساسی را داشته باشد. طبقه کارگر روز بیشتره نقش سند یکاهماد عنوان سازمان طبقاتی قوی دارد و میگوید که

یعنی میگرد. طبقه کارگر رعین حال که با بیهوده ای طبقاتی ملی و سایر طبقات برآسان همکاری در هزاره مشترک برعلیه امیریالیسم ارتباط میگیرد در هیچ لحظه ای منافع حیاتی زحمتکشان را ازدیده غریب نمیگارد و خصلت طبقاتی سند یکاهماد را حفظ و حراست میکند. شرط اصلی برای اینکه بتوان در راه منافع خلق و در رجه اول منافع طبقه کارگر بهتر اقدام و هزاره کرد استقلال سازمان های سند یکاوش است.

استقلال طبقاتی، وحدت پشتیانی توده های برای سازمانهای سند یکاوش یک عامل اساسی است در هزاره برعلیه امیریالیسم واستعمار و با خاطر ساختمان آنچنان

اقتصاد ملی که متناسب با منافع تمام خلق باشد و مخاطر تضمین د مکاری " ۰

زحمتکشان کشورهای سوسیالیستی سازندگان دنیا نویش هستند ۰

این عنوان بخش چهارم از برنامه فدراسیون است ۰ بخش مذکوره کارگران کشورهای اختصاص دارد که استمار را پنهان کن ساخته و میسازند ، کشورهایی که در آنجا سند یکاهاد رنقطه مقابل د ولت نیستند بلکه د ولت از خود آنهاست و آنها بعنوان پاره و د کار د ولت عمل میکنند ۰

" زحمتکشان آزاد که سرنوشت خوبی را بدست گرفته اند و میسازند کان معاد ت خود هستند بروی مردمین های پهناوری - که بیش از یک چهارم کره ارض است - بنای شکرف عاد لانه ترین رژیم اجتماعی را برخی افزایند ۰ سیستم سوسیالیستی جهانی ظهر امکانات پرد آشی ای است که سوسیالیسم برای کلیه مردم زحمتکش بوجو د می آورد ۰ این سیستم بوجه مقنعی ثابت میکند که میلیونها نفر متوازن د د و سرمایه داران ؛ بد ون مالکان بزرگ ارضی بد ون بانک اران ، آزاد و خوشبخت زندگی کنند ۰ در مجموعه سیستم سوسیالیستی ، بهره کشی انسان از انسان دیگر برای همیشه نابود شد و پاد حوال نابود شد من است ۰

در راره نقش سند یکاهاد رمالک سوسیالیستی چنین گفته میشود :

" سند یکاهاد رهیچ جای جهان باین اند ازه دارای مسئولیت و حقوق در زندگی اجتماعی نیستند و باین اند ازه از اراده عمل برخورد ارمنیا شند ۰ توسعه و تلاش ف و حقوق سند یکاهاد ، افزایش شرکت مستقیم زحمتکشان در تنظیم نقشه های توییدی واد ره اقتصاد ملی و امداد ولتی ، بخش لا ینتفک تکامل د مکاری سوسیالیستی است ۰ بخش چهارم برنامه با این جمله نوید بخشن پایان می باید :

" هریروزی زحمتکشان کشورهای سوسیالیستی غربی جدیدی است برآمده بالیسم ، نیروی جدیدی است برای تحکیم صلح جهانی ، کله گرانهایی است به طبقه کارگرگیتی د رهارزه بخاطر منافعش و مخاطر ترقی ۰ این پیروزی موجب بسط و تحکیم مواضع سند یکاهاد رمالک سرمایه داری ، مستعمره ، وابسته و نواستقلال میگرد ۰

از رفیق شهید جعفر وکیلی

## باز پرسینه دیوار نویسنده باد

اگرای مود ک نامزد بشلاق سکوت  
پشکنی بر لب من قصه گویای امید  
اگرای شاه همه روسیه‌ان پاره‌کنی  
د فتر شعر مراثاند مد صبح سپید  
با زیر سینه د دیوار نویسنده براه  
مرگ بر شاه برای عالم رسوای سیا

اگرای شاه بیا و بزم از چوئه دار  
پایتازی بسرم همچوبد داد خوار  
یا کنی طمعه مرنیزه تم را صد بار  
یا کمچون شمع بسوزانیم اند رشبید  
با زخاکستر من طعنه زند ببره باد  
که برای شاه فرومیگ و نفرت باد

اگرای شاه من و همسرزیای مسیا  
در محرهد یه کنی چند گل سرب مذاد  
یا اسم اسب بکوی بسره مینه سما  
یا شوی مست زخون من واوجای شراب  
صبح فرد اپرم بازخواند بسر و د  
که بهشیاری حزب پدرم باد در و د

زند آن تیپ د و م زرهی  
مهر ماه ۱۳۳۴

روندگان طریقت ره بلا سپرند  
رفیق عشق چه غم دارد از تشبیه و فرار

## یادی از شهیدان حزب ما

حزب توده ایران روز ۱۴ بهمن ماه هرسال را بمناسبت تصادف باروز شهادت دکتر تقی ارجانی فرزند نامد ارخلق ایران و همبارزات طبقه کارگرکشی، روز یادبود تمام شهد ای حزب مادر سراسر مدت بیست سال عزیز حزب قرارداد است.

حزب توده ایران در واقع از قلب استبداد رضاخانی پر خاست. رضاخان که با پشتیبانی امپریالیسم بریتانیا برای کارگری که قدرت قرار گرفته و مسلطت رسیده بود، هم بدین منظور که پایه قدرت خود را هرچه بیشتر حکیم بخشد وهم باین منظور که باد آدن و شیوه های تازه ای به بریتانیا در زمینه سرکوبی نهضت نجات بخش ملی آزادی عمل بیشتری بدست آورد، در سال ۱۳۱۰، قاتویز را که بحق قانون سیاه عنوان گرفت بدست مجلس دست نشاند خود بتصویب رسانید و شدت عمل ضد انقلابی خود را بدینوسیله "قاتویز" داد.

بدنبال تصویب این قانون دستبردهای تازه ای علیه جنبش مترقب و حق طلبانه خلق های ایران زده شد. سند پذیری کارگران نفت خنوب مود هجوم تقریغ شد. عده کثیری از کارگران در حنوب و مرکز و همچنین عده زیادی از افراد ازد بخواه و روشنگران ترقی به بند کشیده شدند.

عده زیادی از مبارزان و اعضاء فعال حزب کوئیتی ایران در آن دستگاه جرم و جنایت در زندان اقصرا قاجاری شهیدت رسیدند و جان برسر ایمان و عقیده خود گذاشتند. از انجمله میتوان شهید ای ذیل راتام برد: محمد انبیانی، مسید محمد تنبا، محمد حجازی، علی شرقی، محمد باقر صادق پور.

جزیران مرگ فجیع حجازی در کرج زندان در موقع خود انعکاس فراوانی در جهان بوجود آورد و گوشید از تبهی کاری های شهریاری رضا شاه را در پیرابر انتظار جهانیان فاش ساخت. حلقه محاصره مردم و ازد بخواهان تنفسگردید. طولی نکشید که سراسر میهن مابکی زندان بزرگ، بقیه رستاخیزی که سکوت مرگ در آن حکومت میکرد مبدل کرد.

حکومت رضا شاه موقق گردید سازمانهای مشکل و انقلابی را زهم بپاشد؛ تشکیلات کارگری را بریهم زند و آزاد مرد ای را بسلولهای تیره زند انها بگشاند. اما هر کی توانست شعله تابانک عشق میدهیم مابه ای ای را ای تباش و فروع بگزند ارد. در همان موقعی که شاه و دستگاه حکومت او کار را پایان یافته و جهان را بر مردم خیشید می انگاشتند باره پریز چشم بارزه بدست دکتر اراثی افراد شد.

دکتر اراثی یکی از چهره های این بنک میهن ماوکی از هر چنان شایسته مبارزات خلق ایران است. در روزهای تیره و تاری که اکثر صاحبان قرایح واستعدت اداره جستجوی تعییرات تازه بتأثر ای برای عرض متعلق به استان شاه بودند، در آن روزهای که فجایع و حتی رای ریزم دیگاتوری رضا شاه را در زیر پریده ای ازد روغ، سفسهان، قلب حقایق ود ایچ چاکرایه می پوشانیدند، دکتر اراثی علیه فساد و آسودگی و قیمت و حشیانه اختناق و فشار بریای خاست و حد ای اخراج وی علیه جنایت ریزم رضاخانی سکوت و حشمت زای آن در وران را در شکست.

شخصیت علمی و اخلاقی دکتر اراثی ای وارد موقع ممتازی دست را در میان روزگار میدهد. وی استاد طعم طبیعی بود، باتیری که در این رشته داشت اصول موادین مارکسیستی را در تطبیق با اسطوام طبیعی مطرح می ساخت. دکتر اراثی را میتوان آنچنان کسی دانست که اصول منور ای بصورت منظم و متعرکی در مقیاس کشور اشاعه داد.

در یک دوره کوتاه حزبی وی در این عرصه نیز مجله "دنیا" بود. وی در جامه بحث فلسفی و علمی که هنوز برای سرد مد ایران ریزم و سانسور چیان قابل فهم و درک نبود از طرفی جانی مارکسیستی را ترویج داد و از طرفی صد ای اخراج وی ریزم استبدادی رضا شاه بلند کرد. مجله دنیا طبعاً توانست تامد تامد میدی دی

بعمر خود اد امه دهد. مدرجات آن مواضع اید ئولوئیک طبقه حاکمه رادرهم میکوید. شاه و اطرافیان وی نمیتوانستند تاحدت زیادی نسبت برهاشی که این مجله می پسورد در جهالت باقی بمانند. مجله دنیا توافق شده ارانی آرام نمایند و فعالیت خود اد امه داد. اور رهبری حزب کمونیست ایران شرکت موشود اشت و پیویه نقشی روح حسته ای را در حلب روشنگران یه اندیشه های مارکسیستی ایفا نمود. در حاشت حکومت مطلقه رضاخان این کاری نمیزله بازی کرد ن بagan بود. طولی نکشید که پنگال دستگاه پلیسی شاه د رگریه ارانی و پاران افروزفت و انها را که بعد هابکروه پنجه و سه نفری موسوم شدند بزندان کشید.

دکترارانی در درون زندان و در شرایط شکنجه گاههای مختاری نیز شاستگی اخلاقی و علی خود را در رهبری انقلاب بثبوت رسانید. هول و هراس و شکنجه در خیمان شاه توانست اورا ازاند بشه اد امه مبارزه بازد ارد. در لحظاتی که تازیانه خارگین در خیمان برپکر وی فرود می آمد و آتش را شرخه میکرد او می - اند پیشید که چگونه میتواند جراحت امده اینده روشی را که در پر ابر طوفان و حاشت زای ظالم حکومت شاه قرار گرفته در دل پاران خود زنده و تایناک نگه دارد. او از هر فرضی مبنظر تجهیز هرچه بیشتر تمام این عده باسلاخ امید و ایمان و نگه داشتن انتہاد رواضع انقلابی خود شان استفاده میکرد. با نهاد امید و گرمی روح مید اد هاروشن بینی اهایانه سپنچی بود در وان اختناق رضاخانی رابرای انها روشن میساخت.

شرح محکمه و دفاع دکترارانی یکی از رخدنده ترین فصول کتاب زندگی پر فروغ اواست. دکتر ارانی در دادگاه دن شان خود مید نست که موضع دفاعی بخود بگیرد. دفاعی که برموده دفاع از عقیده و دفاع جمعی از همه هر اهان او در میزد بشکل ادعایانه پرشوری علیه دستگاه حکومت شاه درآمد.

در جهان آنروز که فاشیسم در تاخت و تازی و در کشور ما استبداد سیاه و موحشی تسلط داشت دفاع قهرمانانه ارانی یکی از درخشش های خیره کننده وحی آزادی پرست مردم ایران بود. دفاعیه دکترارانی را میتوان در دریف عالیترین مدافعات انقلابی آن در وان مانند دفاع شکریگی دمیتریوف رهبر فیض ملت بلغارستانی در دادگاه تازی هادر لابنیگ دانست. در این دفاعیه دکترارانی صحت مشی کمونیست ها، که بولت تاریخی مخالفین آنها را اثبات کرد و در فضای مختنق رضاشاها بانک ایران انقلابی، بانک رشیجان کشور ابلند نمود. بعلت همین سرخشنی و پایایی انحراف نایدیر، روح انقلابی و مبارزه جو، وی خشم و گنه تسامو دستگاه حکومتی رضا شاه را طیه خود برانگیخت. بارها اور اباد استبداد و پایاند به مجرد کشانیدند، زیر شکنجه افکندند، کوشیدند تا بهار قساوتی که مدن باشد اور ازند را ازین بیرون زند. اما وی آن حد بر فراز همه این تمکارهای اقارب اشت که هیچ نشیش شیطانی توانست زانوی همتش را برلرزاند. باینجهت در خیمان تصمیم گرفتند اورا ازیای در آورند و طومار زندگی افتخار آمیزش رادرهم پیچند. با تمدد خاصی اورا در سلوی که جایگاه یک بیماری قویس بود افکندند و چویی مبتلا باین مرض خطرناک شد باست دلی حیوانی هر نوع مد او را زا اور دریند و چرا غصه بخشنده دکترارانی رادر روز ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ خاموش کردند. شیخ دشمن امید اشت که پامرک ارانی مشعل فروزان مبارزات ملی مرد بیکاره و اقلاب برای مدتی طولی خاموش خواهد ماند. این پند اور در سراسر جهان تاریخ گزین گاه فکری فرامانزدا و ایان ستعگر و حکومتهای فاسد و خدمی میووهد است و در سراسر جهان تاریخ نیز بطلان آن بثبوت پیوسته است.

مردم تشنگ از ارادی واستقلال بودند. اتش در زیر خاکستر پیشان بود. طوفان جنگ این خاکستر را پراکنده ساخت. رژیم پلیسی رضاشاها دچار سراسری میگردید. بربوری پیرانه سازمانهای ملاشی شده سابق و دست هم زمان دکترارانی پایه حزب پراختار توده ایران گذ اشته شد. حزبی که بحق وارث سنتهای مقد سپه از رازات قرون گذشته، وارث انقلاب نیمه تمام مشروطیت، ووارث افتخارات حزب کمونیست ایران بود. حزبی که از همان اولین قدم هر سطر از تاریخ زندگی شناسخون زنده فرزندان پرخاش جو بارز میهن مانو شده. حزب توده ایران با این ترتیب از قلب استبداد رغا خانی پرخاست. چنین بود دیالکتیک زمان - چنین است حکم تاریخ.

بدست حزب توده ایران پایه انقلاب فکری عظیمی در ایران بنیاد گذ ارد شد. آتشان انقلاب معنوی و رزف و پهناوری که سیل خروشان طوفانه احوالات خوینی پایی هم توانست آثار آنرا ازصفحه زندگی مردم ایران زائل کند بمحفوی که تاریخ فعالیت بیست ساله این حزب خود قسمتی و قسمت مهمی از تاریخ عمومی مبارزات حق طلبانه میهن ماراد رطول این مدت در برمیگرد.

این پیروزی درخشان چه در عرصه سازمان دهی و چه در پنهان ایده ٹولوی آسان و ارزان بدست شاهد ارجاع سیاه ایران که شاه در مرکزان قرارداد باتمام امکانات وسیع خود کوشیده است تا بجز تبلیغات یک جانبه ممتازترین خواص اساسی حزب توده ایران را نگذارد؛ خاصیت میهن پرستی، حقانیت آن و ایمان به این حقانیت را که اهم فعالیت انقطاع ناپذیر بیویست ساله حزب توده ایران بوده است اندارنماید. اماهر ورق از تاریخ پژوهشی و فراز این حزب در سراسر وران بیوست ساله عرآن پاسخ شایسته ای به این هرزو در اینهاست.

بیوست سال است قلم درست دشمن است و نه تنها ارجاع ایران بلکه مجموعه دستگاه امپریالیستی و سازمانهای وسیع تبلیغاتی آن برای درهم شکستن حزب ما زارگاری هیچ جنایتی خودداری نکرده است. حزب مباره هادچار استقلال ملی و آزادی مردم میهن خویش خون خود را شکرده اند. در حالی که جان برک در راه تأمین استقلال ملی و آزادی مردم میهن خویش خون خود را شکرده اند. در حالی که احزاب فرمایشی و دولتش از حزب "اراده ملی" سید ضیا الدین و حزب "عدالت" و حزب "جمهوریات" قوام اسلطنه گرفته تا احزاب دزیاری مردم و ملیون یکی پس از زیگری بمیدان اند و با برخورد از کامل از حمایت دزیار و مشیر سازمانهای انتظامی و کمکهای معنوی استعمارگران با چوکتربن با داده مخالفی ازید اند. رفته اند، حزب توده ایران مانند صخره صیادی خود استوار مانده و علی رغم همه ضربه های مرگباری که بآن وارد آمده همچنان موجود بیت خود را حفظ کرده است.

این پیروزی راحزب توده ایران از طرفی مدین حقانیت راه خود؛ مدین درستی جهان بینی پسر د وستانه و آن هدف والا و شرافتمد و انسانی است که همگی مادر راه تحقق بخشیدن بآن مبارزه میکنند و از جانبین مدینون فد اکاری قهرمانانه شهد ایشماری است که در طول این مدت نهان آزادی را با خون خود آبیاری کرده اند و مرگ هم با همه یعنی رعب انگیز خویش خود را در بر ایرانها حقیر و نتانوان دیده است. تعداد این قربانیان یکی دو تا ده تائیست که بتوان همه آنها را در اینجا نام برد. بخصوص کم حزب مادر اشری ایت اختناق مد اوم و هجومها وحله های بد و انقطاع که در هر دو و باعث ازین رفتگان استاد و مدارک مربوط بسازنات آن دوره شده است تاکنون توانسته است فهرستی که حتی مطهور نسبی کامل از این شهیدان تهیه کند. پجرت میتوان ادعا کرد که طی تاریخ چند قرن اخیر میهن ماهیت حزب جمعیت دیگری را نمیتوان سراغ کرده که توانسته باشد راندک مدت اینچند را قلب اجتماع نفوذ کند و اینچنین مرد خشم کین توزانه دشمنان مردم قرار گیرد.

مادر این جاسعی میکنیم بطور عده از گروههایی که در جریان عده ای از عدد ترین حوادث این بیوست ساله بشهادت رسیده اند یاد کنیم. اسامی افراد هرگز تا انجا که بدست آمده است در جدول لوحه افتخار بظهور جد اکانه ذکر میشود.

نخستین گروه این قربانیان در جریان قیام عده ای از افسران در خراسان بشهادت رسیدند. در این فاجعه حانگ از اسکنده ای و ششتن از ایران ویهنتگام عبور از قصبه گنبد قابوس مرد شلیک دستگاه آذ مکشی حکومت فاسد و جبار مرکزی قرار گرفته و شریعت شهادت چشیدند.

بادر رنگر گرفتن شرایط حیط ارشی ایران این قیام اهمیت خاصی کسب میکنند. بیوست سال بود د این محیط بسود رئیم سلطنت شب و روز تبلیغات یک بندگانی گوشی فرمان شاه بوجود آورند. شاه بیوست فرمانده کل نیروهای مسلح در تعام قلعه را ارتضی از خیار مطلق داشت. جموعه نظامنامه های ارشی از شاه یک معبود مطلق میترآشید و میکوشید توده سریازان و افسران را از جریان دنیای خارج بکلی برکناره ایطلاع نگاه دارد و مجموع مسائل ملی و میهنی را برای آنها مطلقاً را وجود شاه تمرکزد هد. اما علاوه در توالی حوادث نهان داده شده که همه این تلاشهای مذبوحانه بیهوده است و طیزغم تبلیغات وسیع و یک جانه و متعادی که از آغاز تشکیل ارشی بسود شاه و دزیار سلطنتی و بینان خلقهای ایران جریان داشته باز شعله عشق باز ازادی و استقلال ملی و به سعادت خلقهای ایران در درون سینه افسران شریف و قد اکار ایران مشتعل بوده است (نام شهدای گنبد رلوحه افتخار داشته است).

در روز ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ فاجعه عظیمی در آبادان بقوع پوست . پلیس ماتفاق عده ای از روآسا<sup>\*</sup> قابل دزیرهای شرکت نفت تلاهرات کارگران را بخون کشید . درین فاجعه بیش از زینجا نفر مقتول و ده بیشتری زخمی شدند (۱) .

قیام خلق آذربایجان ارتقاب ایران راسخت سراسیمه ساخت . پس از قیام ستارخان و انقلاب مشروطیت وحد از قیام شیخ خیابانی اداء دهنده این انقلاب اینک سوینی باری بود که آذربایجان پر جم از ارادی ایران را برداشت و میکرفت . دستگاه حاکمه ایران باکین و خشم وحشیانه ای کمرسکیمی آذربایجان ساخت پس از شکست نهضت در آذربایجان ارتقاب انتقامی استگن و وحشت انگیز از مردم این سامان ستانه عده کشیری از این مبارزان راه آزادی باطرزه جیعنی بدست عمال دولت مركزی واهاش و اشاره اقتل رسیدند مثلا نصرت باقی را جامر واهاش زاند از همان که تغییر لباس داده بودند گرفته و پس از کشتن تعشش را بطناب بسته و در کوجه هاکشیدند . یکی دیگر از این مبارزان را بنام حسین جلالی بمرابه بسته و دو شقه کردند . افسرو جوانی را بنام سعدی کشته و نعش بیجان اورا در آغوش همسرش افکندند . شیخ محمد روحانی معروف را کسان ذوق فقاری در محضر وی بادرد و شکنجه کشته و جسد اور از ایام بزرگ افکندند . درین گیورد از هزاران نفر از افاد حزب وازا هالی بهمین نهنج بقتل رسیدند که تمیین نام و عنوان آنها اعکان پذیرنیست . علاوه بر اینها عده زیادی نیز بدست مامورین رسمی دلت افتاده و طبق احکام ادگاههای کذا ائمۀ حکم و اعدام شدند که فهرست نام آنها در لوحه افتخار از نظر خواندن گان میگذرد (۲) .

تعداد قربانیان حزب مابهیمین جا ختم شد . در سراسر ایران بیست ساله عمر حزب ماسالی برماء نگذشته است که عده زیادی از پیروی از این حزب مابهیمی از اینجا پیدا شدند . درین اثر توشه یا پوسیله تروهای حمعی و فردی از اینها در نیامده و خاک و خون غلطیده باشند .

توشه داشتگاه را در نظر گیریم . حکومت ترور و وحشتی که متعاقب آن بوجود آمد چه فجایعی که مرتب نشد ! کدام شهر و قصبه رامیتوانیم نام ببریم که از پیروی وحشیانه پلیس در این مانند . چقدر از قبرمانان گفتم حزب مادر جریان این توشه قربانی جنایت دشمنان خلق شدند . داستان فجیع هجوم قوای مسلح بد انشجویان نتف در آبادان و شهید شدند سه تن از اشجویان از جمله ماجراهای تامانگیزی است که میزان درندگی دستگاه پلیس و شمنی اشتبانی ناپذیر از برآمد نشان میدهد \*

فاجعه ۲۳ تیرماه ۱۳۲۰ را بیاند ازین . در ایجاد این ماجراه جانسوز محافظ و مستحبات متعددی دست اندکار بودند . رکن ۲ ستاد ارتش ، داردسته منسوب به ارفع ، ولیستگان بد ربار و شاه ، عوامل امپریالیسم امریکا که در داخل جیمه ملی سرگرم خرابکاری بودند و مقاوم و خلیل ملکی در راس اینها قرار داشتند ، هر یکی تقش جنایتکارانه خود را در جریان این ماجرا ایفا کردند .

هدف این فاجعه از طرفی کویدن حزب ماوازن جانی متزلزل ساختن دولت دکتر مصدق بود ۱۰ ر این فاجعه طبق اماری که بعد هابد است اند ۳۳ نفر کشته و میشانند . نفرخیمه و ده بیشتری ناپذیدند که اثری از این هابد است نیاید و فقط بعد هاروشن شد که کامپونهای ایشانی عده زیادی متروک و نیمه جانرا به نقطه ای در حوالی جاس آباد واقع در شمال تهران نقل کرده و در انجیل ون توجه بحال مجرحین همه را در روی هم در گود الیوری خشته و خاک و کل روی آنها پوشانیده اند !

در مازندران باره انتظیر این تهمکارها بار داد . در هر بار عده ای از همراهین و زنده تیرین فرزندان زحمتکش میهند مابد است در تختیمان شاه شریت شهادت چشیدند . در برخی قتل عامهای مازندران بخصوص یکی از برادران شاه مستقیماً شرکت و سرمهش توطه را در داشت (۳) .

(۱) باکمال تأسیف اسامی هیچیک از این شهداء در دسترس نماینست . هرگونه اطلاعی که در این زمینه بما بررسد میتواند در تنظیم تاریخچه شهیدان راه آزادی کمک شایانی بمالکند .

(۲) در باره جریان محکمه ، دفاعیات آنها و قته های آنها در دارند مرگ هرگونه خبری بما بررسد از لحاظ تکمیل تاریخچه موجب امتنان مخواهد بود .

(۳) از خواندن گان تقادار ازین هر اطلاعی اجزای این حوادث و اسامی شهدا دارند در دسترس مانند .

حاده خوئین هشتم فروردین ۱۳۲۱ را فراموش نکرده ایم. پلیس د موتستراسیون جوانان را بخوبی کشید. هشت تزن از اعضا جوانان د مکرات در درون خانه خود یعنی باشگاه جوانان بدست پلیس خون خوار از پای درآمد و شریت شهادت چشیدند.

کودتای ۲۸ مرداد رسیله تازه ای بدست حکومت شاه دادت ابا قهرمان و حشیانه در صد اتفاق گرفتن از حزب ملبرآید. تعداد قربانیان حزب ماکه طبق احکام دادگاهها شریت شهادت چشیدند دراین پاریش از همیشه بود. کودتاچیان دراین وهله از سه طرق در صد درآمدند رسیله حزب توده ایران را که مشکل ترین وجازم ترین نیروی مرکه انقلابی میهن ماید از زمین برکنند.

### ۱- از طریق ایراد زجر و شکنجه

قربانیان این طریقه اهریمنی زیاندند. آنهاه تاکنون کاملاً شناخته شده اند بترتیب تاریخ شهادت عارتند از محمود کوچک شوستری، وارتان سالاخانیان، زاخاریان و ستوان یکم متزی. اینه بادرد و شکنجه طاقت فرسا شهید گردیدند اما زنان آنها هرگز برای گشودن رازهای حزب مبارزندند.

### ۲- از طریق تزویه های فردی

قربانیان شناخته شده این تزویه عارتند از آرمائیس و جهانگیری با غ اینان که در قتل هرد و آنها داشتکها شرکت داشتند.

### ۳- از طریق تیپه اران

در در وان سیاه حکومت کودتاچندین پارا حکام اعدام قهرمانان حزب ماید متبر و در زیر نظر مستقیم شاه بموقع اجرای اراده شد. در وله نخست ده نفر که نه فرازانه از اعضا سازمان افسری حزب توده ایران بودند. در بارود و مشریق افسر، در دفعه سوم پنج تن افسر و در دفعه چهارم شش تن افسر. اسامی این افسران بترتیب در لوحه افتخار ذکر شده است.

اینها سیماهای در خشان حزب ما، سیماهای روشن انسانهای خصم مایدند. اینها با قهرمانی های حمامه آسای خود حتی بر مرگ هم ظلبه کردند و داغ رسواشی پر چین رژیمی زندگه تلاش میکنند با جماری ساختن سیل خون پایه های قدرت مطلقه خود را استوار کردند. اوایل دسه جمعی آنهاه در هر باره سرایدن سرود حزب خیش پیای چویه اعدام میرفتند سوت و حشت زای میط اختناق وارغاب را در هم میکنند و شاه را بر سر خود میزدند.

در اینجا کوشش میشود برخی از اخرين سخنان عده ای از فقای شهید بازگشود. آنچه که در اینجا گفته میشود تنبایعنوان نهونه ایست ازان روحیه عالی و مغلوب نشد تی همه این شهیدان که قیافه دزم مرگ دل آنها را ثلزا ندند. بدینه ایست هنوز اطلاعات زیادی باشد دراین زمینه بدست بیانیه تسانیک همه قهرمانان حزب ما از زیر ایرهای ایهام مرور ایام بیرون آید و انگوشه که سزاوار است بد رخداد.

سرهنه کشیده را میشود این مگ بخانواره خود نوشته: "سرهنه بشیری در لحظات آخر طلب به مهرش که اصلاح کشتو و سعادت مردم ایرانست فد ایشون". سرمهش بشیری در لحظات آخر طلب به مهرش نوشته: "من جز سعادت و خوشبختی ملت ایران هیچ سودا و هیچ ارزش در سر زند اشتم و دراین راه کشته میشوم. این مرگ، مرگ شرافتمد انه ای است". سرهنه عزیزی هنگامی که به چوچه اعدام بسته شده بود با چشم ان باز و در حالی که بچشم درمیخان نگاه میکرد بحزب خود درود میفرستاد. سرگرد کلیو یک روز قبل از اعدام از جان بهم افسرانش که در انتظار شهادت خود بودند بد و سtan خود نوشته: "این خد احافظی دسته جمعی شهید ای ملت در روز و این سین زندگی خود مان است. نخست درود آتشین مارا پذیرید. دیگر اینکه بد آنید تا اخرين د نسبت بخلق و فاد ارمادن بیم". مهند سرکیوان که جمیع شهید را شکنجه ملته شده بود برد پیارزندان خود این شعر را که نمود ارای از ایمان استوار او بحزب وه آرمان انسانی اش بود نوشته:

"در روز جنایان چند روزی بیش نیست رازد ار خلق اکبر ایشی همیشه زنده ای"

ستوان افراخه در جواب جلال اش شاه گفته بود: "برای زندگان ایران مرگ ما را زندند". سرگرد پهزاد در راستان مرگ روی برگ کاغذ سیگار نوشته: "یکساعت دیگر من، مختاری، تصیری، مزوون، محقق را داده، سروشیان تیپه اران خواهیم شد. پیروزی دامت ایران. دراین لحظات آخر قبل از اعدام بملت

ایران، بحزب محیم، بنز عزیز رکاوه نازنیم می‌اند یشم . افتخارد ارم که بخاطر ملت ایران و در راه پر افتخار حزب توده ایران و دفاع از حزب محیم محاکوم و تیرباران شدم " سروان مدنسی که چهار کوک خرد سال را پس از خود بر جای میگذشت ، و سه هشتگلایی که فرزند آن وی در آنوقت کوکان خرد سالی بودند ، در لحظه آخر پرسنوت حزب خود و ملت خود می‌اند یقینیدند و مسروط حزبی متزم بودند . سروشیان در جواب آزموده که بیوی کفت ترا میکشیم - بالبخت اظهارداد است : « انتباها میکیدی ، از هر قطره خون من صد هاشوسنیان میروید » . مروزان با امارت و اطمینان خطاطی که ناشی از ارامش وجود آن و انکار آن دهنده آن روحیه انقلابی بوده حتی ماقوی مرگ قرارداد ارد برد یوار زند اخ خوش چنین نوشت : « امشب آخربن شب زندگی من است . قلبم را امتحان کرده ام ، آرام است . امید و ارم همه زندگی این سیاسی مانند من باشند » . جشنیدی بخواناده خود توصیه کرد " غمه نخوردید ، من برای زندگی مردم میعیرم " . مختاری در زمانه خود بد وستاشن پس از شرح شنجه - هاشی که براو وارد کرده بودند نوشت : « از زندگی کوکاه و پیرماجرای خود به پیچوجه نادم نیتم ، زیرباند اره » . یک ایرانی وظیفه خود را انجام داده ام . تردیدند ارم که خلقی قهرمان ما و در پیشاپیش آن طبقه کارگرما فاشیسم را زندگی بگرخواهد کرد و مروی لاش آن بنای زندگی شاد و اسوده ای برخواهد افراد است . بامرگ من فقط زندگی من است که پایان می‌باید . موفق و پیروز باشید " . و پیریان به دزمخیان گفت : « پشمن مرا نیندید . میخواهم با چشم اندازیم و در مرگ لرزش دستهای دشمن را بینم » .

روز دوم اردیبهشت ۱۳۷۲ دنفرد یگارقهرمانان حزب ما ، آرسن او انسیان و هوشمنگ پورضوانی شهید شدند . آرسن د ربرابر چوجه اعدام گشت : « من کارگری هستم که جز د هزاری خود سرمایه ای نداشتم و اکنون سعادتمند که در راه مردم با همین سرمایه هشافتمند ام بگیرمیروم » .

قدرت شرم آور و اجوانه داده است که دشمن حزبی را که اینهمه قهرمانان پاک باز درد امن خود پرورش داده " بن وطن " و " اجنین پرست " بخواند !

آری ، دشمن غدر ارجشم خود را برپری این قهرمانیها و این قهرمانان می‌بست و در نقطه مقابل از شفعتها ، تسلیم ها ، ارتاد اد ها و عقیق شیوه های که در زیر ضربات شکنجه عارض گردیده بود بحد اکثر ممکنست استفاده میکرد . دستگاه تبلیغاتی دشمن از طرفی پروری اینهمه قهرمانیهای حمامه امیز که بر جسته ترین نقاط در خشان تاریخ حزب انقلابی توده ایران را تشکیل میدهد با سفلگی و نامردی تمام سریوش میگذاشت و آنها را لاتوطنه مکوت بگذاریم کرد ، و از طرف دیگر عوامل منفی را در هر زیسته زیر ذره بین میگذاشت ، بزرگ میکرد ، و در اطراف آن داد و فرید بر راه می‌اند اخ . و روی رسیده باتبلیغات یک طرفه خود ، با استفاده از تمام وسائل شیطانی زجر و شنجه و جعل و تزویر موفق گردید تخم عجز و ناامیدی و سرخوردگی در ازد هان عموم بیافشاند ، بدینی ، بد گمانی و بد اندیشه بوجود آورد ، و اغافله کرد ن این عوامل توانفرماس سازمان حزب یک شاعر حساس ایرانی در قطعه ای تحت عنوان ارشکانگیر که افسانه ای حمامی از ایران باستان است چه خوب آنروزگار ارجسم میگند :

روزگاری بود ، روزگار تلخ و تاری بود .  
بخت ماقون روی بد خواهان ماتیره ،  
دشمنان بر جان ماجیره .  
شهر سیلی خوده مذیان داشت ،  
بر زبان بسند استانهای پیشان داشت .  
زندگی سرد و سیمه چون سندگ ،  
روزند نامی - روزگار ننگ !  
غیرت اندیشد های بندگی پیچان ،  
شقق در بیماری دلوردگی بیجان .  
ترس بود هالهای مرگ ،  
کس نمی جنبید چون بر شاخه برگ از برگ .

سنگ آزاد کان خاموش،  
شیوه گاه دشمنان پر جوش،  
پاگهای آرزویی برگ،  
آسمان اشکها پیار،  
گرد مرد آزاد کان درند،  
رویی نامرد مان درکار!

در چنین شرایط تیره و مرگ راش مردم میهن ما، غیرغم سرخوردگی و خشم ویا مس خویش بازدراش  
یک مطالبه پرهیجان و شورانگیز میسوختند. کجا شد جانبازها؟ چرا شعله جاود ان قهرمانیهای افتخار آمیز  
از فروع افتاده است. چطور این اشکده جاود اتنی خاموش مانده وازان مشعل فروغی نمی تابد. آیا هریمن  
برای همیشه اینگونه مسلط و پرهیمه باقی خواهد بود؟ واین مطالبه که از زرفتای روح جامعه ما سرچشمه  
میگرفت بزبان شاهر چنین خلاصه میشد:

آه کوبازی پولادین و کو سرپنجه ایمان.

جامعه مابینان همین شاعران گید فریاد میزد:

آری آری، زندگی زنی است.  
زندگی آشکهای دیرنده پاپر جاست.  
گلیفروزیش رقص شعله اثر در هر کران پید است.  
ورنه خاموش است و خاموشی گاهه ماست.  
زندگانی شعله می خواهد،

شعله هاراهیمه باید روشنی افروز.

چشم مردم در بحوجه یک دوران وحشت، انحطاط، ارتداد و تسلیم درانتظار ارشکمانگیری بود که  
بد شمن بد تهاد و تیره درون دوریا شرکید و جان برس تیرنید همین سقوط بد ون وقه "ایست" بگوید.  
در این چنین شرایط خاصی است که مردی دلار قد م درمید ان میگذرد اند میزبان شاعر عتمد م نگران  
ومنتظر چنین پاسخ میدند:

براین پکان هستی سوز سازمان ساز،  
پری از جان باید تافرونشیند از برواز.  
به صحیح راستین سوگند،  
به پنهان اقتات مهرتاب پاک بین سوگند،  
که ارش جان خود رتیر خواهد کرد.  
هزاران چشم گویا ولب خاموش،  
مرا پیک امید خویش مید اند.

این مرد دلار خسرو روزیه بود.  
خسرو بد ون ترد بد یکی از رخشناترین قیافه هاویکی از قهرمانان بالرج حزب ماست که چه از لحاظ  
خصوصی اخلاقی، چه از حیث روحیه پرشورانقلابی و چه از جهت ایمان استوار و تزلزل ناپذیر او به پیروزی  
سوسیالیسم و روش بیشی امید وارانه او بفرد ای تابناک همه بشیریت جای بر جسته ای دربارگاه شهیدان  
دارد. خسرو نیز با مقاومت دلیرانه خود دربرابر شمن، باعول انقلابی خود در تیره تیرین و کدرتیرین روزهای  
پلاخیز عمر میهن ما، سکوت وحشت زای حکومت کودتا را در رهم شکست، و همگن افتخار آمیز خودگذانی عظیم  
پایجتماع سرخورد ه ماد اد. دفاعیه خسرو روزیه که تهاد فاعیه ایست از محکمات دهان کودتا که بدست  
آمده است چهره این مرد انقلابی نامد ارباب افروغ و تابش کافی نشان میدند.

داستان حمامه آمیز گرفتاری، محکمه و مرگ خسرو روزیه با وضوح بیشتری این واقعیت را بعد م  
نشان داد که پرخلاف تبلیغات یک طرفه دشمن، حزب توده ایران نه عبارتست از خطایها و شتباهات و گجری  
های ناشیانه آن و نه عبارتست از عجزها، تسلیم ها و خاتمهها.

درد امن حزب توده ایران است که اینهمه قهرمانان پاک باز توبیت شده اند. دربرابر هر فرد

ثانی

ناتوان و عاجز و شکست پذیرکه با پشتی رفت باری دربرابر دشمن زانویزند و رأستان خصم بوسه میدهد قهرما پید امیشوند که مانند خسرو روزنه در تئاتر زندان ، در کنچ دادگاههای کذاشی نظامی که حقباید آنها را سلاح خانه نام نهاد ، در حالی که یاقوای مسلح اهربیتی از هرسو محاصره اند و کوچکترین ارتباطی بادنیای خارج ندارند با غرور و افتخار حمامه امیز میگویند :

" من با تضایی اتشی که بخاطر خدمت بخلقهای ایران در رون سینه ام شعله میکشد راه حزب توده ایران را برگزیده ام واید اذغان کنم که جام ، استخوان ، خونم ، گوشتم ، پوست و همه تاریپود وجودم این راه را مقدسی شناخته است و تمام سلولهای بد ن من و تمام ذرات وجودم توده ای است . "

کسانی که در آنروزها - روزهای گرفتاری و مرگ خسرو در ایران بودند میدانند در آن شرایط خاص جریان این دستان که با فسنه های حمامی عمر پهلوانان شباخت داشت چطور روحه های افسرده و مرعوب را با ابرد ، چطربیدم امید ام ، چه شوری درد لهاب را کرد و چه تائیر علیمی در اعلاحی مجد داشتیت حزب مابخشید .

کمیته مرکزی حزب توده ایران بحق دراعلامیه خود درباره خسرو روزنه چنین میگوید : " جهانیان خسرو روزنه رایمیشانست . سراسر زندگی وی سرشار از زبردی دشوار عليه ارتقای واستعمازید . روزنه بعثایه تعونه ای از مقاومت درقبال ستم به حق سرمشق برای کلیه ایرانیان است که در راه آزادی و استقلال میهن خود مبارزه میکنند . روزنه دربرابر شدای زندگی سخت در همان اختفا که سالهاباطول کشید ، در مقابل شکنجه های غیر انسانی ، دربرابر مرگ هی تزلیل ایستاد . تمام مساعی ارتقای برای آنکه روزنه رای بخشی را بخواهد شروع میکرد ، فربی دهد و تسلیم وارد به صخره اراده انعطاف ناپذیر شرخورد کرد . تردیدی نیست که مردم ایران روزنه را یک از قهرمانان ملی خود خواهند شمرد و خاطره های را برای عمیشه عزیز خواهند داشت . جاد ارد نام روزنه در زمرة نام قهرمانانی قرار گیرد که زندگی را با جسارت درآستانه حقیقت وعدالت ، صلح و مکاری و سوسیالیسم بخاطر خلق خود و سراسریت فدا کرده اند . "

خسرو آخرین قربانی نیوید . بعد ازاوه خونهای دیگری از قهرمانان نداشته حزب مابدست دشمن پیش ریخت . در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۳۸ و در بحبوحه احتسابات علیم کارگران کفره پزخانه هاکه بدست پلیس ریخون کشید . شد و قیمت جان بیش از سی تن از زخمیکشان ستکر میهن ناتمام شد . مهندس طوفی عضوهیئت اجراییه حزب توده ایران رایقصد تشید محبیت اربعاب و وحشت و قول آزموده جلال برای آنکه تخت سلطنت محدر رشاشه باقی هر قرایمیاند بجهوه اعدام بستند .

کمیته مرکزی حزب توده ایران دراعلامیه خود راجع بمرگ مهندس طوفی چنین میگوید : " اعدام طوفی بهترین دلیل وفاداری او بله آرامنیهای متدبی است که اوجان خود را در راه انتهاfeld اکرد . اعدام طوفی سند افتخار جاوده برای او هرای حزب او ونهشت نجات بخش مردم ایران است . اعدام طوفی الهام جدیدی بعزم دار ایران در مبارزه طوفی ارجاع روزیم منفور محمد رشاشه واستعمار خونخوار خواهد بود . نام طوفی برای همیشه در دلایل مبارزان راه حزب توده ایران وهمه دوستداران استقلال و صلح گرامی خواهد ماند ."

پس از آن در ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۳۹ درآستان مسافت شاه به اروپا بدستور وی پنج تن دیگر از سیاران پاکیاز حزب مالزین عده کشیری دست چین گردید . و در تبریز اعدام شدند . این قهرمانان و سربازان راه آزادی و استقلال ملی قربانی شدند اسلامتی که بنای آن برپه امواج خون نهاده شده و تابت ترین مرکز همه بند وست ها توپوشه های خائن و ضد ملی است پاید ارعاند . امامت اعماقی جریان تاریخ گذشته دلائل کافی حاکی از پیوچ وابلهانه بود ن پند امثال آزموده ها

بدست مید هد . حزب توده ایران مولود یک ضرورت اجتماعی تا پذیرتاریخی میهن مابوده است . حزب توده ایران در آن آرمان عالی انسانی خلاصه میشود که جئک و فقر و فحشاً و گرسنگی و جهالت و اسارت را محکوم میکند و سعی دارد بر روی بنای فرسوده جامعه مکاخ نوینی از بک زندگی افزای از جهل و فقر و مرض و ترس برافرازد . حزب توده ایران بمنظور وجود آوردن یک جامعه سالم میکوشد که در آن فضیلت و کار ارزش واقعی خود را پیدا میکند .

حزب مامیتش است بر جهان بین مارکیسم لنینیسم ، مکن است با نقلابین ترین طبقات و قشرهای جامعه ما پیوند یابنگستنی و عیق با جامعه خود دارد .

حزب مابا این اتفاق روزان ناپذیر طوفانهای عظیم را از سرگردانیده و در همان لحظه که دشمن ما را غرق و تابود شده می انگاشته بارگرد روسط امواج سهمگین حوادث پهی خاسته و پرچم مبارزه را از نسو برافراشته است .

ما از شهید ان خود در تگنای راه مبارزه دشواری که در پیش از این المهام میگیریم و از ترتیت آنها که زیارتگه رند ان جهان خواهد بود همت میطلبیم تارا همسی را که آنها بخاطر وصول بان حسان فد اکردند باشایستگی دنبال کنیم .

برای یادآوری از خاطره روشن شهید ان مادر این شماره لوحه ای مotenzen اسامی شهید ان حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان که بهشی از سازمان حزب واحد طبقه کارگراست نشمریدهیم . تردیدی نیست که شهید ان ارجمند فرقه دموکرات کردستان و هرگز از اینها قاضی محمد ، صدر قاضی ، سیف قاضی و شهید ان دیگر مهاباد و موانان که در راه آرمانهای روشن و متفرق خلق بدست جلال این شاه بشهادت رسیدند و با شهید ان چشمۀ لی و هرگز اینها دکتر حسین فاطمی ویا افراد دیگری که بسبب مبارزة ضد استعماری و ضد ارتجاعی خود تابود شدند مانند شهید ان ناوگان خلیج فارس ( انشه و دو وتن از ایران او ) در زندگان ارج و احترامی برابر با شهید ان حزب دارند . مالوحة شهید ان را تهبا با سامی اعضاً حزب توده ایران محدود کرد ایم ولی ضرور میشعریم که فهرست کلیه شهید ان نهضت را طی بیست میال سیاه رژیم محمد رضا شاه تنظیم نمائیم و دینوسله در تخلید نام آنها بکوشیم و در برابر ایثار و جانشانی آنها حق‌گزاری کنیم .

# لوحه افتخار

درود شورانگیز بخاطره تابناک شهیدان حزب تude ایران

## قریانیان قیام خراسان

سروان	ظاهری	اسکندر اشی
سرتیپ	عظیمی	بهلول
	مزعه جهانگللو	شهریاری
ستوان	علی بیک	فرح وشی
	سرجوخه	میناوشی
ستوان	رحیم	ستوان یکم
	عرانی	نجدی
ستوان	غفاریان	نخفی
	سرباز	
	فطرت	
سرگرد	علی	ستوان دوم
سرهنج ۲	قاسی	ستوان یکم
	حسن	ستوان یکم
	قاضی اسداللهی	
	قره درویش	قریانیان آذرمه ۱۳۲۵
	جهفر	
	قره قه لو	آزاد وطن
	عزیز	
سرتیپ	علی	اذربادگان
	قهرمانی	آگهی
	کبیری	ابراهیمی
	کوپال	اجالی
سرهنج ۲	حسین	حسینعلی
	مرتضوی	احمدی
	ملکی	میرزا محمد علی
	حسینعلی	ارشادی
	نوری	حسینعلی
	حسین	امینی
	نورالله	انصاری
	یکانی	باقری
	تیرباران شدگان پس از کودتای ۱۳۲۲ - دسته اول	برهانی
ستوان ۱	افراخته	حیدر علی
سرهنج	عباس	محمد حسین
ستوان	سیامک	داداش
	شفا	
سرهنج ۲	نعمت الله	سرهنج
سرگرد	عزیزی	سرهنج ۲
	عبدالرادر	سرگرد
	گیوان	احمد
سرهنج ۲	مرتضی	ستوان ۲
	محمد علی	ستوان
	مبشری	سروان
سرهنج شهربند	مدنی	
سروان	واعظ قائمی	
سرگرد	هوشنگ	میرزا اسماعیل
سرگرد	وزیریان	محمد علی
سرگرد	دسته دوم	سرگرد
	بهنیا	ستوان
	بسیاتی	سروان
	کلالی	طینقی
	کلہری	میرایوب
	محیں	ستوان یکم
		سرهنج
		قلی
		صبھی

شهداء دوم اردیبهشت ۱۳۳۷

اوانيان آرسن	پورخوانی هوشتنگ	شهید ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷	روزبه خسرو (عضویت مرکزی حزب توده ایران)
<u>۱۳۳۸ خرداد</u>			

طوى علی مهندس	(عضویت مرکزی حزب توده ایران)	شهیدان ۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۹
---------------	------------------------------	-------------------------

جهانبان آذری	خسرو
حسن	زهتاب
جواد	علیم زاده
جواد	فروغی الیاسی
ایوب	کلاتری
<u>تهرشیدگان</u>	
آرمائیس	
جهانگیر	باغانیان

دسته سوم	دسته چهارم	دسته سوم	دسته چهارم
سرهنگ ۲	امیر	سرهنگ ۲	افشارکشلو
سرهنگ	محمد	سرهنگ	جلالی
سرهنگ ۲	کاظم	سرهنگ ۲	جمشیدی
ستوان ۱	محمد باقر	ستوان ۱	واله
سرگرد	جعفر	سرگرد	وکيلي
<u>۱۳۳۸</u>		<u>۱۳۳۸</u>	
سرگرد	رحیم	سرگرد	بهزاد
سرگرد	ارسطو	سرگرد	سر وشیان
سروان	امعیل	سروان	محقق راده
ستوان ۱	منوچهر	ستوان ۱	مختراری
ستوان ۱	مژوان	ستوان ۳	مژوان
<u>قریانیان ۱۶ آذر اشکاه</u>		<u>قریانیان ۱۶ آذر اشکاه</u>	
بزرگ نبا		بزرگ نبا	
(۱) شریعت رضوی		(۱) شریعت رضوی	
<u>آتشاکه در زیرشکنجه شهید شدند</u>		<u>آتشاکه در زیرشکنجه شهید شدند</u>	
گالوست		گالوست	
وارطان		وارطان	
محمود		محمود	
کوچک شوستری		کوچک شوستری	
منزوی		منزوی	

(۱) در همین روز قند چی واپسی به جبهه ملی نیز بشهادت رسیده است.

## بر بال نسیم

از بیش پنجره کامیون ارتش را دید و از خانه همسایه صدای فرمانده شان راشنیده بیموده نعره مینکشید و پس بیرون پیش بیاراه اند اخته بود. در تاد ورخانه اش در اشغال نظام میباشد. برابر اینه قدر کمد لبامش ایستاد، بقد متوسط و اند ام لاگرها ریکن نظر از اند اخت و بخندی برلبانش نشست. - نه، برای خاطرا بین قد و ایلیست که اینهمه سیاول و قراول فرستاده اند و نفره هم برای گرفتن توکا قی است. اما انجه اینجاست.

آنگشتی به پیشانی بلند شدند و ستی موهای سرش کشید.

- آره، آنجه اینجاست علیم است و آنها بیوحتش میاندازد.

آنوقت برقی در چشم انداشت رخشید و گاروی گرم که درخونش دید و سرما پیش آتش اند اخت به آئینه نگاه کرد و اصدای بلند گفت:

- احمق ها! با باده هزار سپاه دیگر هم اینجا را نمیتوانید فتح کنید. اینجا ممال خود است.

از اطراف خانه سروصد ای سریا زهاد رهم و هر هم گوش میرسید. بارد یگر کار پنجه آمد، آنها را دید که ازد پیوار خانه همسایه با لامپرند، روی دیوار تفگه ارا سرد سمت میگردند و گلنگ را میکنند و آماده می ایستند. برگشت، نگاهی کتابها پیش اند اخت، از گز زمین تاروی طاقچه، ردیف هم وروی هم کتابها را ایشان شده بود. بنظرش آمد کتابها چشم پید اکردند و همانگاه مینکشند، حتی بخیال الشرسید که با وحش میزنند، با آنکه صد اهایشان در هم بود و از مجموعه صد اها چیزی نمیشنند ولی انگاری واضح و روشن میفهمید چه میگویند.

یک کتاب کوچک آن گوشۀ اطلاق، آرام بود. متعجب شد.

- عجب، تو پیزی نمیکشی؟ از اینکه من شاید هم برای همیشه ترا ترک میکنم، ناراحت نمیستی؟

بنظرش آمد که کتاب همچنان آرام است و درج نمیگوید. آنرا برداشت. از سخوانده بود، اوزار کتاب از هم جد اشد و بودند. یاد اشتهای فوجیک بود. بارهابا و گنه بودند که این قبیل کتابها را پیش خود نگه نداشته باشد. همین کار را کرد و بود ولی هیچ وقت دلنشیاد فوجیک را از خود شد و رکند. مینگت:

- کتاب کوچکی است، زد میشه گش کرد.

فوجیک این کتاب را زیر چمه دارنوشت، وقتیکه از همین رونه عی حتی بقد رسروزون با اتفاق و روشنائی راه نداشت، وقتیکه همه بیاراش، حتی نزد پکترین وومن تربیت آنها را درست رسراشیب سقوط و خیانت غلطیدند و حرفها نزند و در برآبرد رُشیم یک کلمه نگفت، وقتیکه روز و بشیش یکی بود و سراسر سیاھی و درد و آند و مید دید، وقتیکه همه جانش را کوپیده بودند و جای سالمی در دشند اشت - این حرفها را نوشت، یعنی قطعات قلب خود را تکه تکه روی کاغذ آورد. آخر قلب و آند پیش اش مال خود شدید. آنچه ارتقا نمیستند فتح کنند، نمیتوانند فتح کنند. آرام، دستی بروی اعرابی کتاب فوجیک کشید، نوازشش کرد، یاد آمد که همیشه مینگت:

- اگر یاد مرد، راهش این است من میتوانم چنین راه را طی کنم؟ عرضه اش را دارم؟

سروصد ای بیرون نزد یکترمیشد. بخود آمد، خواست کتاب را در سوراخ لوله بخواری یگذازد. بطرف دیوار قفت، برای بسراح ایستاد، اما این کار نکرد. برگشت و بارا می کتاب را روی کتابها دیگر قرار داد.

- چه اهمیت دارد. برای خاطر فوچیک میارزد پرورند آدم یک ورقه زیاد تر داشته باشد. بدگذر جلوی میز مستنطق هم این نام مرا گرم نگه بد ارد، بمن نیز روی بیشتری بد هد.

سروصد او فریاد فرمانده را در حیاط منزل شنید، با مادرش یکی بدمیگردند - کجا قایمش کردی، عفريته؟ خون بگونه اش اند، اما برخود غالب شد و آرام ایستاد. هرگز خود ش راتاب دین حد آرام ندیده بود.

کمترین نشانه ترش و وحشتی در جانشید یده نمیشد .

— وقتی کارتمان است ، اضطراب بد لهره چه فاید یده دارد ؟ جزانکه دشمن را خوشحال کند ؟

بایته تقنگ شیشه د راطا قش راشکستند ولوله تقنگ یک سریاز از محل پنجه شکسته بد رون راند ه شد و صد ای فرمانده بگوشش رسید : تکان نخودگزنه اتش میکنم . انوقت در یاقشاری شد یده از هم گشود ه شد و فرما با هفت تیول خلت بد رون پرید و فریاد زد : حرکت نکن .

آرام ایستاده بود وا زاینهمه آشتفتگی و سراسیمکی فرمانده بخنده افتاد .  
— میگویم تکان نخور .

بالحنی تمسخر امیزگفت :

— می بینید که تکان نمیخورم .

— دستهایلا !

دستش را با لابرد ، فرمانده جلو آمد و سریازها کنار دیوار تقنگها را بسوی انشانه گرفتند . فرمانده جیهایش را زیرون بادست لمکرد و پرسید .  
— اسلحه نداری ؟

خندید و خود نویسی از جیب دراورد و با واد اد . فرمانده عصبی شد و فریاد زد :

— مسخره میکنی ؟ یالله همه این کتابها را بر زید توی کامیون .

چند سریاز پیش امتد و کتابها را رکوپی بزرگ رویهم ریختند . چشم از روی کتابها بر نمید ایست ، خوشبختی گنگی د رقبlesh جوشید ، کتابها هم سرنوشت مشترکی با او پیدا کرد ه بودند . میان کتابها چشمین بشاهنامه نزد و بی ود یوان نظمامی افتاد . گفت :

— اقای فرمانده ، شاهنامه فرد و می که جزو کتب منوعه نیست .

فرمانده دند اسها را به اشاره اد هاشد و گفت :

— فرق نمیکنه ، همه تون بد رسوخته ها مثل همید ، اونهیم یک ولد الزنائی مثل شما .

بی اختیار خندید . فرمانده پیشتر عصبی شد و اوضاعه حکمی بشانه اش اور ایجادلوراند و فریاد زد :

— راه بیفت ، آنجا جواب خنده ات را خواهیم داد .

پائین پله هایک رد یف سریاز اسلحه آماده صف کشیده بودند ، مادرش کوشه حیاط حیرت زده

ایستاده بود ، وقتی پائین رسید مادر جلو آمد و قرآن کوچکی را بطریق اور ایزاد و گفت :

— مادر رجان ، این را با خودت داشته باش .

اما فرمانده ضربه محکمی بسینه مادر پریتواخت ، پیروز بزمین افتاد و قرآن بگوشه یی پرست شد . یک

سریازکه در انتها صفا ایستاده بود وقتی فرمانده برآه افتاد ، قرآن را از زمین برداشت و بالهجه ولایتی

بفارسی گفت :

— مادر رخمه نخور ، اگر دست رسید بهش میدم

پیروز همان طورکه روی زمین افتاده بود چشم به پرسش داشت ، وقتی پسر را بطرف کامیون میرند ند ،

با صد ای که کوشی از اعماق قلبش پر میخاست فریاد زد :

— مرتضی ۰۰۰ مادر رجوی

مرتضی ایستاد ، برگشت ، چشم بچشم مادر د وخت ، لحنله ای چشمها با هم حرف زد ند . فرمانده

بازوی مرتضی را کرفت و اور ایجادلوراند اخشد .

— د برو

و فحش رکیکی بزیان آورد . مرتضی فقط نکاهی با واند اخشد و هیچ نگفت . در خیابان جمعیت زیادی

ایستاده بودند و هم نجوا میکردند .

— آخه چکار کرد ه ؟

— میگند کارهای خطناکی داشته .

— مثلا ؟

— چه مید ونم

— سالها است توی این محل می نشینه ، هیچکی یک صد ای بلند اور انشنیده ، در

وهمسا یه جز مهرسونی و خوبی ازاوچیزی ندیدند.

- بیخودی که آدم رانمیکرند.

- حالاکه میگیرند.

صد ای موتوکامیون باین نجواها پایان داد و وقتی کامیون از پیچ خیابان ناپدید شد و هارمهجعیت  
بزمجه افتاد. مادر پریود رآستانه در ایستاده بود و آخرین لحظه چشم بخیابان و کامیون داشت و وقتی دیگر  
چیزی ندید، برگشت و در راسته سرعتی که از من و سال او عیده میگردید بطرف اطاق پیمود وید و از خود بیخود  
بروی همه اشیا اطاق دست کشید. کد لباس پریش را بازدزد، لباسها یش را در آزاد و موسید و میگرد و آنچاشک  
مجالشند اد و صاد ای بلندگریه افتاد، لباسهارا را غوش کرفت و معلم فانوس تاشد.

- میدونی، ما از همه چیز خبردارم، توی خود شما، آنساکه عاقل بودند، از سیر  
تا پایز ایرانی مانگشتند و خلاص شدند. یعنی کلی تخفیف گرفتند و بالآخر هم  
خلاص میشوند. اگر هم زیومیخواهیم حرف بزنی برای خاطر خودت هست و گرنه  
چیزی پیش مانهبا نیست. من دلم میخواهد که جازات توهن کمتر بشود.  
جوان هستی، هزارها را زود اری، نا مزد است، مادر پریود چشم برآه توشنسته اند  
مرتضی از شنید ن نام "نامزد" ضربه گی بر قلب خود احسان کرد، بیان پوران افتاد، بیان روزهای که  
د ود و می نشستند و از آیند و وزندگی آیند ه خود حرف میزدند. همه انحرافهای جوان کرفتند و در مغز مرتضی جوشیدند.  
آنروزهاکه بچه های بر هنرئی را توانی خیابانهای جنوب شهردیدند، بهم نگاه کردند پوران گفت:  
- طفالکی بچه ها

ومرتضی گفت: - باید دنیاگی بوجود آورد که بچه هایان شکل زندگی نکنند.

پوران گفت: - بچه های ما

ومرتضی گفت: - بچه های وطن ما، بچه های همه.

و آنوقت پوران دستور رانشاد اد و گفت:

- توجه در رخوبی

و آنگاه د ورنای جهان را که مرتضی د رازیزد اشت و برای ان تلاش میکرد ارزیانش را می شنید و برابر چشم می دید.

یاد ش امد فرد ای دستگیری او برایش خبروارد ند که شاکردهای مدرسه برای پوران هراکشیدند و  
پوران انروز گمتر و پرشورتر رمن میگفت. بیش خیرد اد ه بیدند که مرتضی زیرشلاق هم زخمای فراوان تن شش  
سر باز کردند و مالمبهای او باز نشد. برای همه میمین بود که شاکردهای جوان مدرسه، پوران را میگزین و عظیم تر  
میدیدند. برایشان افتخاری بود که معلم آشنا بعیدی بستگی دارد که مود است و شجاع.

- کجا فرقی؟ بچه فکر میکنی؟ چرا جواب حرفهای مرانمید هی؟ اکرد اری سبک  
ستینین یعنی که حرف بزنی یانه، من بیهت گفت میکنم و بیهت اطمینان مید هم که  
هیچکس نخواهد فهمید توجهی گفتی. اینهم برای باخطلاح شما رفع عذاب  
و جدان! حال احرافت را بین.

مرتضی بخود آمد و نگاهی بستنطبق اند اد و حرکتی بخود داد. زخمای تن شاهزاده شدند و اونمیتو  
راحت بنشینند. مستنطبق مثل یعنی شکارچی حربی که با استنار طحمه نشسته است بیقراری میکرد.  
- آره جان حرف بزن!

مرتضی چشم در چشم مستنطبق د بخت. مردی همسن و سال خود پریود. د ماغی برا آده مانند منقار  
عقاب، یک تکه سبیل نا منظم، چشمها ریز و آبروهای پر پیشست، موهای پویشان بیحال تی که روی پیشانیش ریخته  
بودند و هر لحظه باد سست اشها را لا زید؛ لبها ی گلقت گوشتاتلو؛ مثل این بود که از هیچ چیز راضی نیست و با همه  
کن جد ال ارد و حتی با خرد شر هم قبره است.

مرتضی بخود آند بنشید که ای این مرد آنطرف میز بانچه میکند و میگوید اعتقاد دارد؟ ایا او اصولا  
میفهعد که از مرتضی چه میخواهد؟ و آیا او معنی ناردمی، خیانت، تاروزند را در دنیا د وستیهارد رک میکند؟

آیا و چو قوت بر اهی، آئینی، روشنی اعتقاد داشته است که بد اند حفظ میثاق ووفای پنهان چه لذتی دارد؟ آیا بازی هم در میان خود ش را تکمیل کند؟ رفقای من همه چیزرا گفتند. فرض کیم این حرف درست باشد؟ معنی چه ارتباطی دارد؟ کسانی هم بودند که لب دوختند و سوختند و حرف نزد نداشتند. چرا من درد یاف انسا قارانگیم؟ چرا من یک از انانهاشوم؟ به فوجیک هم گفته بودند که رفقای او خیانت کردند. راست هم بود. اما اوراه خود ش را میرفت. میخواست خودش بانداش کند. چرا؟

معلوم نبود بچه متایست این "چرا" را لب لند بر زبان اورد، شاید هم زیناش پرید، یاد شریعت کجاست. مستقطق از این صد ای ناگهانی موتضی جاخورد، ترسید؛ اینها با آنکه سلط سلط بودند از اسراری خود شان میترسیدند. از حرف زد تهایشان، از نگاه همان، از هرچند حقیقتی نمی بینند ولی د رفتار و کار ارای می داشند و این پر بیراه نبود، پر بیراه نیست. آنها راتجه میکنند حقیقتی نمی بینند ولی د رفتار و کار ارای می داشند. نیروی شگرف حقیقت را می بینند و میترسند. به عنین چیز است که بد رو د پورا میزند، بزمین و آسمان د شنام میدهند. اما این دایره هرچه زمان میگزد ر تکنگر میشود و تاری که این عنکبوت های تند بدست پیای خود شان خواهد پیچید.

- چی گفته؟ متوجه نشد م، یک حرفی زدی، ها؟

موتضی حوصله اش سرا آمد. دلش میخواست با این مرد حرف بزند، دلش میخواست دشمن معتقد را روی او قرار میگرفت که با آنچه میکرد ایمان داشت، میفهمید. مثل اینکه با اینچوردن شمن ها خوب میشد حرف زد، خوب میشد مسائل را طرح کرد. آنوقت جنگ د واعتقاد است، یکی روشنی و پاکی و یکی سیاهی و ناپاکی. ولی بهر حال پلک جنگ واقعی است. ادم حربیش را میشناسد و حرف میزند. با این مرد چه بگوید؟ باز لازم است پیش چشم عده شی حرف زد ن و از شرف و مردی مد افعه کرد ن میارند. این موجود هم مثل آنها گیشه دیشب و پریش تا صبح ته سیگا شان را در زخم شلاقهای تنش خاوش کردند و از بیوی گوشت سوخته و فرید درد آلود ش بقیه اهفاد نداشت، مثل آنهاش که هفته پیش سوزن لای تاختنها پیش فرمود کردند و وقوع پیشود می پیشید نک میزند ن، ما مورکش اسرار است، منتهی باین شیوه: مهره اشی، وعد و وعید. نگاهی بانگشتانش اند اختر، تمام تاختنهاش بکود شد و بودند و سرانگشتانش د یک حسن نداشتند. مهره های پشتیش تیر میکشیدند و احسام میکرد که اجزا بدنش از هم جدا هستند.

- خیلی درد کشیدی؟

از این سؤال مستقطق د چار چیرت شد. این جمله ترحم آمیز که مود یانه اد امیشد هزاران نیاز زخم شلاق برایش کاری تر و در ناگزیر بود. در خود نیروی تازه یافت و محکم و قاطع گفت:

- نه باند ازه شما

- باند ازه من؟ نمیفمهم، من جه دردی کشیدم؟

- نمیفهمید؟ همینکه یک کلمه نمیتویند از مابنشوند، همینکه مثل منگ در سارابر شما می یستیم و از نگاه همان تیرد رقب و چشم شما مید وزیم. درد شکست و ناکامی، من هم الان این درد را در رسایپا و وجود شما می بینم، در چشم های وحشت زده تان میخوانم. بریستان تزارش مید هید چیزی نگفت. واپی بزمین میکوید و تف بصورت تان میاند ازد و میگوید: بیعرضه، بیعرضه، خالک بربرست. آنوقت ترتفیع رتبه و اضافه حقوق و سایر مزایا را ازد است مید هید. شما که هد فی ندارید شما برای همین چیزها جا توها بیان راتیز کرد ه اید.

مستقطق بادست موهای مرش را از پیشانی با لازد و با مداد ش از سرتشویش خطوط کج و معوجی روی کاغذ کشید و گفت:

- هوم، د یوانه

ضریه کاری بود. از جابند شد و می آنکه بمعتضی نگاه کند گفت:

- د یک چاره شی نیست. آنجا، آنجاتوی حمام از تحرف بیرون میکشند.

- باز هم امتحان کتید.

سه شبانه روز بید ارش نگه داشتند . شلاق میزدند ، وقتی بیمهوش میشد ، آب سرد بسرش میوریختند ، بهوشی آدم و هاره اول بشلاق میبستند . دیگرچیزی از ضربات شلاق احسان نمکرد . فقط این نکته بیاد شد بود که باید خود شنیا شد ، حرف نزند . لحظات اول که هنوزرقی داشت ، وقتی <sup>ما</sup> مورین شکجه رفتند چنانی بخورند و خستگی پیگیرند ، بادست چپش دست راست را محکم نگه داشت همان خنک بود درد آنقدر شد بیوار حمام نوشت : رنج و درد تازیانه چند روزی بیش نیست رازد ارخلق اگشاشی همیشه نزند <sup>هی</sup> زندگی را اینظور میشناخت . برای اوزنگی بیانفس کشیدن فرق داشت . اینکه آدم قطع راه بسرد و بخورد و بیاشاد و شب هر روز اطری کند ، زندگی نیست . مفهوم زندگی برای او چیزی بیو . اواز زندگی معنای دیگری میجست . زندگی برای راکوش و تلاش برای دیگران ، برای تحقق واقعیت انچه میشود برآن نام زندگی گذشت . اشت مید است . آخر جطور میشود دریک هوای سخت و سختگین که راه نفسها را بسته اند ، نفسهای مقطعی کشید و سرخوش بود و نام این نفس کشید نهای مسخره رازندگی گذشت ؟ در زیر ضربات سخت و سنتگین شکجه گاهی بیاد دست و همدرم سایقش میفتابد که مصدر رکارمهی دریکی ازوزارتاخانه هاست و بوکالت هم رسیده است . یاد شنید پکشب زستان که برف سنگینی باریده بود از خیابان لاله زارنومیک شتند ، مرد بر هننه غی خود را سفت بد ریک د کان منکر که ترسیده بچهارراه کنت قرارد اشت چیسانده بود تاگرمای نوره اورا اند کی از سرمای شد بد نجات دهد . مرتضی قد مهایش سست شد و ایستاد و خواست بطرف ان مرد ببرود . دستش درستارا گرفت و گفت :

- بیابریوین ، بیکاری مکر ؟

اما مرتضی نمیتوانست برود ، بد و شنید گفت :

- اخر جطور من میتوانم قد از قدم برد ارم وقتی میبینم یک مرد ، یک انسان در استانه مرگ است . من امتباب ازیاد آوری پن منظره در اطاق گرم خود میخواب نخواهم رفت .

اماد و شنیدی اعتنایگفت :

- دل خوشی داری

ورفت . تفاوت مرتضی واو ، تفاوت مرتضی ها و مردم می نظیر و ستش در همین احسان و عوایط انسانی است . اینها زندگی را طوری پیشند ، طوری یکری میخواهند و در جنین منجلابی نمیتوانند نفس بکشند . اینست که تلاش میکنند ، اینست که دسته دسته برای هد فروشن خود شان فنا میشوند . اما چایشان خالی نیست . اگر اینظور نبود که این صد اخاوش میشد . اینها مشعلی را بدست گرفته اند و پیش بای مردان این طریقت قرار میدهند و مشعلدار نخستین جای خود را مشغله ارد و مین خواهد سپرد . اگر رزوگار آفرید به نگهبانانی برای حراس است اثش گمارده میشند تا از زستش نه هند ، بروزگار ماگره کروه پاس ازونگهبان اشتهای اند پیشه های تابانک بدید ارشد <sup>هی</sup> و جای خالی یک پیکر را پیشند و همینه آتش اند پیشه های روش فروزان است تاروزی که همه پهنه گیتی را فراگیرد و انسانیت را از سیاهی و تیرگی نجات دهد .

این حرفه امارتی ، متضای سا کت و بیوسن که چون سنگ سخت بود و لیک کلمه در زیر سپهانگفت ، در دادگاه با صراحت و شجاعت و قدرت اد اکرد ، حتی بیشتر از اینها ، هرچه میخواست گفت . چون شمعی که هنگام بازی سین شعله تی روشن میجهاند هرای همیشه خاموش میماند ، مرتضی حرفه ای آخرش را چون شعله تی سوزان در جان و مغز داد کاه نشاند و سوخت .

سیاهی و سپیدی در چنگ بودند که مرتضی را بعید از تیپرد نداشت . آرام و خاموش بود . دیگر هیچ چیز نمی اند پیشید . فقط پیکار نام فوچیک در مفترش جوشید و لیان خشکیده اش را بخندی زد گذ روپسانید و باد این حرف همیشگی خود اتفاق داد : « اگر باید مرد ، این راهش است . من میتوانم چنین راهی را طی کنم ؟ عرضه اش را در ارم ؟ » نسیم سردی میان موهای سرش چنگی ها داشت و گوشة یقه سفید پیپراهش را بالا میزد . یقه پیپراهش لاله گوش مرتضی را توانیش میکرد . سریا زعما هایت زد ه بمردی که با اقد مهای آرام و مطمئن بیای تیز میرفت چشم داشتند . فرمانده رنگ بصرت داشت ، همه سرد شان بود ، اما مرتضی در خود گرمی مطبوعی احسان نمیکرد . قبل از اینکه چشمش را بینند ، یکبارا سعاد و زمین نظر از داشت و لحظه شی بعد . بوی خون و وج غرور شیرالهای نسیم سحرگاهی بکوه و دشت وطن پراکند ه شد .

## لایحه خرید و فروش اراضی و نتایج آن

مسئله ارضی جیست - ماهیت اصلاحات ارضی در راجمه سرمایه داری - شرایط پیداگش لایحه خرید و فروش اراضی کشاورزی .

بیکاری اینکه باروی کارآمد نگارینه باره پذیره ارج نموده هم مسئله ارزی است .  
با این این صورت کفرته و میگیرد درین دیره ای از تاریخ شهروند میانه ندارد . یاد آورده این شکه دربریست  
که در نخستین روز کید تاریخ شد ملی ۱۸ مود اد که سولشکر اندوز برستند نخست میزون نشاند همچند میاد در  
باره کشاورزی در برنامه حکومتش تجدیاند پیمانه علوم رساند . این دو ماده تعبارت بیداری ماده ۷ - موظفیت  
نردن کشاورزی و ماده ۷ - تقویت بنیه مالی کشاورزان ! باره اجرای این دو ماده هم مشارک باریان از افراد  
دولت بطالان وزینند این بزرگ پرد اذت نمود و پوش کشاورزی و کشاورزان سال بسال بدتر کرد . اندام  
پسندی رژیم کود تابرانی جلوگیری از تبلیغ مجهول یا زیست پاشهید کی امیر . گذشت هم تائون چند ده مالیتی در  
سال ۱۳۶۸ بید که کوچکترین کامپ در راه اجرای این نزد برداشته شد . بهینه ملت باریان که از نزد بید است  
آشده حق موجب سلب اعتماد عمومی از عده نای حکومت نهلو است . لیکن - ملکه توپار دلتویچ راید در  
باره مسئله ارضی بجا روی چنگال راه بینند ازند و با خاکوش شوند و چه مرتباً پیشتر کاریه اعتماد داشته باشد یا  
مسئله ارضی بمنایه مهترین مسئله اجتماعی - اقتصادی . کشیرسالهاست که بمسئله ریز تبدیل نموده  
از بیانات و احراز بسته بتفاق اینکه بجهات این باره از این باره از این باره از این باره ... پنهان نمایند .  
برای اینکه مانعیت ، هدف و نتایج عملی شدن لایحه خرید و فروش اراضی ( از طبع شود ) را من  
کردد توضیح مسئله درباره مسئله ارضی ، منسون آن و شرایط پیدا شدن لایحه خرید و فروش اراضی در ریاست  
شوریست . مسئله ارضی در کشورهای عقب مانده ای ندانیشکه ماستنی اهل بتمام بیان این معاشری ، انتقاد و  
وقتیستگی جامعه دارد . بدون حل صحیح عزادیکان مسئله ارضی پیشافت اجتماعی بعنای رایقانی ، بالا بودن  
سماح زندگی و فرهنگی عمومی ور میدن بنا روان تهد ممکن نیست .

مسئله ارضی چیست ؟ مسئله ارضی در جوامع : بیانات شامل مساوات ارضی ، بیانات و بارزه بیانات  
در ده و توانین اقتضای ریزد کشاورزیست . بنا بر این در این و برس مسئله ارضی در کشورهایی که مسئله ارضی  
ارزی موجود ، بارزه اینکاتی در دارد ، بیانات و قشرها جامعه مارانه درین امری پیش اند نادیده گرفت . در  
پشت سرمهیارزات غلی و متذرازات مختلف و متذرازات غلی و متذرازات مختلف و متذرازات مختلف و متذرازات  
اشمادران و بیانات قرارداد ایند و مینهای استند که میتوانند باره دست امتنن دست امتنن دست امتنن دست امتنن  
مسئله ارضی رایجی صحیح آن خذان سازند و باره رقابل سرچیزه ، تاریخ موانعی ایده اند نمایند .

رشد ، ترقی و تحول کشاورزی بمناسبات ارضی ایده و پیدا یافر جوامع پسری بمعاره : این توانین عمومی  
سویه تعلیم دیران خود بوده است . بنا بر این قوانین رشد کشاورزی و مnasبات ارضی مانند درین دیره  
در زیره ای دارای مکل و محتوی متفاوت بوده و تجربه و تحول آن نیزه حسب زمان و میان و شرایط کشورها  
به ارز خاصی صورت پی رفته است . تاریخ نهان میدهد که مسئله ارضی در هر چهار چند پهبا م تلف اجتماعی  
انتقادی و در کشورهای مختلف باشکال مختلف حل شده است . نخستین راه حل تاریخی مسئله ارضی

پیدا شیوه مالکیت خصوصی بر زمین از راه پاشیدگی و قزوای مالکیت مشاع یا مالکیت جمعی دهان اولیه جوامع بشری گاهه عمل بخود می بودند. مالکیت خصوصی بر زمین که ازدرون مالکیت جمعی هر انتقاد داشلی آن بیان آمد باشد تر رجی خود منجره پیدا شده جامعه بردگی، تکامل واستحکام آن گردید. تضاد جامعه بردگی و انقلابهای بردگان موجب از هم پاشیدگی جامعه نامبرده میگرد و مالکیت خصوصی بردگه داران بر زمین از راه انقلاب جنگها و اصلاحات مالکیت فساد الهابد بیل می شود. مالکیت فساد الهابد رفون و سلطان رشد و تکامل پیدا میکند و با بر زمین میگیرد. جامعه سرمایه داری بانتقاد آشتنی پایه بخود منجره انتقالهای فرماد را بروگرد و ازینین رفتن آن جایش را مالکیت سرمایه داری و مالکیت خصوصی بر زمین از راه انقلاب بصورت مالکیت اجتماعی درمی آید. رشد انتقالهای اجتماعی در عرض پیست سال اخیر منجر به ازینین رفتن مالکیت سرمایه داران و مالکان بر زمین در جنین ویک سلسه از کشورهای آسیا و اروپای شرقی میگردد.

در حال حاضر وشیوه بجهه برد اری از زمین کشاورزی بعمل می آید: شیوه بجهه برد اری سوسیالیستی وشیوه بجهه برد اری سرمایه داری.

در شیوه بجهه برد اری سوسیالیستی که اساس آنرا مالکیت سوسیالیستی و مالکیت غیر سرمایه داری پسر زمین تشکیل می دهد زمین بعامل اصلی تغذیه اهالی کشور، منبع تهیه مواد خام برای صنایع سوسیالیستی را مده است. زمین از دایرۀ خرد و فروش، اختصار، معامله و وسیله استثمار خارج شده و نقش طبیعی خود را برای ادامه زندگی پوشد جامعه بازی میکند. از تجاییه که در این کشورها مالکیت خصوصی سرمایه داران و مالکان ازین رفتته است بنابراین مسئله ارضی نیز زیخ وین تغییرها هست داده و فقط بشکل رشد نیروهای مولد کشاورزی از راه مکانیزه کرد و استفاده وسکاربردن موقعیتها و اکتشافات علمی برای بالا بردن وازدیاد محصول از میطح کشت درآمده است. زیرا قطب ازاینرا است که نشاورزی میتواند یکی از زیایه های وفور نعم مادی از همترین شرط اساسی ساختمان جامعه کمونیستی است تا مین نماید. در این شیوه تولیدی رشد و تکامل کشاورزی از راه مکانیزه نمودن وسکاربردن موقعیتها علمی برای ازدیاد محصول منجر گشتنی دهد هقانان، بیکاری و هجوم روستائیان بشهرهای انشیود. در شیوه سرمایه داری که مالکیت خصوصی سرمایه داران و مالکان بر زمین وجود دارد مسئله ارضی نمیتواند بطور پیشنهاد ای پنفع دهنقاتان حل شود. در چین شرایطی زمین وسیله استثمار هقانان و کارکران ده است و زمیندار اران بزرگ از خاصیت طبیعی زمین سو استفاده مینمایند. در سازمان سرمایه داری اکاراصلات ارضی از طرف طبیعه حاکمه طرح گردیده شش تغییر ماکیت نیست بلکه استثمارگر ایست تاریخ نشان میدهد که هراسلاخ سیاسی و اقتصادی که بدست طبیعه حاکمه صورت گرفته است به باختاطر حفظ و دامنه حاکمیت سیاسی و اقتصادی طبقات استثمارگر میگویده است. رشد و تحول کشاورزی در کشورهای پیشرو سرمایه داری همواره توان باقشرندی ده هقانان، تعریف سائل تولید و زمین درست یکدند، بیکاری ملیونه ده هقان، هجوم انان بشهرها و پیوستن بصفوف بیکاران بوده است. در جماعت سرمایه داری استفاده از ماشین و کود شیعیائی در کشاورزی همواره موجب روشنگی ده هقانان خرد ها، کم شدن و ازین رفتent خانوارهای کوچک و ضعیف کشاورز، غصب و خرد املاک انان از طرف زمیندار اران بزرگ، افزایش بیکاری و تهیید ستایکریت روستایی میگردد. چرا مسئله اصلاحات ارضی در سالهای اخیر بارهای روز تبدیل شده است؟ طرح مسئله در سالهای اخیر یک سلسه انتگره هایی بستگی دارد که بطریخ تصریحی است:

۱- استثمارشیدیده هقانان توسط مالکان، بشاران، پیش خرید اران، ریاخواران، ظلم و ستم مالکان، زان امرها و مأموران دولتی که منجر بتصاد مات، زد و خورد ها، کشت و کشتارها، خود کشیها، مهاجرت شهرهای از خارج ایشان دوستی که موجب تنزل کشاورزی و امپری می شود.

۲- رشد مناسبات سرمایه داری که باقیای روابط فساد الهابد را میگشانند و خواهان ازین رفتتن آن دردهات و هموار نمودن راه برای سرمایه گذاری همه جانبه در کشاورزی، رشد نیروهای مولد این رشته و توسعه بازارد اخلي است.

۳- سرمایه های اتحادی خارجی که خواهان میدان فعالیت و میتوانند با افراش و مهای تولیدی و غیر تولیدی، بوزیره تسلیح و تجدید تسلیح ارتش که تعهد ای با پیوستن به پیمان مرکزی بعده دارد، ایوان را بیش از پیش بیازار جهانی سرمایه داری و سیاست امنیای این

وایمته نمایند (۱) .  
۴- رشد بی سابقه ارد و گاه موسیا لیستی، بویه جمهوریهای هم سرحد با ایران و برنامه های عظیم ساختمن جامعه کومنیستی و تا گیوستقیم آن بکشورهای سرمایه داری، بویه پکشیرهای کم رشدی نظریکشور ما و تا میرانقلابی کشورهای سوسیالیستی بکشورها حکم ارطبه حاکمه راهبیرونموده است که کوششی بعمل آورد تا شاید بتواند ازراه فروش زمین به بخشی ازده هقاتان آنها را ازبیوی اختیاط پرولتاریا خارج و هنوزهای احتیاط بپوشواری تبدیل نماید .

این بود خلاصه ای از جهات اساسی "جبر زمان" که کاینده فعلی تصمیم دارد "بچشم آنرا بد و ش بکشد وادعا میکند که با خرید و فروش زمین میتواند بحل مهترین مسئله کشور و عوقد گردد (۲) .  
لینک عوامل اساسی داخلی و جهانی رژیم کود تازاد رضایت عمیقی گرفتار کرده است . از این طرف "جبر زمان" خواهه تعویض وضع موجود در کشاورزی و ازین بنده بقایا مناسبات قویانه را برداشت که با روابط سرمایه داری در یکجا نمی گجد و از این طرف دیگر منافع زمینداران بزرگ باشد حفظ شود . بنابراین از نقطه نظر طبقه حاکمه راه حل این تضاد بزرگ اجتماعی اینست که کشاورزی کشور را ازراه خرید و فروش زمین و سرمایه گذاریهای تازه بدایره مناسبی کامل سرمایه داری جلب نماید و سنتگی پاره حول و قلاوهای ناشیه ازان را بگرد کشاورزان بزمین و کم زمین بگذرد .

#### "قانون جدید اراضی" ، نکات اساسی و جهات منفی آن

"قانون جدید اراضی" و باعیقاده بعضیها "آئین نامه قانون تحدید مالکیت" پس از ماهها مباحثه و مشاجره های پشت پرده ای درین اعضای کاینده ، او اخیر بیان حاضر شد و بعد تا بیان شاه قرار گرفت . طرح جدید اراضی که توسط حکومت تنظیم گردید و موردن تائید شاه قرار گرفت (بدن آنکه قوه تقاضیه این راسته میگردید ) قبل از همه سیما واقعی رژیم موجود ، دستگاههای قانون گذاری، بی ارزشیدون اصولی را که در رقانون نزیر بازگردید . لیکن در اینجا بحث بررسجنبه حقوقی و قضایی مسئله نیست و همین علت شیوه عمل حکومت نزیر بازگردید . این عمل کاینده تعونه بارزی اینی پایگی شیوه قانونگذاری کشور را رگد شده وحال است . این روش علاوه برای نشانه آنست که طبقه حاکمه بویه جناح موغيران که خط راحن میکند برای حفظ وادمه حاکمیت سیاسی و اقتصادی خود تا انجاکه نفعش ایجاد مینماید میتواند اصول قانون اساسی را نزیر تباش .  
تایمیوی در تجزیه و تحلیل بعضی از نکات اصلی آن نداد . لایحه جدید اراضی شامل ۳۸ فصل و ۲۹ ماده و تبصره است .  
تفصیل لایحه بترتیب مبارزند از: تعاریف ، حدود مالکیت ، اراضی قابل تقسیم و مقررات مربوط به این ، ارزیابی و پیدا و خت بها ، مقررات مربوط به تقسیم و تحويل اراضی ، مقررات مربوط به اراضی تقسیم شد .  
روابط زراعی و مالک ، مقررات مالی ها لآخره مقررات مربوط بکمکهای فنی و حمایت کشاورزان و زارعین .

در فصل اول اصطلاحاتیکه در رقانون مورد بحث بکار رفته تعریف میشود . فصل دوم که مهترین فصل قانون و میتوان گفت جان انست حد مالکیت را برای مالکان یک ده شند انگی و باشند انگ از مالکیت های پراکنده میگردید . درین حال باغات میوه و جای ، قلمستانها ، کلیه اراضی که از طریق زراعت کشاورزی به سیمه کارگ معین مینماید . درین حال شرایط ایجاد شده باشد را ختیرا مالکان باقی میمانند . فصل سوم برای عملی کردن خرید و فروش اراضی تشکیل شورایی بنام شورای اصلاحات ارض پریاست وزیر کشاورزی و عضویت رئیس سازمان اصلاحات (۱) چیستوار اول مثنا و مخصوص رئیس جمهور امریکا پس از اقامه ۴ روزه خود را برایان در رعایتمه خود چنین اظهار نظر نموده : اصولا پایه ثبات سیاسی ورشد نیروی خشن اقتصادی کشوریکه در حال توسعه میباشد در دهات آن بنیان گذاری میشود زیارات راین مناطق روسنایی است که در صد مود کشاورزندگی میگذند و آنها هاستند که با یستی باقدرت خرید خود مشاغل خوب و فرصت های سود مند برای مود شهرنشین بوجو آورند . اطلاعات هواشی ۲۵ بهمن ۱۳۴۰ (۴ فوریه ۱۹۶۲) .

(۲) آقای ارسنجانی وزیر کشاورزی بانوی طنز لاف زنانه بخبرنگاران اظهار اشت : "جبر زمان و هزار عامل دیگر که آقایان مدعا هستند سبب شده است که خود بخود قانون اصلاحات ارض دست و پاید اکنده راه بینند ."  
روزنامه اطلاعات ۲۹ بهمن ۱۳۴۰ (۱۸ فوریه ۱۹۶۲)

ارضی و چهار نفر از صاحب منصبهان وزارت کشاورزی که حداقل سمت مدیرکلی یا مدیریت عالی بنگاهی را احراز نمود باشند پیش‌بینی می‌کند. تصمیمات و مصوبات این شورای اسلامات ارضی محول می‌گردد تا بعدها اجراء گذاشته شود. پیش‌بینی اعتبارات و تصویب بدجه بعدها شورای اصلاحات ارضی است و در هر منطقه که شورا خرد مازاد زمینهای مالکان و فروش آن بد هفقاتان را در رندرینگ مرتب دهاره مفاصله ده روز از طرف وزارت کشاورزی در روزنامه کثیر انتشار محل اتفاقی خواهد شد و بالکین آن تابعه در ظرف یکماه از تاریخ نشر آنگه‌ی موقوفه در اظهارنامه جایی که از طرف وزارت کشاورزی در اختیارات آن گذارد هم شود وضع املاک خود را روشن سازند. در عین حال اراضی که از تاریخ ۱۴ ابان ۱۳۹۹ در راجه رسمی باشند تا آخرین پنج سال از تقسیم معاف خواهند بود. فصل چهارم و پنجم مربوط به ارزیابی و پیدا اخت به و مقررات مربوط به تقسیم و تحويل اراضی است. قیمت ارزیابی شده املاک با قساطط ده ساله از طرف دستورالعمل لست پرداخت خواهد شد. در عرض و زارت کشاورزی ده رصد بر قیمت ارزیابی شده عالمه نموده و بد هفقاتان معرف شود و با قساطط آنرا پانزده ساله دریافت خواهد کرد.

بنای ارزیابی در خود قانون پیش‌بینی نشده ولی وزارت کشاورزی ابتداء مقدار دارد آمد و سپس مبلغ مالیای را که مالک ارزیابت ملک بد ولت می‌پردازد این تعبین نموده است. براسانی اینکار قیمت هر ده صد برابر مالیات سالانه آن معین شده، لیکن چون مالکان بد رستی مالیات نمی‌پردازند اختند قیمت هر ده ۱۵۰ برابر مالیات سالانه آن معین گردید. تازه باهمه امتیازی که برای ارزیابی زمین بمالکان داده شده حق اعتراض نیز دارد چهارم برابر آنان باقیمانده است.

فصل ششم قرارات مربوط به اراضی تقسیم شده، انتقال، تقسیم و فروش آنست.

در فصل هفتم چهارچوب روابط زراعی و مالک دار اسلامی که شامل خرد و فروش نمی‌شوند وحد وظایف و اختیارات آنان در مورد کشت و کار معین شده است که بیشتر خاطرجلوگی از سریعیتی های زار نسبت به مالک تنظیم گردیده است.

فصل هشتم مقررات مالی است که شامل اعتبار لازم برای اجرای این قانون و هزینه های مربوط به سازمان و عملیات اصلاحات ارضی در بودجه کل نکسر و قبوض اقساط مورد فروش و نگهداری آئینه اداری بنگاه کشاورزی، عملیات ثبتی و نقل و انتقالات، صدور مسند مالکیت وغیره است.

فصل نهم دو لول را موظف به کمک بزار عین خرد از ایجاد از لحظه بد رونهای مرغوبه "تا مین تسبیلات لازم در اعطای وام و اموال زرگانی حصولات کشاورزی، نگهداری قوات و اهوار و استفاده از امامشیان آلات و دفع آفات بنا و حیوانات بوسیله شرکت های تعاونی مینماید و همچنین رفع اختلاف مالک و زار توسط هیئت حل اختلاف کشاورزی و خرد املاک ورثه اسعیل تشکیل از تاریخ تصویب این قانون در ماده نامبرده پیش‌بینی شده است. این خلاصه ای از زمانهای "قانون تازه اصلاحات ارضی" است که بیش از ده ماه برای تدوین و آغاز اجرای آن از دهی در مراغه وقت صرف شده است.

هر کس که این "قانون را بدقت بخواند نخستین نتیجه ای که میتواند بگیرد بقرار از ریاست اول ابا این "قانون بهیچوجه بقایای روابط قرون وسطایی از تمدن های ایران برچیده خواهد شد و ثانیاً با فروش مقدار ناچیزی زمینهای مالکان بزرگ بعد تا چیزی ده هفقاتان وضع کشت و کار تغییر اساسی خواهد کرد و انتظاری راکه بطبقه حاکمه از تحول عمیق در تولید کشاورزی دارد نمیتوان با "قانون" کوتني جامه عمل پوشاند. لیکن تنظیم کنندگان و اجراء کنندگان "قانون اصلاحات" یا بهترینگوئیم قانون خرد و فروش اراضی از ابتدای بزرگ جلوه میدهند که گویا واقعاً میتوانند توسط همین برنامه ناقص اصلاحاتی تاریخ کشور را به دو قسم تقسیم کنند و همه زارعین را صاحب زمین نمایند (۱).

هدف دو لول از این قانون چیست و نتیجه عملی آن کدام است؟

بطوریکه وزیر کشاورزی بارها اظهار نموده است هدف از وضع این "قانون" "مالک شدن زارع و هکار (۱) وزیر کشاورزی دیگری از مصاخصه های مطبوعاتی گفت: وقتی قانون اصلاحات ارضی (یعنی همین قانون خرد و فروش) اجرا شود تاریخ مملکت بد و قسمت قبل از اصلاحات ارضی بعد از اصلاحات ارضی تقسیم خواهد شد. (ظاهراً آفاقی وزیر کشاورزی نشیده است که چنین تقسیمی در تاریخ روسیه شده بود و این نکته را آنچه اقتباس کرد است) اطلاعات ۲۴ دی ماه ۱۳۴۰ (۱۴ ابان ۱۹۶۲)

افتادن سرمایه های جیس شد در دهه دولتی، اعم از کشاورزی و صنعتی است<sup>(۱)</sup> . بطورکلی مقامات وزارت کشاورزی هدف اجرای "قانون اصلاحات ارضی" را اینطور بیان میکنند: "اول اول تولید راهبران فوق العاده کم است. مایسیاری ازمواد غذائی اعم از کشاورزی و اداری را از خارج وارد میکنیم و امکان آن هست راه برایان حداقل برای صد میلیون تن غرد ای کافی (طبق استاندار آمریکا) فراهم گردد. ثانیاً وضع نیاط هوی است که اینچه میکنند روضح طبقه زار تعجب می نشود و ما از طریق مالک ساختن زارع علاقه اهرا بکار خود بپشتزد و کاری نمود که طبقات متوسط که سبب مقایی حاصله هستند زاد شمند<sup>(۲)</sup> .

این هدف دلت و با بهترین کوشش تبلیغات درباره ماهیت قضیه و  
هدف واقعی آن روشن گردید بهتر است بخود "قانون" مواجه شود. طبق قانون خرید و فروش اراضی اولاً یک  
ده شدت اندک در اختیار مالکان میماند، ثانیاً تمام باغات میوه، چای و قلمصتانها شامل خرید و فروش نمیگردد،  
ثالثاً مزارع کشاورزی شده که حد مکافیزه بود آن معلم نیست تقسیم نمیشود و رابطه زمین هایکه از ابان مسال  
لذت شده را جاریه هستند تا پنجه سال در اختیار اجاره داران یا قی خواهد بود مانند و خامساً تمام مالکانی که صاحب یک  
ده شدت اندک و یا مجموعه املاکشان یک ده شدت اندک است شامل "قانون" نامیده نمیشوند. چهار رقانوں  
خرید و فروش اراضی اینه ماده و تصریح گنجانیده اند؟ برای اینکه حتی المقدور منافع مالکان محفوظ بماند و  
مقدار امتیزی زمین برای خرید و فروخته شود. مالکی که حقد ارد یک ده ازدهات خود را انتخاب کند طبیعی  
است این دهی را انتخاب، یعنی اید که هم از لحظه زمین زراعی بزرگ باشد، هم آب کافی داشته باشد و هم نزدیک  
بسیار از اهالی قرار گرفته باشد. همین طبقه مالکی که شدت اندک را در مشتمل از میثود انسجام است از زمینهای  
دهات را انتخاب میکند که هم مرغوب باشد و هم دارای آب کافی باشد. علاوه بر این مانند تمام باغات در اختیار  
مالکان سبب خواهد شد که اب کثری بد هفقاتنی که زمین خرید اند بررس و تفاوت محسوسی در تولید مزارع شان  
معمل نیاید. بنابراین در نظرناگاری که بیشتر زمینها از این قنات آبیاری میشوند و قنات متعلق به مالک است آینده  
هفقاتنی که زمین میفرزند بسیار تاریخ و نامعلوم است. چنین تجربه اید رسالهای اخیر در سیستان، خوزستان،  
برامین و اطراف قزوین بدست امده و سیاری ازدهات اباد رو بپردازی نهاده اند. در این نواحی پس از اینکه  
زمینهای خالصه و بازمندیهایی که از طریق ارت تقسیم شده بود بد هفقاتن فروخته شد مالکانی که صاحب نبهرها و  
نهادهای بودند مجرای آب را برگرداند، زمینهای خود را آبیاد کردند و موجب شد که باغات و مزارع خرد مالکین از  
آب اجور و بورانی کرد ارد.

با یکه برناهه فعلی ارضی هنوز ماحل اولیه خود را طی میکند شاه ، نخست وزیر و وزیر کشاورزی مرتباً بهما لکان قبول و اطمینان مید هند که مناعشان را پایمال نسازند . آقای ارسنجانی وزیر کشاورزی برای حفظ منافع مالکان بزرگ از لشکار مینماید که " ماد هاتر را که کوچک است مثلاً ۳۰۰۰ هکتار را هم وصل کاست ممکن است از لحاظ قانونی در حکم داد روحانی واحد پشتیبانیم که رعایت عدالت بنشود و ماکنین آن بتوانند تا حد تصاب گذشته یعنی ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ هکتار ملک در مالکیت داشته باشند " . نخست وزیر با قول شاه در اجتماع ماکنین گفت که اگر سه ده در یک محل واقع و هم چسبیده هم بود آنجارا یک ده حساب کرد و همچنانکه با گذار خواهند نمود . هماین توضیح بینتر ایشان " در تمام ایران مشمولین قانون از ۳۰۰۰ نفر تجاوز نمیکند "(۳) .

عده ای که نسبت به "قانون" فعلی اصلاحات بیش از حد خوشبین هستند اظهار میدارد که "قانون" مربوط با اصلاحات ارضی بد واد رمود ۱۰ هزارده که "اجراخواهد شد" (۴) ده هزارده که یعنی یک پنجم دهات ایران! ای اخیرید و فروشیک پنجم دهات کشور و آنهم در مردم ۱۵ سال یعنی ازین بردن و "ریشه کن" کردن فکود الیمن در ایران؟ بدون شک با خیرید زمین از طلاقان بزرگ و فروشان بد هقانان برای یک دهان طولانی ریشم ای ای! - ریعتی ازین نخواهد رفت و مادر ام که ریزم فعلی با قیست مالک مانند یک انگل قرون وسطائی باز هم بالهای سال مشیره ده هقانان خرد از زمین را از اهاب اقساط و هقانانی را که بصورت ریعتی در ده ششده است،

(۲) اطلاعات ۲۶ دی ماه ۱۳۴۰، آفای امینی در جامعه مکان پذیرنگ گفت: «هدف مالک کردن را راعیست. اینکار هم در هیئت وقت مخواهد تا تممه بد امکن. کیما ۱۱ سپتمبر ۱۹۲۲، ۱۳۴۰ء۔

(٢) اطلاعات ٢١ سپتامبر ١٣٤٠ (فهریه ١٩٦٢)

(٤) اطلاعات ٣٠ دسته (١٣٤٠) (٢٠، آنونس ١٩٦٢)

### فروش زمین یاد ادن زمین برایگان بد هقنان ؟

فروش زمین بد هقنان که در "قانون جدید" پیش بینی می شود یکی از نکات منفی اصلاحات ارضی در کشورهای کم رشد سرما به داری است. بی شک در شریوه تولید سرمایه داری نمیتوان انتظار داشت که منابع اساسی انسانها یعنی منابع پولی که حاکم بر همه روابط انسانی دیگر است زیر پاکداشت شود. همین منابع که اساسن رامالکیت خصوصی سرمایه داری تشکیل مده مقدار ترین منابع مجامعته است و زیر پاکداشت آن تنها از اراه تقابلی امکان دارد. این منابع "مقدار" که با قوانین، ارشت پلیس و وزارت امور دادگاهها و زند اینها حمایت می شود مانع آنست که منافع یکدیگر استشارگرخاطرا کثیر اهالی کشور یعنی مند هقنان و نفع تمام کشور فاقد شود. بر اساس همین "قانون مقدار مالکیت خصوصی" است که مسئله خرید زمین از المکان و فروش آن بد هقنان مانند یک امر مسلمی بیان می آید و منفع یک مشتاقیتی که اکثریت وسائل تولید و شرکت اجتماعی را در دارد از در راه اجرای آن گام برداشت می شود.

برای اجرای برنامه فعلی اراضی کشور مبلغ ۲ میلیارد ریال در بودجه پیش بینی شده است. این مبلغ در عرضه همیل از طریق یانکهای دولتی پیش از مالکان که مازاد زمینهای خود را بد و لوت می فروشنند گذاشتند خواهد شد. توزیلی که برای آن در نظر گرفته شده است آ درصد است. بمالکان امکان آن داده می شود که با این پول سهام کارخانه های دلتی یا خود کارخانه ها و سهام دلتی را بخرند و پیش از سایر زمینهای که باید فروخته شوند و اعتمار اسی برای مکانیزه نمودن دهاتی که در اختیار شان باقی میماند از اینکه کشاورزی در راست نمایند. ارجانجایه مالکان بزرگ کشور تقریباً هیچ چیزی از تخصیص در کاراداره کارخانه ها و کشاورزی در من امروزی ندارند ترجیح خواهند داد از توزیل آ درصد استفاده نمایند و با قسم اعظم از این بانکهای خارجی انتقال دهند و در خارج از کشور به عیش و نوش بپردازند. این شیوه پرداخت بمالکان جز ایجاد تورم جدید نتیجه ای نخواهد داد و منظه رو را که طبقه حاکمه برای جلب "سرمایه های جهیز شده" در هات در کارهای کشاورزی و صنعتی دارد برآورده نخواهد ساخت. فروش زمین بد هقنان تقریباً در راه تغییر سریع وضع اجتماعی - اقتصادی دهات و تعویض سریع کشاورزی و امپروری کشور است.

### چرا فروش زمین بامناهند هقنان و کشاورزی کشور موافق نیست ؟

برای اینکه در حدود ۹۰ درصد کشاورزی کشاورزی و سایر مصالح تولید یکدیگر صورت میگیرد. برای اینکه در اکثر دهات آب کافی برای شخم، زمین آباد، کود شیمیائی، راههای مناسب برای حمل محصولات کشاورزی وجود ندارد. برای اینکه زراعت تهیه است برای نگاهداری خانواره خود و عملی ساختن زراعت مجبور بیام گرفتن از زیاد خواران د و پیش فروش محصول به نصف و حتی مثلث قیمت است. برای اینکه زراع ایرانی بتمام معنی تهیه است. فروش زمین بجهنین زارعینی بارگردانش امروزی را آنقدر راهه تصریم بود سبک نخواهد کرد و پرداخت اقساط زمین بدت ۱۵ سال، حفظ و نگهداری دشواری های از جهای کشاورزی بزرگ ۱۵ سال است. بخلافه پرداخت اقساط سالانه خود مانع برای بهبود زندگی و کار، افزایش قوه خرید هقنان و توسعه بازار داخلي است. در ضمن دهه های خوارث غیرمنتظره طبیعی نیز رانتظار کشاورزند: خشکسالی، کم آب، افات بناست و دامی، ناخوشی زراع و اعضا خانواره اش، ناخوشی دام، خرابی بدن بذر، خراب شدن خانه و انبار بر اثر فوجه های وغیره. هر کدام از این بیانی طبیعی کافی است که وضع پرداخت اقساط سالانه را بعقب بیند ازد وزارع را مجبور فروش زمین و ترک ده نماید.

اینها عواملی است که هر شخص علاقمند به اب و خاک را مخالف فروش زمین بد هقنان مینماید. اینها عواملی است که هر ایرانی را موافق باد ادن زمین رایگان بد هقنان مینماید. بعضیها چنین اظهار عقیده میکنند که دادن زمین برایگان نادرست است و ووجب زیان کشاورزی و توزیل بهتران خواهد بود. اینها میگویند که دهقان ایرانی تبلیغ وقایع است و زمانی که زمین جانی به اوداده شود علاقه ای بکشند و کارشناس نمیدهد و حتی ممکن است زمین خود را فروخته و کارهای شغلی کردد. این درست نیست. دهقان ایرانی انسانی زحمتکش و فعال است. منابع ارتباطی - رعیتی نیروی انسانی اورابتخیل برد و عشق و علاوه اش را بمیزان شکری تبلیغ دارد. اگر این انسان زحمتکش صاحب زمین شود نه تنها از زمین دست برد از خواهد بود بلکه با عشق بی پایان و اینسوی تعلیم ناپذیر خوش قدر راست رستای ایران را بهشت بزین تبدیل نماید. از رویشی که صد ها سال از زرده پیش مانده است اگر برآورد شود نیروی شگرف و خلاقی پدید خواهد اورد که در تاریخ

### کشاورزی مابی مسابقه است \*

تقسیم تمام زمینهای کشاورزی با شیوه اریاپر - رعیت کشت و کار میشود برای گان بکشاورزان معنا نیش رهای ساختن دهقان بحال خود نیست . د همانی که ارزی بار استثمار و ظلم قرون آزاد میشود انسانی تهی دست بیش نیست . وی بمعابه انسانی است که تازه از تاخوشهای شفای افته باشد . چنین انسانی بمواظبت و مراقبت همه جانبی و لسوی احتیاج دارد تاروی پای خود باستد ، نیروی خود را تازه نند و فعالیت دامنه دارتری را آغاز نماید . در مراقبت و مواظبیت دهقان باید تمام عادات و اداب و روش های راه که مرسم اند و باید ازین بروند در نظر داشت و سازمان صحیح ترکیب اموزی کشاورزی هماهنگ داشته باشد جانشین آن ساخت .

دادن زمین برای گان سنگینی پارچند یعنی میلیارد ریال را از گرد ۸ دهقاتان برمید ارد و میلیارد هاریال سرمایه واقعی را در رکشاورزی بگرد شم اورد . فرض نکم اگر در شرایط فعلی دلت موفق شود نصف زمینهای زیر کشت واپس یعنی تقریباً ۸ میلیون هکتار را بفروشد . قیمت این زمینهای طبق فخر اموری هکتاری ۱۰۰۰۰ ریال است . قیمت این زمینهای دست کم ۸۰ میلیارد ریال خواهد بود . اگر این پول بتدریج بطالکان پرداخت شود بصورت سرمایه غیرواقعی (Fictif) به اعتبارات بانکی اضافه خواهد شد . ولی اگر از کشاورزان در فلت نشود بصورت سرمایه واقعی د رکشاورزی بگرد شد رخواهد آمد و در عرض چند سال تولید اجتماعی و ثروت اجتماعی ، درآمد ملی و بیویزه د را بد کشاورزان را چند یعنی برابر خواهد کرد . لیکن تن کردن نکته مهم و اساسی که قانون اصلاح ارضی در شرایطی تنظیم و معمود اجرآگار ارد میشود که هیچ نوع سازمان اجتماعی، میاس و اتحاد های صنفی واقعی د رکشور وجود ندارد ضروریست . حکومت اینین با زور نیزه ها کتف امپرالیستی امریکا تمدیم دارد . نقطه نظر جناحی از طبقه حاکمه را بکشاورزی و کشاورزان تحمل کند . در چین شرایط اختناق و ترسور انتظار اصلاحات د یکی راهنم نمیتوان داشت . لیکن اگر رکشور مارژیم د مکاری سالمی وجود داشت و لک دلت ملی در رام کاربرد و احزاب سیاسی ، از انجمله حزب تود ایران که پرچمدار اصلاحات ارضی ازند و زاده این خود بود ه آزاد بودند و میتوانستند آزاد اند فعالیت نمایند و نیروهای اجتماعی بیویزه دهقاتان را در راه خواسته ای خود مشکل سازند ، انواع امکان داشت اصلاحات ارضی از طریق صحیح و مسربت بمود اجرآگار گذارد ه شود ، بقایایی فعدوی الیس ازده ریشه کن گرد و میلیونهای دهقات ازه اتحاد یه ها ، کمیته های د همانی و شرکت های تعاضی روسانی بکارفعال اجتماعی جلب گردند ، سطح زندگی و فرهنگ عمومی انان بطریز بسیارهای ای با لارود و گلک موثری برشد تمام نیروهای مولد کشور گردید . دادن زمین برای گان توسط دلت ملی بد هفقاتان باشد توأم بالغ و امهای کشاورزان براخواران و پیش خرد ایران ، لغو اقساط زمینهای شاه و خالص بصورت تکیه . مهترین سازمانی که میتواند جانشین تمام شیوه ها ، اشخاص و عادات موجوده در ده ایران گردد - شرکت های تعاضی تولیدی کشاورزی است . شرکت های تعاضی تولیدی با تجمع و تراکم سرمایه های دهقاتان و کمک - های بانک کشاورزی یا بانک کوoperative بايد کارهای زمین برازی میتوانند جانشین بعمل اورد :

- تهیه ابزار تولیدی که امروزه در کشاورزی متد اول است .

- تهیه بذر ، نهال ، کود شمیائی ، داروهای دفع افات نباتی و حیوانی .

- حفاظت و تعمیر قنوات و انهار و تهیه نتاب و سرچشمه های تازه از آب .

- ساختن انبارهای مدرن که از تقدیم موش ، حشرات ، کرمها و غیره مصنوع باشد تامانع ازین رفتگی .

محصول گردد \*

- تشکیل و مجهر ساختن دهقاتان برای ساختن راههای فرعی بین دهات و شاهراه ها و شهرهای اینها بتوانند مستقیماً دن واسطه محصول کشاورزی و وزارت کشاورزی داری را بمراکز فروش بر میانند . شرکت های تعاضی انتباری ، بانک کوپر اتیو ، بانک کشاورزی و وزارت کشاورزی ها لآخره تمام سازمانهای دولتی شاه نخواهند توانست خواسته ای دهقاتان و کشاورزی کشور را براود ه سازند . در سازمانهای فعلی کشاورزی و شرکت های تعاضی جریان قشرندی دهقاتان بشدت اداه خواهد یافت ، نیروهای اضافی دهات باز هم سیل اساسی شرکت های شهرباران خواهد شد ، در اخل شرکت های تعاضی هم بری یه دست سرمایه داران و کشاورزان شرکت خواهد افتاد و تعویض این اداره های تازه ای بخارجه بوجود خواهد داد که واسطه های آن باز هم بازگرانان کم برادر و رو بسته بسرمایه های مالی بیگانه خواهند بود .

فروش زمین بد هقانان آرزوی طبقه حاکمه و امیریا لیستهای امریکارا که تبدیل د هقانان به نیزروی اختیاط بوزوژواری است برآورده نخواهد ساخت . میلیونهاد هقان ایرانی در شرایط موجود یت اقساط زمین ، بقایای نسبات رعیت واری ، نفوذ سرمایه بد هات ، اد امه ربا خواری و پیش خرد در هات بازهم بصورت تهی دست ترین فقر جامعه باقی خواهند ماند و با این ترتیب نمیتوانند به ذخیره سرمایه داران تبدیل شوند بلکه بازهم مانند متحد اصلی طبقه کارگریا خواهند ماند و در سرنوشت کشور نقش تاریخی را با متحد نیروهند شینسی طبقه کارگر ایفا خواهند کرد .

داد ام که رژیم کود تا وجود دارد و حکومت امنی یا هر حکومت دیگری که جری برناههای آنست برروی کاریا شنت مسئله ارضی از جهار چوب خرد و فروش خارج نمیشود و اصلاح ارضی فقط میتواند آهسته ، رنج آور برای میلیونهاد روسانی ، نامنظم طولانی بنفع طبقه ثروتمند و پدر راکثیت کشاورزان حل گردد . اصلاح ارضی باین شکل آن اصلاح ارضی نیست که جامه ما ، اقتصاد ما ، د هقانان کشور و جهان امروزی خواهان آنست . تشهاد رشاریط رژیم د موکراتیک ملی که نفوذ مالکان ، کمپیاد و رهاد و امیریا لیستهای امریکائی از سازمان های دولتی ریشه کن شده باشد میتوان با تجمع نیروهای مترقب جامعه و تشکیل د ولت ملی مسئله ارضی و مسئله د هقانی برادر ایران بطرز صحیحی حل کرد . ۱۳۴۰

## تصحیح

در مقاله "طبعیان ، د هربان ، اصحاب هیولی" (سال دوم ، شماره سوم ) در مقاله "د هربان ، مفهوم ۱۲۳ میطر ۱ ابجای احترازناپذیر نوشته شده است "احترازناپذیر" در همان جایگای "هیولای اولی" نوشته شده است "هیولای الهی" و در میطر ۰ ابجای "جزع عکا هیولی" نوشته شده است "جزوه دای هیولی" . لطفاً تصحیح فرمائید .

در شماره ۲۳ شته (سال دوم ، شماره سوم ) در مقدمه مقاله "د هربان ، اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق" نوشته شده است که نویسنده مقاله رفیق محمد سالم د ببراؤل حزب کمونیت عراق است . رفیق محمد سالم د ببراؤل حزب نیست بلکه یکی از هبران این حزب است .

## ماهیت انقلاب کو با

مقاله زیرین در واقع دنباله و مکمل مقاله دیگری است که در شماره دوم (ابستانی) سال دوم مجله دنیا بخت عنوان جزء امید بوسیله مؤلف همین مقاله نشر یافته و مشتمل بر شرح انقلاب پیروزی‌های آن بود. تا چند ماه پیش مسئله ماهیت انقلاب کهاد و مرحله کنونی انسانیه ای که این ماه و مردم بحث بود، ولی حوادث ماهیاتی اخیر این مسئله را روشن ساخت و امکان داد که بدین سوال که در مرحله کنونی ماهیت انقلاب کهای چیست پاسخ مستدل داده شود.

هشت تحریره محله "دنیا" که در رابتد از این جنبه شد که تأثیری آغاز شد. جنبه ند امیریالیستی انقلاب هم در کار ری تبود که موجب ریبدن عوامل دست راست انقلاب باید. لذ اعتماد عواملی که تاحد و دی علاقه به اصلاحات دموکراتیک داشتند و تاحد و دی ند امیریالیست بودند بحران انقلابی پیوستند. عده قابل توجهی از انتہای "مردان سیاسی" و در رشته امور کشوری پیروزی و اتحادیه بودند. فidel کاسترو و انقلابیون امیری که اسلحه بدست گرفته پاچان خودیه انقلاب خدمت میکردند هدف در سرچش عشق پیخلق و میهن ند اشتبان. شهوت اغراض والایران حاده (البی آنها را ایالله بود) در جنین اوتان و احوالی غاصرا راست که میخواستند از انقلاب پیروزمند سود جویی کنند کوشش کردند فidel و انقلابیون دیگر اراد رسیارخانه هامصوص کنند و همانه آور ند که بهتر است موسسات کشوری را از نامیری "میری نگهداریم" در واقع عناصر راست، ارتش انقلابی کارگران و دهقانان و روشنگران انقلابی را با عمل خود با همان چشم‌پردازی دست نشاند و مزد و رهامیریالیسم سزاوار آن بود. درنتیجه در اولین ماههای حکومت انقلابی بیش د وکائی در حکومت بوجود آمد: حتاج انقلابی که به مرور از این انقلابی بحث رهبری فidel کاسترو بود و جناب راست که حکومت موقت راستگارساخته و صلا از قدرت رسمی پر خود ارسود. رئیس جمهور وقت اورتیا (Urrutia)، نخست وزیر میراکار و نوا و نیز رئیس امور خارجه پرتوکار اوته (Roberto Agurmonte) مهترین نماینده این عوامل دست راست در دولت بودند.

در این دوره است که در حکومت عوامل دست راست نقش مسلط را بعده دارد ولد امیر و شان خود را از جهت ارتضاعی بانقلاب میزند. از همین جایت که در اولین زرهای حزب سوسیالیست تولد ای کهای (حزب کمونیست) جنین تحلیلی دیده میشند که "ریزم حد پذیرشیانی تولد هر مردم (کارگران و دهقانان پیروزی ایلی) برخورد ار است که در آن پیروزی ایلی و متوسط نظر رهبری دارند".

تغییراین رهبری د وکائیه باشد است که در تقویت فidel کاسترو در فوریه ۱۹۵۹ آغاز میشود. بتدریج انقلاب تمام میزند و تهمیق تریشید و پیش میروند. عوامل دست راست و ارتضاعی از رهبری دلت کنار میروند. تغییراین در حکومت جدید پریاست وزرایی فidel کاسترو و بعد استعفا رئیس جمهور ارجاعی، این کهنه نیروهار اینفع عوامل را دیگال وچه. جریان و لذ ارجلس و سیع کمیته ایلی حزب سوسیالیست تولد ای در اوپیل ۱۴۱۰ اعلام میشود که:

"پیکی ایلیکات بود که در انقلاب شرکت کرد و از پیروزی آن پر خود ارشد. ولی پیشرفت حوادث بعد از زانیه ۱۹۵۹ نشان داد که پیروزی ایلی قدر را یافای رل رهبری نیست، برای آنکه اینتلریسیاسی متزلزل بوده و در حستجوی مصالحه با امیریالیسم و مالکین بزرگ ارضی است تا اینکه به وائد انقلاب را ترمیکند و در کاد رمنافع خود مدد و سازد."

رفیق بلاس روکاد بیراول حزب سوسیالیست توده ای در جمع پندت تصمیمات کنگره هشتم حزب سوسیا  
دراوت ۱۹۶۰ چنین گفت :

"امروز رهبری بیرونی بیک مسئله مربوی بگذشته است . از آغاز انقلاب عوامل راست  
بیرونی کوچک نیروی مسلط در حکومت بودند . پیشترفت بعدی انقلاب و تغییراتی که  
در حکومت بوجود آمد کمک کرد که عوامل چه بزرگی باشند . هر موشی ازان نیروهای  
چه شد ."

این تغییرات در کار داشت و هیئت حاکمه بود «هزمان با این حریان تغییرات موافی در اقدامات  
انقلابی انجام میگردید که در توجه انقلاب را زیانی و داشت رشد میدهد و مستحکم میشود .  
اگر آغاز انقلاب حکومت بیک مسلسله عملیات و اقدامات محدود گوچت در کار داشت میگردید که  
دست میزند بدترین دامنه این اقدامات غزوی میباشد . اشایه بر اصلاح ارشی و معمنی کردن تولید کشاورزی ،  
اقداماتی که برای تأمین کشاورزی کردند صنایع اساسی کشاورزی کارخانه ها و اموام سیاستی که در اختیار اراده ارها خارجی بود ،  
ملی کردند بانکها و معادن ، بدست گرفتند بازگشای خارجی ، تثبات دادن کشور از اراده اخلاقی ، تعقیب یک سیاست  
خارجی جسمانه ، مستقل و انتقامی ، استقرار روابط سیاسی با تمام کشورهای سوسیالیستی و شناختن میهمانی جسمان  
توده ای ، خروج انسانهای ارجاعی میان المللی تئوری در این سند یکاهای "ازاد" بپائی ، در هم شکستن  
کامل ارتقای قدری یعنی و سنتگاه خاکسده بجهود کارگرانی که مدعی ، دادن اسلحه بتمام مردم ، بد مقابله ، کارگران و  
دانشجویان ، ایجاد یک سپاه نیم میلیونی "نیکهانان ملی" ، ایجاد خارج کردند کشور از تولید کشید و اقتصاد  
واحد (نیشکروشکر) ، خروج اقتصادی کشاورزی ارد و کار امپریالیسم ، دادن خانه های احرار بمسما حیرین ،  
پائین اوردند قیمت ها ، ساختن ۱۰ هزار خانه در سراس ، تا میسر ۱۵ هزار مردم رسم در راه دو رفاه داده  
نقشه ازین بردند کامل بیسوساید در حریان سال ۱۹۶۱ ، ایجاد کارخانه های بزرگ ، تنشیه منعنه کرد و گشته  
ازین برد تبعیض نژادی واستقرار دمکراسی واقعی برای مردم و دینهاده ها اصلیات در خشان انقلابی  
دینگ در راه امین منافق توده مردم و در روحه اول د هقانان و کارگران را باید نا برد .  
مشتمین کنگره حزب سوسیالیست توده ای مخفیان انتقال که ای را بیان میکنند :

- ۱- انقلاب که ای را میگیرد که کامیابی ایه عملیات مسلح است که ما همین نهادیم . دیگرانی را در هم شکست  
وارتیزون توده ای ازد هقانان و کارگران روز شنکران انتقالی بوجود آورد .
- ۲- انقلاب مانشین دادن نیمه مستقره و استبدادی را در هم شکست .
- ۳- انقلاب طبقات حاکمه ارجاعی را او را کنون کرد و همچنانی آن طبقات انقلابی را بزرگ تدریج گذاشت .
- ۴- انقلاب به تسلط سیاسی امپریالیسم امریکایی شعالی در کار خانه داد .
- ۵- انقلاب که ای معرفت در راستیست که مادران زندگی میکنند در رایکه ارد وی سوسیالیستی کشید  
من یابد ، نیروهای ملی د رمقیاس حیانی علیه امپریالیسم قیام کردند و امپریالیسم روز بروز نیروهای خود را از  
دست میدند و ضعیف ترمیکرد .

۶- وجدت تمام نیروهای انقلابی در اطراف حکومت انقلابی بر هم فیدل کاسترو .  
فیدل کاسترو در ۱۶ اولیک یکروز قبل از تجاوز نهادی بکوبا در نتیجه خود انقلاب کوبا را اولین انقلاب  
سوسیالیستی در امریکای لاتین به تمام دنیا اعلام میکند در همان میدان «هر آن دارد و هم باشد همه از مردم وزن  
سلح سوتند یاد میکنند که با خون خود از انقلاب سوسیالیستی کوبا و میهن خود دفاع کنند ، کاری که بسا  
مرد اندگی تمام انجام دادند و میدند هند .

اعلام سوسیالیستی انقلاب ، یک بیان احساساتی ویا انتشاریه بد ون مسئولیت ساده ای انتظاریکه خیلی  
در آن موقع تهیه میکردند نبود . انقلاب که در حریان رشد خود پله به پله در جهت سوسیالیستی رشد یافته  
است . فیدل کاسترو در نطق ۲ دسامبر ۱۹۶۱ خود میگوید که :

"عده ای این یا آن راستیل بیرای اتخاذ راه سوسیالیستی انقلاب مید اند . یک  
چنین استنباطی ناشی از عدم فهم انقلاب کوبا و نتیجه تا پختگی و فقد ان کافی  
تعلیمات سیاسی است ."

برای روش کردند این نکته به اور فشرده هم شده برشد حوار دار کو با از قوه نهاد را از حركت انقلاب

درجت سوسیالیستی توجه کنیم.

قبل از همه نخستین اعلامیه مشهورها و اند رسال ۱۹۶۰ که در اولین جمع عمومی مردم کوبا تقدیم شد، اعلام کرد که هدف انقلاب کوبا ازین بود ن "استثمار فرد ازفرد است" . اقدام علی در اجرای این رهنمود اعلامیه ها و اثابا می کرد ن موسمات خصوصی بزرگ و انحصارات خارجی آغاز می شود و سپس ملی کردن مرکز تولید قند، بانکها و حمل و نقل سرویس عمومی را بدینه دارد . بعلاوه دولت انقلابی قسمت اساسی بازارگانی داخلی و خارجی بطور کامل، رادیو، تلویزیون، مطبوعه ها وغیره را درست خود میگیرد . از طرف دیگر انقلاب ارضی قدرت ملکیت و کمپانیهای خارجی را کاملا درهم مشکنده و پیروز می شود . زمین در اختیار دهقانان کوچک است و مرتع بزرگ قلعه ایها و قلعه ایها و مزارع خلقی میدل می شود که ازان میان دشکل اخر اندک مالکیت سوسیالیستی است . بیش از نیک میلیون هکتار از تولید شکر (اولین و مهمترین تولید کوبا) در اختیار کمپانیهای است . متناسب با این اقدامات درستگاه دولتی تغییرات لازم برای سهولت و امکان رشد سوسیالیسم داده می شود . در شهرهای سال ۱۹۶۱ قانون بانک ملی کوبا، قانون تاسیس وزارت خانه های جدید بنام وزارت صنایع، وزارت بازارگانی داخلی، وزارت بازارگانی خارجی وضع شد و یک سازمان مرکزی برای تقشه بندی بوجود آمد . بدین ترتیب دولت موقع می شود از اینهای اجرایی نقشه برای ساختمان سوسیالیسم، تنظیم گردش پول، انجام تمام معاملات تجاری و مالی کشور، تعامل ارز خارجی وغیره، بزرگترین کمک را بهماید و همچنین به اشتغالگران اقتصادی سابق که تا حد جدی ناشی از سلطه بانکهای خارجی بر اقتصاد کوپا بود خاتمه بد هد . با کمک وزارت بازارگانی داخلی یک تقریب مغایره های بزرگ و مرکزی بازارگانی خارجی انجصارا درست دلت انقلابی است که یک امیازیزگی در ساختمان سوسیالیسم در کهاست . با این ترتیب به سلطه انحصار خارجی که همیشه مایه ورشکستگی وی خانمانی مردم کوبا بود خاتمه داد و به بازارگانی خارجی کوبا را از انحصار غارگیران ایالات متده خارج کرده و مرج اقتصادی گشتر بخشید . بخصوص تجارت خارجی بانکهای سوسیالیستی دامنه وسیعی بخود گرفت که در موارد مکرر انسان در هم شکستن فشارهای وحشایر انتقامی اداره میزبانی در ساختمان سوسیالیسم

در ساختمان سوسیالیسم تامسیس وزارت صناعت نقش مهمی بازی میکند . امروز نه تنها کوبا در جریان ایجاد کارخانه های وسیع تولید متوسط براي صنعتی کردن کشور خود است، بلکه ساختمان صنایع سنگین و از جمله فولاد سازی با کمک برادرانه کشورهای سوسیالیستی در دنیا را روی نقشه تمام ساختمان اقتصاد سوسیالیستی، اداره مکرر تقشه بندی لر بزرگ بازی میکند . امروز چنین کاری علی است چون تسمت عده وسائل تولید درست دلت قرارداد .

لیسم چنانچه دیده می شود اینها یک سری اقدامات طبق نظره حکومت انقلابی برای ساختمان سوسیالیسم در کوباست که از مدت های پیش قد مقدم برداشته شده است و تنبایران وقتی فیصل کاسترو در ۱۶ آوریل انقلاب کوپا اسوسیالیستی اعلام میکنند در رواج بیان واقعیتی است که انقلاب کوبا از مدت های پیش در جرجیا آن بسوده است .

فیدل از همان آغاز میگفت که " انقلاب کوبا انقلاب فقرای بدست فقرای مردی فرقاست " او میگفت که " بنم مهلت بد هید سوسیالیسم را بکو با خواهیم آورد " .

امروز حق انقلاب کویا انقلاب کارگران و دهقانان و یک انقلاب سوسیالیستی است .

تکامل نهایی آن میارزه قهرمانانه و مسلحانه ای که ۹۰٪ آزاد هقانان بی جیز و کارگران تشکیل میدادند، تکامل نهایی آن میارزه بین عوامل انقلابی و عوامل اجتماعی و دست راست بجزوی ای ملی، تکامل نهایی اجرای آرمان انقلابی " بدست فقرای مردی فرقا " طبعاً انقلاب رایه پیروزی راد بکال ترین طبقات انقلابی یعنی کارگران و دهقانان روش نکران انقلابی (که مد افع منافع این طبقات هستند) میکشانند .

صداقت و وفاداری رهبران اساسی انقلاب تنظیر فیدل کاسترو، رائول کاسترو، گه وارا و دیگر هر اهانت اثنا نش فعال وسیاست درست حزب سوسیالیست توده ای، قدرت و امکانات جمهه سوسیالیسم و

سیاست درست و کمل بموضع اتحاد شوروی و دیگر شورهای سوسیالیستی از طرفی، و سیاست خشن ایالات متحده آمریکا و تحریکات پی در پی آن از طرف دیگر، در شکل گرفتن سرعت انقلاب کوبا و حیثیت دن آن، بالا رفتن آگاهی طبقات انقلابی نقش موثر و قاطعی داشت.

و جداً انقلاب رهبران انقلاب در حکومت وضعی پی پایان آنها در خدمت بعدم واقعی یعنی توده کارگران ود هقانان، در مقابل آنها بهترین راه برای حل درد های خلق کهار سوسیالیسم قرار میدهد. از همین حاست که علا رهبران انقلاب همان ترتیب عمل کردند که انتشار تئوریک یک حزب مارکسیستی حاکم میتوانست انجام بد هد.

فیدل در نطق دوم دسامبر ۱۹۵۲ خود در انشکاه توده ای میگوید :

" برابر ما راه سومی نبود یا خیانت، یا اداء راه انقلابی . هستند مردم که تصویر میکنند خیلی عاقل هستند و موضعه میکنند که انقلاب که میباشد یا کاری میکرد که هم از امریکا پول میگرفت وهم از روسها . همیشه هستند کسانی که اینگونه تزهی سیاسی را پیش میگشند . تزی تایین حد پست و بیرون از مشهوم چنین تزی اینست که خود را بپوشش، کشور را بپوشش، مثل یک مال التجاره با آن محل بکن ، بنفع امپریالیستها بپوشش . آنها میگویند پول از امپریالیسم بگیرو از د وستی با اتحاد شوروی بترسانش . این در واقع یک معامله گری کنیف است . فهموشن اینست که در همان وضعی که کشور بسود حفظش کن، تمام منافع امپریالیستها را محترم بشمر، تمام املاک آنها سرمایه آنها، تمام کارخانه های قند متعلق بآنها را، شرکت برق و تلفن آنها را، کنترل آنها را بر روی تجارت داخلی و خارجی مانکه امتحرم بشمار و دستور نزن . از طرف دیگر هر کشوری نظیر کوبا که بخواهد خود را از انحصار اقتصادی و تجاری ایالات متحده برهاشد، بخواهد رغنم ارشی بدفعه هقانان بکند، بخواهد صنایع خود شر را داشته باشد، یک سیاست مستقل را تعییب بکند، بدون تردید رقابت امپریالیستها و منافع آنها قرار میگیرد ."

" مباید آنها ای قدر یکنین که در این مبارزه از یا افتادند، جان دادند، آنها میگیرند کردند . آناینه هم مرد میگردند برای اینکه مالک بمالکیت هزاران هکتار زمین اداء بدهد؟ ابداء همه کس میگردند آنها برای این نمودند، هر کس میتواند یقین داشته رهبران انقلاب خائن بودند اگر آنها ایننه جوان را ببارزه میکشندند، آنها انسانها را اتفلف میگردند؛ اینکه مالک با استعاره هقانان و سرمایه دار با استعاره کارگران اداء بدهند ."

اینطور مسحه است که فیدل و دیگر رهبران اساسی انقلاب از ابتدای کار، از همان لحظه لنگراندا کشته گراما وضع روشی در ساره آینده انقلاب کوبا داشتند . برای لمس بیشتر این واقعیت میتوان روی بعضی عوامل تکیه بیشتر نمود :

متلاع حکومت انقلابی طی غرب یکلیفات موجود از طرف امپریالیسم و مرتعین داخلی دست بهمین اثیاب نزد (با وجود اینکه امکان داشت اوردن آرا بیش از ۹۰٪ مردم را داشت) اهدی یوسیله خواست دست حکومت انقلابی را کاملا بازیگزد ارد و شکل قطعی را بریم و قنی بد که انقلاب بمرحله نهایی پرسد . در واقع دوست انقلابیں در عذرگان دیگر انتزهی پولنرا پاشد .

یاملا فیدل و گروه او طی رشم امکان دست بتشکیل همیج جزئی نزدند . جنبش ۲۶ روزه در واقع حزب نبود . رهبران انقلاب اینطور توضیح میدادند که آنها این مشکل را با اکان خامر کوبا حل کردند که عارت از استفاده از طریق رادیو، تلویزیون و میتینگهای وسیع توده ای بود . این وسیع محلت کوچک بود ن که از نظر ساخت و وضع جغرافیائی، بعلت وسعت شبکه رادیو و تلویزیون ممکن بود . امپریالیستها حکومت انقلابی را حکومت از راه تلویزیون (البته بطور مسخره) معرفی میکردند، ولی این التبه مقداری از حقیقت را بهمان ترتیب که توضیح داده شد دربرداشت .

ویاملا فیدل کاسترو و عوامل اساسی دیگر انقلاب از ابتدای حتی در شوارتین د مره ها، برخاست .

"شدکمونیستی" را محکوم کردند. به عنین حداقل اتفاقنگاره بلکه با سیاست مدبرانه ای برای کشتن روحیه شدکمونیستی موجود و سو"ن" نسبت پکمونیستها را زایده ده هم‌حال تبلیغات امریکالیسم جهانی بید کمال بیزگی نمودند. در دوره های اول وقتی از قبیل کاسترو در مصاحبه ای سئوال شد که آیا اقدامات که دولت میکند برای این نیست که بهتر جلو کمونیستها را بگیرد؟ او با سنخ داد که اقدامات دولت نه برای مبارزه علیه کمونیستها بلکه برای ازین بردن گرسنگی و فقر مردم کوباست.

فیدل کاسترو در تناقضی که بدان اشاره شد صفحه جالب ای از تاریخ انقلاب را که بد وران حنگهای پاریزا مربوط میشود باز میگوید که نقل آن در اینجا بجا است. اور ارتباط با جبهه شدیداً پیشکش در آن سازمانها و عوامل محافظه کار و ارتجاعی فراوانی شرکت داشتند چنین میگوید:

"کافی مانگنیزیو دی جواد د شواری را لسکندرانیم. مثلاً سته میزو ارد و نسا که در این وقت در میان سرمهیرد نداد رواح مخالف پلک وحدت کامل وسیع بعد: سده آشنا اسراز ارد رکنار که آشنا حزب سوسیالیست میکردند. ماده افعی شرکت آشنا باید وسیع میخواستند میتینک در میانمی تکلیل بدبند و موضع سازمانهای متشکله علیه پایتیستا را بحث پکنند. مامید انتیم که در این خادسته کار وند الاشتیت داشته ون ارخو در تجهیز خواهند کرد. قصد آشنا کنار که آشنا حزب سوسیالیست بود که در اسراز در رحیم مخاذ نازاریات مابود. برای خود اداری از قبیل شاهزاده های اسلامیم کرفتیم تا پایان جنگ از بحث در این باره احتیاج نکیم. به عنین علت د لکاسیوی هم به میامی نظر نداشتم."

درواقع با آنکه رهبران انقلاب در درجه اول خود حزب کمونیست نبودند، معینه ای کاملاً آنها از تئوریها و اصول مارکسیسم لذت نمیبرندند و خود از داده ای میگردند. فیدل کاسترو که نعمت ای از رهبران انقلاب در حکومت است در باره طرز ترقی کر خود چنین میگوید:

"بعضیها از من سؤال میپنند که ایامن در حریان موکاد (۱۹۵۳) چنان اهر فکر میگرد که امروز؟ من همیشه با اینها پاسخ داده ام که بلي آنکه از اینکنی که نیمس امروز خود را شتم در دره میان تحقیقی خود در آشناه اشنا مرتبت خوبه مارکس را وابلاسر و لینین رامه العهد کرده ام. من بخواهند الى بمارکسیسم لذت نمیبرند هستم. این اتفاقاً در راد راول زانیه ۱۹۱۰ داشتم مجنین اعتقدم. رادر ۲۱ زویه ۱۹۵۲ داشتم."

البته چنانچه خود تو شیخ میدهد در نزد شته ایرادات و اختلافات لرد اعیانی برای حزب سوسیالیست کوشا داشته است که بخلاف یک خود میگوید تیجه تبلیغات موجود و ناشی از تماز محدود بوده است، بهر سوی از ایمان و اتفاقاً او بمارکسیسم لذت نمیگردد.

در دوره های اول انقلاب که مشغول تیجه تبلیغات میشوند مطهور کلی علیه آشنا بدین شدیدی وجود داشت. در رهبری حزب سوسیالیست و کمونیستها بتعیش میشند و مطهور کلی علیه آشنا بدین شدیدی وجود داشت. در این دوره شرکت فعال آشنا را مردم ببری حکومت در اجرای برنامه های سوسیالیستی عملاند شهار و غیر ممکن بود.

فیدل کاسترو در این باره چنین میگوید:

"من لازم است در باره یک تحریره د نواری صحبت بکنم. اگر روزی مورخین تاریخ این دوره از انقلاب مارکسیستند پس خواهند مطلعی در از رافت آن لاب مادر را نیز دوره بکویند باید این نکته را تا گوید بکنند که مایل انقلاب سوسیالیستی بدون تقویتیها میباشیم. زیرا در این دوره سو"ن" نسبت پکمونیستها بادری شد بدیگو که هرچاشی میخواستیم یک کمونیست را در پستی مکاریم و لو هرقد رکوچت، فراموج اد سر اراض و تحریکات شروع میشند. منکلشین و نلیفه ماسا شن انقلاب سوسیالیستی بسده ون سوسیالیستها باید وقتی که پرسه وحدت نیروهای انقلابی آشنا بد و مامفعت شدیم قد میقدم روحیه شدکمونیستی را لزین ببریم، دیگرانند رمشکل نبود که اهنا حزب سوسیالیست را برای همکاری دعوت بکنیم."

فیدل در حای دیگر میگوید:

"مامید انتstem که برنامه انقلابی چیست و اگر ما از این امر آن تکیه نکردیم و زیرا مهندسی انقلابی و قوانین انقلابی را دیگر را فرا پیش نکشید یعنی از نظر شرایطی بود که مبارزه طلیه باتسیاست در آن گسترش می یافت" .

از آنچه که گفته شد روش منگرد که چگونه تمام انقلاب کوپا از بزرگ جمهور و سیم برای واژگون کردن دیکتاتوریست است به انقلاب خدغشود الی - نه امپریالیستی و سپس از آن به انقلاب سوسیالیستی تیجه مبارزه هم آنکه تمام نیروهای انقلابی و سازمانهای انقلابی بوده است و این دقت و استادی کامل این مرحل طی شده، هر لحظه ارتباط با توده های مردم استحکام یافته ارتاج گام بکام از مردم جدا و منفرد گردیده است . طبیعی است که در تمام این مرحل نبود و حدت سازمانی مابین تمام نیروهای انقلابی صدمات و درد سرهای بزرگ را موجوب شده است . این نقصان بخصوص در مرحله فعلی انقلاب که استقرار تحکیم انقلاب سوسیالیستی هدف آن میباشد کاملاً محسوس بوده و ازین بودن آن شرط لازم برای پیروزی قطعی است . تا همین اواخر نیروهای انقلابی در سه سازمان و حزب مجزا مشکل بودند که عبارتند از حزب سوسیالیست تود مای (Movimiento Socialista popular) و چنین ۲۶ ژوئیه (Partido Socialista Popular) و چنین ۲۶ ژوئیه (Directorio Revolucionario) . این سازمانها بد ون شک از نظر تاکتیک سیاسی، اصول سازمانی، ترکیب طبقاتی، منن انقلابی و نقشان در جنگ پاریزیانی باهم تفاوت داشتند . فیدل کاسترو در صحبت خود پیشترهای، تاشی اینبودن و حدت سازمانی بین نیروهای انقلابی از همان آغاز انقلاب اشاره میکند . اول برایه سیستم ایدآل حکمت اینجا در سخن میگوید :

" من معتقد که سیستم حکومت ایدآل پیشترین و کاملترین شکل برای حکومت بیک کشوری عبارت از آنچنان سیستم حکومتی است که بنای آن روی یک حزب انقلابی که بطور مکراری تشكیل شده و از این یک رهبری دسته جمعی اداره شود، قرار گیرد . گواینکه چنین سیستمی مانند هر سیستم دیگر ولی ایدی اینبوده بلکه صراحترا و مانند ده راهی از تاریخ یک کشور است " .

هم اکنون اولین ندم در راه ایجاد حزب واحد با تشکیل " سازمانهای انقلابی بهم پیوست " (Organizaciones Revolucionarias integradas) برد اشته شده است که در واقع اختلاط سه سازمان فوق الذکر تحت رهبری واحدی است . این سازمان هنوز حزب واحد نیست ولی یک مرحله عبوری است . فیدل در نطق خودش اشاره میکند که ماهنوز حزب واحد را تشکیل نداده ایم، نه ارک انرامینیم . اینکار امانه باعجله بلکه بادقت و در ارک کامل انجام خواهد داد . هم اکنون بیش از ۱۰هزار نفر رکلاسنهای کاد رشان مدرسه تعلیمات انقلابی، تعلیمات مارکسیست لینینستی می بینند . حزب واحد در واقع پیشترین افراد و مبارزین سه سازمان انقلابی موجود را در برخواهد گرفت . فیدل در نطق خود شریک گوید که " حزب واحدیک حزب مارکسیست لینینستی خواهد بود که برنامه آن با شرایط عینی کوپا انبساطی داده شده است " . حزب براساس مرکزیت دیکتاتوریک بری دسته جمعی اداره خواهد شد . آنچه که شایان توجه است، اینست که حزب واحد در واقع مدتهاست درین مردم، در کارخانه ها، مزارع، کوپراتیوهای فقره پایه گذاری شده است . کمیته های واحد بدن و تقسیم بندی با حرزاپ مختلف کار میکنند و همین ساختمان بتدربیج از یا به بالا را شد خواهد گردید .

کنگره حزب محتملا در همین چند ما اینده برگزار شده و تشکیل حزب واحد را رسیت خواهد داد . اید غولگهای امپریالیستی که کوشش از هر راهی ممکن نمیگذرد کنند که از اینجا برای تتعیین مارکسیسم لینینیم و تحقیر آن استفاده کنند میخواهند اینجا در ونود کنند که انقلاب کوپا نه مارکسیسم لینینیم است . واقعیت انقلاب و خصوصیات کامل انقلاب پیشون این سفسطه را رد میکند . انقلاب کوپا باد رواق ته تنها پرنسپیلیتی مارکسیسم لینینیم را در نمیکند بلکه معرف شکوفان بودن و غنای آن هیجان استحکام و صحت آنست . اری انقلاب کوپا باتمام خصوصیات جالب خود انقلاب سوسیالیستی است . این یکی دیگر از شفتشی هی صری است که مادر آن زندگی میکنیم . ما به پیروزی راه انقلاب کوپا نه تنها در راین سرزمین از اراد شده افراد راین جزیره اید بارود اریم بلکه به این پیروزی در مقایسه تمام قاره امریکا لاثین مطمئنیم . شکست سیاست امپریالیستیها امریکا در کنفرانس کشورهای امریکا در پیونداد استه و این واقعیت که یک سلسه از کشورهای

امریکای لاتین (پا جمعیتی برابر با ۱۴۰ میلیون از مجموع ۲۰۰ میلیون اهالی امریکای لاتین) بمنظر آقای دین راسک وزیر امور خارجه ایالت متحده راگی نداده اند مخصوص اعتبار عذیم انقلاب کهاد رشتر مردم امریکای لاتین است . خلق کهاد راجتمع د و میلیوتی ۱۴ فوریه ۱۹۶۲ خود رمید آن ژوژه مارتی د و مین اعلامیه ها و اثار آنکه سند شورانگیز انقلاب سراسر امریکای لاتین است صادر کرد . این بیانیه تجارب انقلاب کهاد را تعیین میدهد و راه رهایی از جنبرا سارت آورد لازم برای ۲۰۰ میلیون مردم امریکای لاتین روشن میسازد .

انقلاب کهاد را نجام توانست مسئله ایجاد رهبری واحد حزب "رازنیون خود رانیزا" موققت حل کند . بنای طلاع خبرگزاری "پنسا لاینیا" سازمان متحد انقلابی "کهاد رمارس ۱۶۶۲" کمیته مركزی واحد خود را که در آن هم عده ای از هیران قیام مانند فید ل کاسترو، رائول کاسترو، ارنستو توئه و را و دعم عده ای از هیران حزب سوسیالیست متحد کهاد مانند بلاس رکا و دیزان شرکت دارند رهفته های اخیر وجود آورد . فید ل کاسترو بعنوان دبیراول این حزب انتخاب شد . اکنون انقلاب کهاد رجیب "رازنیون خود" به برنامه انقلابی عملی خود به سنن عالی و نتایج محسوب فعالیت خمیش مجهز است . آینده مینگرد . ترد بدی تیست که آینده سرشوار از مشکلات وحوادث است ولی کهاد برای مقابله مود آن و پیروزمند آنها با آنها آمادگی دارد . روح کهاد در سراسر امریکای لاتین می طپد . انقلاب کهاد سراسر آغاز سرشق و منبع عنیم الهام است .

## اعتراف صريح

دو تن از اجتماعی نویسان سرشناس امریکا موسوم به "ستیلمن" (W.Pfleff و "ف" (W.Stilmann) کذشته کتابی تحت عنوان "سیاست نو" ، امریکا پایان جهان پس از جنگ"

نشرداده اند و در آن اعترافات صريح و سیاسی دیواره سیاست امریکا کردند . توجه باین اعترافات بتویزه برای کسانی که سرنوشت خود را باین سیاست حادثه جویانه بسته اند مفید است .

**ستیلمن و فف مینویسند :**

"اینکه سیاست امریکا اشتباه امیز است دیگر امریز جزء بد یهاد محسوب میشود . پانزده سال مبارای بایخ دادن به مبارزه غالی شهری و تحکیم و تقویت مقام امریکادار امریکین العلمی حرف وقت کردند . مادران نکارند اکارسیا و تلاش های فراوانی میذ ولد اشتبیه و متابع مالی و قوای معنوی واستعداد و لیاقت خود را بیمزان بیسابقه و در مقایسه می دخورد قیام بیانچه که در در وران جنگ علیه آلمان نازی و زان پن بکاربرد ه بودیم ، بکاربردیم و بسا اینحال بانکا کامی قرین دستیم . چرا ؟ علت چیست ؟ جهان تغییر کرد و لی در رک ما از این تغییرات عقب مانده است" (ص ۱۲) "زمان بیش از زو ساخته ای خود را شمن معتبر سیاست مانشان داد . زمان سیاست مارا کهنه و مبتذل ساخته است" (ص ۱۵۱)

## صلح و جنگ

در نزد شاعران ما

همه نیوشة دا نایه نیکوئی و به صلح است  
همه نیوشة نادان به جنک وقتنه و غوغای  
رو دکنی

همه زاشتی کام مردم رواست  
که بی بود باد آنکه او جنک خواست  
پشیمانی آنکه ندارد سود  
که برخیزد از یوم آباد دود

فرد وسی  
واستان ازدست دیوانه سلاح  
تاز تراخی شود عدل و صلاح  
گرسلاخش هست و غلشنی، بیند  
دست ایرا، ورنه آرد صد گزند

مولوی  
اگر پیل زیور و گر شیر چنک  
به نزد یک من صلح بهتر که جنک

سعدی  
اگر صلح خواهد داد و سرمیچ  
و گر جنک خواهد عان برمیچ  
توهم جنک را باش جون کینه خواست  
که باکینه فر مهرانی خدا است

سعدی  
یک حرف صوفیانه بگویم اجازت است؟  
ای نوردیده، صلح به از جنک و داری  
حافظ

جنک در اول بود بسان عروسی  
دلبر و دل جوی و دل فرب و دل آر  
هر که رخش دید گشت واله دید آر  
هر که قدر دید گشت محو تعاما  
لیک در آخر جو گشت تغه تبورش  
واتش کین زد همی زیانه ببا لای  
گرگی پیشی درشت بینی و د شکل  
خوکی دندان شکسته، زالی شده! (۱)  
تاراج آرد روان مردد لاهر  
یغما سازد تن مجاهد برنا

ادب الممالک فراهانی

جهانخواران گنجیر بهنگ بر  
سلطنه و رنج و ابتلای او  
زغول جنگ و چنبارگی پتر  
سرشت چنباره هقای او

XXXXX

کجاست روزگار صلح و اینستی  
شکفته مرز هاغد لکشای او  
کجاست عهد راستی و مردمی  
فروغ عشق و تابش شیای او  
کجاست دهرباری هر ابری  
حیات حاود این وصفای او  
فنای جنگ خواهم از خد اکه شد  
پقای خلق پسته در فنای او  
زهی کبوتر سید آشتی  
که دل برد سرود جانفرزای او  
رسید وقت آنکه جند جنگ را  
حد اکنند سر به پیش پای او

XXXXX

بهار طبع من شکفته شد، چو من  
مدیح صلح گفتم و شنای او  
بهار

## نکته‌ای چند از آندیشه‌های فلسفی بروجردی

### و رقی از تاریخ فلسفه ایران

در سراسر قرون وسطی فلسفه و عرفان در جریان عدد تفکرمخالف دیرابر اید شولوژی مسلط مذہبی عصر بود و از این جهت نماند گان این در جریان در آن خویش د رجیمه تفکر مترقی زمان و کشورخویش قرار داشته اند. تحقیق جد اکانه هر یک از متفکرین چشمکوی و هارف مشرب از جهت تنظیم تدریجی تاریخ فلسفه در ایران سود مند است. با اینکه سید کشی (بروجردی) از مقتدیان فلاسفه و فرقاً برجسته پیشین است و از خود نکته نوی نیاز نداشت ولی از آنجاکه در جهت دفاع از اندیشه-های تعلقی قرار داشته، توضیح تاریخ اید شولوژی ایرانی در قرنها ۱۲ و ۱۳ هجری بد و ن طالعه افکار نظریه ای روی دشوار است. بعلاوه همانطوره که معرفت این بررسی یاد آور میشود برخلاف عقیده برخی از مولفین نمیتوان قرون ۱۲ و ۱۳ هجری را مثابه یک دوره طولانی و قوه و رکود رسیرانگار فلسفی و اجتماعی ایران دانست و این بررسی نمود اری برای اثبات عکس این نظر است.

کمتر متفکری بوده است که کوچکترین تلاش او حتی برای خروج جزئی از چهارچوبه نتک اید شولوژی حاکم زمان و سیان آزاد عقاقدی نسبتاً مستقل پیرامون برخی مسائل باحتمله شد ید متعجبین در وران مواجه نگردیده باشد. یکی از این متفکرین جعفرابن ابی اسحق بروجردی شهپور به سید کشی ایست. گرچه اورد اوصول عقاید خود از حد و درجه بینی مذکوری قد فراتر نمیکند اشت لیکن رجحان عظیمه که برای عقل و علم قائل بد خشم و غضب فقهای متعصب را بر میانگیخت. زیرا او بالاشاره آشکاره ذلایل شرعی و روابط وحدیت صریح‌آمیگفت: جائی که "کلام حکما و اهل عقل هست احتیاج بد لیل دیگر نیست" (تحفه الملوك ۰ جلد ۲ صفحه ۱۱۵). با وجود یکه بروجردی بیشتر مامله به "تفیه" و تکمان عقیده بود و کمتره تصریح عقاید خاص خود میبرد اخت معد لک تمايل آشکارش به نظریه "وحدت وجود" یعنی نظریه ایکه خواه ناخواه به تحلیل خد اد رطوبت منجر میشود، سبب تکمیل میگردید. چون او از "صل و حمال و اتحمال" حق بخلق و "نبود ن فرقی در میان" گفتگوکرد، فهمه ایارا بلکی لا یقین بخشی نمیدانست و میسرود:

بعد رسمه دهد از حد بیت وصل نشان  
که بر فرقی نمی‌چسبد این سخن به سریش  
او از ملانیما یان مزور و زهاد ریا کار ساخت رنجیده خاطر دلگیرید، درباره کسانیه فرب آنها را میخورد ند  
مینو هست که "مثل ایشان احقدن" (جلد ۱ - صفحه ۶۰). گرچه نای از مسجد نمیبرد لیکن در مقام مقایسه با  
مینکه آنرا محمل تزییر و ریاضمده میخانه را بد ان ترجیح میداد و میگفت:

صبح اند که در مینکه هابگشایند سرخم پیر گشاد دل ما بگشایند  
در مینخانه گشادند به اخلاق ای رای پیش از این تا در تزییر و ریاضمده  
ارش حال وزندگی بروجردی اطلاع کافی درست نیست. محمد حسنخان اعتماد السلطنه در کتاب  
"المأثر والآثار" مینویسد: "از ازاجه علماء" جامعین مابین علم واپیان و ذوق و عرفان بود "واولاً" زنده اریاب  
سیروسلوک" مینامد (۱). بروجردی عالمی ملند پایه و فیلسوفی نکته منج بود. اوت�حصیلات کافی و اطلاعاتی و مسیح  
از علوم در وران خود داشت. اهل ادب بود و کاهی شعر میسرود، اما آثارش بیشتر جنبه فلسفی داشت. تاریخ

تولدش بر معلوم نیست . سند خطی که در دست نگارنده این سطور است تاریخ وفاتش را ۱۲۶۷ (۱۸۵۰) میلادی بثبست کرد ه است . بروجردی خود در صفحه ۷ جلد یکم کتاب مشهورش "تحفة الملوك" تاریخ تالیف آزادسال ۱۲۳۳ (۱۸۱۷ م) نوشته است . عین همین تاریخ در یاران جلد دوم کتاب نیز تکرار شده است . بطوطیکه میدانیم تا این تاریخ او لاقل سه کتاب دیگر یعنی "صد البحار" و "اجابه المضطربین" و رساله "رق منشور" را تالیف کرد ه بود . بنابراین اگر روزمان تالیف "تحفة الملوك" سن اول الاقل در حدود میلادی ۱۸ و اندی در نظر گیریم مبتداً حد منزد که سید کشفی اوخرقرن ۱۲ هجری یعنی در پای آخرقرن میلادی متولد شده باشد . نه فقط تاریخ تالیف "تحفة الملوك" که پس از زمان تالیف ان رشد یافته و پخته ترشید است بلکه مضمون این کتاب نیز نشان میدهد که افکار بروجردی در زمان تالیف ان رشد یافته و پخته ترشید است . در این اثر است که اندیشه های فلسفی بروجردی بوجهی باز خود نمایش میکند .

بروجردی شاگردان و پیروان زیادی داشته است . از جمله مریدان او یکی محمد رضا اصفهانی تاجر مشهور است که به سرمایه خود تقبیاده سال پس ازوفات بروجردی یعنی در سال ۱۲۷۱ کتاب "تحفة الملوك" راچاپ نمیگرد (۱) . یکی دیگر از شاگردانش در قصیده ای که شس سال پس ازوفات استاد سروه میگوید :

به پیش حکمت اوضاع کلات بطیلیوس  
بکی چوایجد اطفال ماند ه بی رونق  
چرا غلام شد ازعد رحلتش بی نور  
بلی چومهر فروش جهان نماید تاری  
اگر شاگرد درد ح استاد غلو هم کرد ه باشد باید گفت که تا اند ازه ای حق داشته ، زیرا بروجردی در در و روا  
میزیست که فنود الیس کهنسال ایران ساخت رو به احتباط میرفت ، مناسیبات اجتماعی کهنه از هر طرف چه در  
داخل و چه از خارج دستخوش تباہی بود . او "تحفة الملوك" را در سالهای میتوشت که بعد نامه گلستان  
فساد دستگاه حاکمه ایران را شکار چشم ملاساخته بود . پس از مرگ فتحعلیشاه در وره سلطنت محمد شاه نفوذ  
خانمان براند از دول استعماری اروپاد را پیدا کرد را پیدا نمیتوشت . روی هر فرقه نیمه اول قرن نوزد هم که صادر  
پاد و روان حیات و فعالیت بروجردی است در وره شد سریع مناسیبات سرمایه داری در غرب و تشدید سیاست استعماری  
آنان در شرق و در وره تنزل مناسیبات اجتماعی قشید ای دیران بود . بساط ملانما یان بیسیاد ، کند فهم ، خود بز  
وکوهه بین گستردیه بازار علم و داشت کساد بود . در چنین در وره ای البته وجود متفرقی که بکوشید در آثار خود نکات  
مشیت و ارزنده آن گنجینه تاریخی که خلق امیاد گارگد اشته از سبیرد عالم نمایان مزد و حفظ و حرج است نماید ،  
کمیاب بود . با وجود این چنانه دیده میشود چنین متفکری وجود داشته و به ترویج علم و فرهنگ هم میخندد .

#### فلسفه در نظر بروجردی

آشنائی سطحی با آثار جعفر بروجردی خصوصاً با قسمتی از "تحفة الملوك" که از "فلاسفه و حکماً یونانیه" و از "نقل کتب یونانیان یلغت عربی د روزمان خلفای یعنی عبان" صحبت میکند (جلد ۱ - صفحه ۵۷-۶۲) ممکن است این تصویر را درخواست ده ایجاد کند که اونسبت بفلسفه و فلاسفه نظرخواهی نداشته است . در صورت یکه حقیقت چنین نیست . بروجردی در همین "تحفة" و در جاهای دیگر به تکرار از کلمه یونان با احترام غراون نام برد ه از "سفراط حکیم" و "معلم اول اسطوطالیین" و دیگران پاد کرد ه و نقل قول نموده است (جلد ۱ صفحات ۸۵-۱۳۸) . این فلسفة "نیست بلکه چنین تعلمی را شانتی عظیم" میشمارد (جلد ۱ صفحه ۱۹) . بروجردی علم و معرفت را امری کمی میداند و آموزش فلسفه و حکمت را برای کسب معرفت ضرور میشمارد . مطالب امده دقيق آثار بروجردی نشان میدهد که او حکمت حقیقی و فلاسفه واقعی را همچو اعمور و محترم داشته و چنانه خود مینویسد : « فتنه و فساد متفکریه » را فاتح میساخته است (جلد ۱ صفحه ۱۱) . ناگفته نماند که درباره تصوف نیز بروجردی عین همین روش را داشته است . اونیکباره روی تمام تصوف و تصوفی ها وفقه تاریخ آن خط بطیلان شیکشید بلکه "فتنه و فساد طایفه متصوفه" را فتنای مینکند (همانجا) . گرچه اود ریکاربرد اصطلاحات خاص چندان سختگیری نیست و خود را مقید نمیدارد که همه جایین اصطلاحات "فیلسوف" و "متفسف" و "اصفی" و "متصرف" جد افرق بگذرد ، محد لک توضیحات مفصلش حاکی از اینست که او فیلسوف را از متفاسف و تصوفی را از متصوف متمایز نمیدارد . و خود این

(۱) پارچه هاییکه از "تحفة الملوك" در این مقاله نقل شده از همین چاپ است .

شک یکی از فلاسفه بزرگ زمان خویش است . شعار وحدت علم و عمل و اتحاد فلسفه و تجربه محور اصلی آموزش اخلاقی اور اشتکل میدهد . حکمت حقیقی و یا باصطلاح خود او " حقیقت حکمت " را " مرکب از علمی مطابق و عملی موافق " میداند و با استناد باین نظر از حکمت میگویند : " لهذا اگفته اند که معنی حکمت راست گفتار رواست کردار است . " و درین " علم مطابق و عمل موافق " مینویسد : " راستی گفتار اشاره به علم مطابق واقع است و درستی کرد اشاره به عمل موافق علم است . " و هالآخره چنین تنتجه میگیرد : " پس حکمی که غیر عامل به علم خود است معلوم است که هنوز علم اوححققیقت نرسیده و مطابق واقع نیافتاده است " (جلد ۲۰ صفحه ۲۰) .

### پیش‌علق و داشت و روحان آنها بر شروع و درین

بروجردی در سبب تألیف " تحفه الملوك " مینویسد : " شاهزاده محمد تقی میرزا ۰۰۰ خواهش هرمود ند که کابی که مستقبل باشد بربیان حقیقت عقل و یکیتی علاوه آن بوجود دات ۰۰۰ برشته تحریر و نگارش از سلسه بیان و داشت درآورد . " و در نیاله این طلب متذکر میشود که چون اوهیچکاه " بغير از حد بیش دیگر نباید ازد " اینست که " اقدام بر نگارش و تحریر چنین خواهشی کرد " است (جلد ۱ صفحه ۳) . حقیقتا هم " تحفه الملوك " اور امیتوان نامه ای درست ایش خرد و داشت خواند . امامتن است کسی پیرامون عقل سخن بسیار کوید ولی در واقع چندان هم پای بند خرد نباشد . بروجردی از این طایفه نیست . اوتها شیوه خود و داشت نیست بلکه در عین حال مرجح جدی فرهنگ است و خود کوشیده است تا همواره گفتار و کرد اروپند ارش موافق موازین عقلی باشد .

در در وره ای که جهان بینی مذهبی حاکمیت مطلق برآذ هان و انکارد اشته و تسبیح وزنار دست بدست شمشیر و سرنیزه برجان و موال و شعور انسانها حکمفرمایده واضح است که قیام آنها را و سقیم علیه شرع و دین - این سد راه رشد و روانی فرهنگ داشت . کارآسانی نبوده است . البته بروجردی خود آته نیست " نیست وجهان بینی اثر بطرکلی اید آیینتی است . اونه منکر خالق است و نه متفکر ماتریالیست . اما چنانکه مینیم تمایلات ماتریالیست و نکات بیت قابل توجه در فلسفه او زیاد است . اها استفاده از ذرا بگرانبهای عالم و ادب که از پیشینیان بیان کارمند است روش خاصی در توضیح و ترویج امثال خود پیشگرفته . در سیستم فلسفی او اصانع در مقامی مافق همه چیز قرار مگیرد و این البته نشانه ای از جهان بینی مذهبی است . اماننکه جالب اینست که بروجردی بخصوص درسایه همین تغوفی که برای مقام خالق قائل شده جوانسته است روحان عقل و خود را بر شروع و دین باوضوع تمام بیان میزد . در تئوری " مرتبه موجودات " که سنگ اول بنای فلسفی او است بروجردی طرفد از جدی نظریه ایست که طبق آن " صادر اول عقل است " (جلد ۱ صفحات ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و غیره) . این نظریه اساساً رسیوتنا لیسم فلسفی اور اشتکل میدهد . بروجردی " عقل کل " رامافق هرد و عالم قرار میدهد . خود در اندیشه فلسفی اولیاً لاترازه زده وجهان است : " برتراز " جهان جسمانی " یا " عالم محسوسات " و " عالم روحانی " یا " عالم مجردات " . دو آیینه فلسفی اولیه آشنا را از تقویت آئین ایران باستان نشاند گرفته بوده در این جای چنین دریخت " عقل کل " به موتیزم یعنی نظریه وحدت فلسفی مدل میشود . اوهخوی متوجه وجود اشند اند در جهان واقعی . اعم از عالم محسوسات یا عالم مجردات - هست . بهمین جهت نیز در سیستم فلسفی خود " جهله کل " را در برابر " عقل کل " قرار میدهد (جلد ۱ صفحه ۲۹) . اماد رتوضیح پیدا ایش و منشأ " جهله کل " استقلال وجودی از اراده کرد و مینویسد : " جهله د رخلقت وظیه روابع عقل است و استقلال خود خلقت نشده است " (جلد ۱ صفحه ۲۲) . موارد موضوع تقسیم عقل از نظر بروجردی به " عقل نظری " ، " عقل عملی " ، " عقل بالفصل " ، " عقل فعل " ، " عقل بالمالکه " ، " عقل سفتاد " ، " عقل هیولاشی " وغیره نمیشوند و همینقدر متذکر میشوند که در این مورد او پیرو بعلی سینا است . بروجردی نه فقط اصطلاحات این مفاهیم را در اثنا هفت وحیدم کم نظری را گتابار میبرد بلکه حتی در توضیح فکر خود عین امثله بعلی رانقل میکند . از آن جمله است مثالی که بعلی سیناد رکتاب " نجات " برای میان تائییر " عقل فعال " آورد . و آنرا با ایشان میزبور آفتا ب در چشم انسان مقایسه کرد . است (جلد ۱ صفحه ۱۰۴) .

با استناد باینکه " صادر اول عقل است " بروجردی مقامی میشانیم برای علم و داشت قائل میشود . اگر جلد یک " تحفه الملوك " را کاملاً به عقل و رابطه آن با موجودات منحصر ساخته جلد دوم کتاب خود را تساماً به تشریح مقام داشت و میان موضوع وظیفه علوم کوتاگون اختصاص داده است . تردیدی نیست که این داشت پیش

یکی از جهات بر جسته جهان بینی و فعالیت بروجردی در آن زمان است.

ماده در مدد اتفاقیه

جلد دوم "تحفه الملوك" باجد اول مفصلی از طبقه بندی علوم آغاز می شود. بروجردی به پیروی از فلاسفه پیشین داشت انسانی را بطور کلی بد و گروه عده « حکمت نظری » و « حکمت عملی » تقسیم می کند. در طبقه بندی گروه یکم یعنی « حکمت علمی » و تعبین موضع هر علم. بروجردی رابطه آن علم را بامداد انسان کار قرار داده مینویسد: « علم و حکمت علمی که متعلق به عقاید و معارف است برسیه قسم اول است ». در بیان قسم اول که آنرا « علم اعلیٰ » نامیده است میگوید: « نظر صاحب این علم به اموریست که در وجود و تعقل هیچیک محتاج بعده نیست ». برای مثال ذکر می کند که « چون علم درباره وحدت و کثرت ، علت و معلول ، وکیله و جزئیه و امثال آنها بروجردی وجود نداشت ». در مدد اتفاقیه (جلد ۲ صفحه ۲).

پیش از اینکه به بیان اقسام دیگر پردازی کرد از این ذکر بکریک نته و لوباختصار ضروریست . اگر بروجردی بلکه چنین تعریف را فقط برای الهیات قایل میشد توضیحات بیشتر را بد . زیرا واضح است که الهیات اصولاً اساسی ندارد تا وجود و تعقل شدید محتاج بیاد باشد . اما منکه جالب اینست که بروجردی الهیات را فقط جزئی ، و آنهم جزء بسیار کوچکی ، از قسم اول علوم دانسته است . لذا باید متذکرشد که سائلی از قبل « در تعقل وحدت و کثرت ، علت و معلول » ، کلیه و جزئیه وغیره « برخلاف تصویر بروجردی کاملاً احتیاج بیاد دارد و بدون وجود ماده اساساً وجود هیچگونه وحدت و کثرت و علت و معلول وجودی وکلی متصور نیست .

در توضیح قسم دوم از علوم که « علم اوسط » خوانده است بروجردی مینویسد: « نظر صاحب این علم در اموریست که در وجود و تعقل بیاد است اما در تعقل وحدت و محتاج بیاد نیست ». اوضاع ، هندسه ، هیئت ، موسيقی وغیره را مثال آورده مینویسد: « چون تد و برو تربیع و تثیل و وحدت و سایر خواص عدد » (جلد ۲ - صفحه ۲) . از این تعریف که میگوید « در وجود وتعقل محتاج بیاد است ولی در تعقل محتاج بیاد نیست ». آشکار می شود که منظور بروجردی از اصطلاح « در تعقل » همانا صورت هنی است که عبارت ازان عکاس اشیا « ویده های جهان واقعی عینی در شعور انسان میباشد . تردیدی نیست که این صورت هنی خود از تنزل وجودی محتاج بیاده عالم ماد یند . بد و ن ماده عالم مادی هیچگونه شعوره هن واقعی وجود نخواهد داشت تا در آن صورت نقش بیند . البته پس از آنکه صورت هنی در عین انسان بوجود آمد ند به ماده اولیه وسیله ای جهت عملی شدن و دوام یافتن پرسه تذکر مدل میشوند و استقلال نسبی کسب میکنند . ولی این استقلال نسبی به همچوشه علامت این نیست که پرسه تذکر و تعقل احتیاجی بیاد ندارد . دیده می شود که دقایق پرسه ادران ، مراحل عدد » آن و نقش اساسی تجربه و عمل عینی نقش اساسی عالم مادی در این پرسه بروجردی کاملاً روشن نیست . با لآخره درباره قسم سوم از علوم که آنها را « علم طبیعی » نامیده است بروجردی مینویسد: « نظر صاحب این علم در اموریست که در وجود و تعقل هرد و محتاج بیاد است چون احتمام و اجرام فلك و عناصر اربعه و آنچه از آنها م تكون شود و امثال آنها » (جلد ۲ صفحه ۲) . البته جد اولی که بروجردی داده بسیار مفصل است . او هر یک از این « سه قسم » را بدسته های « اصلی » و « فرعی » و هر یک از سه استه های اصلی و فرعی را بر شته های مشخص علوم تقسیم کرد که بجای خود البته شایان دقت است . همچنین حکمت نظری را تیز به « سه قسم » و در قسمت را بدسته ها و هر در سه رابطه علوم شخص تقسیم نموده است که معاوارد جزئیات آن نیشون . همینقدر رذذ کر میشون که در ترقیاچه ل رشته از علوم مشخص که اوتا م برده است فقط در رجا و جاز الهیات و شرح و دین یاد کرد . آنچه شایان دقت است اینکه همانا ماده و حیات واقعی است که اساس و بنیانی طبقه بندی علوم را در سیستم فلسفی بروجردی تشکیل میدهد . ناکفته نهاد که در این مبحث خصوصاً تأثیر مستقیم ابویوسف یعقوب این اسحق الکندي فلیسوف بزرگ قرن نهم میلادی و شارح آثار ارسطو باوضح کامل دیده می شود . برای مقایسه کافی است بررسیه الکندي « درباره تعداد کتب ارسطو » که در کتاب « رسائل فلسفی الکندي » (چاپ قاهره - جلد ۱ ، سال ۱۹۵۰ و جلد ۲ - سال ۱۹۵۳) مدرج است مراجعه شود . بروجردی برخی اصطلاحات و عبارت الکندي را عیناً بزبان فارسی ترجمه کرد و هنگامه است .

درست است که بروجردی « ماده عالم مادی را » پائین تراز « عقل و عالم مجردات » میداند لیکن مانند آن گروه از فلاسفه ایدآلیست نیست که اساساً وجود واقعی و نقش عینی عالم مادی را انداز میکنند . بر عکس بروجردی

مباحث بزرگی از کتاب خود را به بیان پدیده های عالم مادی واقعی تخصیص داده از "علم اجسام سموات" ، از "علم انسان" و "طبایع بنی آدم" و "مزاج آنها" و "اجسام وابد ان آنها" و "اشکال و نقوش و ارواح آنها" و "عقول و ارادات آنها" واخیره "علم اخلاق" و علم تدبیر منزل" و "سیاست مدن" و "معاملات" وغیره به تفصیل صحبت کرد و است . از قسمت "طب جسمانی" در جایشک از شکل پرونده ایارها ، خواص داروها ، لزوم رعایت دقیق قواعد حفظ الصحه بد و بهد اشت عمومی صحبت میکند و رایطه "طب جسمانی" با "طب روحانی" را مرور داده و مطالعه قرار میدهد . عالم مادی جسمانی را " محل شرایق عقل " و خصوصاً "مزاج طبیعی" را "شرط وقدمه به مروری محسوب میدارد (جلد ۱ صفحه ۱۱۵) . بروجردی در کتاب خود روی "اعمال" واهی که همینه موضوع اساسی کتب دینی را تشکیل میدهد همچنین توافق نکرد و به بحث مفصل پیرامون "اینعام" یعنی عالم مادی واقعی مبپرد ازد و آنرا "علم تغیر" مینامد . اور توضیح اینکه "اینعام" و با باصطلاح دیگر او "علم تحت فلك قمر" راچرا "علم کون و فساد" نامیده اند مینویسد : "اینعام تمت فلسک قمر اچونه ۰۰۰ حرکت و تغییر آن هوید است عالم کون و فساد نامیده اند" (جلد ۱ صفحه ۴۳) .

### حرکت و تغییر از نظر بروجردی

بنظر بروجردی تمام پدیده ها و اجسام جهان مادی دستخوش تغییر و حرکت دائمی هستند . قابل دقت است که او "علم مادی" و "جهان محسوب" را بنام "علم تغیر" نامیده مینویسد : " موجودات عالم تغیر لا ینقطع باشد در حرکت و تغییر ایشاند " (جلد ۱ صفحه ۴) . او معتقد است که در جهان واقعی در طبیعت و اجتماع و تفاوت انسانی سکون و وقفه امکان پذیرنیست . " وقوف و استقرار در حدی وحالی از برای آنها نیست " (جلد اول صفحه ۴) . اما بروجردی پس از تأمل کلی و حرکت ارثاقی عمومی واقف نیست . او هنگامیکه از حرکت و تغییر و تبدیل صحبت میکند اشیا و پدیده های جد اگاهه را در رناظر میگیرد . از اینروست که مینویسد : " هرچیز وقتی که پسرحد کمال رسید شروع بنقضان مینماید " (همانجا) . بهینم دلیل نیز از ملاحظات درست خود در رسانه لانقطع ود اعمی بود ن حرکت نتیجه ای میگیرد که فقط در رعد حرکات جزئی صادر است . او مینویسد : " حرکت و تغییر یاروی بترقی و کمال است و یاروی بتزلزل و نقصان " (جلد ۱ صفحه ۴۳) . بروجردی برای توضیح فکر خود امثله بسیار ساده ای ارزندگی روز مرد اورد و در معرفت تغیر تمام موجودات وحد و وقوف آنها بر حدی و تزلزل نمود ن آنها بعد از ترقی در عالم طبیعت جمادیه (۱) آب فواره است که متفاوت و متحرک است واقف بردی هم نیست و بعد از ایند ایضاً یاروی بافتادن و سرنگوی مینماید . چنانکه گفته اند : " قواره چون بلند شود سرنگون شود . و در عالم طبیعت حیوانیه " مورچه است که از وقتی از خانه و سوراخ خود بیرون میاد لانقطع متحرک میباشد و از قراری نیست تا آنکه بخانه و سوراخ خود برگرد و اگر حرکت او ببروی جوب عمود نموده و شاخص ساخته اتفاق افتاد هر آینه مبپرد تا بسaran شاخص در آنجاهیچه وقوف نمینماید و ثانیاً بر میگردد و رعیت میابد و حال تمام موجودات بین نهاد است " (جلد ۱ صفحه ۴۳) .

از این امثله ساده نباید تصور کرد که بروجردی فقط متوجه حرکات وضعی و مکانیکی یعنی تغییر مکان ساده بوده تغییرات داخلی و عققی و ماهوی را در رنگ نکرد و است . میزان عقق مفهمون حرکت و نظر بروجردی وقتی آشکار میشود که او اساساً معنای وجود و هستی اشیا و پدیده هاراد حرکت دائم و لانقطع آنها مینمیند و مینویسد : " جون که معنی کون وجود شان همان حرکت و تغییر مصله متنابعه است " (جلد ۱ صفحه ۴) . او کرچه اصطلاح "ناهود" را بکار نمیرید لیکن بخوبی آشکار است که بنویسی حرکت و تغییر ناهودی اینی معتقد بوده است که در تعریف عالم کون و فساد میگوید : " حرکت و تغییر آن هوید است " . مفهوم از حرکت ناهود اهمان تغییر ماهوی و داخلي اشیا و پدیده هاست .

سیستم فلسفی بروجردی خالی از تضاد نیست . این تضاد هاکه بد ون شک انعکاس از تضاد های شدید اجتماعی در وراث حیات و فعالیت آن متفکر بوده خصوصاً در محبت حرکت و تغییر و تثویری " مراتب موجودات " بیشتر خود نمایش میکند . اعالم مادی و محسوب را بد ون حرکت و تغییر و تبدیل دلیل قابل تصویر هم نمیداند . اما چون (۱) منظور بروجردی از "علم طبیعت جمادیه" همانا عالم طبیعت بی جان در مقابل "علم طبیعت حیوانیه" یعنی طبیعت جاند اراست . از اینروست که اولمیا بحث و خاران یزیجز "علم طبیعت جمادیه" محسوب میدارد .

بد رک عمیق د یالکتیکی حرکت و تغییرنائل نگشته، به کلیت و عمومیت و مطلقت حرکت، و جزئیت و نسبیت مکون بی نبرد، و حرکت رانیست بسکون می‌ستجد این است که مبدأ خلت را لایتیپریوساکن و ثابت میداند. لذا درباره "عقل کل" که در نظر او بده است مستقیم بید ایش عالم مادی است می‌نویسد: « یقیناً تغییری از برای آن نمی‌شود » (جلد ۱ صفحه ۹۰) . در اینجا بروجردی آشکارا گفتار تضاد می‌شود. امّه نکته اساسی و مهم دیگری ازد رک د یالکتیکی حرکت یعنی پسرچشمه و پیوند داخلی حرکت و تغییر که همانا مبارزه ضد ادا است آگاه نیست. بنظر او مبدأ آگه "عقل کل" است لایتیپریاست امام‌خليفه اوکه "عالم محسوس و مادی" است داعلاد رتغییر و حرکت می‌باشد. در مقابل اواين سؤال پیش می‌آيد که پس پیوند و سرجشمه این حرکت و تغییر ائمّه در چیست؟ برای حل این مسئله بروجردی به فرض يك عالم واسطه ای بنام "عالیم بزرخ" متولی می‌شود که بعید است این "عالیم بزرخ" ایجاد ارتباط بین "عقل کل" و "عالیم غیریوتیدل" است. اما این فرضیه هم مشکل اورا حل نمی‌کند و متفکر ما همچنان اسیر تضاد داخلی سیستم فلسفه ایده آلیستی خود باقی می‌ماند. از یکطرف می‌کوید که این "عالیم بزرخ" فی الجمله از عالم تغییریوتیدل پیل عالم حسن و محسوس است (جلد ۱ صفحه ۹۰) و از طرف دیگر وصفه بعد مدعا می‌شود که وضع "عالیم عقول و ارواح هرمان اولاً و آخرًا برقاً" دوام و برگیر حرکت پرگیر تحول و تبدل بـوده است (جلد ۱ صفحه ۹۲) . و عجب نیست که این تضاد خصوصاً در رحایی آشکارا می‌شود که بروجردی ساعی است بخیال خود تفسیر مقولی برای بعضی احادیث و روایات پیدا کند.

#### تضاد در فلسفه بروجردی

بروجردی که در آن دیشه فلسفی خود اساساً پیرو اصول منطق صوری است و باقطعیت هرچه تمامتر اعلام می‌کند که "اجتماع ضدن محل و ممتنع باز است" (جلد ۱ صفحه ۱۳) اسامی "تئوری اد راک" "خود را در رست ببروی همین "اجتماع ضدن" گذشت است. از این لحظ قسمتی از "تحفه‌الملوک" که "درینان کیفت ارتقا و تعلق ققل بمحودات" است شایان دقت است. بروجردی در این "تحفه" یك رشته مسائل مربوط به تئوری اد راک رامطروح ساخته است. قبل از هرچیز و بیان می‌کند که اشیا "ویده هاچگونه برانسان" ظاهر شده "بوسیله انسان شناخته" و "معروف می‌شوند". امویگوید: "او لایاد دانست که ظهور و معروف شدن هرچیز بقیام نمودن بروژه و معرفت ضد آنست و خیر از این ممتنع است و معنن نیست" (جلد ۱ صفحه ۲۲)

بروجردی معنای ظهور و شناخته شدن اشیا "توسط اشخاص راجحین توضیح میدهد که": "حقیقت معنی ظهور و معرفت جیزی آنست که اطوار و اوصاف و حوالات و گیفیات آجیز را این کسی بهم بینی باید بروجدان نماید و محسوس ام شود". اوین ماهیت و حقیقت از یکطرف ویده و از طرف دیگر و شناسنایی می‌کند ارد و می نویسد: "ظهور حقایق به ظهور آثار است ولاغير". او برای درک ماهیت و حقیقت اشیا "وحوادث نقش موثر اسامی برای حوان خسنه انسانی قائل شده" می‌نویسد: "یافتن حقیقت اوصاف و حوالات آجیز راجر از محسوس نمودن آثاری راک برآنها هرتبه است مکن نیست". و در توضیح محسوس نمودن آثاره زندگی می‌شود: "معنى محسوس نمودن آثار عبارتست ازد بد ن یاشنیدن یا چشیدن یا پوشیدن یا لمس و مالیدن چیزرا" (جلد ۱ صفحه ۲۲) امثاله ایکه بروجردی برای تشریح نمودن افکار خود می‌آورد همیشه بسیار اسانه و از زندگی عادی و مشاهده‌گر روزانه اشخاص است. امعنای حسن نمودن و درک آثار اشیا "ویده ها را بایانی ساده" توضیح داده مینویسد: "مثاله رگاه خواسته شود که معنی و حقیقت شیرینی ظاهر کرد" شود پس ممکن نیست و تمیشود مگر اینکه ظاهر ننمود نهان آن بوجدن و احسان. وطريقه وجدان و احسان، گزاردن اوراست دردهان و چشیدن اوراست بطریق آثار، و آن عبارتست از انبساط و ملایمت و گواهی عروق و اعصابی که منبسط و مفروش است بر جرم زبان. و این انبساط و ملایمت کیفیتی است از گیفیات عروق و اعصاب مذکوره، و حقیقت اوابدا معلوم نیست که چه چیز است تا وقتیکه روش راک ضد آنست درد هان گزارده و چشیده شود و کیفیت انقباض عروق و اعصاب و فترت و ناما لیست آن بجهت هرگاه خواسته شود که معنی و حقیقت شیرینی ظاهر کرد" شود پس ممکن نیست و تمیشود مگر اینکه ظاهر ننمود نهان

آن بوجدن و احسان. وطريقه وجدان و احسان، گزاردن اوراست دردهان و چشیدن اوراست بطریق آثار، و آن عبارتست از انبساط و ملایمت و گواهی عروق و اعصابی که منبسط و مفروش است بر جرم زبان. و این انبساط و ملایمت کیفیتی است از گیفیات عروق و اعصاب مذکوره، و حقیقت اوابدا معلوم نیست که چه چیز است تا

وقتیکه روش راک ضد آنست درد هان گزارده و چشیده شود و کیفیت انقباض عروق و اعصاب و فترت و ناما لیست آن بجهت هرگاه خواسته شود که معنی و حقیقت شیرینی ظاهر کرد" شود پس ممکن نیست و تمیشود مگر اینکه ظاهر ننمود نهان

آن بوجدن و احسان. وقت معلوم می‌شود درج این که حقیقت و معنی شیرینی چه چیزاست. و همچنین از حصول کیفیت مذکوره حاصله در وقت چشیدن شیرینی معلوم می‌شود درج این و احسان ایضاً که حقیقت و معنی

تروشی چه چیز است" (جلد ۱ صفحه ۲۲)

قبل از اینکه به ادامه این بحث بپرسید از یک بطور خلاصه باید متذکر شویم که این ارتباط مستقیمی که بروجرد

بین "وجود احسان" از یکطرف و "عروق و اعصاب" از طرف دیگر قائل می‌شود بد و تردید یکی از نکتات

برجسته مثبت و شایان دقت در آن دیشه های فلسفی این متفق است. نطفه یک تفکر ماتریالیستی در این گفتار و کاملاً آشکار و همود است زیرا "وجد آن و احسان" را توجه مستقیم عمل فیزیولوژیکی اغذی بدن انسان یعنی "عروق و احساس" میداند نتیجه عمل یک قوه فوق طبیعت و خارج از عالم مادی و یا تا "میریک نیروی مجرد" بود.

بروجردی فکر خود را داده دارد و چنین نتیجه میگیرد که: « این تحقیق معنی کلام مشهور است که "عرف الائمه" باشد ادعا » یعنی شناخته میشود حقیقت همه چیزها شناختن حقیقت ضد های آنها » (جاد اول صفحه ۲۲) . بنابر همین اصل است که او برای توضیح دادن یک رشته از پدیده های اجتماعی، موazines اخلاقی و حتی بعضی احکام مذهبی فقط بد کرده است آنها اکتفا میکند (جاد اول صفحه ۱۰۷) . بروجردی تمام اشیا "پیدیده هارا بدن و استثنای" دارای ضد اندیشه و فقط خالق را لازم قاعده کلی استثنایک است و به تکرار متن کرده است که "هر چیزی که خلق شده است و میشود باید ضدی داشته باشد" . "اجتماع ضد بین در عالم خلقت و وجود را مرآی اجتناب ناپذیر استه اساساً وجود و هستی و اقمعی را بد و اضداد ممکن نمیشمارد و جنبه "وحدت ضد" دین "در عالم واقعی را با اصطلاحات "اجتماع" ، "ارد و اوج" ، "اختلال" ، "بهمن بستگی" و غیره پنکراست کرده است. امان منع عده نظریه اور رباره اضداد این است که ضد بین راد راح و قله و سکون در مقابل هم قرار میدهد و النتیجه سیستم فلسفی او گرفتاریک نوع تضاد داخلی میگردد . بروجردی که همه موجودات و حواه ثعالب واقعی را در ریک حرکت و تغییر و بتدیل داشتی و لایقطع می بیند این عقیده درست خود را رموده اضداد بکار نمیبرد . از این طبقه ایکه بین اضداد و مبارزه آنها با حرکت و تغییر و بتدیل وجود دارد آگاه نیست . بعبارت دیگر اگر آن دیشه فلسفی اش در رباره وجود اشیا "پیدیده های عالم واقع شامل بعضی عناصر تقدیر یا لذتیکی است نظریه اش در رباره اضداد جنبه متأفیه کی پیدا میکند . این تضاد داخلی جهان بینیست بروجردی ضمناً آن جانشی میشود که وی نتوانسته است خود را از چنین آیات واحد بیان نکند بلکن نجات بخشد.

#### جامعه بشر از نظر بروجردی

بروجردی قسمت بزرگی از کتاب خود را به برمی و توضیح مسائل اجتماعی و "سیاست مدن" اختصاص داد و که مباحث تصارع هرچه تماضر بعضی نکات عده آنرا در راینجا از نظر میکرد راینم . نکته مثبت دن نظریات اجتماعی بروجردی اینست که اموانند متخصصین مذهبی دو روان خود پایاند خرافات نیست ، مسائل اجتماعی را تابع "مشیت الایم" ندانسته ، ترقی و پیشرفت ملل و یا تنزیل و اضمحلال دل دل را ترجیح "تقدیر اوندی" و "قضاو قدر" محسوب نمیدارد . بروجردی اختلاف و تضاد را در اجتماع بشمردی میند لیکن نقص کاراود را بینست که وجود اختلاف و تضاد را در رایجا مه امری طبیعی و عادی پند آشته برای رفع آن در صدد جاره جویی بزمیاید و از در بیجه جهان بینی اید "الیستی خود بیه اجتماع بشترکیسته نقش" افزار برجسته " و "سران قوم" را در تحولات اجتماعی اساس میند ارد . از همین روست که در بحث از "سیاست مدن" به نصیحت "ملوک و سلطانین" و دعوت آنها به عدل و داد و عقل و تدبیر مینویسد: « نسبت ملوک و سلطانین برعاها و اهل مد ن همان نسبت صاحب منزل است به اهل و اجزا" و ارکان منزل چونکه مد ن از دیده و دینه از محله و محله از منزل بهم رسیده است و تمام اهل و اجزا" و ارکان مد نه یا مد ن همان زبان و فرزندان و پدران و مادران و غلامان و کنیزان و حیواناتی میباشند که اجزا" و ارکان منزل بوده اند" (جاد اصفهان ۱۱۲) . ملاحظه میشود بروجردی متوجه این نکته مهم نیست که جامعه بشر عبارت از یک جمع ساده و ریاضی افراد خانواره هانیست و در اینجاست که کمیت به کیفیت مدل مینگرد ، جمع چند خانواره و چند محله و چند شهر کیفیتی جدید با قوانین و خواص جدیدی بوجود میآورد . چون بروجردی بدین مطلب بی نیزه است چنین نتیجه میگیرد که: « پس همان نوع تدبیر و سلطانیست و سلوك و معاشرتی که از آن اغفل است واید که صاحب منزل در حق اهل منزل بکار برد و تفصیل آنها سبقاً دانسته شد همان نوع از تدبیر و سلطانیست و سلوك و معاشرت را باید که ملوک و سلطانین در حق اهل مد نه یا مد ن استعمال فرمایند و نکار برند" (جاد ۲ منفه ۱۱۲) . اما اینها به نصیحت و اند روز سلطان اکتفان نمیکرد و وقتی میدید که پند و اند رز شمرش نیست مذکرمیشند که: "اگر سلطان به تمعن والذاد نفس مشغول گردد و اغفال د را مورملکت نماید به توهم اینکه چون امور رید تصرف من است باید که در راحت و فراغت و اوقات تمعن ولذت من بیفزاید البته خلل و وهن و فساد رید پنه را باید وفتح باب شهوت گردد و سعادت به شقاوت

و خیرات به شرور مدل گردد " (جلد ۲ صفحه ۱۱۳) ."

بروجردی از تجربیات مکر را تاریخ اطلاع داشت و میدانست که همواره تاج و تخت سلاطین ظلم پیشه  
بدست نیروهای خلق و قیام تدوین ها سرنگون گردیده است . اما بر جله ای نرسیده بود که بتواند این تجربیات  
گرانیهای تاریخ را هم در تجزیه و تحلیل قرار دهد و قوانین عینی روشناد تاریخی اجتماع بشر را استنباط و درک نماید .  
در آن شرایط زمانی و مکانی نمیتوانست هم بد اندکه مبارزه طبقاتی نیزه بحرکه رشد اجتماعی جوا معی را تشکیل  
میدهد که دارای طبقات تضاد هستند . از این نیزه بروجردی فقط به تذکار ساده در میان تاریخ پیمود اخت و ملوک  
و سلاطین را تهدید میکرد که اگر رامه مملکت تغافل کنند و ظلم و جور رواد ازند را نصوت " به سلطان عادل  
احتیاج افتاد " قوم بپا خیزد و سلطنت ظلم و جورا واگون سازد .

نتیجه

در ریاضان برای اینکه ارزش اندیشه های فلسفی بروجردی و مقام کتاب او "تحفه الملوك" در میان کتب  
آن زمان آشکارگردد بچند مقایسه کوچک دست میزندیم . در همان نیمه اول قرن سیزدهم هجری کتاب قطبیه  
بنام "عقاید الشیعه" توسط علی ابن اصغرین علی اکبر تالیف و چاپ شده است . کافی است مطالعی که در  
این کتاب مورد بحث واقع شده فهرست وارنامه شده شود تاضعون آن و ارزش نظری "تحفه الملوك" در مقایسه  
با آن آشکارگردد . "غیت امام" ، "علائم آخر الزمان" ، "قیامت صفری" ، "قیامت کبری" ، "هفت دوزخ" ،  
"پل صراط" و امثال اینها سرلوحة طالب این کتاب است . همین مولف شرح میسوطی در "رد برصوفیه"  
آورد و خصوصیات تفصیل علیه نظریه " وحدت وجود " سخن گفته است .

در همان دوره رسالت زیادی بوسیله فقباً بعنوان "سؤال و جواب" نوشته شده است . مسائلی که  
در ریاضان رساله ها مورد گفتوگو واقع شده بقدرتی مبتدل است که حدی بران منصور نیست . برای مثال رساله ای  
را که حاجی سید محمد باقر در رساله ۱۲۲۱ نوشته و در ۱۲۴۷ برای اولین بار چاپ رسیده است یاد آور میشودم  
مسائل عده ایکه این رساله مطرح ساخته از این طرف است که : آیا تقلید میت جایز است یانه ؟ " مو لف این  
رساله سید محمد باقر کسی است که به "فتاوی" وی اشخاص زیادی "مهد ولادم" اعلان شده بد ون هیچگوئی  
محاکمه و بازیسی و فقط به جرم مخالفت با نظریات این ایدئولوگ دستگاه حاکمه زبان بقتل رسیدند .  
از رساله ایکه در ۱۲۸۰ هجری یعنی سه سال پیش از وفات بروجردی نوشته شده و در آن به "كتاب  
صید البحر تالیف سید کشفی" نیز استناد گردیده (برگ ۲۱-۱ و ۲۱-۲) بخوبی آشکار میگردد که  
چه مبارزه شد ایدئولوژیکی در و زمان حیات و فعالیت بروجردی در جریان بوده است .

---

مطالعه اسناد و مدارک زیادی که در دست است نشان میدهد ، برخلاف عقیده بعضی از بواعظی لفین ، نمیتوان  
قرن ۱۲ و ۱۳ هجری را بثابه یک دوره طولانی وقفه ورکرد در رسیرا فکار فلسفی و اجتماعی ایران دانست . مبارزه  
علیه ایدئولوژی ارتجاعی حاکم ، علیه خرافات و موهومات دینی ، در راه ترویج علم و دانش در آن دوره نیزه بحضور  
واشکال گوناگون ادامه داشته و راین مبارزه بروجردی با وجود اینکه جهان بینی اش اساساً جنبه ایده‌آلیستی  
و مذهبی داشت یکی از نمایندگان جناح مترقبی بود .

"بازی باید ایستاد، یا کار را ساخت، یا شهید راه وطن شد. در کارهای خطیر را زین د، یکی ناگیراست."  
از نامه طالب‌به میرزا ابوالقاسم آذر مرتضوی

## عبدالرحیم طالب تبریزی

دوان زندگی و اندیشه وی

### روشنگران انقلاب بیرونی ایران

د راین نوشته نگارنده لفظ "روشنگر" را برای واژه آلمانی Aufklärer و روسی просветитель Prosvetitelъ و لفظ "روشنگری" را برای واژه آلمانی Aufklärung و روسی просветение Prosvetenie در نظر گرفته است و برای آنکه معلوم شود که از این الفاظ چه معنا و مفهومی داشت راسته تهری تو پیغام را درست که از این الفاظ های بیرونی از هدف هم و هیچ یک در شعرها ای روپای باختیاری و امریکا یک سلسه فلاسفه و اندیشه هرانی ظهور کرد که با اصطلاح انگلیس "مرهار" برای انقلاب نوین روش می‌باختند.<sup>(۱)</sup> البته این متکریان انقلابی چنین می‌پند اشتبند که در راه ایجاد اصلی متفق بر عقل و دلت بسیاره باشد و لیکن در حق نشانی که از تلاش آنها پیدا شده نظام سرمایه داری بود. ازان زمرة اند در تون "نهد هم در هر چند آشتیا، هلوتو کروستوس، بارون سپنواو در انگلستان فرنسیس بینکن، هابس، جان لاک، و در قرن بیست و سه هم تلاند و کالینس و هارتلی و بیرمنگام و لتر و روسو و منتسکیو و هلوسیوس و پدر و دالمان شینیک و لسینیک و هرد ر و که و در امریکا فرانکلن و جفرسون و امثال آنها. جنبشی که این مردان اند متفکر و بیرونی از جوون بد غای از معارف و علم و تجدید بید و منجر به تاریخ اند ظلمات خرافات و جهل و بزخه فروغ در کودک و دانایی می‌باشد. جنبش "روشنگری" نام گرفت و خود این افراد را بهم "روشنگران" نامیدند.<sup>(۲)</sup> جنبش روشنگری برای کلیه نشانه های داشت از این تلاش آنها پیدا شده ایست عا و پیدا ایش جنبش را باید از توانیان تکرار پذیر رشد نهضت انقلابی در کشورهای دارد است.

نگارنده متوجه است که لفظ روشنگر را بیان ماقبلی بر معنای دیگری (ترتیب امعنای توضیح دهنده) بکار رفته است. مثلاً راین بیت زیبای مولوی :

کرچه تفسیر زبان روشنگر است  
لیک عشق بی زبان روشن ترا است

ولی بواسطه قرابت کامل معنا و مفهوم را مستقر است که ما این لفظ را برای این الفاظ اروپائی مذکور رفوق بکار بیم و از این لحاظ فرموده اند مناسب را بر این فرایند متفکرین انقلابی ایرانی که نقش روشنگر اراد اشته اند مانند سید جمال الدین اسد آبادی، میرزا آغا خان کرمائی، میرزا عبد الرحیم طالب، پرنس ملکم خان ناظم الدوله، میرزا زین العابدین مراغه ای وغیره خود چنین عنوانی را برخوبی نشانده بودند و میشد آنها برای این اصطلاحات عصری "متجددین" یا "معارف پهروان" خوانند ولی الفاظ متجدد و معارف پهروان رسانیست و تمام معنای وسیع "روشنگر" را در بر نمیگیرد. بلاف از این نوشته بررسی مختصر زندگی و اندیشه میرزا عبد الرحیم طالب یکی از بررسجه ترین (و شاید بر جسته ترین) روشنگر انقلاب مشروطیت ایران است. درباره زندگی و اندیشه میرزا عبد الرحیم طالب در این اواخر تحقیقاتی

(۱) مارکس و انگلیس، منتخبات زبان روسی جلد ۲ صفحه ۱۰۷ سال ۱۹۵۵

(۲) در فرانسه به آنها اعنوان "Les philosophes de lumière" داده شد.

انجام گرفته است . از آنجمله است شرح مختصراً نندگی او بقلم علامه نقید محمد قزوینی در "وفیات معاصرین" منتشره در مجله یادگاروشنود دیگر زندگیش بقلم آنلاین ایرج افشار منتشره در مجله پغما و نیز شرحی از اذکار فلسفی وی در مجلد پنجم "تاریخ فلسفه" چاپ فرهنگستان علوم شوروی . مادر این نوشته از این منابع و متابع دیگر تاریخی که بدآن اشاره خواهد شد بضمیمه نوشته های خود طالب برای معرفی این متکرار زندگی ایرانی استفاده مینماییم .

### دوران و زندگی طالب

طالب طی عمر طولانی خویش که به هشتاد بالغ شد (۱۲۵۰ تا ۱۲۲۶ قمری موافق با ۱۸۳۱ تا ۱۴۱۰ میلادی) (۱) در این را زندگانی که باید آنرا در این سلطه روزگار فروزن استعمال طالب این اوصای برخیات انتقامی، سیاسی و انتقام از فرتوت فتوت الی ایران، دوران سلطه روزگار فروزن استعمال طالب این اوصای برخیات انتقامی، سیاسی و اجتماعی میباشد . در این بجز این عصی رژیم مستبد آن سلطنتی، دوران بیداری مردم کشور از خواب دیرینه قرون وسطی ای شمرد . آن انقلابی در انسازی که در تمام مدت عمر طالب فرد طوطون جامعه مانضیج یافت دراختر عمر ای اند گرفت و پژوهیست سنتی بر مقررات و نظمات سنتی پسندید . جامعه ایرانی وارد ساخت و آنرا وارد مرحله تازه ای ازشد کرد . بدینسان در این تاریخی حیات طالب از جهت تکامل داخلی کشور و در این سرشار از حسادی مصمم بود .

اما در رحنه جهانی نیز زندگی طالب با یک سلسه وقایع بسیار مهم که در ای اهمیت شکرف تاریخی است مواجه بود ، مانند پیدا یافتن هارتسیس، انقلاب بلگردو - دموکراتیک فرانسه و آلمان و ایالات ، نشستین انقلاب رزبری موسوم به کون پاریس، انقلاب ۱۰۰ (روسیه)، پیدا یافتن امپراطوری، تضییج و سطح نهضت کارگری و پیدا یافتن حزب طراز نمین «ایقون کارگر»، وغاز نهضت های رهائی میخس ملی در میان سلسه از کشورهای مستعمره ووابسته و نیزه و غیره .

نعمه این وقایع عظیم داخلي و خارجي در آئینه تکلف طالب اتفاق افتاد و در روح اوازات عصی خود را باقی گذاشتند . طالب کوشید تا ازدید کاه اندیشه خدا و آندیشه و روان مترقبی عصر این وقایع عظیم را در رن و هضم کند و راین کوشید . تا حدودی موفق بود .

حاجی ملا عبد الرحيم طالب نزد استاد ابوطالب بن علی مراد نجار تبریزی است . و در رواael قرن نوزدهم در محله سرخاب تبریز یا بجهان گذاشت و در عنفوان شباب یعنی داشتند سالگی به غلبی رفت و در خدمت محمد علی ذان شیعیان پیمانکار مشغول کارشد . همان یت جوان پوشوار آزاد رایجانی که از خاند ان تنگست و زحمتکش برخاسته بودیا حیث اجتماعی آنزو روسیه و آشنازی تدریجی بازیش اتفاقیابی این کشور در تربیت روحی و عقلی طالب افراد رفیق باقی گذاشت . طالب فرد رکشور اقامتها خویش شاده تکامل سریع جنبش اتفاقیابی مردم روسیه و پیدا ایش و قوام حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه بود و عصیت احتت تا عیز تعالیم روشنگران اتفاقیابی روسی مانند گرتسن، باقیسکی، دابرو لیویف، چرنیشوسکی و متکریزگ آذربایجان میرزا فتحعلی آخوند ف قرار گرفت . بیویه باید نظر این متفقر اکه آثار بشد و زبان فارسی عازد رایجانی برای اتفاقیابی نزد یک وصفه بود در شکل جهان بینی طالب تا عیید نمود .

طالب بخش عدد همراه خود را در تبریز خان شهرا پاییخت داغستان که راند و در راین شهریا تمام قسم اداله احتمله و تکمیل داشت خوبیه و میوریه انتقال اتفاق روشنگران خود به زبان پارسی بود اخست . وی خود به ادبیت نوشت خود خواه از جهت نکری خواه از جهت آنکه یکی از ایلیان نشیاده فارسی معاصر است و اتفاق بود و در راین باره مینویسد :

" از برکت ثارت ممالکه و زور مد اومت ، بختی آثار مختصراً میباید کارگذاشتم که اخلاق بند تکمیل کرد و بند رامهنده انشاع جدید بدانند "(۲) "

- (۱) در "تاریخ فلسفه" جلد پنجم صفحه ۹۰ تاریخ تولد وفات طالب پتریم ۱۸۵۰ و ۱۶۱۰ ایشت شده است . با تنازع مصروف شاد و ران قزوینی در "وفیات معاصرین" و آنلاین ایرج افشار تاریخ ۱۸۰۵ (نقل از مقاله های افشار) - قزوینی در "وفیات معاصرین" نظر معتبر خود را در باره نوشط طالب فرد رشیوه نگارند کی زبان پارسی بطریق (بقیه در صفحه بعد)

طالیب آثار متعددی از کتب علمی و داستانی تألیف کرد مانند پند نامه مارکوں، نخبه سپهی، سفینه زندگی اود رتکلینس یا اسلامبول باطیعه هنر از جای رسید و در ایران پخش شد و شهرت فراوان یافت و گاهه ارجاع را واد اریه واکنش برای جلوگیری از پخت این اثار مینمود (۱) .

طالیف در بیان عمروپس از موقعیت شروطه جالان و سقوط سلطنت مستبد آنه محمد علی شاه از طرف مردم تبریز بعنوان وکیل دوره اول مجلس شورا اختخاب شد ولی بعلتی که چندان روش نیست (واحتمال قسوی پیشی و ضعف) از حضور مجلس خودداری ورزید. بدینسان ملت ایران پیویشه مردم تبریز بالانتخاب طالیف به مسامع طولانیشد رمورد تنبیه افتخار گویی پاد امشد ادند. کارتیوگسفیروس در ایران در همان ایام گزارشی به دولت متبوع خود فرستاد که در آن به انتخاب طالیف اشاره شده است و از انجاکه پنتر میرسد پژوهند کان ایرانی زندگی طالیف از این گزارش که متعلق به آرشیو وزارت خارجه روسیه تزاری است بین خیرهاشد ترجمه یخشی از آنرا که در مطبوعات شوروی نشر یافته و طالیف مربوط میشود ذیلاً می‌آوریم (۲) .

" رابطه انقلابیون بویشه در گیلان و آذربایجان با کمیته های فقازار را باید امری سلم داشت . بسیاری از شب نامه هاش که در رایجات خوش میشید و پر جم هاشی که با عالمت عدالت ، حریت ، مساوات است در مطبوعه انقلابیون باطم چاچ میگرد (نمونه این شب نامه ها شنیده است) . وکلا تبریز از راه فقاز استهان عازم شدند و چون بانعایند کان افراد متفرق مسلمان بمرخورد کردند . اند . بین منتخبین از ایران و ایران یک تویینده مسلمان لیرال وجود دارد که تبریخان شورا پایتخت داغستان را وادلان دم خود ساخته است . چنانه باید منتظر بود درنتیجه این روایت نزدیک ، یک عدد مبلغین سیاسی مسلمان از مدد از مدد از فقاز

بحاجت ایران رهسپارگردیده اند (۳) .

با آنکه بقول کارتیوگ طالیف (تویینده مسلمان لیرال) پایتخت داغستان را " ودان دم خود ساخته بود " علاقه به ایران و تبریز د می درقابیش کاهش نهیز یافته بود . وی در مقدمه جلد دوم سفینه طالیب چنین نوشته است :

" من بند که سالهاست از وطن در افتد ام ، دست تقدیر عنان بسوی غربت معطوف داشته است ، باقتصای حب وطن (که خود از ایمان است) پیوسته بیاد آن مشعوف بوده ام ."

یامی گفته است :

" بند محب عالم و بعد از آن محب ایران و بعد از آن محب خاک پاک تبریز هستم . چه کنم حرف درگیریادند اد استادم "

در چند پنجم تاریخ عمومی فلسفه نشریه فرهنگستان علوم اتحاد شوروی از زیبایی عالی و کمال رستی از فهمت فکری روشنگران انقلاب مشروطیت ایران بطور اعم و بعد الرحم طالیف بطور اخص داده شده است . این

(بقیه از مفهوم قبل) زیرین بیان میدارد : " ویکی از تاختین نکارند کان فارمی است که اینها وطن خود را به تالیف رماتهای علمی و تئاتر و ترجمه ها از علوم و فنون و صنایع عصریه و مکارم اخلاق بینان ساده آنکه کرد و این امر روز بروز بر اینباره و ممتاز اونزد شمه میگزید (رمث) . به مجله یاد کار سان پنجم شماره های ۴۵ و ۵۰ . " (۱) مرحوم کسری نقل میکند که شیخ فضل الله نوری قرائت کتاب " ممالک المحسنين " طالیف را منسوج ساخته بود .

(۲) این گزارش از کتاب " انقلاب ایران ۱۹۰۵-۱۹۱۱ " تالیف پروفسور ایوانوف ایرانشنا من شهر و میفحات ۱۴۴-۱۴۰ ترجمه شده است .

(۳) بهادر سلک شناسی " (چند سوم صفحات ۳۷۱ و ۳۷۲) نقش روشنگران ایرانی فقاز را بدین نحو بیان میکند : " در فقاز نیز افرادی از ایرانیان پیدا شدند مانند میرزا فتحعلی اخوندزاده ، طالیف و حاج زین العابدین مراجع که نکران اوضاع ایران بودند خود باصول تهدن جدید آشنا و مایل بشه آشناگی دیگران . مقاله و تئاتر نویسی و کاغذ پرانی از اخراج خارج آغاز کردید . "

از زبانی بقرارزیرین است :

" فعالیت طالبفود پگروشنگران ایرانی در تاریخ ایران اهیت بزرگی داشت زیرا باز هم برای از میان بود ن قطب ماند گی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی ایران کمل کرد . نظریات اجتماعی و سیاسی و فلسفی روشنگران ایرانی ایدئولوژی پوروازی راغنی ساخت . این ایدئولوژی در دوران انقلاب ایران ( ۹۰۵- ۱۹۰۷ ) در شرایط مبارزة حاد سیاسی بین طبقات منسخ و طبقه در حال ظهره - یعنی پوروازی - نقش مترقبی مهی ایقاً نمود " ( ۱ )

نظریه اندیشه های فلسفی و اجتماعی طالبف

برای ترتیب و تقویت اندیشه های فلسفی طالبفود پوروازی است . ولی برای آنکه نمونه ای از این اندیشه های دارد بایشیم بر اساس این واقعیت و معروف او یعنی " سفینه طالبی " یا " کتاب احمد " ( چاپ اسلامبولی ، سال ۱۳۱۱ قمری ) که طالبفود رسال ۱۸۴۰ میلادی ( ۱۲۶۸ شمسی ) تا ملیف کرد و کتاب " سالک المحسنین " ( چاپ قاهره ، سال ۱۳۲۳ قمری ) که طالبفود رسال ۱۹۰۴ ( ۱۲۸۲ شمسی ) تا ملیف نموده است برخی افکارش را توضیح میدهد .

جهان بینی طالبفود یک جهان بینی مادی است بدین معنی که وی به واقعیت و عینی بود نجاهان و معتبر بود ن محصولات و معلومات ماواینکه این جهان مادی است باورد ازده . طالبفود سرای جهان مادی یا بقول او " هرچه در عالم خلقت هست " رامرکب از ذرات مید است و تنوع را که در جهان مادی وجود دارد به نوع ارتباطات این ذرات باید پگر پوروازی میکرد یعنی تنوع کیفی رابه اختلالات کمی و ابسته میشود . خود وی در کتاب سفینه طالبی در این باره چنین مینویسد :

" این راهنم باید بد اینکه جمیع اجساد مایه و غیر مایه و هرچه مایه و هرچه مایه و غیر مایه و هرچه مایه و غیر مایه خلقت است هست همه از ذرات است و هر ذر را جزئی ، در خواص و ارتباط با همیت کلیه خود شریک میباشد و شدت وضعف پیوستگی این ذرات ، در ارجیاد مقافت است " ( ۲ )

ذرات وجود بنظر طالبفود تنهای هم پیوسته و واپس نیستند بلکه در سرعت تحولی ابدی هستند و درنتیجه ترکیب باید پگر اشکال نوینی عرضه مید ارند و اشکال کهنه را از صحته میبرانند ولی با آنکه چیزی بدید و چیزی مجموع شود با اینحال طایه نهستی وجود باقی است و انچه که بود فترتیست شیت گردیده است محل است که محو شد و هدیه از دم صرف بود . طالبفود این اندیشه درست " بقا " ماده " را در کتاب مهمن خود سالک -

المحسنین بشکل زیرین افاده میکند :

" کلیه موجودات دفتری است که در رسمخات او سیره لمحه ذرات ، از قدم به حد و از نسبت به شهد ثبت میشود و هرچه ثبت شد ، محو او محال است " ( ۳ )

بهینهن جهت طالبفود " کائنات " را در ارای نیروی جنبش درونی و تغییر پایه قبول خود او " استعداد استحاله و ایجاد صور و اجسمان دیگر " ( ۴ ) میداند . بنظر او " جسد کمیر موجودات هر لمحه بواسطه همان قانون استحاله تغییری یابد " ( ۵ ) . طالبفود مفاهیم " تغییر " و " حرکت " را هم‌ستک میشود و پس از آنکه تغییرید ائم جسد کمیر موجودات استحاله لایزال آنرا متذکر نمیکرد بد رستی نتیجه میکرد که :

" همه موجودات متحرک است . اگرماکن بود تغییر نمی یافتد " ( ۶ )

منظوره کلی طالبفود از جهان مادی ، منظره ای که وی ببرگ طالبفود طبیعی و اورید انهاء ، توصیف میکند شنوه ای واقعی است . طالبفود خلاف بسیاری از هم‌صرمان که علوم جدید را پذیردند بصحت این علوم و اسلوب پژوهش آنها ایقان داشت و رآن بود که علم در تاریخ مبارزه با کسانی که در برآورده همان میورزند سرانجام پیروزی کامل بد است می آورد . وی بارها این ایقان و ایقان خود را بعلم متذکر نمیکند .

از جمله در سفینه طالبی مینویسد :

( ۱ ) تاریخ فلسفه - چاپ روسی - جلد پنجم - صفحه ۱۳

( ۲ ) سفینه طالبی صفحه ۱۱۵

( ۳ ) سالک المحسنین ، صفحه ۱۶

( ۴ ) ( ۵ ) و ( ۶ ) همانجا

"بیشتر رجال وطن ماتاطلی مخالف نفع شخصی یا خارج از حیطه میزان فهم قاصر خود شان شنیدند، بی تجاذب منکری مشوند و پنهانند" وی اصل و معنی مشعنده علم باعقلهای کامل و بالغ نیز متصل می‌ستیزد تا غالباً شود" (۱)

اعقاد به علم و پژوهی نهایی آن طالب افراومد است که نه تنها بسائل کلی فلسفی بلکه بسائل اجتماعی نیز بانظرد بگیری بنگرد و بدید های مختلف اجتماع را از زاویه تفسیرات قرون وسطائی مطالعه نکند، بلکه برخور تازه ای بد انداخته باشد و آنها را از زاویه علم، از زاویه دید جامعه های تکامل یافته ترسو جهان بینی های مبتنی بر انش عشرتخت بررسی قرارداد هد.

در زمینه عقاید مذهبی طالب گرایش بجانب "دیسم" داشت یعنی در عین قبول میداد<sup>۱</sup> و خالق کل برای کائنات دخالت آن میداد<sup>۲</sup> را در رامه طبیعت منکرید<sup>۳</sup>. همانطور که پانتئیسم وجودت وجود در شرایط قرون وسطی شکل مساعدی برای مقابله با سکولاستیک اسلامی بود<sup>۴</sup>، دیسم در روان فرو ریختگی فواید ایسم و ظهور جامعه نوبن چنین شکل مساعدی محسوب میشد (۲). مثلاً هنگامیکه طالب فضمن یک سلسه "الواح" در کتاب "مسالک المحسنین" بقول خود ش مبادی و اسامی "شریعت روح الله" را شرح میدهد از زبان خالق چنین مینویسد:

"بعد از آنکه زمین مسکن تو با سایر فلک تکوین خود را تکمیل نمود، قوه راتبات به او دادم. هوای نیمهی بد ور او پیچیدم. فضول اربعه را مقرر اشت. در هوای نیمهی تشکیل برف و تگرگ و متوجه خلق کردم. آنوقت که زمین رامش سایرین استقلال دادم که در دار خود بگردید. هرچه دارد بخود بد و از خود بگردید." (۳)

در عبارات "که زمین رامش سایرین استقلال دادم" و "هرچه دارد بخود بد و از خود بگردید" اند پیشه دیستی طالب بروز می‌کند؛ خداوند جهان را آفرید ولی آنرا مستقل ساخت تا خود گرد اندند کار خویش باشد.

خدود مذهب از هب رانیز طالب مجموعه شرایع وضع شده از طرف خداوند و فرستاد گاشنی دارد، بلکه آنها را بد های تاریخی که در این معینی از مراحل تکاملی ذکر شده بوجود آمدند که می‌شمرد و را پن بازه دز" سفینه طالبی" مطلب را دین شکل افاده میکند:

"در نظر اول معلوم میشود که سکنه دوره سنتگ عقیده و مذهب و آداب و رسوم نداشتند و چون به این ارز و اوج دخترخواه را جائز می‌شمردند و از تعیین و کتاب بی خبر بودند. در دروره بر زمی معبد ها ساخته شدند، مردم خد ای ازتگ و فائز برای خود تراشیدند، اند، عقیده ای داشتند، بیم و امیدی در دریات آنها طالع نمودند و مقدار وسعت فهم خود شان عالم دیگر برای بعد از مرگ خود شان نقشه زدند." (۴)

علی رغم آین نظریات و آنکه طالب قوانین موجود مذهبی را کهنه میدارد و برآنست که باشد قوانین جدیدی اجاد کرد (۵)، دارای یک سلسه نایپیکرهای جدی فکری نیزه است. مثلاً خواب را یک امر ماقوی الطبیعت می‌شمرد و آنرا از جهت ماتریالیستی غیرقابل تعبیر میدارد، برآنست که جهان دیگر غیر از این عالم وجود دارد و قوانین خالق همه بربری تناسب و ارتباط و برای غایت خاصی است یعنی باقیابی "غايت" در وجود ناچارزینه ایات "مداد" را مکتتر میکند.

(۱) سفینه طالبی، صفحه ۲۱۷

(۲) موظفین "تاریخ فلسفه" مشروح در رفوق نیز دیسم طالب را تصریح میکنند و مینویسند: "نظریات طالب متناقض است. وی بین اند، آلمزم و ماتریالیزم نوسان داشت. اند پیش بود و به خداوند خالق جهان اعتقاد داشت ولی دخالت روزانه خداوند را در زندگی طبیعت و جامعه نمی‌شنود. دیزمن در شرایط ایران فشید اد یکی از اشکال مساعد برای مقابله با سکولاستیک اسلامی بود." (تاریخ فلسفه چاپ روسی، جلد پنجم، صفحه ۵۱۱)

(۳) مسالک المحسنین، صفحه ۱۵

(۴) سفینه طالبی، صفحه ۶۳

(۵) رجوع کنید به مسالک المحسنین، صفحه ۴۶۴

مسائل اجتماعی مطروحه د راثار طالب نسبت بمسائل عمومی جهان بینی و مذہبی ، جهت بازهم روش تروتقری تری را در آن داشته طالب نشان میدهد . وی حتی در رسال تأثیر سفینه طالبی یعنی در رسال ۱۸۹۰ نقش کشورهای استعماری غرب را با عمق و دقیق تر کامل تشخیص میداد و هموطنان خود را راپینه آلت دست آنان قرار گیرند برخدر میداشت . طالبد رهمن ایام چنین مینوشت :

"اکثر معمولین این بغیریان متعدد نمای خوش ظاهر خلیق ، مثل موش صحرائی در عالم میگردند و هر جا آنکه جدیدی ارجوهات نزول پیدا کنند همراهان خود را دعوت میکنند . به رحیله رواهی که ممکن باشد رخنه برآن آنکه بیان ازند و در حد تقلیلی هرچه هست و حد سال دیگر خواهد بود ، بیرون حانه سپرد ازند . بعد از آن بصورت انسان برآیند و از مراعات حقوق دیگری و آزادی همراهی الحان خوشاندی بسرایند و حل و تصمیمه مسائل متنازعه را حل و ضعف دید و گری شناسند " (۱)

پس از این توضیف رسما از استعمار طالبان غرب طالب نتیجه میگردند :

"هر ملتی که رجال متعدد او زد باور ولين المريکه وبي علم وبي تجربه وطلاد وست باشند با سرینجه میدانند شاهین اقتدار استرلينگ ورويل بد لار و فرانک زيد تر از دیگران شکار مینمایند " (۲)

نه تنها رباره طرد و نفی استعماریکه در مصلحته جنگ وصلح نیز طالب انسانی ترین نظریات را عرضه میدارد . عشق طالب به صلح کاه بظاهر تاحد پاسیفیسم (۳) میرسد ولی باین حال باید متوجه بود که در اواخر قرن نوزدهم و در وران "صلاح صالح" طرف تیز انتقاد طالب صرف اوصاف متوجه جنگهای غاصبه امیریا یعنی است والاود رموارد دیگر صریحا "حفظ وطن" را "وظیفه مقدس اینها" بشمرد . میداند و سپاهگری را بخطاطرد فاع از حقوق وطن و خلق ضرور میشمرد . ولی طالب از اینکه میلیارد ها شرود انسانی و میلیونها نفعی بشری بخطاطر اجرا "قطامع سرمایه داران و هرای جهان گیری و خصب اراضی دیگران تلف شود ، رنج میبرد . وی مینویسد :

"مکروطن مایا وطن دیگران برای این است که عموم سکنه حامل مشهیر و تقدیق و نیزه بشوند ، مهتماد نشست و پرخاست فتوح حریمه باشند ، در عمل خانه ها عرض علم و تعدد عادات بهائی و وحشیگری را تحلیل نمایند . جوانان ملت را که درین شباب بایست میباشند اعمال نافعه بود و روز خود را معرفه زراعت و فلاحت واژد باد معینست خود و سیستان خود نموده به تعییرات تعدد مشغول گردند ، در سیستان خانه ها چون ماکینه بی روح تعیین آدم کشی بدند و مبالغی از نزول ملی صرف نموده نگه دارند که هنگام اقتضا ، چنین برای نیل مقاصد فاسد شخصی یا جهان گیری بخارابی مالک و ویرانی اباد یهاد و قتل اینها" جنس خود ما" مورتند " (۴)

طالب طعنن است که جنگ بمعایه یک بد "غیرعادی" در زندگی انسانی روزی از میان خواهد رفت . شکی نیست که طالب متوجه نیست که لازمه ازیمان رفتن جنگ ازیمان رفتن آن نشانات طبقه استی ظالمانه ایست که جنگهای غیرعادی از این راه تحلیل میکند و جنگهای عاد لانه را بضرورت مقدم میسازد . ولی خود این مسئله که طالب به پیروزی خود سالم انسانی بازدید از آرزومند است که نیروهای انسانی بود جهه های هنگفتی که صرف تدارک جنگ میشود صرف آباد ای عالم و آبیاری صحراءهای لمیزون "کرد خود نکته د لکش و لپد بیری در آن داشته ایست . در سفینه طالبی در همان جاکه به تتبیح جنگ میبرد ازد پیروزی آتی صلح را بدین نحو توصیف مینماید :

"د ورثت که ببرکت انتشار واستقرار قوانین تهدن و تعمیم معارف ، د ول روی زمین این بساط وحشت انگیز را وقتی پرچینند و در نقطه مرزی دنیا عمارت بزرگتر از همه عمارت عالیه باشکوه عالم با اسم "د ریار عالی فیصل امیر جمهور" برا فرازند ، کنگره های تشکیل دهنده و از همه طوابیق و ملل اعماقی انتخاب کنند و مسائل متنازع

(۱) و (۲) سفینه طالبی ، صفحه ۲۲۷

(۳) پاسیفیسم یعنی نفی و انکار هر نوع جنگ حتی جنگهای عاد لانه (مانند جنگهای دفاعی و جنگهای انقلابی) .

(۴) صفینه طالبی ، صفحه ۱۴۳ (ماکینه در این نقل قول یعنی ماشین) .

بین المللی راد آن محض عدل و داد حل و تصفیه نمایند و اینهمه لشکر که آلان در یکاه تاجه لکه کور حاضر میدان جنگ میشود و نصف این عدد داشتمارسی زانه ها مقیم و منتظر صد و رام خرابی و پیرانی عالم مستند شغول تکثیر ثروت طبیعی از کشت کاری و ابیاری صحراهای لم بزرع بشوند." (۱)

در راه این آینده صلح آمیز طالب عقاید و نظریات مشخصی نمیکند. در مسائل الحیات تصریح میکند وقتی صلح در عالم مستقر شد در این سیون بکسر "جمهوری سرخ" برقرار خواهد شد و اهالی عالم اعضاً یک خانواده میشوند (۲). در واقع طالب از "سوسیالیسم" بمعابه یک تئوری علمی مطالبی شنیده و بعد از است و آینده بشیریت رایک آینده سوسیالیستی میشعرد. در راه سوسیالیسم بمعابه یک علم طالبد رمسالک —

المحسینین چنین مینویسد:

"بعد از آنکه علم سوسیالیسم (یعنی علم اصلاح حالت فقر از رفاهیت محتاجین) منتشر گشت و مردم فهمیدند که تکالیف نفوس را بدد رخواه سلطاطع و استعداد آنها باشد (۳)، کارهای عالم صورت دیگرگرفت. مخاطرات و محظوظات ازیان برخاست در اعمال و اقوال معنی منظور است نه صورت." (۴)

طالبد شاید در نتیجه تعامل با سوسیال دموکراتیا انقلابی قفار طالبد راه تعالیم سوسیالیسم علمی که وی آنرا بحثیه علم اصلاح حالت فقر و رفاهیت محتاجین تعریف میکند (تعربی که برای دو روان وی وزن و جا به است) شنیده و باخوانده بود. آنچه که مسلم است استبطاط طالبد از این علم انقلابی هنوز دقيق نبود منتها بآن روح انسان دست و دمکرات منش خود باین داشن انقلابی نوین علاقه مورزید و به پیشگوییهای آن در راه آینده انسانیت باور داشت. به عنین جهت است که وی در راه این آینده چنین مینویسد:

"اختلاف صوری به اتحاد معنوی تبدیل گردید. هر کس صلاح خود را در صلاح غیر داند و محبت دیگر برای محبت خود شناسد. بساط مد نیت چیده شود و ریاست عدل و صدق استقرار باید. قضاؤ و اقامه شهود لازم نگردد و تقاضا اقل و عهد ازکسی سر ترند." (۵)

دشمنی با استعمار، علاقه به صلح و سوسیالیسم، باور به آینده مسعود انسانیت، چنین است محتوی تقدیر اجتماعی طالبد. طالبد در پیو شد مینمی نظریات متفرق مسائل اجتماعی مینه خود ایران نیز حل میکند و یک سلسه نظریات ابراز میدارد که تا مروز نیز فعلیت و اهمیت خود را حفظ کرده است. چند نمونه می آوریم:

طالبد شمن رئیم سلطنتی است و پا خفر شاه پرستی و تیمور آنکه گویا شاه ظل الله و سلطنت موهبت آسمانی است مبارزه میکرد. است و با خشم تمام چنین مینوشت:

"مگر سلاطین عالم را طغیر اسلامی از اسلام نازل شده؟ مگر خدای پریگ صد سایه بی وجود دارد؟ مگر از تاریخ نمیدانی که مؤسس انشا چاپول چی آشوبگر، دلیر یار چال صاحب تدبیر بودند که اخلاق افغان هزار سال سلطنت دنیار مالک شدند؟ (۶)

نکته ای که دمکراتیسم عقیق اند یشه های اجتماعی طالبد را شناختن میدهد دشمنی او با نظام ملادان قشود است. وی با صراحت طرفدار اصلاح ارضی هراند اختن نظام قشود الی است و نظر خود را بروشنی بیان میدارد:

(۱) سقینه طالبد، صفحه ۱۴۴

(۲) مسائل الحیات، چاپ تفلیس، ۱۹۰۶، صفحه ۳۷ (به نقل از جلد پنجم "تاریخ فلسفه" چاپ روسی)

(۳) قاعدتاً منظور طالبد این اصل جامعه سوسیالیستی است که "از هر کریان داره استعداد داش، به رکس باندازه کارش". طالبد این فرمول را بطور مبهم فهمید و به مانسان نقل میکند.

(۴) مسالک المحسینین، صفحات ۶۰ و ۶۱

(۵) همان کتاب، صفحه ۱۹

(۶) همان کتاب، صفحه ۱۱

" بعد از این تباید رایران مالک باشد . همه اراضی شخصی یا خالصه دیوان باید به تبعه فروخته شود که خود تبعه مختار و مالک باشد " (۱)

نکته جالب دیگری که میتوان از آن دیگر شده های ترقیخواهانه طالب نقل کردن در عمق او ارزشی و کسب و اتخاذ تعداد اریاشی است . در وران طالب فارویاد دریقه سرمایه داری بود و طالب بوسیله زندگی در روسیه و مسافرت به آلمان و مطالعه مسائل اجتماعی میدانست که همه چیز این تعداد " فرنگی " را نباید کوچکترانه تقسیم کرد بلکه در اخذ آن باید اسلوب نقاد آن و سنجیده ای داشت . طالب این نکته مهم را در مسالک المحسنين بدین شکل افاده میکند :

" از هیچ ملت جز علم و صنعت و معلومات مفید چیزی قبول نتنی . تقسید ننمائی یعنی در همه جا و همیشه ایرانی باشی و از برکت علم و معاشرت ممل خارجه بفهی ، حالی شوی که مشرق زمین غیر از مغرب زمین است . از آنها اجز نظم ملک چیزی استفاده نتنی ، میاد اشعشاعه ظاهري آنها ترا بفریید ، میاد اندون صنوعی ( یا وحشیت واقعی آنها ) ترا پسند افتند . "

آنچه که طالب وحشیت واقعی غرب میناد همان انتظام جابرانه سرمایه داری و استعماری است ، زیرا طالب در واقع مایل است اخذ علم و صنعت و معلومات مفید غرب بد ردن جامعه عاد لانه ای بعمل آید که در آن رفاه محتاجان و اصلاح حال فقر کامل ملاحظه و مراعی است .  
اند یشه های طالب د را فکار اقلابیون ایران و میزه د را فکار عاد ای متقدرين د مکرات انقلابی نسل .  
بعد ( از خیابانی گرفته تا کسری ) تأثیر عمیق داشت . مسلم طالب از بر جسته تین روشنگران انقلاب مشروطیت ایران و از جال درخشنان تاریخ تقدیرتی کشور ما است . وجاد ارد که برای شناختن و شناساند نشر مساعی بیشتری مصروف گردد .

# درباره کیش شخصیت و کیش شخصیت استالین\*

پس از ذکر ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی عده ای از خوانندگان مجله "دنیا" از هیئت تحریریه آن خواستار شدند رباره کیش شخصیت و کیش شخصیت استالین توضیحاتی بدهند . از آنجاکه در کتاب "مادی مارکسیسم - لینینیسم" که از طرف گروهی از دانشمندان شوروی تحقیق نظر کوشی سینم عضو هیئت رئیسه و دبیر حزب کمونیست اتحاد شوروی نشریاته د رصفحاتی معدود پاسخهای منجید و عمیق و جامع بهرد و شوال داده است ، بجا ای نگارش هرگونه مقاله توضیحی بهتران دانستیم که ترجمه این بخش از اشتراک مبره "راد رد سترس خوانندگان ارجمند" دنیا قرار دهیم . باطن العده دقیق و شاید مکر این نوشته پرسندگان پاسخ های سزاوار و حقیقت را بتمام نکات عده مسائل مورد توجه خواهند یافت . هیئت تحریریه مجله "دنیا"

مارکسیسم لینینیسم برآنست که فعالیت و مبارزه طبقات و توده های مردم است که نقش قاطع را در رتبه ایفا میکند . و امانتش واقعی رهبران را تنها میتوان در ارتباط با مبارزه طبقات ، فعالیت توده های مردم و ان نیازمندیهای اجتماعی که مولود این مبارزه است درک کرد .  
 این شیوه استنباط تاریخ کیش شخص پرستی (کیش شخصیت) یعنی گرشد رهبر رهبران مبتنی رو ز و انتساب خدمات و فضایل ماقرور انسانی بدانان ، ناسازگار است . کیش شخصیت یک نظریه مبنی با مارکسیسم است و ریشه آن را باید در رجهان بینی قشید الی و منشأ نفرادی (اند یوید والیس) بجزوایی جست . بخلافه کیش شخصیت شرایط مساعد را برای اعمال ناروایی که منافی با حواجع وصالح نهضت سوسیالیستی است فراهم می‌آورد .  
 در وثای بی بند و هار رهبر ، شرح وسط خدمتش ، خواه بخواهند و خواه نخواهند ، تا غیره دی در توده های میکند و مانع پرورش صحیح آنهاست . کیش شخصیت در میان مردم نظریات اشتبا آمیزی را بدید میآورد مثلا از این قبیل که گویا یکن میتواند وظایف رحمتکشان را عملی سازد و گویا مستعد اد ات و خدمات یک رهبر بشه میلیونها رهبری شدگان حق میدهد که باعتماد بزرگی وی بخواب خوش فرو روند و منوبیات ورهنود های "رئیس" را بوجهی پاسیف و اتفاعالی تابع گردند و چنین پند از دن که آن رئیس همه دان و همه توانت . از مغایتی خبر دارد و اذ اضا "عادی نهضت سوسیالیستی از وظیفه فکروا بتکار و آفرینش و تا شیر حسیر حداد ثبلکی محفاذه .  
 نظریاتی از این قبیل ، درک مشویت مردم رحمتکش را در مردم سرنوشت نهضت سوسیالیستی ضعیف میکند و منجر به ناتوان شدن احسان گرانبهای "صاحب اختیار خوبی" بودن "میگردد . همانا این احسان است که در سطوح زیرین سر و در "بین الملل" باوضعی و ملائت کامل بیان شده است :

کن نیست رها کنند ما :  
 خدا نه شاه ، نه قهرمان  
 ماخود یا بد خود را بزهانیم  
 هماهئگ سازیم جهان \*

طلب بهمین جا ختم نمیشود . کیش شخصیت چون از عرصه ذکریه ساخت عمل درآید بنا چار آن دموکراتیسم

\* ترجمه از "مادی مارکسیسم - لینینیسم" ، چاپ روسی ، سال ۱۹۰۹ صفحات ۱۱۱-۱۹۴

عیق راکه از اجزاء لاینک نهضت سوسیالیستی است تئک مید ان میکند و به آن آسیب میرساند ، منجره نفسی آن موازنین و مقرراتی میشود که در عمل مبارزه پدید آمد ، موازنین و مقرراتی که بتود هایاری میدهد تاد رجنبش بنهوی فعال شرکت جویند و به رهبران یاری میدهد تاد رنید تود هایاری میگردند ( یعنی تجارب کاروپیکارانه ارا تعیین بخشنده ) . از این موازنین متفق میگردند وچای آشنا موذین و مقررات دیگری متداول میشوند که رهبری را بد اشتمن حقوق زائد از حد متعارف میگردند و مرکزیت امورهای راهی راهنمایی و دستورهای رهنمود های فردی منتقل میکند . آنکه چنین وضعیت نه تنها میل به ابتکار و سطح فعالیت خلاق را از حکمکشان سلب میکند ، بلکه آنها را از امکان چنین عملی نیز محروم میگردند .

بدین ترتیب کیش شخصیت مانع آنست که توده های وسیع به تبرد علیه سرمایه داری و پرله ساختمان جامعه نوین سوسیالیستی جلب شوند و حال آنکه اتفاقا یکی از مزایای سترگ نهضت سوسیالیستی در آنست که میتواند قشرهای چندین میلیونی رحمتکشان را به آفرینش فعال تاریخی برانگرد سوسیاراهیت دارد که در نیزه برای اصحاب سرمایه داری و ساختمان سوسیالیست ازاین مزیت بعد اعلی استفاده شود . ظایف جنبش سویتی ای چنان عظیم است که میز ترین رهبران ، تنها ودون شرکت فعال توده های مردم ، از عده آنها برخواهند آمد . حتی تقلد اهیترين نوابغ نمیتواند جاشنین عقل جمعی توده ها و حزب گرد و حتی حقیقتی ترین و جامعته ای تجارب شخصی قادر نیست جای تجارب جمعی میلیونها مردم را بگیرد و حتی پزگرین هترنماهیها و شجاعته ای انفرادی با هترنماشی رحمتکشانی که به تبرد پر ضد سرمایه داری و سود سوسیالیست بپای میخیزند در خاور قیام نیست .

از اینجا باید نتیجه گرفت که کیش شخصیت به نهضت سوسیالیستی زیان مستقیم وارد میگذرد و امکان استفاده از نزدگرین مزایای تاریخی پیش را محدود میگردند . وانگهی در محیط استقرار کیش شخصیت این امکان بوجود می آید که پدیده های تصادفی ، غیرلائم وحتی زیان بخش که با برخی صفات ذمیه بعضی رهبران مربوط است و اطیبیت خوبی سوسیالیستی سازگار نیست ، در این جنبش راه یافید .

چنانکه بید این افراد ریتو طبقه یا جنبش قرار میگیرند و همانا این صفات است که بد اینها امکان میدهد نیازمند پیهای طبقه و جنبش رابطه عده د رفمالیت خوش ممکن گرداند . ولی فردی که رهبر میشود میتواند علاوه بر آن صفات ضروری ، دارای اخلاقیات دیگری هم باشد که حتی اگر آدم در جه دوی نیز باقی میماند ، این اخلاقیات در عمل اجتماعیش تاثیرات منفی باقی میگذاشت .

مثل امثالین در ریتو یک سلسه صفاتی که برای ساختمان سوسیالیست ضروری است مانند ایمان برای طبقه کارگر ، استعداد عالی سازماندهی و قدرت تحلیل تئوریک ، اراده آهنهن ، آشتی ناپذیری در زنگزد با دشمنان پایی د رعصره رهبری نهاد . این صفات به امثالین امکان داد تاد رجنبش انقلابی و ساختمان سویتی در اتحاد شوروی و رجنبش جهانی کارگری نقش برجسته ایفا کند .

ولی امثالین صفات دیگری نیز اشت مانند خشونت ، عدم تحمل عقايد دیگران ، موظطن بیماروار ، طبع بیهانه کیم . این صفات منفی در شرایط عادی نمیتوانست زیانی محسوس بکارورد سازد . موازنین حیات جامعه سوسیالیستی و جنبش کارگری که خواستار رهبری جمعی و نظرات مؤثر توده های بررهبران و دموکراسی وسیع برای رحمتکشان و انتقاد و انتقاد از خود است مانع اینکار نمیشود . ولی فعالیت امثالین در اوضاع واحوال عادی جریان نداشت . ساختمان سوسیالیست در کشوری از جهت اقتصادی عقب ماند ، در شرایط محاصره سرمایه - داری و مبارزه حاد طبقاتی ، در شرایط حلالات پایاپی جریانات خاصمانه علیه حرب ، بنا چاره ری طلبید که مزکیت خاصی برقرار شود . امثالین کوشید تا این مرکزیت را بحد اعلی رساند و قدرتی بیش از حد ترسخ را درستهای خویش متصرک نمودند و دنسان اصل رهبری جمعی راکه ویژه احزاب کمونیستی است نقض کرد . در این شرایط صفات ذمیه شخصی اور فعالیت اجتماعی و خیزیش و در نتیجه در زندگی حزب و کشور از اینها گذشت هر خوش پدیده هایی رخ کرد که عقیقا بامارکیسم - لنینیسم و انظم اجتماعی سوسیالیستی بیگانه بود . مانند انصراف از اصول دموکراتیک در یک سلسه مسائل مهم سیاسی ، نقض فوجیع قاتویت سوسیالیستی ، تضییقات و سختگیریها بی دلیل ، بالاکشیدن افرادی نامزدوار بمقامات بلند که تنها از طرق چالوسی و مجبزگویی توانسته بودند جلب اعتماد کنند .

البته این پدیده های منفی طبیعت سوسیالیستی جامعه شوروی را درگردن نساخت و در همان ایام

جامعة شوروی کماکان درجاده تحکیم مالکیت اجتماعی وسائل تولید، رشد سریع نیروهای مولده و اعلاء رفاه، فرهنگ و شعور حمتشان) پیش میرفت. مردم شوروی در این دوران علیرغم عواقب منفی کیش شخصیت استالین به پیروزهای بر جسته‌ای دست یافتند. بدینهی است اگر اختیارات استالین وکیش شخصیت وی نمود، این کامیابیها باز هم کلا ترمیشد.

بدین ترتیب کیش شخصیت بار و نیاز جنبش سوسیالیستی بیگانه است و ما را کمیسیم - لینینیسم در یکجا نمی‌گنجد. تماد فرنود که مارکس و انگلیس و لینین پوسته علیه هر ظاهری از کیش شخصیت نبرد میکردند و مجبیز گوشی و تملق را بهیچوجه تاب نمی‌آوردند و پاره‌اطبیقه کارگر ازدح و تنای رهبران و تعظیم و تکریم آنان منع میکردند.

حزب کمونیست شوروی به پیروی از این منن جلیل نهضت سوسیالیستی دست به نبردی قاطعه علیه کیش شخصیت استالین زد. این نبرد از طرفی جنبه تربیتی و ایدئولوژیک داشت و از طرف دیگر همواره با اقداماتی بعد مبنظر جلوگیری از هرگونه امکان بروز مجدد کیش شخصیت همراه بسط داد کاریس سوسیالیستی و احیا موازن لنینی حیات حزب. این نبرد برای سراسر نهضت سوسیالیستی جهانی اهمیت بزرگ دارد.

بوزروزی و فرمومیتها و رویزنیست های رنگارنگ در صدد برآمدند تا از انتقاد کیش شخصیت استالین برای بهتان نیتن به اتحاد شوروی و نظام سوسیالیستی ولطمه زدن به حیثیت معنوی حزب کمونیست شوروی واچجاد تفرقه و اشتفتگی د رجنبش کارگری سود جویند. ولی این مساعی بننا کامی انجامید. علیرغم تقلاهای مختلف چاکران امپریالیسم، نتیجه کلی نبرد علیه کیش شخصیت، اعلاء بیشتر جنبش سوسیالیستی و تحکیم وحدت و همیستگی آنست.

احزاب مارکسیست - لینینیست همچنین توانستند به نظریات منفی بافته درباره نقش رهبران و روحیات هرج و مرغ طبلانه که دشمنان سوسیالیسم مجد آن در سلط آن کوشیدند، پاسخ دادند. آنکه بد هند. اری ارجاع مدهاست که بهتان نیتن وی آبروساختن رهبران زحمتکشان وزبان زدن و اخلاق د رسازمان آنها را از این طریق، وجهه همت خویش ساخته است ولی اکثریت مطلق توده های زحمتکش درک میکنند که اعتبار و وجهه رهبران بیرون طبیقه کارگر ربطی به کیش شخصیت که حزب آنرا محکوم د استه ندارد. اعتبار و وجهه شرعاً منطقی فعالیت بهترین رهبران طبیقه کارگراست. اعتبار و وجهه این رهبران سلاح جنبش کارگری د نمید برای سوسیالیسم است. سراپای تجارت رهایی بخش کارگران گواه برصدق این دعا است. جنبشه تشکل بوده و رهیان آنها حیثیت ووجاهت داشته باشند و جود خارجی ندارد. تردیدی نیست که بهترین پیشوایان طبقه کارگر که با خلق پیوند صمیم دارند و نبرد زحمتکشان را در راه صالح و آرمانهای حیاتی آنان کامیابانند. رهبری میکنند، در تاریخ نقشی بر جسته ایقاً مینمایند و از هر باره مبنزاوار محبت و احترام مرد مند.

## درباره

### روابط اقتصادی کشورهای سوسیالیستی با یکدیگر

برخی از خوانندگان مازهیت تحریریه "دنیا" خواستار شده اند در راه میان این اقتصادی کشورهای سوسیالیستی با یکدیگر توضیحاتی بدند. اینکه بدین پرسش پاسخ میگوییم. هیئت تحریریه مجله "دنیا"

پیدا یافش ارد و گاه سوسیالیستی ورشد سریع آن برای بسیاری این سوال را پیش می‌آورد که چرا کشورهای ارد و گاه جهانی سوسیالیستی با سرعتی که در تاریخ بشریت دیده نشده است به پیش میروند ولی د رکشورهای سرمایه داری چنین منظره ای پیش نمیخورد و فاصله بین کشورهای کم رشد ورشد کرد و بال بسیال بیشتر میشود؟

در ارد وگاه سرمایه داری روابط اقتصادی و "کمکهای" مالی و فنی نیز وجود دارد. لیکن این رابطه "کمک" در درجه اول بخاطر سود جوئی و همواره توان بارگیری و تضاد آشی ناپذیرین گروههای مالی داخلی کشورها مین کشورهایی بزرگ سرمایه داری پرسنای ماد خام، دائره سرمایه گذاری و بازار است.

پیدا شده سیستم جهانی سوسیالیستی نه تنها پیدا شده عالی ترین شکل تولید اجتماعیست یکه حامل روابط و همکاری تازه ای نیز رفاقتی اند از این رفقیانه داری و رفاقتیان جهانیست. این روابط و همکاری دوسته اقتصادی که برای دنیا سرمایه داری بیکاره است براسان پایه های اساسی جامعه سوسیالیستی قرار دارد؛ مالکیت اجتماعی بروسائل تولید و اقتصاد بارگیرانه، حاکیت خلق برهبری طبقه کارگر، اید ئولوژی واحد، هدف واحد عبارت است از اختتام جامعه کمونیستی.

اسپن بالا شرایط مناسبی برای همکاری اجتماعی - تولید بوجود آورده در کشورهای سرمایه داری ممکن نیست. چرا؟ برای اینکه پایه های اساسی سرمایه داری عبارتست از: مالکیت خصوصی بروسائل تولید، حاکیت اقلیت استثمارگر، فقدان برناهه های اقتصادی همه جانبه بنفع تمام خلق زیرا هدف تولید سرمایه داری بدست آوردن نمود است، نبودن اید ئولوژی واحد، فقدان هدف مشخص اجتماعیها و از اخراه غارت کشورهای کم رشد توسط کشورهای امریکا لیستی و پیشرونمندی.

پایه کمکهای مقابله اقتصادی کشورهای سوسیالیستی از زمانه ۱۹۴۹ ریخته شد. در آنسال شور ای کمک مقابله اقتصادی "باشرکت کشورهای آلبانی، بلغارستان، مجارستان، آلمان دموکراتیک، رومانی لهستان، چکسلواکی و اتحاد جماهیر شوروی تشکیل شد. این سازمان براسان برآبری نمایندگان همه کشورهای شرکت کننده برای تبادل تجارب اقتصادی و فنی، کمک مقابله اقتصادی و فنی، تدارک مواد خام، خواربار، تهیه ماشین و وسائل تولید بوجود آمد. تا سال ۱۹۵۴ همکاری اقتصادی بین کشورهای ارد و گاه سوسیالیستی از راه بازرگانی صورت یگرفت. ولی از اسال فوق فوق هم آهنگی بیشتر برای تنظیم نقشه های اقتصادی بین اند که با نتیجه منجذب طرح برناهه های اقتصادی ۱۹۵۰-۱۹۶۱ کشورهای سوسیالیستی گردید. همکاری مقابله کشورهای سوسیالیستی طوریست که مناطق فراهم آوردن مواد خام از قبیل سنگ آهن، فلزات و مواد معدن نبیکر، زغال سنگ، نفت و گاز، تولید ماشین، ابزار تولید وغیره براسان امکانهای طبیعی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی را مینکند و براسان آن امکان میدهد تاریخ آتی اقتصاد ملی هریک از کشورهای اقتصاد مجموعه ارد و گاه سوسیالیستی طرح ریزی شود. مثلاً "شورای کمک مقابله اقتصادی" در رسالهای اخیر تصمیم گرفت که در رسال ۱۹۶۰ تولید چند راتا ۸۰ درصد و تولید فولاد راتا ۷۰ درصد نسبت بسال ۱۹۵۸ افزایش دهد. لیکن بعضی از کشورهای سوسیالیستی نظیر لهستان، آلمان دموکراتیک، چکسلواکی، رومانی و مجارستان سنت آهن کافی ندارند. بهینه دلیل اتحاد جماهیر شوروی تعهد نمود سنت آهن تحولی برای کشورهای راد رسال ۱۹۶۵ سالانه به ۲۴ میلیون تن بررساند تاکمیل سنت آهن کشورهای نامرد بطرافت شود. برای رشد صنایع شیمیایی نیز اتحاد جماهیر شوروی لوله نفت ضمیمه از ساحل و لذا به لهستان، چکسلواکی، مجارستان و آلمان دموکراتیک احتمال مینماید که تاد رسال دیگر کاملاً پایان میابد. این لوله میتواند رسالهای اول ۱۴ میلیون تن نفت خام بکشورهای نامرد برساند.

نکته جالبی که در کمک مقابله اقتصادی کشورهای سوسیالیستی وجود دارد اینست که رسالهای اخیر تخصص (سپیا ایزا سیون) آنها را رچند رشته تولیدی رفته بمعقول اجزا کذاشته میشود. این تقسیم کارو تقسیم تولید اجتماعی بهیچوجه با سپیا ایزا میون وکل کشتی (مونکوکوتور) بودن تولید سرمایه داری و روابطه بین کشورهای رشد کرد و کم رشد سرمایه داری شاهقتی ندارد. سلله سپیا ایزا میون وکل کشتی کسر دن در سیستم سرمایه داری بخاطر سود عالی کشورهای بزرگ امریکا لیست عملی میشود. شlad رکشورهای کم رشدی نظیر ایران، بزرگ، کنکو، مالایا و هنگ کشورکم رشد دیگر که مواد خام ایران تهیه میکنند اولاً از ایجاد زیر بنای مادی - تکنیکی یعنی صنایع سنگین مانع بعمل میآید، ثانیاً مواد خام آنها بقیمت ارزان خرد ای میشود، ثالثاً در آمد ملی کشورهای کم رشد سرمایه داری از راه بازرگانی غیر متعادل و وامهای کمرشکن بکشورهای امریکا منتقل میشود و رابطه کوشش میشود تا ازاده دن دولت ملی برسرکار چلوگیری بعمل آید.

لیکن ارتباط کشورهای سوسیالیستی با یکدیگر براسان احترام به استقلال و حاکیت ملی، تمامیت ارضی کشورها، کم مقابله از راه اعتبار و روابطه کم تزریل، خرد مواد خام بقیمت عادله است. چنین رابطه اقتصادی

نه تنها منع رشد صحیح نیروهای مولد نیست بلکه با ایجاد زیربنای مادی-فنی تکامل و ترقی سریعتری را برای هر یک از کشورهای عضووارد و گاه تامین مینماید. نتیجه همکاری متقابل است که تولید ارد و گاه سوسیالیستی نسبت بقبل از جنگ تقریباً ۷ برابر گردیده در حالیکه در عرض همین مدت تولید صنعتی در کشورهای سرمایه داری فقط ۵/۲ مرتبه افزایش یافته است. بر از همین همکاریست که اکنون جمهوری توده‌ای چین یعنی کشوری که ۱۲ سال پیش یکی از عقب مانده ترین کشورهای جهان بود توانست در سال گذشته از لحظه تولید فولاد جای ششم و زغال سنگ جاید و مرداد رججهان بدست آورد. برای اینکه روابط کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری با یکدیگر و شو شو میتوان کتف و کشونزگ صنعتی یعنی اتحاد شوروی یا الات تندخواه امریکا ببلغارستان و یونان که در وارد و گاه سوسیالیستی و سرمایه داری قراردارد بعنوان مثال ذکر کرد تا حقایق این دنوع رابطه خوبی روشن شود.

بلغارستان و یونان نه تنها همسایه یکدیگر زمین‌کشند بلکه از نظر جمعیت، مساحت، آب و هوای ملایم طبیعی خیلی شبیه هم بوده و پس از جنگ دوم جهانی به دروازه مقافت اجتماعی، اقتصادی کام شهاد دند. این دو کشور قبل از جنگ دوم و پس از آن از لحظه رشد نیروهای مولد تقریباً ریک سطح و یک وضع قرارداد استند و حتی وضع یونان از بعضی جهات بهتر از بلغارستان بود. ولی ازان تاریخ تاکنون این دو کشور از هرستگی بد واردگاه جهانی تفاوت بازی از لحظه اجتماعی- اقتصادی پیدا کردند. بلغارستان که متعلق به ارد و گاه سوسیالیستی است تمام بقایای قشود الی رازینین برد، بد همان نیزین داد، بیکث کشورهای صنعتی سوسیالیستی توانست پایه مادی- فنی در داخل کشور وجود آورد و در عرض ۱۵ سال موقوف گردید از شماره کم رشد و عقب ماند و بیرون آید. در این کشور ایک اتحاد شوروی، آلمان د موکرایک، چکسلواکی، لهستان و مجارستان صد ها کارخانه بزرگ و کوچک بوجود آمد. تنها اتحاد جماهیر شوروی پس از جنگ دوم مبلغ ۱۱ میلیارد لو برای ایجاد ۲۰ کارخانه بزرگ و ۲۲ کارخانه برق بجهوی نامیره اعتبار داد. در طول سه برنامه پنجم‌الله تولید صنایع بلغارستان ۱۲ پارنسیت بسال ۱۹۶۴ افزایش یافت. صنایع ذوب آهن، فلزات رنگی، ماشین سازی، صنایع شیمیائی، کشی سازی و پایه محکم تولید افزایش برق از جمله صنایع مهمی است که در کشورناهیم بوجسد آدمه است. تکه‌های بد ون قید و شرط کشورهای سوسیالیستی بلغارستان بسب شد که رشد سالانه تولید صنعتی بین ۲-۲۲ درصد افزایش یابد. حال اینکه در یونان این رشد از ۵-۶ درصد تجاوز نکرد و حتی در سه سال اخیر که صنایع بلغارستان بیش از ۵۰ درصد نسبت بسال ۱۹۵۸ ترقی کرد، است صنایع یونان تقریباً در جا زده است. نتیجه اجرای برنامه‌های اقتصادی موجب شد که اکنون سهم تولید صنعتی د رولید عمومی کشورهای ۰-۰ درصد رسیده و بلغارستان بیکی از کشورهای ماشین و دستگاه تبدیل گردیده است. در سال ۱۹۶۱ تولید سرانه برق بلغارستان دو برابر یونان بود و تولید سالانه آن باندازه جموعه تولید برق د وکشور ترکیه و یونان گردیده است. از لحظه تولید فولاد نیز بلغارستان از یونان و ترکیه سبقت جمیع است. در سال ۱۹۶۱ تولید سرانه فولاد بلغارستان ۲۰ کیلوگرام ولی در یونان و ترکیه فقط ۲۰ کیلوگرام بوده است. با پیشرفت سریع و صحیح صنایع دیگر بلغارستان این کشورها کنیکهای لازم را بینماید. مثلاً بلغارستان برای ساختمان کارخانه‌ها ایجاد ۱۵ ایستگاه برق آبی بجهوی توده ای چین که یکند. نیست لیکن یونان پس از جنگ دوم جهانی سرنوشت خود را با کشورهای امپراطوری پیوند داد و نتیجه نتو از وضع یک کشور عقب مانده و کم رشد بیرون آید. بر از پیوستن به پیمان الاتلتیک شمالی کشورناهیم بجبرای است سالانه ۹ درصد ازد آرد بود جه از صرف هزنه های نظامی نماید (بلغارستان فقط ۱ درصد راضر ارتیش میکند). پس از جنگ دوم جهانی بیش از ۳/۱ میلیارد لاراز امیرکایانه د ریافت کرد و هایان مبلغ ممکن بود ۲۵ میلیون سه بزرگ تولیدی بوجود آورد. در حالیکه چینین موسماتی د یونان بوجود نیاید، مالکیت بزرگ ارضی بایقایی فعدالی همچنان پا بر جاست و اهالی کشورناهیم د نازلترین سطح زندگی برادر را رویاد ازد یونان د رشمکر شهروهای کم رشد و عقب مانده است و هنوز هم شصت درصد اهالی پیسواد ند. در صورتیکه د بلغارستان چند سالی است که تعليمات اجرایی صریح گردیده و در سراسر کشور کوکی نیست که بد بستان نزود. بد ون تردید میتوان مثلاً های سیاری از کشورهای دیگر سوسیالیستی ایور و اسپارا با کشور خود مان مقایسه کرد. ولی همین مثال با لانا، رایزروشن شد ن از ها خوانند گان ماست درین حال خوانند گان ما میتوانند بی بیزند که چرا کشور ماد رعفرض هسال اخیر بایقی از یک میلاردد لاروام امریکا و پیش از ۵/۱ میلاردد لارآرد نفت نتوانسته است زیربنای مادی- فنی را بوجود آورد و همچنان د رشمکر شهروهای کم رشد و واپسیه با مهیا بایس باقی مانده است. غازیانی

# مختصات عمومی آماری میهن ما

## مدخل

آمارگری باطن آمارگری از علوم مهم اجتماعی است که بازنده گنجینه‌های علمی و تولید اجتماعی است که باید جهات کمی پذیده های جامعه را بایستی داد و بجهات کمی آن مورد بررسی قرار دهد . آمارگری جهات کمی تولید اجتماعی را در رخدات بانیروهای مولود و مناسبات تولیدی و همچنین پذیده های فرهنگی، بهداشتی و سیاسی جامعه مورد بررسی قرار میدهد . علم آمار رعنین حال تغیرات نیز را که حیات اجتماعی، طبیعی، تکنیکی و عواملی را که در رشد و تکامل تولید موثرند مطالعه میکند . آمار صحیح باید جریان تحولات اجتماعی را بررسی اندازه، دامنه وحد و سرعت رشد آن نشان دهد . آمارهای امروزی براساس سرشماری، مشاهدات، اندازه، گیری و ارزیسپاهای مختلف تنظیم میشود . در تنظیم آمارهای انواع و گروههای مختلف پذیده ها، اندازه، تعداد و خواص آنها، جنس و توجه فعالیت آنها، رشتة های مختلف وضع کمی و گفای آنها و غیره در نظر گرفته میشود و صورت جد و لبها و نیز اراده رمندی آید .

آمارگری از قدیم به صورت ابتدائی و منظورهای معینی وجود داشت . در دریان ماد و مکتب آمارشناسی وجود دارد : مکتب سرمایه داری و مکتب سوسیالیستی .

بانیان مکتب آمارگری سرمایه داری امروزی عالم انگلیسی نك پیرسن (۱۸۵۷-۱۹۳۶) و اقتصاد دان امریکائی ای فیشر (۱۸۶۷-۱۹۴۷) بودند . آنها اساس آمار ابرپرشی ریاضی و تئوری که رکورانه بودند و تصادفی بودند پذیده های استوار مینمایند . این مکتب تفاوت کمی و اصولی بین حوالات طبیعی و پذیده های اجتماعی را اثکار میکند و آنها را در "کل" واحدی گرد می آورند ولن آنها تحریف حقایق امکان ندارند . در گشوهای سرمایه داری مركز واحد و مخصوصی برای تنظیم آمار صحیح وجود ندارد بلکه دفتری اداره ایست که آمارهای رشتة های مختلف صنایع، شرکتها و ایثاره اسرارهم جمع بندی کنند و معمون آمار واحد کشته رنگ میسازند .

در گشوهای سوسیالیستی امیر ابراسن تئوری مارکسیستی قرار دارد و هدف آن جمع اجزی ارقام اعطیه عویض اهالی، صنایع، بازرگانی، منابع طبیعی، فرهنگ و پدیده اجتماعی را برخیز و اداره اقتصاد ملی بوده و مهترین سلاح برای بازرگانی گشته ای اجرای برنامه هاست . آمار گشوهای سوسیالیستی تغییرات کمی و گفای جامعه را بطور واضح نشان داده، مانند آمارهای جامعه سرمایه داری خود هدف نیست، بلکه نمود ارنشان دهنده وضع موجود برای تجزیه و تحلیل همه جانبه مناسبات اجتماعی - اقتصادی و ترقی و تکامل اتنی است . آمار گشوهای سوسیالیستی توسط سازمان واحد و متمرکزی تهیه میشود و چون براساس ارقام صحیح قرار دارد کار تنظیم برنامه های اقتصادی رانیز استارتود قیقرمینماید .

آمارگری سرمایه داری از واخر قرن ۱۹ بکشوهای روسی، بلژیکی وغیره در باره گشوهای خارجی بود . پس از آنها آمارهای نیز توسط کارشناسان انگلیسی، روسی، بلژیکی وغیره وزارت خانه های اقتصاد ملی، کشاورزی، تسبیب بود . با ایجاد بانک ملی، بیت احوال و احصایی کل، تأسیس وزارت خانه های اقتصاد ملی، کشاورزی، معارف وغیره کوششها برای تنظیم آمار گشود رشتة های مختلف تولیدی و اجتماعی بعمل آمد . نخستین سرشماری کشیده رسانی ۱۳۱۸ علی شد که بر اثر قدر ان آمارگر و آمارشناس و تقب مانند کمی کشته مینمیتوان آمار های متشهده را دقیق دانست . پس از جنگ دوم جهانی آمارگرها و غیره ای از جنگ شهرستان و از شتله های مختلف تولیدی بعمل آمد که بعضی از آنها بشرح زیراست :

در سال ۱۳۲۸ ازدهات تهران و مادون، ۱۳۲۹ شهرستان کاشان، آمارگری نموده ای از ۱۷۳

د هکده در جنوب تهران، آمارگیری نمونه تهران در سال ۱۳۲۲، آمارگیری نمونه ای بهداشتی در شیمیراز، آمارگیری کاشان در ایان ۱۳۲۳، خرمشهر و ایان در راسفتند ۱۳۳۳، زلیل در ایان ماه ۱۳۳۴ وغیره (۱) . آخرین آمارهای جانبه ایکه از وضع اجتماعی و عمومی کشور انتشار یافته آمار است که بر اساس سرشماری ۱۳۳۵ تنظیم شده است مگواینکه این آمار نسبت به امارهای قبلی مبهرته بیشتر شده ولی بر اساس عقب ماندگی عمومی کشور، فقدان کادر راهی لازم در جمع آوری اطلاعات و عادت نداشتن اهالی چنین کاری باید نسبی تلقی شود . هم اکنون وزارت صنایع و معادن، کشاورزی، پاکتها، وزارت تکرات و احصایه، وزارت فرهنگ، وزارت بهداشت، اداره کل ثبت اسناد و املاک و اداره احصایه کل وغیره آمارهای ارزشته های مختلف تولیدی و اجتماعی متشتمیت کنند که با وجود نواقص آن میتواند مورد استفاده قرار گیرد . از اسال گذشته در دانشگاه تهران نیز شعبه هایی برای تربیت آمارگر و آمارشناس تا سیسیس یافته است .

آمارهایی که در مجله دنیابدریج انتشار خواهد یافت و از طرف دانشجویی شعبه تبلیغات و تعلیمات حزب تدارک شده اقبال از متابعد اخلي و خارجی است و مسئولیت صحت و سقم، دقت و عدم دقیق این آمارها میتوان به ناشرین این متابعد است . مجله دنیابرد شماره های بعدی بتدربیج و ترتیب درباره کشاورزی، صنایع نیروی انسانی، وضع مالی، بازرگانی، وضع زندگی، فرهنگ، بازگشایی وغیره ایکه این آمارهای متشر خواهد کرد . منظور از انتشار این پکره ها نانتست که اولاً خواهند گذاشت که از این راه آمار با وضع تولیدی و اجتماعی کشور آشنا شوند و ثانیاً عقب ماندگی کشته های مختلف اجتماعی، وضع اهالی و پاکین بودن سطح زندگی عمومی روشن گردد و می پایگی دریم غیرطبیعی و ضدمی کنونی ثابت شود .

### مختصات عمومی ایران

### مساحت و مرزهای کشور

ایران در جنوب باختیری آسیا قرار دارد . مساحت ایران در متابعد مختلف خارجی از ۸۱۱ را ۱۲۱ کیلومترمربع تا ۱۶۴ را ۰۰۰ کیلومترمربع ذکر شده است . در متابعد اخلي مساحت کشورها ۰۰۰ را ۱۶۳ را تا ۱۴۸ را ۱۴۰ کیلومترمربع میداند . ایران از لحاظ مساحت ۰۰۸ را درصد خشکی های زمین را تشکیل میدهد و جای پانزده هم را در زمین کشورهای جهان دارد . چهارده کشور که از لحاظ مساحت بزرگتر از اینند بترتیب عبارتند از :

- ۱- اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ۲۲۴ کیلومترمربع
- ۲- کانادا ۹۹۵
- ۳- جمهوری تونده ای چین
- ۴- ایالات متحده امریکا
- ۵- جمهوری ایالات متحده برزیل
- ۶- استرالیا
- ۷- جمهوری هندوستان
- ۸- جمهوری ارمنستان
- ۹- جمهوری سودان
- ۱۰- جمهوری کنگو
- ۱۱- الجزیره
- ۱۲- جمهوری مکزیک
- ۱۳- عربستان سعودی
- ۱۴- لیبی

ایران از شمال با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (جمهوریهای سوسیالیستی ارمنستان، اذربایجان، ازخاور و جنوب با افغانستان و پاکستان، از جنوب بدريای عمان و خلیج فارس، از

(۱) تشریه شورای عالی اقتصاد، شماره ۵، آذرماه ۱۳۳۸، صفحه ۱۱۹

با خژوهشگاهی عراق و ترکیه هم مراز است. طول مرزهای ایران در حدود ۲۶۰ کیلومتر است که ۲۷۰ کیلومتر آن مرز در بین ایست. مرزهای ایران با کشورهای همسایه و در راههای ترتیب زیر است: با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پیش از ۲۵۰ کیلومتر، از انجمله ۱۷۰ کیلومتر خشکی و ۷۵۰ کیلومتر در دریای خزر، با افغانستان ۷۱۵ کیلومتر، با جمهوری پاکستان ۸۳۵ کیلومتر، کناره های دریای عمان و خلیج فارس ۱۹۰ کیلومتر، با جمهوری عراق ۱۱۸۰ کیلومتر و با جمهوری ترکیه ۴۲۰ کیلومتر. طبق آخرین آماری که در مطبوعات کشور انتشار یافته است ۰۰۰ متر از ۱۴۴ کیلومتر مربع یا ۰۰۰ هکتار مساحت ایران پشكل زیر تقسیم شده است: (۱)

۲۷۰

در سال ۱۳۳۰ سرشاری نسبت‌آمده جانبه‌ای در کشور بعمل آمد و تابع آن ابتداء صورت جزوی هاست. حد اکانه برای هرجوزه شماری و سپس بطور کامل در سه ماه ۱۳۳۹ انتشار یافت. طبق سرشماری ابان‌نامه ۱۳۳۵ (اکتبر ۱۹۰۶) جمعیت کشور ۷۰۴۰۱۸۹۴۵ نفر بود. از این عدد ۹۴۴ نفر مرد و ۹۴۴ نفر زن بودند. تغییر نژادی در سال ۱۳۴۰ (۱۹۱۰) یعنی تقریباً رقباً هر ۱۰۰ نفر از ۱۰۴ نفر مرد قرار داشت (۲). جمعیت ایران در سال ۱۳۴۰ (۱۹۱۰) ۲۴۵۰۹۸۵ نفر بودند. خانوارهای شکل میداده که در نقطعه مسکونی یعنی شهرهود زندگی میکردند. تفاوت در اماره‌هومی عبارتست از تقاضا که بطور کلی در آنها باده ای ساختند. این نقاط نظیر سیران بیش از ۱۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد و رواجی مرکزی چشمی و جنوب شرقی کتراز ۱۰ نفر در جمعیتند. تقاضا مسکونی کاهی چند نقطعه مسکونی کوچک یعنوان یک ده آورده شده است و تقاضا که بیش از ۵ هزار جمعیت دارد بعنوان شهر ذکر میگردد. بر اساس همین تقسیم بندی در کشور ۱۸۶۰ شهر یعنی تقاضا که بیش از ۵ هزار جمعیت دارد تا ۴۹۰۰۶ ده یعنی تقاضا که کتراز ۵ هزار نفر جمعیت دارد وجود دارد لیکن این نکته را باید خاطر نشان ساخت که اغلب نقاط مسکونی که بین ۱۰-۵ هزار نفر جمعیت دارند نه از لحاظ تولید اجتماعی و نه از لحاظ مسکن و زندگی عمومی شبهه شهر نیستند و همین علت از لحاظ ماهیت خود باید در شماردهای قرار گیرند. در بعض نقاط مسکونی دیگری وجود ارتدکه از لحاظ جمعیت کتراز ۵ هزار نفر جمعیت دارد و لیکن از لحاظ فعالیت تولید اجتماعی و زندگی عمومی شهر محسوب میشوند.

(۱) مجله امید ایران، اول دیماه (۱۳۴۰)، از شریه "کشاورزی امروزما" سال ۱۳۲۸، صفحه ۲۶ روزنامه اطلاعات، ۸ دیماه (۱۳۲۸)، (۱۳۲۱) دسامبر ۱۹۰۹).

(۲) آمار از شریه شورایعالی اقتصاد، شماره ۶، خرداد ۱۳۳۹، صفحه ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و شماره ۷، آبانماه ۱۳۳۹، صفحه ۸۲ مطه خواندنیها ۲۷ فروردین ۱۳۳۹. روزنامه اطلاعات ۱۷ اوایل ۱۳۴۹ ماه (۱۳۲۹) و ۷۶ فوریه ۱۹۶۱).

۶/۶ ادرصد یعنی ۱۲/۳ میلیون نفر در ۴۹۰۵۴ ده زندگی میکنند (۱) جمعیت نسبی کمود رسرشماری نامبر ۵ ۱۱/۵ نفر در هر کیلومتر مربع بود. لیکن تراکم جمعیت در استانها، شهرستانها، شهر و نقاط مسکونی دیگر تفاوت بسیاری دارد. پوچمیت ترین استانها کشور رشمال و شمال مرکزی قرار دارد که عبارتند از استان مرکزی، استان گیلان، مازندران، آذربایجان شرقی که ۴۳/۱ در صد جمعیت کشور را بن نقاط میگذند.

- در استانها غربی یعنی در آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه ۴ ادرصد جمعیت،

- در استانها جنوب غربی و جنوب یعنی در خوزستان، فارس، لرستان و هنادر ۹/۱۲ ادرصد،

- در استانها مرکزی یعنی در اصفهان، زنجان و کرمان ۲/۲ ادرصد،

- در استانها جنوب شرقی و شرقی یعنی بلوچستان، سیستان و خراسان ۸/۸% جمعیت کشور را دارند.

تراکم جمعیت در شهرهای مختلف نیز تفاوت است. بطريقه ده تهران در هر کیلومتر مربع ۲۴۳ نفر، در بند رپهلوی ۷۰ نفر، در بادان ۱۱۱ نفر، در خوش شهر ۱۰ نفر است. در بعض شهرستانها وجود ارند که جمعیت نسبی انساکتریاز ۳-۱ نفراست نظیر طبس ۱/۱ نفر در هر کیلومتر مربع، نائین ۸/۸ نفر، زاهدان ۱/۱ نفر، شاهroud ۵/۱ نفر، بیرون ۷/۱ نفر، سراوان ۸/۱ نفر، پرشهر ۹/۱ نفر، جاسک ۲ نفر، اردستان ۲/۲ نفر، سبزوار ۵/۱ نفر در هر کیلومتر مربع.

جالب اینست که از ۸/۵ میلیون نفر جمعیت شهرهای ردد ۳ میلیون نفر یعنی تقریباً ۵۵ درصد در

۱۰ شهریزگ یعنی تهران، تبریز، اصفهان، آبدان، مشهد، شیروان، اهواز، کرمانشاه، رشت و همدان زندگی میکنند. در ضمن شهرهای بیش از ۹ شهریزگ نامبر ۹ جمعیت دارد که تقریباً ۳۰ درصد جمعیت تمام شهرهای کشور است.

ترکیب جمعیت کشور از لحاظ زیان و لجه نیز سیار متفاوت است. در ارشادشماری ۱۳۳۵ میلیون شد که در کشوریش از ۸۰ زیان و لجه وجود دارد مانند فارسی، زبانهای ترکی (آذربایجانی، ترکمنی، قشقائی وغیره) کردی، گیلکی، تاتی (مازندرانی، گرگانی وغیره)، لری، افغانی، بلوج، اردوا، ارمونی، اسروی وغیره. عقاید پیش از این نیز متفاوت است: مسلمان (شیعه، سنی)، مسیحی، یهودی، زرد شتی. لیکن بیش از ۸/۰ درصد جمعیت مسلمان هسته سیحی، یهودی وغیره هستند.

سن	مرد و زن	مرد	مرد و زن	مرد و زن	مرد و زن
کمتر از ۱۰ ساله	۱۸۹۵۴۷۰۴	۹۶۶۴۹۴۴	۹۳۰۹۷۶۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰-۱۵ ساله	۵۴۲۵۴۳	۲۸۶۲۷۵	۲۰۶۲۶۸	۲/۸	۳/۱
۱۵-۲۰ ساله	۲۸۰۵۱۷۱	۱۳۹۷۴۰۹	۱۴۰۷۷۱۲	۱۴/۰	۱۴/۱
۲۰-۲۵ ساله	۲۸۰۲۹۰۳	۱۴۱۹۰۲۰	۱۴۰۳۹۲۸	۱۴/۷	۱۴/۱
۲۵-۳۰ ساله	۳۲۴۳۰۰۲۸	۱۶۸۴۸۳۴	۱۵۰۷۱۹۴	۱۷/۶	۱۷/۷
۳۰-۳۵ ساله	۴۴۰۱۳۵۹	۲۱۴۰۰۳۰	۲۲۶۱۰۰۹	۲۲/۱	۲۲/۳
۳۵-۴۰ ساله	۳۳۹۲۸۹۲	۱۷۹۸۹۱۴	۱۰۹۴۹۷۸	۱۷/۹	۱۸/۲
۴۰-۴۵ ساله	۱۳۸۶۷۴۸	۷۸۶۳۲۰	۷۰۰۴۲۸	۷/۸	۸/۱
۴۵-۵۰ ساله	۲۰۱۹۴۲	۱۲۹۰۰۲۶	۱۱۲۹۱۶	۱/۴	۱/۳
۵۰-۵۵ ساله	۷۰۶۸	۲۷۹۱	۴۲۷۷	٪۰۲۰	٪۰۲
۵۵-۶۰ ساله	۲۰/۲	۲۰/۲	—	—	—

(۱) مجله "یکهفه تلاش در راه ایران آباد" شماره ۲۰ مورخ ۳۱ شهریور ۱۳۳۹ (اویت ۱۹۶۰) نشریه سازمان برنامه جمعیت شهرهای ۵/۰ میلیون نفریا ۲۷ درصد و جمعیت دهات را ۱۳/۷ میلیون نفر یا ۷۳ درصد ذکر نمینماید، صفحه ۱۱

باشد (۱) .

دیپرخانه شرایعالی اقتصاد کشور براساس سرشماری سال ۱۳۳۵ و افزایش سالانه بیش از سه درصد باین نتیجه میرسد که جمعیت کشور را خرسال ۱۳۳۸ به $21/5$ میلیون نفر بالغ گردیده است (۲) لیکن آمارمک و میرتوبل نوزاد ان نشان میدهد که افزایش سالانه جمعیت کشور بین $2/5$ تا $2/0$ درصد است . اگر حد اکثرشد طبیعی یعنی $2/0$ درصد را در نظر نگیریم جمعیت کشور را خرسال ۱۳۴۰ میتواند تا $21/2$ میلیون فریسد . اگر جمعیت کشور ابطوی تقریب در آخر سال (۱۳۳۹) $20/0$ میلیون بحساب آوریم آنوقت کشور ما از لحاظ جمعیت بیست و دو میلیون کشورهایی زیر ترتیب بیش از ایران جمعیت دارد :	
۱- جمهوری توده ای چین	/ ۶۹۴ میلیون نفر
۲- جمهوری متحده هند وستان	/ ۴۰ میلیون
۳- اتحاد جماهیر شوروی	/ ۲۲۰
۴- ایالات متحده آمریکا	/ ۱۸۰
۵- ژاپن	/ ۹۳/۶
۶- جمهوری پاکستان	/ ۹۲/۶
۷- جمهوری اندونزی	/ ۹۲/۷
۸- جمهوری برزیل	/ ۵۴/۷
۹- جمهوری فدرال آلمان	/ ۵۱/۷
۱۰- انگلستان	/ ۳۵/۸
۱۱- ایتالیا	/ ۳۳/۶
۱۲- جمهوری فرانسه	/ ۳۰/۰
۱۳- جمهوری مکزیک	/ ۳۰/۸
۱۴- جمهوری اسپانیا	/ ۲۷/۰
۱۵- جمهوریهای کره	/ ۲۴/۷
۱۶- جمهوریهای وتنام	/ ۲۷/۵
۱۷- جمهوری توده لهستان	/ ۲۰/۰
۱۸- جمهوری ترکیه	/ ۲۷/۰
۱۹- جمهوری فیلیپین	/ ۲۱/۰

استانها و شهرستانها و جمعیت تقریبی آنها

براساس تقسیمات کشوری ایران ازیازده استان تشکیل میشود (بدون مجتمع الجزر بجزیره‌های کوهستانهای ایران است و صنعت نفت آن درست امریکائیهای است ) . جدول زیر جمعیت تقریبی استانها و شهرستانهای کشور براساس آمارهای موجود نشان میدهد :

استانها	مرکز استانی اولی	شهرستانهای تابعه استان	جمعیت تقریبی آنها	استانها	مرکزی	شهرستانهای تابعه استان	جمعیت تقریبی آنها
استان مرکزی (۳)	تهران	۱۹۵۷۰۰۰	اراک	۳۰۲۰۰۰	تهران	۱۵۱۳۰۰۰	دماوند
		۱۳۹۰۰۰	ساوه	۵۸۰۰۰			
		۳۱۲۰۰۰	کاشان	۱۶۴۰۰۰			
		۲۲۳۰۰۰	قم	۱۹۸۰۰۰			
استان یکم	رشت	۳۴۲۰۰۰	زنجان	۳۸۶۰۰۰	رشت	۱۰۹۰۰۰	لاهیجان
		۲۲۲۰۰۰	فومات	۱۸۱۰۰۰			
		۹۴۰۰۰	بندرگاه	۴۹۰۰۰			

(۱) اختصارشده جدول نشریه شرایعالی اقتصاد ، شماره ۷ ، اباناهه ۱۳۳۹ ، صفحه ۸۲

(۲) نشریه شرایعالی اقتصاد ، شماره ۶ خرد ادماء ۱۳۳۹ ، صفحه ۴۸ روزنامه اطلاعات ، ۳۰ خرد اد

(۳) طبق تصویب نامه هیئت وزیران شهرستانهای اراک و کاشان از استانهای یکم و دوم متزعزع و ضمیمه استان

مرکزی شدند . همچنین شهرستان کلپایگان از استان ششم و منطقه از استان دوم جد او ضمیمه استان

د هم شدند . کیهان ، ۷ بهمن ماه ۱۳۴۰ ( ۲۷ زانویه ۱۹۶۲ ) .

استان	جمعیت تقریبی شهرستانهای تابعه استان و جمعیت تقریبی آنها	مرکز استانداری	استانها
استان دوم	ساری ۲۰۰۰۰ سبزوار ۱۹۹۰۰۰ گرگان ۱۹۱۰۰۰ شهرسوار ۱۲۱۰۰۰ گنبد قابض ۱۸۸۰۰۰ بابل ۸۰۰۰ نوشیر ۹۶۰۰۰ سمنان ۷۷۰۰۰ شاهروド ۳۹۰۰۰ دامغان ۱۷۴۰۰۰ شاهنی	ساری	
		ساری	
		۲۶۰۰۰	
استان سوم	تبریز ۵۷۶۰۰۰ اردبیل ۲۶۱۰۰۰ مشکین ۱۷۱۰۰۰ میانه ۱۳۸۰۰۰ خلخال ۱۰۰۰۰ وحوزه هشتاد	تبریز (اهر) ارسپارس ۲۳۹۰۰۰ سراب ۱۲۷۰۰۰ مرند ۱۱۱۰۰۰	
		۲۹۰۰۰	
استان چهارم	رضاخانیه ۲۴۱۰۰۰ مهاباد ۲۳۳۰۰۰ خوی ۱۶۰۰۰ (بعلاوه حوزه شاهیندژ که جزو رغاغه است) ۵۹۰۰۰	رضاخانیه ۲۱۱۰۰۰ مراغه ۸۵۰۰۰ ماکو	
		۲۷۰۰۰	
استان پنجم	کرمانشاه ۴۱۷۰۰۰ همدان ۲۹۸۰۰۰ ایلام ۲۶۶۰۰۰ سقز ۶۹۰۰۰ شاهدان ۱۳۲۰۰۰ بیجار ۸۰۰۰۰ نهادون ۷۶۰۰۰ توسرخ ۶۹۰۰۰ ملایر ۱۲۲۰۰۰ و سایر حوزه های سرشماری شده	سنندج ۹۲۰۰۰ قصریه ۱۱۰۰۰ سفید ۱۱۰۰۰ ایلام ۹۲۰۰۰ سقز ۱۱۰۰۰ دزفول ۹۲۰۰۰ دشتستان ۱۱۷۰۰۰ شادگان ۱۱۷۰۰۰ خرم‌شهر ۵۷۰۰۰ و سایر حوزه های سرشماری شده	
		اهواز ۱۲۵۰۰۰	
استان ششم	اهواز ۲۸۲۰۰۰ آبادان ۲۱۱۰۰۰ بجهان ۲۲۱۰۰۰ خرم‌آباد ۱۷۴۰۰۰ دزفول ۱۸۰۰۰ بروجرد ۹۰۰۰ دشتستان ۱۱۷۰۰۰ شادگان ۱۱۷۰۰۰ خرم‌شهر ۶۷۰۰۰ و سایر حوزه های سرشماری شده	اهواز ۱۱۹۰۰۰ بوشهر ۵۳۰۰۰ فیروزآباد ۷۷۰۰۰ جهرم ۵۶۰۰۰ و سایر حوزه های سرشماری شده	
		۱۶۹۰۰۰	
استان هفتم	شیزار ۴۱۰۰۰ کازرون ۹۵۰۰۰ آباده ۱۲۵۰۰۰ لارستان ۵۳۰۰۰ بوشهر ۷۷۰۰۰ فسا ۵۶۰۰۰ و سایر حوزه های سرشماری شده	شیزار ۱۶۹۰۰۰ جهرم ۴۲۰۰۰ و سایر حوزه های سرشماری شده	
		۱۶۹۰۰۰	

استان	جمعیت تقریبی استانها	مرکز استان اولی و جمعیت آن	شہرستانهای تابعه استان و جمعیت تقریبی	
			استانها	جمعیت تقریبی
۱۱۵۸۰۰۰	کرمان	۱۳۳۰۰۰	سیزواران	۱۱۹۰۰۰
	پندر عجمی	۱۸۳۰۰۰	زلیل	۱۵۲۰۰۰
	کرمان	۵۹۰۰۰	چاه بہار	۶۲۰۰۰
	۶۲۰۰۰	۶۱۰۰۰	رسنگان	۸۷۰۰۰
	۶۲۰۰۰	۶۱۰۰۰	زاهدی	۹۳۰۰۰
	وسایر حوزه های سرشماری شده			
۲۰۰۶۰۰۰	مشهد	۵۲۸۰۰۰	قوچان	۲۱۴۰۰۰
	مشهد	۲۴۲۰۰۰	سیزوار	۱۹۹۰۰۰
	مشهد	۱۴۴۰۰۰	بیرجند	۱۷۷۰۰۰
	۱۴۴۰۰۰	۱۸۱۰۰۰	نیشابور	۹۳۰۰۰
	۱۴۴۰۰۰	۸۲۰۰۰	گناباد	۹۹۰۰۰
	وسایر حوزه های سرشماری شده			
۱۳۶۲۰۰۰	اصفهان	۶۲۱۰۰۰	پیزد	۲۹۳۰۰۰
	اصفهان	۱۱۶۰۰۰	کلپایگان	۱۱۶۰۰۰
	۲۰۴۰۰۰	۹۸۰۰۰	فریدن	۱۱۴۰۰۰
	۲۰۴۰۰۰	۵۰۰۰۰	شهرضا	۵۰۰۰۰
نائین				
وسایر حوزه های سرشماری شده				

غ ن ۰

# برخی لغات مهم سیاسی و اقتصادی

ذیلا فرهنگ کوچکی از برخی لغات مهم سیاسی و اقتصادی برای رفع ضروری ترین حواجع برخی از خوانندگان مجله ما که با این اصطلاحات آشنا نیستند شرمی باید هشت تحریر دrajgra این عمل باستقبال خواست عدد زیادی از خوانندگان خود می‌رسد. لغات این فرهنگ منتخب از "فرهنگ مختص لغات اصطلاحات فلسفی و سیاسی و اقتصادی" است که از طرف شعبه تبلیغات و تبلیغات حزب درست تهیه است و در آنده نزد یکی نشرخواهد یافت.

## آپولیتیسم

روش لاقید اند نسبت به امور سیاسی و آپولیتیک کسی است که این روش را در نیال کند. سرمایه داری این روش را الشاعه میدهد.

## آنه شیم

نفوذ هب و خرافات و معجزات و حیات پس از هرگ وغیره بر اساس علم.

## آرتل

گروهی از افراد که داوطلبانه برای کار مشترک گرد آمده اند و حق شرکت در رآمد اردن.

## آرتل کشاورزی

شک اقتصاد جمعی که در آن وسائل عد ة تولید و کار و هقاتان اجتماعی شد و لی توزیع در رآمد ها بر حسب کار انجام میگیرد.

## آریستوکراسی

آریستوکراسی (اشرافیت) — اعیان ماله اروضاح حسب و نسبت در قرون وسطی و بطور کلی بخش علیای صاحب امتیاز جامعه.

## آریستوکراسی کارگری

قشر نسبتا کوچک کارگران دارای مزد هنگفت در کشورها رشد یافته سرمایه داری که انحصار ها عادتا عالمابد انها شرایط بهتری

نسبت به کارگران دیگر میدهند تا از آنها برای تابع ساختن کارگران به سرمایه داران استفاده نکنند.

## آزیناسیون

وسیله تاثیرسیاسی در توجه ها از طرق گفتگو، سخنرانی، نطق و میتینگ، جراید، کتب، رسالات، اوراق، رادیو، سینما وغیره.

## آنکوستیسم

نظر ایاده آلمانی حاکم از آنکه جهان عینی و توانین آن ناشناختنی است و عقل انسانی در قیمت محسوسات حدود است و در ورآ آن نمیتواند چیزی را بشناسد.

## آمیس

امپریست ها تجربه حسی را تهاب منبع مفتر میدانند. امپریست های میتوانند هم ایده آلمانیست باشند (مانند هیوم، ماخ وغیره) و هم مادری (ماند بیکن، هایس وغیره) بر حسب اینکه طبیعت مادری را پایه تجربه بنمایند یا نه.

## آمُرالیسم

نقی اصول اخلاقی.

## آنارشیسم

ایدئولوژی خورد و بورژوازی و لومپن برولتاریاکه لفوه رگونه حاکمیت سیاسی را اعم از آنکه

علمی است \*

### اپتیمیسم

ر. ک خوش بینی

### اپریتونیسم

ابوریونیسم - ( فرصت طلبی ، سازشکاری ، ابن الوقت ) تابع ساختن شناخت رنجبران بمنافع سرمایه دارد رجبنش کارگری و سازش بر سرماهیه - داری ، انصراف از هزاره طبقاتی ، ازانقلاب پولنزوی و ارد پیکتا تحریر پرولتاریا .

### اپوزیسیون

ابوزیسیون ( مخالفت ) نام کنی احزاب و گروههای که علیه حزب یاگروه سلط و سیاست وی اقدام میکنند \*

### اُنم

کوچکترین جزء شئی که دارای مختصات عنصر شیمیائی مربوطه است \* فلاسفه عتیق یونان و روم ( د مکریت ، پیکرور ، لوکرسیوس ، کار ) در بیان آن حد سیاست داهیانه ای داشتند ولی وجود آن بعدها در قرن نوزدهم به ثبوت رسید و در اوائل قرن بیستم ثابت شد که اتم دارای ساختمان بخوبی است در فلاسفه کلاسیک ما اتم جزء لایتجری ترجمه شده است \* مفترضه به اجزاء لایتجری باورد اشتبه ولی مشایعین ما آنرا در میکردند \*

### اتمام حجت

اتمام حجت ( اولتیماتوم ) مطالبه اجراء عملی طبیق شرایط بیان شده بشکل قاطع و برگشت ناپذیر و تهدید بدیه اعمال فشارد صورت عدم اجراء آن عمل \*

### ارتجاع

مبارزة سیاسی طبقات منسون علیه ترقی و ترقیخواهان و کوشش برای احیا وضع کهن یا حفظ وضعی که از ساخت اوضاع مصالح تکامل اجتماعی باستی تغییر نکند \*

### ارزش

مفهوم اقتصادی در این تولید کالائی ارزش تجسم کار اجتماعی در کالا است \*

چه شرایط تاریخی حکمرو است می طلبد \* این ایدئولوژی در سالهای ۴۰ تا ۶۰ قرن نوزدهم در اروپا پدید شد و معمترین ایدئولوگی آن عبارتند از ماکس شتیرنر ، پرودن ، باکونین و کرپکین \*

### آنتی سیمیتیسم

روش خصوص آمیز نسبت بیهود یا زن که بصورت مخدود دیت حقوقی و نقی بلطف جمعی و ایدئا جمعی بیهود یا زن در می اید و فاشیستهای آلمانی آنرا بشدید ترین و وسیعترین وجہی اشاعه میداده اند \*

### آنسلیکلوبید یست ها

پیشاوهنگان فکری اتفاقاً ب بورزاژی فرانسه در پایان قرن هیجدهم که در اطراف طبع " دائرة المعارف " ( ۱۷۵۰-۱۷۸۰ ) گرد آمده بودند از آنجلمه بودند و لتر ، چلوسیوس ، دلبک ، کنڈیاک ، روسو ، بوفون وغیره په رائی آنها بتوی دیدرو فیلسوف بزرگ ماذی قرارداد است \*

### آوانتوسیسم

ر. ک ماجراجویی

## الف

### اثبات

اتحاد احزاب یاد و لتها برای رسیدن به هدفهای مشترک \*

### اپریکتیف

برون ذاتی ( آنچه که در روز ذهن ما مستقل از شعورها وجود دارد \* در مقابل هنی اپریکتیویسم بورزاژی )

توصیل به " ضروریت و قانونیت " بروشه های تاریخی بمنظور توجیه بودی و مثنا آنها تحت لفاظه عینی نظری و غرضی \* حوادث تاریخی را باید از نقطه نظر خلق مورد قضایت قرارداد و در این قضایت جانب و طرف داشت \* اپریکتیویسم غیر از اپریکتیف بودن ( یعنی بررسی دقيقی واقعیت عینی بدون مداخله دادن نظریات ذهنی ) است که بدون شک شرط ضروری قضایت

ارزش اضافی

ارزشی که کارکارگران مزد و پیش از ارزش نیروی کار آنها تولید مینمایند و سرمايه داران را لاعرض تصاحب میکند یا بعیارت دیگر ارزش کارپرداخت نشد گاهی ارزش اضافی مارکس سنسگ مبنای آموش اقتصادی مارکس است \*

براستیک

استتیک (زیاشناسی) - علم قوانین رشد هنرورابطه هنر واقعیت و نقش آن واشکار و اسالیب خلاقیت هنری \*

استبداد

حکومتی که در آن قدرت حکومت عالیه درست یک فرد تنها (شاه یا سلطان) متمرکز است و او دیکتاتوری اشراف و ملاکان را زایسن طریق اعمال میکند. حکومت طلاقه \*

استثمار

استثمار (انسان از انسان) تصاحب بلاغوں مخصوص کارکارگران بوسیله صاحب خصوصی وسائل تولید. شکل استثماریه خصلت مناسبات تویلی دی جامعه بستگی دارد. انقلاب سوسیالیستی با استفاده از اجتماعی با استثمار انسان از انسان خاتمه میدهد \*

استراتژی و تاکتیک

استراتژی و تاکتیک (در لاتینیسم) - علم رهبری مبارزه طبقاتی کارگران. استراتژی یعنی تعیین جهت عدد گه مبارزه طبقاتی پهلوتاریا و ترکیب سپاه سیاسی در مرحله معین رشد انقلاب و تنظیم نقشه استفاده از خواهر انقلاب و نقشه مبارزه برای اتحاد قوای انقلابی بگرد پهلوتاریا و هبری عمل آنها استراتژی در تمام دوران معین که مرحله استراتژیک نام دارد (مثل در رکشور ما مرحله انقلاب دیگر تاکتیک نوین) بلا تغییر میماند. تاکتیک بخشی است از استراتژی و تابع آنست. هدف تاکتیک اخراج پیروزی در زیردهای جد اگانه است \*

استعملار

صرف کشور از جانب یک کشور رشد یافته سرمایه داری پقداد استفاده غارتگرانه از نتا بیع ثروت و انسانی آن کشور \*

استبیاط ایده آلیستی تاریخ

موافق این استبیاط محرك تاریخ اراده، عقاید و فکار و حسیبات و روحیات انسانی، دریک کلمه تحول رونای ایدئولوژیک و روحی جامعه است \*

استبیاط مادی تاریخ

موافق این استبیاط محرك تاریخ رشد نیروها مولد و تغییرات منوطه در مناسبات تولید، دریک کلمه تحول پایه وزیریتای مادی و اقتصادی جامعه است \*

راسکولاستیک

(از کلمه یونانی "سخوله" یعنی درسه) - نام جریانات فلسفی مسلط در دوران قرون وسطی. این جریانات فلسفی خود را خام کلیسا میدانستند \*

اُسلوب دیالک تیکی مارکسیستی

تنها اسلوب علمی معرفت که بوسیله مارکس و انگلیس ایجاد شد و لذین آنرا در شرایط نوین تاریخی بسط داد. دیالک تیک عالم عام از مردم قوانین تکامل طبیعت، جامعه و تقدراست. اسلوب دیالک تیک نقطه مقابل اسلوب متافیزیک است که حرکت تکاملی ماد را منکراست و پیش این حرکت نه در تضاد رونی اشیا و پیروزه هابله د رقوای خارجی جستجو میکند \*

اسلوب ذهنی

اسلوب ذهنی (درجامعه شناسی) - درک غیرعلمی و ایده آلیستی تاریخ یمنایه نتیجه فعالیت پزگان که برای وظیر خود عمل میکنند و حواست را می آفرینند. مردم تنها آنرا درست این بزرگانند. این اسلوب منکر قوانین یعنی تکامل اجتماع است \*

اقتصاد

یک از اشکان مبارزه طبقاتی زحمتکشان علیه استثمار کنندگان و برای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود که بصورت تعطیل کاروارهه تقاضاها و شرایط خود برای پارگشت مجدد بکار رمی اید \*

اقتصاد

اقتصاد (علم اقتصاد) - علم قوانین تولید و توزیع نعمات مادی در مراحل مختلف رشد جامعه پسکو

اقتصاد طبیعی

اقتصادی که در آن محصول کارتهای برای مصرف مولد یعنی همان واحد اقتصادی تولید میشود نه



دیگر سازمانهای زحمتکشان است .

### انتولوژی

اعم موضوع ابراز محبت است و دین جهت نوپرورد  
بهرزادی سالوسانه و تهی است .

### انضباط

انضباط (دیسیپلین) - اجراه' دقیق  
مقررات و آئین نامه ها و هنودهای مقامات مافوق یا  
تصمیمات اکریت .

### انقلاب اجتماعی

مرحله مهم تکامل جامعه و روز تحول عیق  
در رحیمات اجتماع از طریق سرنگونی قهری نظام منسوخ  
گذشته واستقرار نظم مترقب نوین « مارکسیسم شابت  
میکنند که پیدا ایشد و راهنمای انقلابی در سیر تکاملی  
جوامع انسانی جبری است .

### انقلاب بهرزادی

انقلابی که علیه فئودالیسم متوجه است و  
هدف آن هموارکرد ن جاده رشد سرمایه داری است .  
اگر در انقلاب بهرزادی توده های وسیع مردم - کارگران  
و هقانان با شعارهای سیاسی و اقتصادی مستقل  
خدش رشکت ورزند و دینسان مهربونشان خود را برسر  
انقلاب بگذراند ، این انقلاب بهرزاد - دموکراتیک  
است . در انقلاب بهرزاد مکراتیک طراز نوین سرگردانی  
انقلاب ازان طبقه کارگر است زیرا نهادی میتواند  
انقلاب را بسراجام رساند .

### انقلاب سوسیالیستی پرولتاری

سرنگونی قهری استبداد سرمایه داران و  
استقرار یکتاجوی پرولتاریاب منظور احتماً شیوه تولید  
سرمایه داری و استعمار سرمایه داران و اجاد شیوه  
نوین سوسیالیستی تولید .

### انقلاب فرهنگی

بخش ازان انقلاب سوسیالیستی که هدف آن  
ایجاد تحول عیق در تکامل فرهنگی توده مردم و  
ایجاد فرهنگ نوین سوسیالیستی است .

### آنکیزیسیون

محاکم خاص کلیسا کاتولیک که در قرن  
سیزده هم میلادی بوسیله پاپ برای مجازات ملحدین  
(منکران احکام کلیسا) تشکیل شد و قرنها مرتكب  
جنایات مخفی علیه آزاد اند پیش ظم و حربت انسانی  
گردیده است . یکی از مجازاتهای آنکیزیسیون « اتو  
دا فه » (عمل ایمانی) نام داشت و ان عبارت بود از

انتولوژی (مبحث وجود) - معمولاً فلسفه  
رابد و خشن : مبحث وجود (انتولوژی) و مبحث  
علم یامعرفت (کنسولوژی) تقسیم میکنند .

### انتوئیتویسم

انتوئیتویسم (مکتب الہامیون) - هائز  
برگمن فیلسوف فرانسوی که معرفتمندانه  
این مكتب است معتقد است که راه معرفت انسان  
به حقیقت الهامات درونی است که در شیرین ناخود  
آگاه وی بروز میکند . این مكتب تفکر منطقی رابطه به  
ویشه معرفت انسان به حقیقت خوارمیشارد .

### انحصارهای سرمایه داری

تواافق و اتحاد سرمایه دارانی که تولید و  
فروش بشر مه و کاه کامل محصول یک رشته معین  
اقتصاد را درست دارد بین یک یگر برای حفظ خود  
در قبال رقابت . انواع انحصارها عبارتست از :  
کارتل ، سند یکا ، تراست ، کنسنر ، انحصارها  
محصول جیز سطح عالی تمرکز تولید و سرمایه  
هستند . انحصارها برای خود سود های سنگین  
انحصاری راتا مین میکنند .

### اند یشه

مالیتین محصول ماده ارکانیک که بشیوه  
خاص و غرچه تشکل یافته و مغز نام دارد . جریان  
فعال امکان واقعیت یعنی در مقررات وفا هیم و  
احکام و قنواتها . اند یشه باقاعدلیت مغز سربو ط  
است .

### رانزیتیسم

نظریه ایده آلبیستی که در بیان قرن ۱۹  
بروز کرد و پیره اسٹوالد شیمیست المانی اثرا بسط  
داد . مطابق این نظریه ماده بثبات واقعیت یعنی  
انکار میشود و همه چیز به ازیزی که آنهم بثباته پیزی  
غیرمادی تلقی میشود مبدل میگردد .

### انساند وستی

انساند وستی انقلابی بانوپرورد بهرزادی  
این فرق را در که عشق و مشتیان خرد را متوجه  
محرومین جامعه میکند و کین و بند خود را متوجه  
ستکاران و حال آنکه بتوپرورد بهرزادی انسان بطل

### ایده آیسم سورکتیف

ایده آیسم سورکتیف (یا ذهنی) - یکی از انواع اساسی ایده آیسم که وجود واقعیت عینی را مکراست و تنبیه اصالت محسوسات مامعتقد است و این هم مخلوق روح مامشود . سیستم فلسفی برگلی و هلیوم و مانع سیستم فلسفی ایده آیسم سورکتیف است .

### ایده آیسم فیزیک

ایمن اصطلاح رالنین در کتاب "ماتریزم و امپریکریتیسیسم" بکار میرد . دارثیک رشته کشفیّه جدید علمی در آغاز قرن ۲۰ در برخی از استنباطات و احکام متداولة در فیزیک بحرانی روی داد و در ترجیه تئوریمین های فیزیک که نمایند طرز تفکر بسوزواری دروان امپریالیسم بود ندادست به تعبیرات ارتضاعی وایده آیسمی پدیده هازد . دیالکتیک بهترین حل این مسائل را بدست داد . دروان بحران فیزیک اکنون بسررسیده وایده آیسم فیزیک مجبور به عقب نشینی شده است .

### ایده ظرفی

سیستم نظریات و افکار و مفاهیم و مقررات معین که بطبقه ای یا حزب سیاسی خاصی متعلق است .

### ایشتوهیسم

بررسی یک موضوع ازراه بررسی بروز و سیمر تکوینی وزوال آن در زمان - این نوع بررسی به درک عیق ماهیت موضوع کلک میکند و مبنیان مفاهیم منطقی مرتبط به رشد و تکوین آن موضوع را از درون این بررسی تاریخی استخراج کرد .

## **ب**

### بازار

عرصه گرد ش کالا و مجموعه اعمال مربوط به خرید و فروش و عرضه و تقدا .

### بازار جهانی

سیستم مناسبات بازار گانی بین دولتها که مبتنی بر تقسیم کارجهانی و تقسیم تعهدات خرید و فروش است . این بازار در قرتهای ۱۶-۱۸ میلادی پدید شد . اکنون بازار واحد جهانی سرمایه داری به

وزارت نمکوم در مقابل تماشاچیان . آخرین عمل اوتودافه در ۱۸۲۶ انجام گرفت .

### انواع مناسبات تولید

انواع مناسبات تولید (تیپ های مناسبات تولید) - پنج تیپ اساسی مناسبات تولید وجود دارد : کمون اولیه ، بردگی ، فتوود آیسم ، سرمایه داری ، سوسیال آیسم .

### اچوی

اچوی (اکلمه یوتانی) معنای جاذی که وجود ندارد - نام کتاب توماس هر سوسیالیست خیالی معرف و بطریع مباحثی در باره جامعه آرمانی اینده که دارای استدلال و مبنای علمی نباشد .

### اوتوماتیزاسیون

اوتوماتیزاسیون (خودکارکردن) بکار بردن سیستم ماشینهای خودکار رصنعت که عالیاترین فرم مکانیزاسیون پروسه تولید است .

### اوتوفوجی

ر . ک . خود اختاری اولتیماتوم

### ر . ک . اتمام حجت

ایده ایده (تصویر) - انعکاس واقعیت در شعر انسانی که میین مناسبات انسانها به جهان پیرامون انساهم .

### ایده آیسم

روشن ضد علمی در فلسفه که معتقد به تقدم شعوروفر بر ماده است و جهان را تجسم شعر و روح و قل مطلق میداند .

### ایده آیسم ابرکتیف

ایده آیسم ابرکتیف (یا یعنی) - یکی از انواع اساسی ایده آیسم که معتقد بوجود واقعیت یعنی هست ولی آن واقعیت را مادری ندانسته بلکه صور مختلف عقل و روح محض (خداآند) میداند . سیستم فلسفی هکل سیستم فلسفی ایده آیسم ابرکتیف است .

دوسازی از دولت از طریق اقتصادی، نظامی یا سیاسی  
بمنظور تحمیل نظریه ای به آن دولت یا کروه دوستها.

### بازده کار

بازده کار (یا بجهه دهی کار) — استعد  
کارگریه تولید نیتی معینی از محصول در مدت معین  
ماهیت ساعت، روزگار غیره. لینین میگوید که با زده  
کارد را خریدن تحلیل مهمترین وحدت ترین عامل برای  
پیروزی نظام توپرگره است.

### بحران اقتصادی

کاهش شدید تولید که خود نتیجه اضافه  
تولید نسبی کالاها و شوارش ن فروش آنها است.  
بحران اقتصادی پنجواحد واری در اقتصاد سرمایه —  
داری تکرار میشود. در درون بحراں بیکاری دامنه  
و سیچ میگیرد.

### بحران عمومی سرمایه داری

بحران همه جانبه سیستم جهانی سرمایه  
داری که هم اقتصاد وهم سیاست کشورهای سرمایه  
داری را دربرمیگرد. این بحراں از درون شخصیت  
جئک جهانی اغاز شد، در جنگ دوم وارد وین درون  
شد و اکنون وارد مرحله سوم خود شده است،  
بدون آنکه این بار جنگی در میان باشد.

### بردگی

بردگی (نظام بردگی) — پنجمین معه  
مرکب از طبقات متناقض (خواجکان وردکان) که  
روی پیرانه‌ی نظام کمون اولیه پرازرسان نیروهای  
مولده و پیغای استقرار مالکیت خصوصی برافزار  
تولید و شخص مولد (برده) پدیده شده است.

### پرکاری (کوتاپاسیون)

قبول اعضا تازه در یک ارگان منتخب از  
طريق تصمیم اعضا خود این ارگان.

### بلائیسم

روش اجتماعی مربوط بفعالیت لوشی بلا  
انقلاب فرانسوی یعنی تصویر آنکه کروه معدودی از  
انقلاب بیرون بد و پیوند باشند ها میتوانند از طبق  
آند امات مخفی نظام اجتماعی را درگزون کنند.

### بلوکاد

بلوکاد (محاصره) — منفرد ساختن دو

بلوک سیاسی  
اتحاد و توافق بین چند دولت برای نیل به  
هدفهای سیاسی معین.

### بهره مالکانه

بهره مالکانه (راتن فیودال) — بجهه از  
زمین که تبعیجه کارزار دهد هفقات است و موسیله مالک  
غصب میشود. بهره مالکانه بصورت بیکاری، بهره  
جنسي و هرمه نقدی درمی آید.

### بجزروزانی

طبقه سرمایه داران یعنی مالکین وسائل  
تولید که از راه استثمار کارگران مزد ورزندگی کرده  
ثریعتند میشوند.

### بجزروزانی

بخشی از جزو روانی کشورهای مستعمره و نیمه  
مستعمره که بطور عده بتوالید و توزیع داخلي مرسوط  
بوده و از جهت روابط خود را کننده امپریالیستی پا به  
درتضاد نداشت. ولی در عین حال ازانقلاب اجتماعی و  
مارزه تولد های زحمتکش هر استان کند لذا در مبارزه  
ضد قیود ای و ضد امپریالیستی دول و تا پیکرند.

### بجزروزانی

اداره امور از طریق کاغذ بازی، مقررات ترا،  
عدم علاقه به ایتیت مسائل، جدائی از خلق وی احتنانی  
بحواجح و خواسته هایی.

### بیطرفي

بیطرفي (نوترالیسم) — بطور اعم یعنی عدم مدار  
در ملاقات د و طرف متخاذم. ولی در ملاقات  
کوشی میان الطیب بیطرفي یعنی سیاست عدم شرکت  
در بلوکهای نظامی و عدم قبول تعهدات سیاسی و  
نظامی (سیاست عدم تعهد یا ناپیوستگی).

### بیکاری

بیکاری پدیده قهری درون سرمایه داری  
است و عبارتست از محرومیت بخشی از حکومت از کار  
و وسائل زندگی و بدل آنها به ارتضی ذخیره کار.

### بین الملل اول

بین الملل اول (انترنسیونال اول یا

تصویر میکند تنها از راه پند و اندرز میتوان صلح استوار برقرار کرد آنهم در شرایط باقاعدۀ طبقاتی.

#### پانته ئیسم

پانته ئیسم (وحدت وجود) - آموزش فلسفی که قائل است خداوند در راستا طبیعت نیست بلکه با خود جهان و طبیعت یکسان است. میدینسان پانته ئیسم خداوند را طبیعت مستحبیل کرد و میدام ام ام ام ام ام کراست. گاه پانته ئیسم است از اماراتی ئیسم (جیورد انزرونو، سپنزا و بربخان عرفان) ما در شرایط کنونی این یک حربان کاملاً ایده الیستی است.

#### پدرشاهی

پدرشاهی (پاتریارکا) - مرحلۀ اخیر رشد نظام طایفه ای اولیه که صفت مشخصه آن تسلط مرد هادر اقتصاد خانواده بود. پدرشاهی در همان جد اشد ن کشاورزی ازگله داری وسط تولید و بیان پدید آمد. خانواده بزرگ پاتریارکال که برا من آن پدریاریش رسید ان خانواده بودند خود یک واحد اقتصادی بود.

#### پراتیک

پراتیک (عمل) فعالیت انسان برای ایجاد شرایط شروری حیات اجتماع - اشکال عده پراتیک عبارتند از تولید، مبارزه طبقاتی و پژوهش علمی.

#### پرسنل

حیثیت و نفوذ و اعبار اجتماعی.

#### پرستید

مقررات و اقدامات متواتی که برای اجراء یک عمل بغزج لازم است. جیوان. مقررات یک عمل.

#### پروپاگاند

توضیح و اشاعه اندیشه های معین سیاست فلسفی (میتوان پروپاگاند را در فارسی ترویج و از تاسیس رابطه ترجمه کرد).

#### پرولتاریا

طبقه کارگر مزد و که قادر وسائل تولید ند. ولذ ام جهوند نیروی کارخود را بسرا مایه دارای یافروشنند. در جیان تولید پرولتاریا ارزش اخلاقی (رُک) تولید میکند. پرولتاریات تنها طبقه پیکر انقلابی در جامعه

اتفاق بین المللی کارگران (نخستین تاتحاد انقلابی جهانی پرولتاریا که بوسیله کارل مارکس در سال ۱۸۴۴ ایجاد شده پس از شکست کمون پاریس در سال ۱۸۷۶ این اعلی اول رسمانه حل شد در این اعلی مارکس و انگلیس نقش بر جسته ای داشته اند و این سازمان در واقع سازمانهای بعدی بین املاک پرولتاریا را یا به که از ای کرد.

#### بین اعلی دوم

وحدت بین المللی احزاب سوسیالیستی که در سال ۱۸۸۹ در کنگره موسسان پاریس پدید شد. در این کنگره نمایندگان سازمانهای ترقی سراسراریوا و نیزیالات متحده امریکا اور ایتالیا شرکت داشتند. فعالیت این انتراسیونال در دوران تدارکی آن (تاسال ۱۸۹۵) تحت نظر انگلیس بود و سپس بدست اپرتوئیستها اقتدار بعدها بشویکها تحت رهبری لینین مبارزه پیگیری برای ایجاد بین اعلی سوم (کمیترن) کردند.

#### بین اعلی سوم

بین اعلی سوم (بین اعلی کمونیستی - رم. کمیترن).

#### بین اعلی سوسیالیستی

اتحاد جهانی احزاب سوسیالیستی کشورهای سرمایه داری تحت رهبری لید رهای راست. این بین اعلی در سال ۱۹۰۱ در کنفرانس فرانکفورت روی ماین پدید شد. این بین اعلی اشکارا از مارکسیسم انصراف جست و آنرا کهنه اعلام داشت.

#### پ

#### پاتریارکا

ر. ل. پدرشاهی پاراتیس

#### پاراتیس

پاراتیس (طفیلی گری - انگل منشی) - گزارن بحساب کار دیگران - طفیلی گری صفت مشخصه طبقات استثمار گر است.

#### پاسیفیسم

پاسیفیسم (صلح طلبی - آرامش جوشی) - چیان سیاسی لیبرال بجزئی ای که حفظ صلح و آرامش را بطور مطلق و در هر حالتی موضعه میکند و

## ت تجربه

تجربه (آزمایش سازی) - برسی

صحت و سقم معلومات مازطريق آزمایشیابی لبرانوی  
یا اجراء مطالعات و مشاهدات دقیق در پدیده های  
واقعیت پر امون . سرآبای عمل و برآتیک اجتماعی ما  
نیز در واقع نوعی تجربه است .

### تجزید

تجزید (آبستراکسیون) - رمک انتزاع

### تجزیه و ترکیب

تجزیه یعنی تقسیم شئی یا پدیده به اجزاء  
مرکبه آن و ترکیب یعنی جمع کردن اجزاء شئی یا  
پدیده و ایجاد کلی ازان . تجزیه و ترکیب وسائل  
قوی پژوهش و معرفت انسانی است .

### تحت الحمایه

تحت الحمایه (پروتکل) - حمایت صورتی  
د ولت مقدار از کشور ضعیف که در واقع شکلی از تصرف  
غاصبانه و تحیلی امپریالیستی است .

### تحول و انقلاب

تحول و انقلاب (لوسویون و ولوسویون) -  
تحول یعنی تغییرات کمی بطيئی و درجی و انقلاب  
یعنی تغییرات کیفی سریع و میانی . جنبش هم  
تحولی است وهم انقلابی . تحول تدارک انقلاب  
است و انقلاب تحول را برانجام رسانده راه را برای  
انقلاب آتش زمینکند .

### تراکم اولیه سرمایه

پیوسته تاریخی حد اکدن قهری خوده  
مولدین (بویژه دهقانان) از وسائل تولید (زمین و  
افزارکار) که در قرنها ۱۶-۱۸ انجام گرفت نمونه  
کلاسیک آن در انگلستان رخ داده است .

### ترانزیت

حمل و نقل مسافر و موار از میدان به مقصد از  
طريق مرکز بین راهی (ترانزیت) مانند ایستگاه،  
بندر، شهر و غیره که بویژه در خارج کشورهای مبدأ  
و مقصد قرار گرفته باشد .

سرمایه داری است و مناسب شرایط کارشناس دارد  
زود تشكیل میشود و بهین جهت تنها پرولتاریا  
 قادر است ما همراه عظیم تاریخی گلکشی پیروزی از  
وایحاد جامعه نوین سوسیالیستی را با آخر  
انجام دهد .

### پروکاسیون

حریف به انجمنان علیه که میتواند بهانه ای برای  
اقدام علیه خود او قرار گیرد .

### پلتفرم

پلتفرم (سیاسی) - بیان مهترین  
خواسته اولویاتی سیاسی که از طرف حزب یا گروه  
عرضه گردد .

### بلبیسیت

مراجعة به آراء عمومی دیواره مسائلی که  
دارای اهمیت خاص سیاسی یا اجتماعی است .

### پلنوم

جمع عمومی یک ارکان منتخب با حضور  
کلیه اعضا آن مجمع مثلاً مانند پلنوم کمیته مركزی .

### پلتوتکراسی

حكومة ثروتمندان

### بنچ اصل

پنج اصل (پانچاشیلا) - اصول هنر  
مسالمت آمیز بین دولتها که در سال ۱۹۵۴ بین  
هنده و چین اعلام گردید و مبارست از :

۱- احترام مقابل تمامیت ارضی

۲- عدم تعریض

۳- عدم مداخله در امور بیکار

۴- تساوی حقوق و مراوات صرفه مقابل

۵- همیستی مسالمت آمیز

### پوند همکاری اشیا

پوند همکاری اشیا (بهمیوستگی) -  
دیالک تیک، طبیعت را تبدیل تصادفی اشیا و  
پدیده هانی شمرد بلکه برائت که اشیا و  
پدیده های طبیعت هنگی باهم دارای ارتباط  
الی هستند، بهم مشروطند، درهم موئند و  
مجموعاً کل واحدی را تشکیل مید هند .

### ترتسکیسم

**متروانتی تزوستنر**

ر. ک مترباد

تشاد

ر. ک. نبرد ضدین

تشاد آتاگونیستی

تشاد آتاگونیستی در جامعه آن چنان

تشادی است که برینای منافع اشتی ناپذیر بطبقات و  
گروهها و قوای متخاصم میشوند.

تشاد اصلی سرمایه داری

تشاد بین خصلت اجتماعی پرسه تولید و  
شکل خصوصی مالکیت سرمایه داری. این تشاد مظہر

تشاد بین کارو سرمایه، بین قوای مولده دائم الرشد و  
مناسبات «داد تولیدی درون سرمایه داری است»

تعبد

تعبد (فیدئیسم) — مقدم شوردن ایما  
برطم و قبول احکام ایمانی بدون استعانت عقل.

تعیل

تعیل (آتالوژی) — بیان آن شباهت جز  
که از جهات معینی بین اشیا و بدیده های مختلف  
وجود ارد. تعیل میتواند گاه، انهم بشکل محدود  
و سیله ای برای معرفت باشد.

تلئولوژی

تلئولوژی (اختقاد به غایات) — آموزش  
مذهبی وایده الیستی که مدعی است تکامل و حرکت  
جهان پر امون مبارای نیل بمقصد وهدف معینی است  
که از طرف خالق در بر ارائه اگذشته شده است «از  
این نظر تمام دستگاه خلقت برای مظاهر معینی افریده  
شده است». در افکار شعراء و نویسندگان مغالباً به  
نظریات تلئولوژیک برخورد میشود.

تهم بول

تهم بول (انفلاسیون) — چاپ و نشر  
اسکناس زائد پرچوانیج درون کالا که بر حسب سقوط  
بهای واقعی آن انجام میگیرد. طبقات حاکمه کشورهای  
سرمایه داری گاه تهم را برای تشدید غارتگری  
خود مصنوعاً ایجاد میکنند.

جزیان ضد مارکسیستی در جنبش کارگری  
که پوسیله ترتسکی درباره بالین و لشوکهای  
بید آمد. ترتسکی در سال ۱۹۳۹ از اتحاد شوروی  
اخرج شد. در خارجه وی بفعالیت ضد حزبی و  
ضد شوروی و ضد انقلابی خود ادامه داد. ترتسکیسم  
در ابتدا در رخن احزاب کمونیستی رخنه یافت ولی  
بعد هاد چارشکست فاحشی شد.

### ترقی

ترقی (پیشرفت) — بسط و گسترش از  
ساده به پیچیده، ازد اینی به عالی. جامعه بشری  
بطورکلی، طبقه بزرخی در حاذنه و چشم‌های  
قهقهائی جاده ترقی راسیزکرد است.

### ترقی فنی

ترقی فنی (ترقی تکنیک) — بسط علم و  
انطباق آن بر تولید و تکمیل فن و تکنولوژی پرسه ها  
تولید و الابرد بازده کار بروی این پایه (ر. ک.)  
بازده.

### تبلیغ

حاد ترین شکل مبارزه علیه حرف سیاست  
با یکاربرد ن هرگونه وسیله اعمال قهرت احمد احسا.  
مارکسیسم ترور افرادی را بد و ارتباط با مبارزه  
انقلابی مردم معنویان وسیله ایجاد تحول اجتماعی  
رد میکند.

### ترویج و تبلیغ

ر. ک پروپاگاند

### تربیاد

مراحل سکانه تکامل طبق جدول دیالک  
تیکی هکل. بمنظرهکل هر تکاملی ازه مرحله میگذرد.  
مرحله تز (بنایه ترجمه فروغی-برنهايد) و سپر مرحله  
انتی تز (بنایه ترجمه فروغی- بر ابرنهايد) که نهضی  
حالت اول است و سپس مرحله سنتز (بنایه ترجمه  
فروغی- باهم نهاد) که ترکیب دو مرحله است متنها  
بسکل تازه تز. محتوی صحیح این اموزش همان  
اندازه در همان حدودی است که در قانون دیالک  
تیکی "تفنی در تفهی" بینا ن شده است.

### متز

حکمی که مخصوص یک فکر اساسی است. رسا

وطن همه است موظه میکد .

### جهان بینی

جهان بینی (بینش) . - مجموع نظریات  
و مقررات درباره جهان و قوانین آن . انسان از طریق  
جهان بینی خود با جهان پردازون ، با تعیین  
پدیده های طبیعت و اجتماع برخورد میکند .

### حقیقت مطلق و نسبی

معرفت انسانی یک سیر تاریخی است که از  
ناد انسانی به داشتی ، از علم جزئی به علم کلی ، از علم  
سطحی به علم عمقی سیر میکند . لذا حقیق معلومه  
مطلق نیست ، نسبی است و هر علم نسبی مرحله ایست  
برای معرفت حقیقت مطلق و هرگاهی از معرفت علمی  
متضمن بخشی از حقیقت مطلق است که آیینه ان را  
رد نمیکند .

### حکمت اشراق

در مقابل حکمت مشا' اطلاق به نظریات  
فلسفی افلاطون و فلسفه نویان و عرفانی برانی  
میشود . موافق حکمت اشراق درک حقیقت و پی بردن  
بهد انتہا از راه عشق و جذب ممکن است نه از راه

### حکمت مشا'

ترجمه لفظ " پری پاته تی سین " اطلاق  
به فلسفه ارسطویمیشود . وجه تمیه از اینجاست که گویا  
ارسطو هنگام تدریس راه میرفته است . مشائیون  
ایران عبارتند از فارابی و ابن سينا .

### د ترمینیسم

د ترمینیسم (تعین ، جبر) در مقابل  
آن د ترمینیسم (عدم تعین) . د ترمینیسم یعنی قبول  
روابط قانونمند و ضروری و تأثیر بین حواله و  
پدیده ها و بین علیت آنها .

### د سیوتیسم

رو. ن . استبداد .

توزیع مرکب است از توزیع وسائل تولید  
(ماشین ، افزار وغیره) و توزیع وسائل مصرف  
(کالا) . لذا توزیع آن مرحله ای از تجدید تولید  
محصول اجتماعی است که مصرف و تولید را بین یکسر  
پیوند میدهد . مخلصت توزیع وسائل تولید بین  
طبقات مختلف بشکل مالکیتی که در جامعه معین  
تسلط دارد و باسته است و توزیع محصولات تولید  
شد ه بین طبقات مختلف اجتماع نیز کاملاً و باسته  
بتوزیع وسائل تولید است .

### تولید

تولید (فرآوردن) - پرسه " ایجاد  
نحوت مادی که برای هستی جامعه ضروری است .  
فعالیت هدفمند انسانی برای قراردادن قساوی  
طبیعت در خدمت نیازمند پهای انسانی از طریق  
تغییر اشکال آن . فعالیت تولیدی شرط ضروری و  
ابدی و طبیعی زندگی بشری است .

### تولید کالائی

تولید نه برای مصرف شخصی بلکه برای  
فروش . قانون ارزش قانون اقتصادی تولید کالائی  
است (مرک اقتصاد طبیعی) .

### تئوری

تئوری (نظریه) - مجموع اندیشه های  
رهنمون در ریک رشتہ معین دانش . تئوری تجارب  
تعیین یافته انسانی است .

### تئوری و پرایتیک

تئوری و پرایتیک (نظر و عمل) - تئوری و  
پرایتیک با هم پیوند ناگستینی و تا میزان مقابل دارند .  
تئوری بد ون پرایتیک مرده است و پرایتیک بد ون  
تئوری بگمراه میرود .

### تشمولی

### الهیات

### ج

### جهان وطنی

جهان وطنی (کسوبولیتیسم) - ایده -  
تولویزی ارجاعی که روش لایید آنها نسبت بمنافع  
میهن خود و ستن ملی و فرهنگ ملی آن و انصراف از  
حاکمیت ملی را تحت عنوان این شعارکه جهان

## دیالکتیک طبیعت

اشرانگلکس که برای نخستین بار در سال ۱۹۲۵ دارشوروی نشریات و مجموعه یادداشت‌های است که انگلکس در سالهای ۱۸۷۳ تا ۱۸۸۳ نوشته است. در این کتاب پژوهش عمیق فلسفی تاریخ طبیعت شناسی هریاپی و مهترین مسائل علم طبیعی براسامن دیالکتیک انجام گرفته است.

## دیکتاتوری پرولتاریا

نهادگران صنعتی شهر قاد رند توده‌های زحمکش و ببره ده راد رنرد طبیه سرمایه رهبری کنند و پیروزی راستوار سازند و جامعه نوین سوسیالیستی را پایه گذارند و طبقات را بلکن محو نمایند. مظہر اجراء دیکتاتوری پرولتاریا حکومت پرولتاری ایست واصل عالی آن عبارتست از اتحاد کارگروه هفچان.

## ز

## زمان و مکان

اکمال اساسی هستی ماده. ماده و زمان و کان جد از یک پیگر وجود ندارند. ایده آیست ها زمان و مکان را همیزی ذهنی مشعر نمود و ماتریالیسم دیالکتیک برآنست که زمان و مکان بظاهر عینی وجود دارند و معرفت ماما هیت انتہار پیوسته دقیق تر و دقیق تر متعنکوند.

## زیرینتا و روشنایا

زیرین انتظام اقتصادی جامعه در مرحله معین ارزش آنست و روشنای انتظام سیاسی و حقوقی و مذهبی و هنری و فلسفی جامعه و مؤسسات ناشی از آنها.

## س

## سانتالیسم دمکراتیک

ر. ک. مکریت دمکراتیک

## سرمایه داری

نظام اجتماعی و لشکر که جانشین فیود آ شد و هر مالکیت خصوصی ابزار تولید بوسیله سرمایه داران و استثمار کارمزد بروی مبنی است.

## سرمایه داری اتحادی دلتی

شکلی از سلط سرمایه اتحادی که پایه آن تمرکز و تراکم فوق العاده زیاد سرمایه، نقش قاطع

## دکترین

دکترین (آئین) - نظریه فلسفی سیاسی یا اقتصادی. برنامه سیاسی.

## دکم

احکامی که تعبدی و غیر تعبدی آنده و بدون محاسبه شرایط اطباق آن پذیرفته می‌شود. احکام جزئی، احکام لایزال، جزئیات.

## د تماشیم

د گماتیسم (شیوه جزئی) - اطباق احکام بد و پرخورد تقاضه آنده بد اینها و بدون محاسبه شرایط واحوال.

## رد مانگوئی

ر. ک. عواهریسی

## د مکراسی

د مکراسی (حکومت مردم) - درجه طبقاتی هرگز حکومت واقعی مردم بر مردم ممکن نیست. د مکراسی هرگز از نظمات قرون وسطی اش پیش‌رفت بیزگ تاریخی است و لی د مکراسی پیوسته در دوران نظام سرمایه داری محدود و تاقد است. د مکراسی واقعی در جامعه ای حکمرانی است که در آن استثمار انسان از انسان نباشد.

## دوآلیسم

دوآلیسم (شیوه ثنوی - د وکوئی) مذهب فلسفی حاکی از آنکه مبدأ هستی د وکانه است، یکی مادری و دیگری معنوی. نقطه مقابل آن نیسم است که بیک مبدأ مادری یا معنوی معتقد است.

## رد شیسم

د شیسم خدار انتها بصورت علت نخستین جهان قبول دارد ولی دریقه موارد جهان را تابع قوانین طبیعت می‌شود. د انگلستان شفت سیری (۱۶۷۱-۱۷۱۳) و در فرانسه ولتر و روسو رامیتوان از د میست های مشهور نام برد.

## دیالکتیک

دیالکتیک ماتریالیست مارکسیست که کاملترین نوع دیالکتیک است عبارت است از علم کلی ترین قوانین تکامل طبیعت و جامعه انسانی و تفکر.

"گُنسیس" است مقوله از نام *Orphée* خدای موسیقی یونان و سلک ارقه ییسم اقتباس شد است. عرفان نام جریان فکری صوفیانه در ایران است که معتقد بودت وجود است یعنی جوهر تمام هستی را واحد مید آند (رمک + وحدت وجود) \*

### عوافرینی

عوافرینی (یامرد فریس، دماگزی) — اغوا<sup>\*</sup> خلق از طرق دادن مواعید و شعارهای فریبنده عوافرینی یکی از شیوه های اساسی سیاست سرمایه دگر است.

### ل

#### کاپتولاسیون

کاپتولاسیون (رژیم کاپتولاسیون) حقوق مزایای یکجایه دلتاهای استعماری در کشورهای نیمه مستعمره ای مانند ایران و ترکیه که میتوان بر یک سلسه قراردادهای غیرمساوی بود. در ایران رژیم کاپتولاسیون رسم اتفاق شد.

#### کاته گوری

ر. ل. + مقوله

### کارتل

یکی از انواع انحصارها. شرکت کنندگان در کارتل برای در رفاقت سود انحصاری درباره قیمتها، بازارفروش، حجم تولید و بادله حقثبت اختراعات باهم قراردادی منعقد میکنند.

### کاربرسم

کاربرسم (مقام پرستی) تلاش برای تامین موافقیت شخص در خدمات دولتی، علمویا اجتماعی برای نیاز بهدف خصوصی و برخلاف مصالح دولتی و اجتماعی.

### کسوپولیتیسم

ر. ل. جهان وطنی

### کیت و کیفیت

کیت و کیفیت د مقوله مهم ماتریالیسم دیالک تیک آند. کیفیت یعنی تعیین ماهیت اشیا. یعنی آن خواص و اثراوصفات شئی معین که مجموع آنها بدان شئی هویتش را عطا میکند. مقوله

انحصارهادر اقتصاد و سیاست کشورهای سرمایه داری است و به درامختگی دستگاه دولت و انحصارهای تبعیت دولت از انحصارهای مجرمی شود. سرمایه داری دولتی

سیستم مناساتی که بین اقتصاد سرمایه داری و دولت سرمایه داری برقرار میشود وخشی از سسائل تولید درست دولت متکریمیگرد د.

### "سوسیالیسم د مکراتیک"

نظریه سوسیالیستهای دست راست حاکی از آنکه ایجاد جامعه سوسیالیست از طبق اجراء اصلاحات کوچک و تدریجی با حفظ دولت و مالکیت سرمایه داری معدن است.

## ش

### شوینیسم عظمت طلبانه

سیاست تجاری کارانه بورژوازی ملت حاکم برای اسریکردن ملل دیگر و محروم ساختن آنها از حق حاکیت.

## ص

### صنعترکیب

ایجاد وسیط صنایع و بویژه صنایع بزرگ و مقد م برهمه آن رشته هایی که وسائل تولید ایجاد میکند.

## ط

### طبیعه

طبیقه (طبقات) — طبقات اجتماعی عبارتست از گروههای بزرگ مردم که از جهت مقام خود در سیستم معین اجتماعی تولید طی تاریخ، از جهت مناسبات خود با وسائل تولید، از جهت نقش خود در سازمان اجتماعی کار، ولد از جهت شیوه در رفاقت و بیان سهم خود از ثروت اجتماعی با یکدیگر تفاوت دارند.

## ع

### عرفان

کلمه عرفان ظاهر اترجمه لفظ یونانی

### کمیش شخص پرستی

اتساب قدرت تعیین کننده و قاطع در  
جریان تاریخ به اشخاص معین . این یک نظریه  
ایده‌ایستی است ، زیرا نظر قاطع را در تاریخ خلقها  
ایضاً غایب نیستند .

کمیت آن چیز شئی را که نمود ارد رجه و سطح  
رشد و تکیب انسان بیان میدارد . تحولات کمی  
است که به تغییرات کیفی جهشی منجر می‌شود . دیر  
زبان فارسی کمیت را "چندی" و "کیفتی را" "چونی"  
می‌گویند .

### کمونیسم

باب معرفت و حصول علم در فلسفه کمه از  
امکانات انسان برای کسب معرفت صحیح وی برد ن  
بواقعیت عینی بحث میکند .

ظلام اجتماعی و اقتصادی جانشین سرمایه  
داری . نخستین مرحله این نظام سوسیالیسم  
نام دارد و شعار آن چنین است : " از هر کس  
بائند ازه استعداد داش ، به هر کس بائند ازه کارش " .  
مرحله دوم کمونیسم نام دارد و شعار آن چنین است:  
" از هر کس بائند ازه استعداد داش ، به هر کس بشه  
اندازه نیازش " .

### کمیترن

زمین بزرگ زراعی که در اختیار سرمایه دار  
باشد .

کمیترن (بین الملل کمونیستی) - سازمان  
جهانی انقلابی که از ۱۹۱۹ تا ۱۹۴۳ وجود داشت .  
کمیترن وارد واد امده دهندۀ بین الملل اول بود .  
حزب کمونیست شوروی و روسیه ای نیز مساوی  
فراوانی برای ایجاد بین الملل کمونیستی (بین الملل  
سوم ) که بتواند بجای بین الملل دوم که در جاده  
اپورتونیسم افتاده بود جنبش انقلابی جهانی را  
رهبری کند مذکول داشتند .

### کنسرسیون

لو مین پرولتا ریا (رنجبران زنده پوش) -  
او اش و فقر و فواحش و دزد اند و بگناصری طیقه .  
سرمایه داران زمزمه ویت آنها برای آلت کرد ن آنها  
سو استفاده میکنند .

کنسرسیون یکی از اشکال انحصارهای  
سرمایه داری است و آن توافق چندبائیک یا بنگاه  
بزرگ سرمایه داری است برای اجراء مشترک یک  
عمل اقتصادی و مالی . مانند کنسرسیون با صلح  
بین المللی نفت که بغارت متابعه هفتی خوزستان  
مشغول است .

### کنسرواتیسم

در امریکا محاکمه خود سرانه سیاهان نوباتیود  
ساختن آنان بدست نژاد پرستان امریکائی .

کنسرواتیسم (محافظه کاری) - کشیش  
بجانب نظمات و مقررات کهن و سعی در حفظ آنها  
در مقابل خواستهای نوین تاریخ .

### کنفردراسیون

(درک مادی تاریخ یا جامعه شناسی عمومی  
ماکسیستی) . انتطباق احکام ماتریالیسم دیالکتیک  
برآموزش زندگی اجتماعی و کاربردن احکام ماتریالیسم  
تاریخی بر پریده های حیات اجتماع . علم قوانین  
علم تکامل اجتماعی . مارکس نشان داد که محرك اصلی  
تحولات اجتماعی را باید در زندگی اقتصادی جامعه  
جست نه در افکار و روحیات مسلط بر جامعه که خود  
محصول زندگی اقتصادی جامعه اند ، گرچه بنویه خود  
در زندگی اقتصادی جامعه موگزند .

اتحاد دول مستقلی است که برای هدف  
های محدود معینیتی تحدیگرد ند . در کنفردراسیون  
تبعیت واحد و مركز قانونگذاری واحد وجود ندارد .

### کوئویتاسیون

جهان بینی حزب مارکسیستی . ازانجاه  
در این جهان بین اسلوب تحقیق دیالکتیکی است

روک برگماری

مقوله

مقوله (کاته گوری و درفلسفه قدیم مساواه قاطیغوریاس) — درفلسفه آن مقاهم عده منطقی که عالیترین عده ترین مختصات وجهات و متناسبات اشیا و پدیده هارامتعکس میکنند مثلاً مانند ماده، زنگ، مکان، علیت، ضرورت، تصادف، شکل، مضمون وغیره

ن

نیزد خدین

یکی از اعماقین قوانین دیالکتیکی تکامل طبیعت و جامعه و تفکر بشری است. وحدت و پسرد خدین منبع هرگونه تکامل و هسته وکنه اسلوب دیالکتیک است. تکامل بد ون برور وظیه برخضاد مکن نیست. تضاد درونی در ذات کلیه اشیا و پدیده های طبیعت و جامعه و تفکر است. پروسه تکامل بصورت نیزد خدین انجام میگیرد.

نقش شخصیت در تاریخ

هم نفی نقش شخصیت در تاریخ هم تبدیل این نقشه نیز قاطع هرد و غلط است. افراد انسانی خود موجدد تاریخند ولی فعالیت انتہابشاریت معین زندگی مادی و معنوی آنها و باسته است. جامعه برحسب قوانین رشد اقتصادی که نمیتوان آنها را مذکور کرد رشد میباشد ولی اکرashخاص این قوانین را بدستی بشناسند و درجهت آن عمل کنندگاه میتوانند سیر تاریخ را بسی سریع تراز عادی سازند.

و

ولوتاریسم

ولوتاریسم (مکتب ارادی) — این عقیده برآنست که اراده افراد در تکامل جامعه نقش قاطع دارد (شوپنهاور، نیچه، همارتمان وغیره)

۵  
هزمونی

سرکردگی رهبری یک طبقه یاد ولت برطبقه یاد ولت دیگر.

هزمونی بولوتاریا

اجرامعل رهبری از جانب زحمتکشان در انقلاب دمکراتیک و سوسیالیستی، مسئله هزمونی

و تئوری فلسفی، ماتریالیستی لذا ماتریالیسم دیالکتیک نام گرفته است.

ماتریالیسم عامیانه

ماتریالیسم عامیانه (ولگر) بیوشنر، مخت و ملته شُفت فلاسه آلمانی قرن نوزدهم بلغین اند یشه ماتریالیسم عامیانه هستند که مذکور تکامل دیالکتیکی است و پدیده های بخراج حیات و جامعه را بشکل سطحی و کانیکی توضیح میدهد (مثلًا میکنند: فنر از نظر چنان طور تراوشن میکنند که صفا ازید).

ماجراجوشی

ماجراجوشی (آواتریسم) — توسل به عمل بن اساس ودون محاسبه قوا و شرایط واقعی، علی که سرانجام محاکوم به شکست است.

بارزه طبقاتی

بارزه بین استثمارکنندگان واستثمار شوندگان که مظاهر سازش ناپذیر بودند منافع طبقاتی آنهاست. بارزه طبقاتی نیزه ری محرك تکامل جوامعی است که بطبقات ممتازه تقسیم شده اند.

مرکزیت دمکراتیک

مرکزیت دمکراتیک ۱ یا سانترالیسم دمکراتیک — اصل رهنمون نظام سازمانی احرار کارگری — انتخابی بودن همه مقامات انتداب ون تا موفق، گزارش دهی مقامات در مقابل حزب رهبری جمعی، تامین شرایط انتقاد و انتقاد از خود خلاف وجودی، اضطراب اکید جزئی و تبعیت اقلیت از اکثریت و تھیت بلاشرط تصمیمات ماقصود برای ماد وون — چنین است جوانب مختلف مرکزیت دمکراتیک.

مستعمره

کشورها یا نواحی محروم از استقلال سیاستی و اقتصادی و در قید اسارت واستثمار کشورهای امپریالیستی.

مسئله ارضی

مجموع مسائل میوط بوضع دهستان و مالکیت زمین و مناسیبات تولیدی در کشاورزی و بارزات طبقاتی درده.

### همانیسم

جنیش فرهنگی، ادبی، علمی، فلسفی در ایتالیا، آلمان، هلند، فرانسه و انگلستان در قرن‌های ۱۴ و ۱۵ میلادی (بُکاچو، اراشم، توماس مور وغیره) همراه شد.

هیرارشی (سلسله مراتب) - مقررات تبعیت اکید آنها که از جهت مقام، منصب، درجه ماد و نظری هستند نسبت به آنها که مافق ترند.

در انقلاب پیروزانی مکراتیک اهمیت خاصی دارد، زیرا برای آنکه انقلاب پس از جام رسید پرولتاریا باید بتواند رهبری سیاسی و عملی قشرها و طبقاتی را که در انقلاب ذید خلند (کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنگران زحمتکش، پیروزانی ملی) ازدست پیروزانی ملی بیرون آورد و خود سرکرد از انقلاب شود. این امر در توجه صحت رهبری حزب طراز نوین طبقه کارگر از طرفی و تجربه خود تیوه هداز طرف دیگر می‌سراست.

ذکر : علامت اختصاری "ر.ك" یعنی رجوع تکید به



